ایران

■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۸۱۴ ■ یکشنبه ■ ۱۲ دی ۱۴۰۰ ■ ۲۸ جمادی الاول ۱۴۴۳ | ۳۲ صفحه

■ قیمت در تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان / دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان ■ Sunday ■ 2 Jan 2022

وزیر صمت خبر داد

«تأمین مالی زنجیره تولید» آغاز شد

در صفحه اقتصادی بخوانید

گفت‌وگو با سارا قمی، مهاجم تیم ملی فوتبال بانوان:

امیدوارم مثل خدادادگل بزنم

در صفحه ورزشی بخوانید

رهبر معظم انقلاب روز گذشته در دیدار خانواده شهید سلیمانی عنوان کردند

حاج قاسم برای جوانان منطقه تبدیل به الگو شده است

ملی‌ترین و امتی‌ترین چهره ایران و جهان اسلام

قاتلان او همچون ترامپ پس از آنکه تقاص جنایت دنیوی خود را پس بدهند در زباله‌دان تاریخ گم و گور می‌شوند

۲

در ویژه‌نامه دومین سالگرد شهادت شهید سلیمانی بخوانید

■ اسرار حاج قاسم ■ آئینه‌ای در مقابل حقیقت ■ نگاه نرم به سردار کاریزماتیک ■ میدان پشتوانه دیپلماسی ■ رازنامه ای که با سردار دفن شد ■ نت‌هایی برای حاج قاسم ■ ناگفته‌هایی از سبک زندگی و سیره شهید سلیمانی ■ کار بزرگ مسئولیت بزرگ ■ آنگاه که علمدار ایستاد ■ «عموی بچه ها»، روایت بغض رهبر انقلاب هنگام نقل یک داستان در دیدار با خانواده شهید سلیمانی ■ روایت رفاقت چهل ساله ■ «دختران حاج قاسم»، یاد زنده شهید سلیمانی ■ شباهت‌های دو سردار شهیر اسلام ■ فرمانده‌ای فراتر از شعار ■ سعی کنیم مثل او باشیم ■ قاب عکسی روی دیوار خانه‌های ساده کاهگلی ■ در کردستان عراق شناختمش

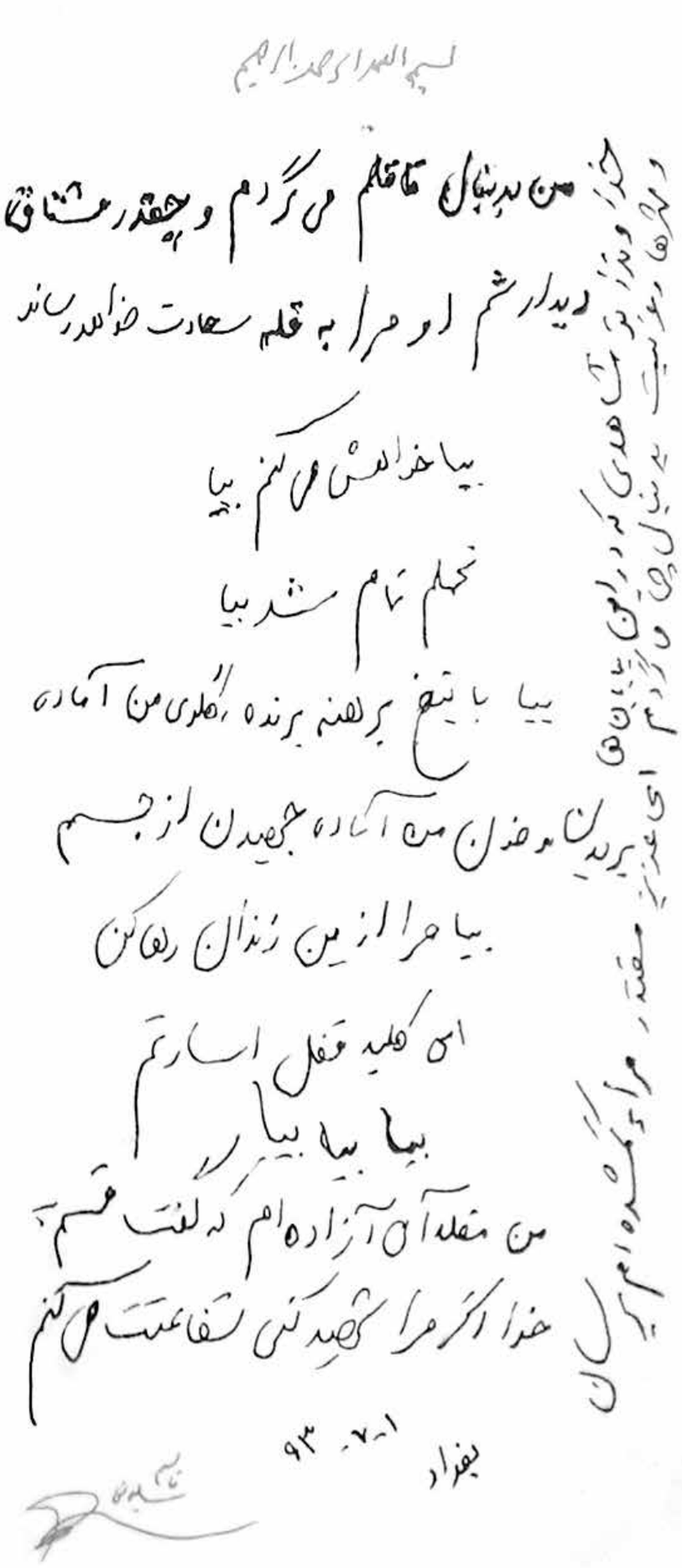

در دیدار روز گذشته خانواده شهید سلیمانی با رهبر معظم انقلاب تابلو دست‌نوشته‌ای از شهید تقدیم ایشان شد

متن دست‌نوشته حاج قاسم اهدایی به رهبر معظم انقلاب

دست‌نوشته شهید حاج قاسم سلیمانی درباره اشتیاق به شهادت از سوی خانواده شهید سلیمانی به رهبرمعظم انقلاب اسلامی تقدیم شد.

خداوندا تو شاهدی که در این بیابان‌ها و شهرها و عزیمت به دنبال چه می‌گردم
ای عزیز مقتدر مرا به گمشده‌ام برسان
من به‌دنبال قاتلم می‌گردم و چقدر مشتاق دیدارشم
او مرا به قله سعادت خواهد رساند
بیا خواهش می‌کنم بیا
تحملم تمام شد بیا
بیا با تیغ برهنه برنده
گلوی من آماده بریدن و خون من آماده جهیدن از جسم
بیا مرا از این زندان رها کن
ای کلید قفل اسارتم
بیا بیا بیا...
من مقلد آن آزاده‌ام که گفت قسم به خدا اگر مرا شهید کنی شفاعت می‌کنم

بغداد ۱-۷-۹۳ / قاسم سلیمانی

همزمان با پایان ضرب‌الاجل اخراج امریکا و دومین سالگرد شهدای مقاومت در شهرهای مهم عراق برگزار شد

راهپیمایی «پاسخ میلیونی»

شهرهای مهم عراق بخصوص بغداد دیروز همزمان با پایان مهلت قانونی خروج اشغالگران امریکایی و دومین سالگرد شهادت فرماندهان مقاومت تجمع میلیونی برگزار کردند.

حضور قابل توجه سیل جمعیت حتی منجر به ترافیک سنگین در ورودی‌های بغداد شد. عراقی‌ها از استان‌ها و شهرهای مختلف خود را به میدان «الحریه» در منطقه «الکراده» واقع در مرکز بغداد رساندند. این جمعیت چشمگیر تنها در روزهای برگزاری مراسم مذهبی دیده شده است. مردم بغداد با برپا کردن چادرها و موکب‌های مختلف برای پذیرایی از تظاهرات کنندگان و استقرار نیروهای حشدالشعبی برای تأمین امنیت خواستار پایان دادن به اشغالگری امریکا شدند. در فضای مجازی هم هشتگ #نحن_قاسم، #اخراج_المحتل_مطلب_وطنی (اخراج اشغالگر خواسته ملی است) و #تأرکم_خروج_المحتل (خون‌خواهی شما اخراج اشغالگران است) ترند شد و مردم اعلام کردند که حضور نیروهای امریکایی به‌هر دلیلی را تحمل نخواهند کرد.

در این تظاهرات که راهپیمایی «پاسخ میلیونی» نام‌گذاری شده رئیس حشد الشعبی عراق اعلام کرد: «ترور شهید سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس جنایتی علیه ملت و حاکمیت عراق است. ما با شهدای فرماندهان پیروزی عهد می‌بندیم که در مسیر پیروزی و شهادت پیش می‌رویم. امروز روز وفاداری به شهدای پیروزی است. حضور بیگانگان برای عراقی‌ها بویژه در زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز مفید نخواهد بود. عقب نشینی نیروهای امریکایی و خارجی از عراق ضمانتی است تا این کشور باعزت و کرامت زندگی کند.»

صفحه ۳ را بخوانید

گزارش «ایران» از بسترسازی دولت برای مهار تورم

چرا تورم کاهشی می‌ماند؟

کارشناسان می گویند با تغییر و اصلاح سیاست های پولی در ماه‌های اخیر، روند افت تورم ادامه خواهد داشت و بزودی منجر به کنترل مؤثر گرانی ها خواهد شد

۶

نرخ ازدواج در ایام کرونا پس از یک دهه صعودی شد

چشم بستن روی ولخرجی‌ها

۲۹

رئیس اسبق ستاد بسیج اقتصادی در گفت‌وگو با «ایران» اعلام کرد

توزیع هوشمند بازار را تنظیم می کند

۸

«ایران» گزارش می‌دهد

دولت در مسیر ریل گذاری توسعه اقتصاد دیجیتال

۱۱

نقش هوانیروز ارتش و اورژانس هوایی در پیوند اعضا

پرواز قلب‌ها با جت

۱۲

دیپلماسی اقتصادی در خدمت توسعه کشور و منطقه

یادداشت

دکتر مهدی صفری
معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه

آیت‌الله رئیسی، رئیس‌جمهور محترم، تعامل حسنه و همکاری گسترده با همسایگان را به‌عنوان نقطه مرکزی دیپلماسی اقتصادی دولت سیزدهم تعیین کرده‌اند. چنین رویکردی در روند انتخاباتی مطرح و با استقبال عمومی مواجه شده است. ایشان بلافاصله پس از استقرار در نهاد ریاست جمهوری، ضمن صدور فرامینی، وزارت امور خارجه را به‌عنوان متولی اصلی این امر و سایر فعالان حوزه اقتصاد خارجی را به برنامه‌ریزی و اجرای این روند کنشگرایی منطقه محور ملزم ساختند.

دکتر امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه نیز در مجلس شورای اسلامی، صراحتاً از سهم ۴۰ درصدی دیپلماسی اقتصادی در برنامه‌های وزارت امور خارجه یاد کردند. ایشان بارها تصریح و تأکید داشتند که زندگی مردم را به برجام گره نخواهند زد و جمهوری اسلامی ایران از ظرفیت‌های بی‌پایان خدادادی خود برای رونق همه جانبه کشور و منطقه بهره‌برداری خواهد کرد.

بدین شکل تغییر فاز دیپلماسی اقتصادی کشور به سمت کنشگرایی هوشمند، متوازن، هدفمند و طبیعتاً تلاش مستمر برای تحقق اهداف و منافع ملی مشروع کشورمان با تمرکز بر تعامل حداکثری با همسایگان، عملاً آغاز شده است.

همکاری‌های اقتصادی با همسایگان در پیشانی وظایف معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه قرار گرفت و عملگرایی برای تحقق شعار انقلابی سال ۱۴۰۰ رهبر معظم انقلاب اسلامی یعنی تولید، پشتیبانی‌ها و مانع زدایی‌ها، وارد فاز عملیاتی شد.

مراتب آمادگی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور پیشرفته در ابعاد مختلف اقتصادی، برای رونق دیپلماسی و همکاری‌های اقتصادی با همسایگان در قالب سفرهای متقابل مقامات ارشد و خصوصاً همایش اخیر رؤسای نمایندگی‌های کشورمان به دول منطقه‌ای منعکس شد. عنوان شد که وزارت امور خارجه و جمهوری اسلامی ایران از تمامی اشکال همکاری‌های تجاری با کشورهای منطقه استقبال کرده و تنوع بخشی در امر صادرات و واردات با مساعدت دستگاه‌های مختلف کشورمان آغاز شده است.

علاقه‌مندی کشورمان به تبادل دانش و فناوری، تولید مشترک، همکاری‌های حوزه درمان، فنی و مهندسی، خدمات، کشاورزی و غیره و همچنین تلاش برای رفع موانع و مشکلات تجارت خارجی برای همسایگان تشریح و تبیین شد.

کمبود آب و خشکسالی، مردم منطقه را با سختی مواجه کرده و لذا کشورمان برای همکاری‌های حوزه آب، آبرسانی و سوآپ آب آمادگی دارد.

موقعیت سوق الجیشی ایران برای خدمت به رونق منطقه از طریق توسعه و تقویت ترانزیت و کریدورهای مختلف و خطوط انرژی به همسایگان منعکس شده و آمادگی لازم فراهم است. در همین راستا تنوع مبادی ورودی و خروجی کالا، مسافر و انرژی و تنوع بخشی به صادرات و واردات هدفمند در دستور کار وزارت خارجه قرار دارد.

ادامه در صفحه ۳

آگهی مزایده عمومی یک مرحله‌ای
شماره ۱۱۹/م/ع/۱۴۰۰
مزایده گزار: شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش
شرح در صفحه ۶

آگهی تجدید مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
شماره ۱۲۲/ن/۱۴۰۰/۳
مناقصه‌گزار: شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش
شرح در صفحه ۶

اخبار

آیت‌الله رئیسی در کنگره بین‌المللی بزرگداشت علامه مصباح:

طرح ولایت باید بخوبی پاس داشته شود

آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی پیش از ظهر دیروز (شنبه) در کنگره بین‌المللی بزرگداشت علامه محمدتقی مصباح یزدی با بیان اینکه ایشان التزام و تکلیف‌مداری در مسیر اجرای قوانین اسلام را بدون هراس از دیگران و به بهترین شکل تبیین کرد، گفت: حضرت آیت‌الله مصباح یزدی در مسیر تکلیف‌مداری و ولایت‌مداری هیچ واهمه‌ای از هیچ‌کس و هیچ جریانی نداشت و به بهترین شکل بصیرت و میثاق با ولایت را در عرصه فکر، اندیشه و نظر تبیین کرد. رئیس‌جمهور گفت: همانگونه که آیت‌الله مصباح یزدی در عرصه نظر و اندیشه از مرزهای دین مرزبانی کرد، شهید قاسم سلیمانی نیز به مثابه مرد باصلابت عرصه میدان پایبندی عملی

presidentir

خود را به این نظریات و اندیشه‌ها به نمایش گذاشت و با مرزبانی میدانی از دین به نماد بصیرت و وفاداری به ولایت و رهبری تبدیل شد. دکتر رئیسی همچنین دوره‌های طرح ولایت را از ارزشمندترین و اثرگذارترین یادگارهای علامه مصباح یزدی توصیف کرد و اظهار داشت: «طرح ولایت» در زمره دستاوردهایی است که باید بخوبی پاس داشته شود و ادامه یابد. رئیس‌جمهور گفت: از خداوند بزرگ می‌خواهم توفیق شناخت و حرکت مسیری را که آیت‌الله مصباح در عرصه نظر و اندیشه ترسیم کرد و حاج قاسم سلیمانی در عمل پیرو و رهرو آن بود، به ما نیز عطا کند.

■ پروفسور لگنهاوزن: در محضر ایشان احساس شاگرد بودن داشتم

همچنین در این مراسم پروفسور محمد لگنهاوزن استاد فلسفه و اخلاق برای میهمانان برون‌مرزی به زبان انگلیسی به سخنرانی پرداخت و به شخصیت علمی، اخلاقی و عرفانی مرحوم محمدتقی مصباح یزدی و به اقداماتی که ایشان در جهان اسلام انجام داده است، اشاره کرد.

به گزارش مهر، وی با اشاره به اینکه بیش از ۳۰ سال است که مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی را می‌شناسم و به این آشنایی افتخار می‌کنم، عنوان کرد: بارها بنده در محضر ایشان نشسته‌ام و امور فراوانی از ایشان فرا گرفته‌ام. در این ۱۵ سال اخیر هر هفته با آن مرحوم جلسه داشتم و در این جلسات مشاهده کردم که آن مرحوم با وجود کسالتی که داشت اما بانشاط در این جلسات حاضر می‌شد. مرحوم آیت‌الله مصباح علاقه شدیدی به فلسفه داشت و من در محضر ایشان احساس شاگرد بودن داشتم اما آن مرحوم به قدری متواضع بود که من را هم‌مباحثه علمی خود می‌دید.

وی با اشاره به اینکه علامه مصباح همواره ارتباط برقرار کردن با مسئولان را بسیار مهم می‌دانست و به آن تأکید می‌کرد، اظهار داشت: ایشان همواره تأکید داشت که باید با مسئولان همکاری و ارتباط نزدیک داشت. بر همین اساس هر زمان که بنده می‌خواستم به امریکا سفر کنم، می‌گفتند نباید به دنبال مسلمان کردن مسیحیان بود بلکه مهم‌ترین رسالت، رفع سوءتفاهم‌ها است. در این صورت است که آنان براحتی می‌توانند مسلمانان را درک کرده و با جامعه ایمانی همراه شوند. در ادامه حجت‌الاسلام سید هاشم صفی‌الدین معاون دبیرکل حزب‌الله لبنان به زبان عربی برای میهمانان حاضر در جلسه و مخاطبان برون‌مرزی به ایراد سخنرانی پرداخت.

■ شخصیت علامه می‌تواند برای جامعه الگو باشد

در ادامه این کنگره، حجت‌الاسلام والمسلمین رجبی رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در کنگره گرامیداشت علامه مصباح که در مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما برگزار شد، اظهار داشت: علامه شخصیتی است که دارای ابعاد مختلف و متنوعی بوده که هر کدام از این ابعاد می‌تواند برای جامعه الگو باشد. وی افزود: روح همه فعالیت‌های ایشان در یک جمله معنا می‌شود که این جمله روی قبر مطهر علامه نوشته شده است و آن «اطاعت از امر ولی است»؛ بنده که سال‌ها در محضر علامه حضور داشتم، در طول این سال‌ها جز عمل به وظیفه و کسب رضایت الهی، چیزی مشاهده نکردم. ایشان همواره دغدغه داشت در همه شئون اعم از فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... مطیع فرمان الهی باشند.

رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) بیان کرد: در امور مدیریتی هر زمان مؤسسه با مسأله و مشکلی مواجه می‌شد، ابتدا می‌گفت باید ببینیم موازین شرعی چه می‌گوید، سپس به دنبال حل آن باشیم. ایشان همیشه مراقب لحن خود بود و همواره تأکید داشت که خداوند ناظر بر اعمال ما است بنابراین در لحن و نحوه سخن گفتن باید رضایت الهی مد نظر قرار گیرد. رجبی ادامه داد: علامه مصباح در تمام شئونات خویش تأمل می‌کرد و دقت داشت تا بداند اوجب واجبات چیست و پس از آن، به آن عمل می‌کرد. در این زمینه نیز از چیزی ترس نداشت و در عین حال، حکیمانه و عالمانه تکلیف خود را به انجام می‌رساند.

وی با بیان اینکه علامه مصباح با همه وجود از ولایت دفاع می‌کرد، تصریح کرد: ایشان دفاع از ولایت را وظیفه الهی خود می‌دانست. ایشان اصل ولایت فقیه را با همه وجود قبول داشت و اطاعت از ایشان را لازم‌الاجرا می‌دانست و نظریه ولایت فقیه را یک اصل مسلم اسلام و در تداوم مسیر امام معصوم و شعبه‌ای از آن می‌دانست.

رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ادامه داد: علامه مصباح در کنار اعتقاد به اینکه ولایت فقیه نایب امام زمان (عج) است، به امام راحل و مقام معظم رهبری بسیار عشق می‌ورزید. به همین دلیل زمانی که امام راحل رحلت فرمودند، ایشان بشدت بیمار شد. آن مرحوم در دفاع از ولایت فقیه ذره‌ای تردید به دل راه نمی‌داد به همین دلیل هر زمان که مقام معظم رهبری سخن می‌گفتند، از آن اطاعت می‌کرد.

رجبی، آینده‌نگری را یکی دیگر از ویژگی‌های علامه مصباح برشمرد و تصریح کرد: علامه پیش از انقلاب به این فکر بود که اگر نیاز به انقلاب محقق شد، در آینده چه نیازهایی به وجود می‌آید که حوزه علمیه باید مکمل آن باشد، از این رو همواره به تولید و تربیت نیرو اقدام کرد.

وی گفت: دشمنی ای که با آیت‌الله مصباح صورت گرفت حتی پس از رحلت ایشان ادامه یافت، حتی می‌دانستند که خط آیت‌الله مصباح خطی است که مانع تحقق اهداف دشمن می‌شود. این شخصیت بزرگ برای آینده انقلاب کادرسازی کرد طوری که دشمنان نیز به زبان آمدند و گفتند «آقای مصباح برای بعد خود نیز کار کرد.» رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در پایان خاطرنشان کرد: سخنان آیت‌الله مصباح هر کدام شاخص است و هرگاه در میدان عمل دچار شک و تردید می‌شویم، با رجوع به سخنان آن مرحوم می‌توانیم راه را پیدا کنیم.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای خانواده و ستاد بزرگداشت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی:

شهید سلیمانی ملی‌ترین و امتی‌ترین چهره کشور است

Leader.ir

رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز در دیدار خانواده و اعضای ستاد بزرگداشت دومین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی(۱)، «صدق» و «اخلاص» را خلاصه و نماد و نمایه «مکتب سلیمانی» خواندند و با اشاره به الگو شدن حاج قاسم در میان جوانان منطقه، این شهید عزیز را ملی‌ترین و امتی‌ترین شخصیت ایران و دنیای اسلام نامیدند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پایبندی و وفاداری کاملاً صادقانه سردار سلیمانی به عهدی که با پروردگار بسته بود و تعامل از سر صدق حاج قاسم با امام و آرمان‌های اسلام و انقلاب را مایه برکت فعالیت‌های سردار سلیمانی خواندند و افزودند: سردار عزیز ملت ایران، رنج مجاهدت در راه آرمان‌ها را با همه وجود تحمل می‌کرد و با کمال دقت و در همه عمر به وظایف خود در قبال ملت ایران و امت اسلامی وفادار بود. رهبر معظم انقلاب، شهید سلیمانی را یک واقعیت ماندنی و تا ابد زنده، خواندند و افزودند: قاتلان او همچون ترامپ و امثال آن، جزو فراموش‌شدگان تاریخ خواهند بود و در زباله‌دان تاریخ گم و گور می‌شوند، البته پس از آنکه تقاص جنایت دنیوی خود را پس بدهند.

به دلیل اهمیت تاریخی بیانات رهبری در دومین سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی، مشروح سخنان ایشان به‌طور کامل و به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، در ادامه می‌آید:

■ مکتب سلیمانی مکتب صدق و اخلاص

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّة الله فی الارضین.

رحمت خدا، رضوان خدا بر شهید عزیزمان که ماجرای شهادتِ این عزیز بزرگوار یک حادثه ملی، بلکه یک حادثه بین‌الملل اسلامی شد. و خب دومین سالگرد است و مردم دارند این کارها را [در تجلیل او] می‌کنند که حالا من به این مسأله مردم برمی‌گردم. ما در حقیقت دنبال مردم حرکت می‌کنیم و نشست ما و حرف زدن ما و امثال اینها در واقع به دنبال آن حرکت ابتکاری مردمی‌ای است که دارد در سراسر کشور انجام می‌گیرد.

ما یک جمله عرض کردیم، گفتیم «مکتب سلیمانی».(۲) شهید سلیمانی یک مکتب شد یا یک مکتب بود و در مورد این مکتب، من حالا دیدم بحمدالله کتاب‌های متعددی چاپ شده که ندیده بودم این کتاب‌ها را. اگر بخواهیم آن چیزی را که اسمش را می‌گذاریم «مکتب سلیمانی»، در یکی دو جمله کوتاه تبیین کنیم، باید بگوییم این مکتب عبارت است از «صدق» و «اخلاص». این دو کلمه در واقع عنوان و نماد و نمایه مکتب سلیمانی است. «صدق» یعنی همان چیزی که در آیه شریفه «مِنَ المُؤمِنینَ رِجالٌ صَدَقوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَیه»(۳) است که حالا مختصری توضیح عرض می‌کنم. «اخلاص» هم همین است که در آیات متعدد قرآن از جمله این آیه شریفه «قُل اِنّی اُمِرتُ اَن اَعبُدَ اللهَ مُخلِصًا لَهُ الدّین» [آمده]؛(۴) این دو عنوان قرآنی، تشکیل‌دهنده حرکت شهید سلیمانی بود.

این حرکت بابرکت، که هم زندگیِ این مرد سرتاپا برکت شد، هم شهادتِ او - ما در زیارت ائمه (علیهم السلام) عرض می‌کنیم: وَ قَبَضَکَ اِلَیهِ بِاختیارِه وَ اَلزَمَ اَعداءَکَ الحُجَّة؛(۵) جان تو را خدا گرفت، قبض روح دست خدا است اما این قبض روح موجب شد که حجت علیه دشمنان تو و دشمنان خدا اقامه بشود؛ اینجا هم همین جور است؛ خب، جان‌ها دست خدا است؛ همه باید از دنیا بروند و هر کسی یک جور از دنیا می‌رود؛ شهید هم از دنیا رفت - و کیفیت شهادت او حجت را تمام کرد بر دشمن و بر همه بینندگان.

خب، حالا «صَدَقوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَیه» یعنی چه؟ یعنی با هدف، با عهد الهی، با آرمان‌ها برخورد صادقانه داشته باشند. مشکل ما این است دیگر؛ در موارد زیادی مشکل ما اینجا است که پای صدق در حرکت ما و در تعامل ما با آرمان‌های اسلام و انقلاب می‌لنگد.

■ به وظیفه ای که در قبال ملت ایران داشت وفادار ماند

این مرد به معنای واقعی کلمه صادقانه عمل کرد و عمل می‌کرد در زندگی‌اش، تا آنجایی که ما این زندگی را از نزدیک دیدیم و شناختیم؛ چه در دفاع مقدس، چه بعد از دفاع مقدس تا مسئولیت نیروی قدس، و چه در نیروی قدس. رنج مجاهدت را در راه آرمان‌ها بر خود هموار کردن؛ این معنای «صادقانه» است.

وفادار ماندن به اسلام و به انقلاب؛ با همه وجود به اسلام و انقلاب وفادار ماند؛ به عهدی که با خدا و با امام بسته بود وفادار ماند؛ به وظیفه‌ای که در قبال ملت ایران داشت و در قبال امت اسلامی داشت، با کمال دقت در عمل و با همه وجود وفادار ماند؛ هم وظیفه در قبال ملت ایران، هم وظیفه در قبال امت اسلامی. بعضی‌ها سعی می‌کنند یک دوگانه ملت و امت درست کنند؛ ریشه این کار در اختیار دشمن است و آنها دارند این کار را می‌کنند. البته بعضی‌ها هم اشتباه می‌کنند و غافلانه همین خط را می‌روند.

■ ملی ترین و امتی ترین

در داخل هم گاهی اوقات می‌بینیم که آن کسی که برای امت اسلامی کار می‌کند، دیگر نگاهش لزوماً به سمت ملت ایران نیست؛ یا بعکس. شهید عزیز ما، شهید سلیمانی، ثابت کرد که هم می‌توان ملی‌ترین چهره کشور بود، هم می‌توان امتی‌ترین چهره کشور بود؛ در آنِ واحد ملی‌ترین و امتی‌ترین بود.

ملی‌ترین بود؛ از کجا معلوم؟ از تشییع جنازه او! کدام اجتماع را ما در این سال‌های متمادی در دوران انقلاب - که دوران اجتماعات عظیم است - داریم مثل تشییع ده‌ها میلیونی شهید سلیمانی؟ اینها چه کسی بودند؟ ملت، این است دیگر. ملت را در توهمات که نمی‌شود تصویر کرد؛ ملت این واقعیت موجود است. ده‌ها میلیون [نفر] این مرد را بعد از شهادتش تشییع کردند؛ پس ملی‌ترین است. امتی‌ترین هم هست به خاطر اینکه در این دو سال، نام و یادِ روزافزون او در دنیای اسلام نفوذ بیشتری دارد پیدا می‌کند. مرتباً نام شهید سلیمانی و یاد شهید سلیمانی در دنیای اسلام دارد تکرار می‌شود و دائم دارد افزایش پیدا می‌کند؛ این را انسان دارد مشاهده می‌کند و می‌بیند. حقیقتاً مظهر صدق بود: صَدَقوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَیه.

آن [طور] که ما از نزدیک کار او را دیدیم، واقعاً مظهر تلاش بود؛ کار خستگی‌ناپذیر؛ خستگی‌ناپذیر. گاهی اوقات که مثلاً به یک کشوری می‌رفت، برمی‌گشت و برای ما گزارش می‌فرستاد، من وقتی می‌خواندم این گزارش را، حیرت می‌کردم از حجم کار عظیمی که در این مثلاً چند روز اتفاق افتاده. من از تعدادی از این گزارش‌ها یک نسخه برداشته‌ام برای نگهداریِ پیش خودم؛ روی آن هم نوشته‌ام که این را من نگه می‌دارم برای اینکه در آینده دیده بشود، معلوم بشود که این مرد چقدر کار انجام می‌داده. الان چند نسخه - دو سه گزارش را - از این قبیل دارم. کار خستگی‌ناپذیر.

■ امکانات دشمن را کاملاً می شناخت

همراه با شجاعت؛ یعنی کاری که کار معمولی نیست و احتیاج به شجاعت دارد، احتیاج به شهامت دارد؛ و متکی به عقلانیت؛ هم شجاعت، هم عقلانیت؛ هر دو در حد تحسین‌برانگیز؛ با تدبیر. هم دشمن را درست می‌شناخت، هم ابزارهای دشمن را می‌دانست؛ یعنی این جور نبود که شهید سلیمانی نداند امکانات دشمن که می‌شود از آن امکانات استفاده کند و ضربه بزند چیست؛ امکانات دشمن را هم کاملاً می‌شناخت اما در عین حال با کمال شهامت و قدرت وارد میدان می‌شد. از دشمن بیم نداشت و راهِ کار را با تدبیر انتخاب می‌کرد.

من در جمع بعضی از مسئولین سطح بالای کشور که خود شهید هم بود - هم در حضور خودش، هم در غیاب خودش - چند بار این حرف را زدم که کار را با تدبیر انجام می‌داد. شجاعتش یک جور، که قضایای کارهای شجاعانه او حالا می‌بینم سر زبان‌هاست؛ کارهایی را که با تدبیر انجام می‌داد، با دقت [بود]! «صدق» این است: «صَدَقوا ما عاهَدُوا الله» یعنی اینها.

اما اخلاص او؛ صدق و اخلاص. اگر اخلاص نباشد کار بی‌برکت می‌شود؛ اینکه می‌بینید کار برکت پیدا می‌کند، به خاطر اخلاص است. اخلاص او را از کجا می‌شود فهمید؟ از اینجایی که اصلاً دنبال دیده شدن نبود؛ یک ذره‌ای هم از دیده شدن فرار می‌کرد. او از دیده شدن فرار می‌کرد، حالا جوری شده که همه دنیا دارند او را می‌بینند؛ همه دنیا دارند او را می‌بینند. کار را برای خدا می‌کرد، تظاهر نداشت، لاف‌زنی نداشت؛ اولین پاداش دنیایی‌ای که خدای متعال به این اخلاص او داد، همین تشییع دَه‌ها میلیونی بود. این تشییع، اولین جزای اخلاص او در دنیا بود؛ حالا جزای آخرت که به جای خود محفوظ؛ این رواج اسم شهید سلیمانی و رواج شخصیت او، یاد او و نام او در دنیا، جزای دنیوی [او بود]. در این دو سال هزاران هزار بار نام شهید سلیمانی بر زبان افراد، بر قلم افراد جاری شده. امسال هم مردم به طور خودجوش دارند بزرگداشت درست می‌کنند - که گفتم به آن برمی‌گردم - این بر اثر اخلاص این عزیز است.

■ فکر کردند که زدند و تمام شد!

شهید سلیمانی الگو شد؛ یکی از حقایق بسیار برجسته این است که شهید سلیمانی تبدیل شد به یک الگو. امروز بسیاری از جوانان در دنیای اسلام - بخصوص در این منطقه، آنچه من اطلاع دارم مربوط به این منطقه است - تشنه حضور قهرمان‌هایی مثل شهید سلیمانی‌اند؛ امروز تشنه‌اند. هر چه یاد سلیمانی بیشتر منتشر می‌شود، علاقه اینها، تشنگی اینها به حضور قهرمان‌هایی از این قبیل در کشورهای خودشان بیشتر می‌شود. امروز شهید سلیمانی در منطقه ما نماد امید و اعتماد به نفس است، نماد رشادت است، رمز استقامت و پیروزی است. این کارها را خدا می‌کند؛ اینها دست کسی نیست؛ با هیچ تدبیری ماها بلد نیستیم از این جور کارها بکنیم. این کارها، کار خدا است.

یک نفری گفته بود که شهید سلیمانی برای دشمنانش خطرناک‌تر از سردار سلیمانی است؛ درست فهمیده بود؛ واقعاً همین جور است. آنهایی که دو سال پیش شهید سلیمانی را و شهید ابومهدی عزیز را و دیگر همراهان‌شان را به شهادت رساندند، فکر می‌کردند کار تمام شد؛ فکر می‌کردند که زدیم اینها را و تمام شد، خلاص شد. امروز وضع آنها را نگاه کنید ببینید در چه وضع و وضعیتی‌اند. وضع امریکا را ببینید! از افغانستان آن جور فرار می‌کند و در عراق ناچار است که تظاهر به خروج کند - البته باید برادران عراقی هوشیارانه مسأله را دنبال کنند - مجبور است که بگوید من بعد از این نقش مستشاری ایفا خواهم کرد؛ یعنی اقرار کند به اینکه آنجا حضور نظامی نمی‌خواهد داشته باشد و نمی‌تواند داشته باشد. مسأله یمن را ملاحظه کنید، مسأله لبنان را نگاه کنید.

جریان ضداستکباری در منطقه، جریان مقاومت در منطقه، امروز از دو سال پیش، پُررونق‌تر و شاداب‌تر و امیدوارتر دارد حرکت می‌کند و کار می‌کند. در سوریه هم اینها زمین‌گیر شدند، در سوریه هم هیچ امیدی برای آینده‌شان نیست؛ اینها برکات این خون عزیز و خون مظلومانه است.

از قول شهید نقل شد، در یک سخنرانی گفته بود که کسی که شهید زندگی کند، شهید می‌شود؛ و آن جور زندگی کرد؛ واقعاً شهید زندگی کرد؛ شهیدانه زندگی کرد. برخی از خصوصیات اخلاقی شهید هم [قابل توجه است]. من حالا یک کتابی را دارم می‌خوانم در همین شرح وضع اخلاقی و زندگی شهید - «سلیمانی‌ای که من می‌شناسم»؛(۶) به نظرم یک چنین عنوانی [دارد]- که یک چیزهای جالبی آنجا هست. از قول یکی از دوستان قدیمی ایشان نوشته که نوه یکی از دوستان شهیدش را می‌خواستند عمل جراحی کنند،(۷) رفت داخل بیمارستان و ایستاد تا عمل تمام بشود. مادر آن بچه گفت که خب حاج آقا عمل تمام شد، دیگر بروید به کارتان برسید؛ گفت نه، پدر تو - یعنی پدربزرگ این بچه - به جای من رفت شهید شد، من هم حالا به جای او اینجا می‌ایستم؛ ایستاد تا بچه به هوش آمد، خاطرش که جمع شد، بعد رفت.

■ امروز هم مستکبران از نام او وحشت دارند

رفتارش با خانواده شهید این جوری است، رفتارش با اشرار و با مفسدین هم آن جوری است؛ در بیرون کشور یک جور، در داخل کشور یک جور، در جنوب کرمان و آن منطقه جیرفت و آن کارهایی که آن سال‌ها انجام داد یک جور.(۸) آن قدرتی که نشان می‌داد و حرکت قاطع و پُرشدتی که انجام می‌داد، جوری بود که وقتی به یک جایی وارد می‌شد و می‌فهمیدند که آمده، خود ورود او روحیه‌های دشمن را ضایع می‌کرد، زائل می‌کرد.

امروز هم مستکبران از نام او وحشت دارند، از یاد او وحشت دارند؛ ببینید در فضای مجازی - لابد بیشتر از من اطلاع دارید دیگر - با اسم او چه برخوردی دارند می‌کنند؛ این هم یک تنبیه دیگری است، تنبه بیشتری است برای ما و مسئولین فضای مجازی کشور که بفهمند چه کار باید بکنند، تا دشمن نتواند هر جور دلش می‌خواهد، با هر جایی که دلش می‌خواهد رفتار کند. و خب فضای مجازیِ موجود دنیا زیر کلید مستکبران است دیگر؛ از اسمش هم می‌ترسند و از تکثیر او وحشت دارند؛ الگو یعنی این؛ می‌ترسند که تکثیر بشود.

به هر حال شهید سلیمانی ماندنی است، تا ابد زنده است؛ آنهایی که او را شهید کردند - ترامپ و امثال او - جایشان زباله‌دان تاریخ است و جزو فراموش‌شدگان تاریخ خواهند بود در زباله‌دان، اما او تا ابد زنده است؛ شهید این جوری است و دشمنان او گم و گور خواهند شد. البته ان‌شاءالله بعد از آنکه تقاص دنیوی‌شان را بدهند، گم و گور خواهند شد. شماها هم، هم خانواده محترم‌شان، هم دوستان و همرزمان‌شان، هم آقای سردار قاآنی،(۹) که الحمدلله ایشان خیلی خوب دارد کار می‌کند، حرکت می‌کند، همه شما ان‌شاءالله این خط را دنبال کنید، پیش بروید. و خدای متعال به ما وعده پیروزی داده: اِن اللهَ یُدافِعُ عَنِ الَّذینَ آمَنُوا؛(۱۰) وعده دفاع داده. خب ما داریم در راه اراده الهی و اهداف الهی حرکت می‌کنیم و ملت برای اسلام کار می‌کند؛ این دِفاع، بعد هم نصرت: لَیَنصُرَنَّ اللهُ مَن یَنصُرُه؛(۱۱) اِن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم وَ یُثَبِّت اَقدامَکُم.(۱۲)

امیدواریم ان‌شاءالله همه شما موفق و مؤید باشید. کارهایی هم که این خانم ذکر کردند، کارهای خوبی است؛ ان‌شاءالله که به بهترین وجهی همه اینها ادامه پیدا کند.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

■ پاورقی

۱) در ابتدای این دیدار، خانم زینب سلیمانی (دختر شهید سلیمانی) و سرلشکر حسین سلامی (فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) مطالبی بیان کردند.

۲) خطبه‌های نماز جمعه تهران (۲۷/۱۰/۱۳۹۸)

۳) سوره احزاب، بخشی از آیه ۲۳؛ «از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند...»

۴) سوره زمر، آیه ۱۱؛ «بگو: من مأمورم که خدا را- در حالی که آیینم را برای او خالص گردانیده‌ام- بپرستم.»

۵) مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد، ج ۲، ص ۷۳۸

۶) «حاج قاسمی که می‌شناسم»، کتابی است با خاطرات و روایت‌هایی از حجت‌الاسلام علی شیرازی.

۷) گریه معظمٌ‌له

۸) شهید سلیمانی پس از دفاع مقدس و در مقام فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله (که متشکل از نیروهای استان‌های کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان بود)، مسئولیت تأمین امنیت جنوب شرقی کشور و مبارزه با اشرار و قاچاقچیان مواد مخدر در این مناطق را عهده‌دار بود که توانست امنیت را در آن مناطق برقرار سازد.

۹) سرتیپ اسماعیل قاآنی (فرمانده سپاه قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

۱۰) سوره حج، بخشی از آیه ۳۸؛ «قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند...»

۱۱) سوره حج، بخشی از آیه ۴۰؛ «... و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد...»

۱۲) سوره محمد، بخشی از آیه ۷؛ «... اگر خدا را یاری کنید یاری‌تان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.»

قالیباف در مراسم سالگرد شهید سلیمانی در وزارت اطلاعات:

حاج قاسم نماد عظمت این انقلاب است

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی که به‌منظور حضور در مراسم بزرگداشت دومین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی در جمع پرسنل وزارت اطلاعات حضور یافته بود، با اشاره به شخصیت حاج قاسم، وی را پرورش‌یافته و نماد مکتب انقلاب اسلامی توصیف کرد و گفت: چنین شخصیتی در انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس جوانه زد و رشد کرد و امروز می‌بینیم که انقلاب ما چنان درخت تناوری شده و چنان دژ مقاومی شده که در مقابل رژیم صهیونیستی و امریکا می‌ایستد و نماد عظمت و ایستادگی این انقلاب و این مکتب شخصیت‌هایی همچون سردار سلیمانی هستند.

به‌گزارش ایسنا، وی با اشاره به شخصیت خداباور و مردمی شهید سلیمانی تأکید کرد: حاج قاسم به معنای واقعی کلمه به سنت‌های الهی باور داشت و متکی به مردم بود و در ۴۰ سال گذشته برای این مردم مجاهدت کرد، خون دل خورد و برای امنیت آنها خون داد.

رئیس مجلس همچنین با گرامیداشت یوم‌الله ۹ دی و با اشاره به جایگاه رفیع مردم در نظام اسلامی گفت: این روز، روز بصیرت و میثاق با ولایت و روز برملا شدن فتنه‌های داخلی و خارجی در یکی از مقاطع حساس کشور و روزی است که بازهم ثابت شد همیشه باطل‌السحر این انقلاب، مردم بوده و هستند و این درس بزرگی برای ما است که بدانیم مردم چه نقش مهمی در کشور و انقلاب دارند و چه مسئولیت سنگینی در مقابل مردم داریم. ما وظیفه داریم با همه توان با خداباوری و مردم باوری مشکلات مختلف این مردم نجیب را برطرف کنیم.

خانه ملت

همزمان با پایان ضرب‌الاجل اخراج امریکا و دومین سالگرد شهدای مقاومت در شهرهای مهم عراق برگزار شد

راهپیمایی «پاسخ میلیونی»

اخراج امریکا از منطقه به‌عنوان انتقام سخت جهان اسلام از اقدام جنایتکارانه امریکا در ترور بزدلانه فرماندهان مقاومت مطرح شد. این راهبرد نه تنها از سوی رهبرمعظم انقلاب اعلام گشت که پارلمان عراق نیز حکم به اخراج تروریست‌های امریکایی از عراق داد. از سویی دیگر نیروهای مقاومت در عراق با تعیین کردن یک ضرب الاجل به اشغالگران امریکایی، پایان سال ۲۰۲۱ را برای خارج شدن آنها مشخص کردند. پایگاه بزرگ و معروف عین الاسد که در سال ۹۸ توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی موشک باران شد و با وجود سانسورهای رسانه‌ای و عدم اجازه ورود رسانه‌های مستقل اخبار صدها زخمی آن به بیرون درز کرد یکی از مقرهای اشغالگران است. دو هفته قبل و پیش از پایان موعد مقرر برای خروج امریکا اعلام شد که نیروهای رزمی امریکا این پایگاه را تحویل نیروهای نظامی عراق داده‌اند و تنها نیروهای مستشاری آنها در این پایگاه حضور دارند. همین صحبت کافی بود تا نشان دهد علی‌رغم اینکه امریکایی‌ها از نیروهای خود کاسته‌اند اما قصد ندارند به طور کامل کشور را تحویل مردم آن دهند. بهانه این اقدام نیز ماندن برای آموزش نیروهای نظامی عراقی عنوان می‌شود. این درحالی است که عراقی‌ها امروز از منظر نظامی در سطح قابل قبولی قرار دارند و تربیت نیروهای مردمی و نظامی پس از فتوای آیت‌الله سیستانی و شکل‌گیری گروه‌های مردمی و حشدالشعبی قدرت دفاعی مناسبی در اختیار این کشور قرار داده است. این اقدام شیطنت‌آمیز امریکایی‌ها مورد اشاره رهبرانقلاب نیز قرار گرفت. ایشان روز گذشته در دیدار با خانواده و اعضای ستاد بزرگداشت شهید سلیمانی در همین خصوص فرمودند: «دشمنان خیال می‌کردند با شهادت سلیمانی، ابومهدی و دیگر همراهان ایشان، کار تمام خواهد شد اما امروز به برکت آن خون عزیز و مظلومانه، امریکا از افغانستان فرار کرده است، در عراق ناچار به تظاهر به خروج و اعلام نقش مستشاری و بدون حضور نظامی است که البته برادران عراقی باید با هوشیاری این مسأله را دنبال کنند، در یمن جبهه مقاومت رو به پیشرفت است، در سوریه، دشمن، زمین‌گیر و بدون امید به آینده است و در مجموع جریان مقاومت و ضد استکباری در منطقه، امروز از دو سال قبل، پر رونق‌تر، شاداب‌تر و امیدوارتر در حال کار و حرکت است.»

■ پایان ضرب‌الاجل

مردم عراق نیز از این مهم غافل نبودند. هیأت هماهنگی گروه‌های مقاومت عراق روز سه‌شنبه، ۲۸ دسامبر، درباره خروج نظامیان خارجی از این کشور بیانیه‌ای منتشر و اعلام کرد:

قیس الخزعلی

هادی العامری

«هر روز برای ما قطعی می‌شود که نیروهای اشغالگر امریکا در اجرای مطالبات ملت عزیز ما مبنی بر اجرای مصوبه پارلمان عراق در زمینه خروج آنان، جدی نیستند.»

مقاومت عراق افزود که امریکا قصد دارد، نیروهای خود را در پایگاه‌های کنونی، حفظ کند و همچنین کنترل حریم هوایی عراق را در دست داشته باشد و از مناطقی جاسوسی کند که عاری از وجود عناصر داعش است. گروه‌های مقاومت عراقی اعلام کرده‌اند همزمان با پایان ضرب‌الاجل به نیروهای اشغالگر امریکایی، حمله به آنها تا اخراج کامل از عراق را در پیش خواهند گرفت.

■ راهپیمایی میلیونی و وحشت امریکا

شهرهای مهم عراق بخصوص بغداد نیز دیروز همزمان با پایان مهلت قانونی خروج اشغالگران امریکایی و دومین سالگرد شهادت فرماندهان مقاومت تجمع میلیونی برگزار کردند. همزمان با این تظاهرات میلیونی و ضدامریکایی پایگاه خبری الشرق نیز از فعال شدن سامانه دفاع هوایی سی‌رام سفارت امریکا در بغداد خبر داد. همچنین نیروهای امنیتی عراق به‌طور گسترده در اطراف سفارت امریکا در بغداد مستقر شدند. حضور قابل توجه سیل جمعیت حتی منجر به ترافیک سنگین در ورودی‌های بغداد شد. عراقی‌ها از استان‌ها و شهرهای مختلف خود را به میدان «الحریه» در منطقه «الکراده» واقع در مرکز بغداد رساندند. این جمعیت چشم گیر تنها در روزهای برگزاری مراسم مذهبی دیده شده است. مردم بغداد با برپا کردن چادرها و موکب‌های مختلف برای پذیرایی از تظاهرات کنندگان و استقرار نیروهای حشدالشعبی برای تأمین امنیت خواستار پایان دادن به اشغالگری امریکا شدند. در فضای مجازی هم هشتگ #نحن_قاسم، #اخراج_المحتل_مطلب_وطنی (اخراج اشغالگر خواسته ملی است) و #تأرکم_خروج_المحتل (خون‌خواهی شما اخراج اشغالگران است) ترند شد و مردم اعلام کردند که حضور نیروهای امریکایی به‌هر دلیلی را تحمل نخواهند کرد.

■ اتمام حجت گروه‌های مقاومت

همچنین در این تظاهرات که «راهپیمایی پاسخ میلیونی» نام‌گذاری شده رئیس حشد الشعبی عراق اعلام کرد: «ترور شهید سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس جنایتی علیه ملت و حاکمیت عراق است. ما با شهدای فرماندهان پیروزی عهد می‌بندیم که در مسیر پیروزی و شهادت پیش می‌رویم. امروز روز وفاداری به شهدای پیروزی است. حضور بیگانگان برای عراقی‌ها بویژه در زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز مفید نخواهد بود. عقب نشینی نیروهای امریکایی و خارجی از عراق ضمانتی است تا این کشور باعزت و کرامت زندگی کند.»

الفیاض از دولت عراق خواست به وظیفه خود درباره عقب نشینی و تخلیه عراق از نیروهای خارجی عمل کند. وی گفت: «ما از شرکت کنندگان در تظاهرات میلیونی بزرگداشت یاد شهدا تشکر می‌کنیم و قدردان نیروهای امنیتی هستیم که در مقابله با تروریسم ایستادند.»

هادی العامری، رئیس ائتلاف الفتح عراق نیز در سخنانی گفت: «یاد شهادت فرماندهان پیروزی برای تمام مردم عراق اندوهناک است.» وی تأکید کرد: «کسانی که فکر می‌کنند با شهادت، قاسم سلیمانی و المهندس به پایان خواهند رسید، در توهم به سر می‌برند. این فرماندهان شهید نصر بودند که عراق را از چنگال گروه‌های تروریستی آزاد کردند. آنها همه چیز را فدا کردند تا عراق آزاد شود. بهای خون فرماندهان نصر، خروج تمام نیروهای اشغالگر از خاک عراق است.» العامری اضافه کرد: «فرقی نمی‌کند که چقدر جانفشانی شود یا خون‌ها نثار گردد، حشدالشعبی در راه مقاومت قوی و عزت‌مند باقی خواهد ماند. ما هرگز بر سر این سازمان با کسی تعارف نداریم. ما در راه عزت و کرامت نه آتش‌بس می‌کنیم و نه انعطاف نشان می‌دهیم.» دبیرکل عصائب اهل الحق عراق نیز با تقدیر و تشکر از جمهوری اسلامی ایران گفت که عراقی‌ها هرگز مواضع شهید قاسم سلیمانی را فراموش نخواهند کرد.

قیس الخزعلی گفت: «شهید قاسم سلیمانی از ایران به عراق آمد تا در کنار ما بجنگد و خون پاکش خاک عراق را سیراب کند. از بغداد و از خاک عراق کمال تقدیر و تشکر را از جمهوری اسلامی ایران داریم.» وی خطاب به شهید سلیمانی گفت: «همانگونه که مردم عراق را دوست داشتی مردم شریف عراق تو را دوست دارند.» گفتنی است چند روز مانده به ۱۳ دیماه دومین سالروز شهادت حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس، آزادی خواهان دنیا رنگ ماتم گرفته‌اند و احساسات ضدامریکایی وضدصهیونیستی خود را فریاد می‌زنند. تجلیل از مقام شهدای مقاومت تاکنون از سوی مردم افغانستان، پاکستان و لبنان، سوریه و عراق و سایر کشورها برگزار شده و به‌نظر می‌رسد در روزهای آینده نیز ادامه داشته باشد.

نیویورکر در گزارشی اعلام کرد

تغییر توازن قدرت در خلیج فارس با موشک کروز ایران

هفته‌نامه امریکایی «نیویورکر» در گزارشی به توانمندی نظامی و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران اعتراف کرد و نوشت که ایران بیش از هر زمان دیگری در تاریخ مدرن، ازنفوذ بهتر و بیشتری برخوردار است. به‌گزارش فارس هفته‌نامه «نیویورکر» در یادداشتی به قلم «رابین رایت» تأکید کرد که هیچ‌یک از رؤسای جمهور ایالات متحده نتوانسته‌اند نفوذ سیاسی و اهرم نظامی ایران در منطقه غرب آسیا را مهار کنند و تهدیدات نظامی مداوم «جو بایدن» رئیس‌جمهور امریکا و پیشینیان وی علیه جمهوری اسلامی دیگر یک «گزینه بلند مدت جذاب یا مؤثر» نیست.

«رایت» سپس در این مقاله به اظهارات «فرانک مک‌کنزی» فرمانده فرماندهی مرکزی ایالات متحده (فرماندهی تروریستی سنتکام) اشاره کرد که پیش از این در تحلیلی تقابل نظامی احتمالی با ایران را تشریح کرده بود. «مک‌کنزی» در ارتباط با درگیری احتمالی با ایران گفت: «اگر آنها ناگهانی حمله کنند، جنگ خونینی رخ می‌دهد. ما بشدت آسیب می‌بینیم». فرمانده تروریست‌های سنتکام ادامه داد: «ما بشدت آسیب می‌بینیم. ما در طولانی مدت پیروز می‌شویم اما یک سال زمان می‌برد».

نیویورکر در ادامه همچنین با اشاره به درس‌هایی که ایالات متحده در افغانستان و عراق آموخته است، گزارش کرد که یک کمپین نظامی تمام عیار ایالات متحده تقریباً قطعاً به یک جنگ منطقه‌ای در چندین جبهه منجر خواهد شد.

نویسنده مقاله نیویورکر سپس با اعتراف به توانمندی نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران نوشت: «ایران بهتر از هر زمانی در تاریخ مدرن خود، مسلح است. ایران صدها موشک کروز در اختیار دارد که از زمین یا کشتی قابل شلیک است و توانمندی پرواز در ارتفاع پایین را دارد و از چندین جهت قابلیت حمله دارد و شناسایی این موشک‌ها برای رادارها و ماهواره‌ها دشوارتر است زیرا موتورهای آنها بر خلاف موشک‌های بالستیک هنگام اشتعال نور روشن تولید نمی‌کند. موشک‌های کروز توازن قدرت را در سراسر خلیج فارس تغییر داده است».

در این مقاله همچنین به «دیوار بلند بی‌اعتمادی» میان تهران و واشنگتن اشاره شده و با اشاره به مذاکرات در جریان «وین» برای رفع تحریم‌های یکجانبه امریکا علیه ایران و احیای برجام نوشته شده است: «اگر بتوان دیوار بی‌اعتمادی را کاهش داد آن وقت ممکن است نقاط مشترکی وجود داشته باشد اما این دیوار بسیار بلند است. وقتی از دسترسی به پول‌های خود برای تهیه واکسن‌های حیاتی، محروم هستیم، آیا می‌توان حتی ذره‌ای از رد اعتماد بین دو کشور وجود داشته باشد؟»

فارس

ایران و کشورهای ۱+۴ شامل روسیه، چین، فرانسه، بریتانیا و آلمان از روز ششم دی ماه، هشتمین دور مذاکرات را برای رفع تمامی تحریم‌های اعمال شده علیه تهران پس از خروج یکجانبه واشنگتن از توافق در «وین» آغاز کرده‌اند و ایالات متحده بواسطه خروج یکجانبه و غیرقانونی از برجام، اجازه حضور مستقیم در مذاکرات را ندارد.

■ افزایش شمار جنگنده‌های اف-۱۴ عملیاتی نیروی هوایی ایران

همچنین نشریه امریکایی «نشنال اینترست» هم با پرداختن به موضوع پرواز جنگنده‌های «اف-۱۴ تامکت» نیروی هوایی ایران و سابقه موفق این جنگنده‌های رهگیری و برتری هوایی در نبرد با رژیم بعث عراق نوشت: برتری جنگنده‌های اف-۱۴ تامکت بسرعت آشکار شد و طبق گزارش‌ها، دست‌کم ۵۰ برتری هوایی در ۶ ماه اول جنگ ایران و عراق به دست آورد و در عوض تنها یکی از آنها آسیب دید. این نشریه در گزارشی با اشاره به نحوه دستیابی ایران به این جنگنده‌ها به موفقیت آنها برابر نیروی هوایی عراق پرداخت و نوشت، به‌دنبال این سلسله موفقیت‌های خیره کننده، خلبانان عراقی تاکتیک‌های خود را در تقابل با تامکت‌های ایران تغییر دادند و به‌طور کلی از درگیری با آنها خودداری کردند.

«نشنال اینترست» با اشاره به موفقیت مهندسان بخش بازآماد ایران نوشت، با وجود محدودیت‌هایی که برای جنگنده‌های اف-۱۴ اعمال شده بود، مهندسان ایرانی نیز اقدام‌هایی در تامکت انجام دادند، از جمله اضافه کردن محفظه بمب برای تبدیل آنها از جنگنده‌های برتری هوایی به جنگنده‌هایی با قابلیت تهاجم به اهداف زمینی.

چندی قبل نیز اندیشکده امریکایی «واشنگتن» در زمینه موفقیت بخش بازآماد ایران در نگهداری جنگنده‌های روسی سوخو-۲۲ نوشته بود که بین ۱۶ تا ۲۲ فروند از این هواپیمای ایران عملیاتی می‌شوند.

این جنگنده می‌تواند با حمل بمب ۲۰۰۰ کیلوگرمی و تا مسافت ۶۰۰ تا ۷۰۰ کیلومتری در مأموریت‌های ارتفاع پایین به اهداف سطحی حمله کند. فیترهای مسلح، با پرواز خارج از فضای پایگاه اصلی خود قادرند به ریاض نیز برسند، مسافتی که تمامی مناطق گشتزنی و پایگاه‌های نیروی دریایی امریکا را در خلیج فارس شامل می‌شود.

اندیشکده واشنگتن با اشاره به سخنان مقام‌های ایران درباره توسعه موشک‌های کروز هوا پایه با برد نزدیک به ۱۵۰۰ کیلومتر برای استفاده آینده در جنگنده‌های فیتر نوشت، در صورت تحقق این امر، جنگنده‌های ایرانی می‌توانند از پایگاه هوایی بندرعباس اهداف دور دست در سینا، باب المندب و حتی دیگر نقاط را زیر حملات دقیق خود قرار دهند.

گزارش تحلیلی «میدل ایست» در سالگرد شهادت سردار سلیمانی

وبگاه تحلیلی «میدل‌ایست مانیتور» در مطلبی در آستانه سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی و یاران شهیدش نوشت: شهید سلیمانی و ابومهدی المهندس نماد مقاومت در برابر گروهک‌های تروریستی بودند.

به گزارش فارس، این گزارش با تصریح اینکه آنها در سوم ژانویه ۲۰۲۰ به دستور مستقیم «دونالد ترامپ» رئیس جمهور سابق امریکا و در یک حمله تروریستی به شهادت رسیدند، به گوشه‌هایی از اقدامات شهید سلیمانی اشاره کرد و نوشت: مشخص است که اقدامات راهبردی سردار سلیمانی به قطع جریان تسلیحات امریکا و رژیم اسرائیل نه تنها به داعش و دیگر گروه‌های تروریستی فعال در خاورمیانه، بلکه به دیگر خریداران منطقه کمک کرد. ایالات متحده به عنوان بزرگترین تولیدکننده سلاح در جهان و برای موفقیت تجارت اسلحه خود، به اقدامات گروه‌های تروریستی نیاز داشت. با شکست‌های پی در پی تروریست‌های داعش در سوریه و عراق به رهبری سلیمانی و المهندس و پیامد آن سقوط تجارت تسلیحاتی، امریکا تصمیم به ترور ژنرالی که نماد مقاومت برابر این گروهک‌های مسلح بود گرفت.

در بخش دیگر این گزارش آمده است: ترور سلیمانی و المهندس در خارج از شرایط جنگی و در خاک کشور خارجی نقض حاکمیت عراق و تروریسم دولتی آشکار و نقض کنوانسیون‌ها و قوانین بین‌المللی بود. این اقدام تلاش بیهوده دیگری از سوی امریکا و شرکای آن برای مهار محور مقاومت بود که شامل ایران، سوریه، حزب‌الله لبنان، نیروهای حشدالشعبی عراق، حوثی‌های یمن، حماس، جهاد اسلامی و مردم فلسطین می‌شود.

میدل‌ایست مانیتور تأکید کرد: سردار سلیمانی نقش مهمی در راهبرد پیروزمندانه حزب‌الله در بیرون راندن تحقیرآمیز نیروهای متجاوز صهیونیست از لبنان در سال ۲۰۰۶ داشت. وی در شکست داعش در سوریه و همچنین در ایجاد، آموزش و اقدامات شبه‌نظامیان حشدالشعبی به رهبری المهندس که مسئول فروپاشی گروه‌های تروریستی در عراق و سوریه بودند، نقش اساسی داشت.

این گزارش در انتها افزود: اهمیت سلیمانی در مبارزه با تروریسم فقط نظامی نبود. او همچنین نقش سیاسی مهمی داشت. وی در سال ۲۰۱۵ روسیه را متقاعد کرد که در ائتلاف سه‌جانبه روسیه، چین و ایران برای مقابله با گروه‌های تروریستی در خاورمیانه وارد جنگ سوریه شود. شهادت سلیمانی و المهندس به جهانیان نشان داد که انقلاب زنده است و پیروز خواهد شد.

دیگه چه خبر

تکذیب توبیخ رئیس سازمان صداوسیما

» خبر اول اینکه، خبرسازی‌ها درباره توبیخ رئیس سازمان صداوسیما از سوی شورای عالی امنیت ملی تکذیب شد. به گزارش جهان نیوز، یک منبع نزدیک به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی به «نورنیوز» گفت: برخی اخبار که طی روزهای گذشته در فضای مجازی پیرامون توبیخ رئیس سازمان صداوسیما در جلسه شورای عالی امنیت ملی در خصوص شیوه پوشش خبری تجمع کشاورزان در اصفهان منتشر شده، صحت ندارد. او در این باره تأکید کرد: جلسات شورای عالی امنیت ملی کاملاً محرمانه بوده و قطعاً منابع رسانه‌ای که مدعی دسترسی به گزارش نشست‌های شورا هستند، صرفاً توهمات هدف‌دار خود را به‌عنوان اخبار این نهاد منتشر می‌کنند.

بازگشت ۹ ایرانی گرفتار شده در ترکیه به کشور

» خبر دیگر اینکه، در چند روز گذشته، خبرهایی در برخی رسانه‌ها مبنی بر بازداشت ۹ تبعه کرد ایرانی از سوی پلیس ترکیه و تحویل آنها به گروه‌های تروریستی در شمال سوریه منتشر شد. بر اساس اخبار منتشر شده این ۹ نفر به قصد اخذ پناهندگی در ترکیه حضور داشتند و پس از بازداشت توسط دولت ترکیه، خودشان را «کرد سوری» معرفی کرده و دولت ترکیه نیز آنها را به گروه‌های تروریستی در شمال سوریه تحویل داده است.

از آن زمان، خانواده‌های این افراد اقدام به برگزاری تجمع مقابل سفارت ترکیه در تهران کرده‌اند و همچنین خواستار پیگیری این موضوع از سوی وزارت خارجه شدند. حالا دیروز وزیر امور خارجه کشورمان به ایسنا خبر داد که ۹ نفر ایرانی که با هدف مهاجرت به ترکیه سفر کرده و دچار مشکلاتی شده بودند در چهارچوب همکاری دولت ایران و ترکیه از مرز رازی وارد کشور می‌شوند.

علی‌اف: روابط دوستانه با ایران توسعه بیشتری یافته است

» شنیدیم که، «الهام علی‌اف»، رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان در نطقی به مناسبت آغاز سال ۲۰۲۲ روابط تهران و باکو را دوستانه توصیف کرد. به‌گزارش فارس «الهام علی‌اف» درباره روابط جمهوری آذربایجان با ایران گفت: «روابط دوستانه و مشارکتی در جریان تماس‌های منظم و تبادل نظر با سایر همسایگان، ایران و گرجستان توسعه بیشتر یافته است. بستر همکاری‌های چندجانبه هم اکنون در منطقه در حال شکل‌گیری است و البته این به نفع ماست.»

اظهارات رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان درباره روابط باکو و تهران در شرایطی مطرح شده که او ۱۰ روز قبل در باکو میزبان حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بود.

هلاکت تعدادی از اشرار مسلح در درگیری با رزمندگان قرارگاه قدس سپاه

» دست آخر اینکه، روابط عمومی قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: در پی درگیری‌های چند روز اخیر رزمندگان قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در جنوب‌شرق کشور، روز شنبه ۱۱ دیماه ۱۴۰۰ رزمندگان این قرارگاه با رصد دقیق و عملیات پیچیده اطلاعاتی موفق به شناسایی مخفیگاه و مقر استقرار تعدادی از اشرار مسلح معروف در منطقه عمومی کورین استان سیستان و بلوچستان شدند.

این اطلاعیه می‌افزاید: دراین درگیری شدید «غلام شه‌بخش» همراه با ۵ شرور مسلح دیگر به هلاکت رسیده و ۵ نفر از آنان نیز زخمی شدند. همچنین مخفیگاه و مقر اشرار مسلح به‌طور کامل منهدم گردید.

دراین درگیری که در جوار یکی از روستاهای منطقه انجام پذیرفت تعداد سه نفر از رزمندگان بومی و بسیجی مدافع امنیت مردم به شهادت رسیدند.

ادامه از صفحه اول

دیپلماسی اقتصادی در خدمت توسعه کشور و منطقه

جذب سرمایه برای پروژه‌های جذاب کشورمان، سرمایه‌گذاری در طرح‌های مختلف کشور، سرمایه‌گذاری مشترک با کشورهای همسایه با هدف رونق تولید و افزایش حجم تولیدات مشترک، جایگاه برجسته‌ای در اهداف و برنامه‌های اجرایی جمهوری اسلامی ایران دارد.

برای تحقق حداکثری اهداف دیپلماسی اقتصادی کشورمان، امضای توافقنامه‌ها و پیمان‌های میان مدت و بلند مدت با همسایگان با جدیت پیگیری می‌شود و بزودی اخبار خوشایندی در این باب اطلاع‌رسانی خواهد شد. ما مصمم به امضای قراردادهای تجارت ترجیحی، آزاد و تکمیل آنها با سایر دول، از طریق ورود اساسی نمایندگی‌های کشورمان و همچنین نهادهای متولی امر در کشور هستیم.

رفع موانع صادرات کالا و خدمات، جذب سرمایه و حل و فصل مشکلات استاندارد کالاهای صادراتی، توسعه کشت فراسرزمینی و امنیت غذایی و دارویی کشورمان از طریق همکاری‌های اقتصادی با همسایگان و کشورهای پیرامونی با جدیت در ستاد هماهنگی روابط اقتصادی خارجی و با حضور فعال دستگاه‌ها و نهادهای اقتصادی کشورمان بررسی، تصمیم‌گیری و اجرایی می‌شود.

معاونت دیپلماسی اقتصادی، مصمم است تا در تعامل روز افزون با حوزه‌های اقتصادی کشورمان در بخش‌های دولتی و خصوصی، تسهیلگر روند تجارت خارجی کشورمان باشد. در همین راستا، تمامی فعالان حوزه اقتصاد خارجی را به مساعدت برای رفع موانع و مشکلات کار با همسایگان دعوت می‌کنیم.

تحقق رونق اقتصادی در کشور و منطقه، یک برنامه عملیاتی عملگرایانه و هوشمند محسوب می‌شود و لذا بر آمادگی کشورمان جهت تعامل حداکثری اقتصادی با کشورهای همسایه در بخش‌های مختلف نفت، گاز و پتروشیمی، برق، آب و آبرسانی، کشاورزی، خدمات فنی - مهندسی، حمل و نقل، توسعه همکاری‌های مناطق ویژه و آزاد با همسایگان، مالی - بانکی، دارو و تجهیزات پزشکی، گردشگری و رونق همکاری‌ها تأکید می‌کنیم.

خوشبختانه سیاست تعامل حداکثری با همسایگان در ابعاد تجاری و اقتصادی، در مدت محدود اخیر، نتایج ملموسی به همراه داشته است که در گزارش‌های ریاست محترم جمهوری و وزیر محترم خارجه، شرح مختصری از آن اطلاع‌رسانی شد.

تردیدی وجود ندارد که سیاست‌های اعتماد ساز دولت در داخل کشور و منطقه، در کنار دیپلماسی اقتصادی فعال، ابتکارات، ایده‌ها و طرح‌های در دست اقدام، منافع زایدالوصفی برای مردم کشورمان و منطقه خواهد داشت.

فرصت مغتنمی برای توفیق در مسیر تعامل سازنده با همسایگان فراهم شده و امید است کماکان شاهد استقبال حداکثری همسایگان از این روند باشیم. امید می‌رود که که تداوم دوستی‌ها و همکاری‌های ملل و دول منطقه، باعث شکوفایی و رونق روزافزون منطقه شود.

تحلیل روز

آنچه در جشن‌های سال نو میلادی در هند می‌گذرد

شعله‌های خشم علیه اقلیت‌ها

سومیت گانگولی / ستون‌نویس فارین پالیسی
مترجم: وصال روحانی

هفته پیش همزمان با کریسمس دولت نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند کمک‌های نقدی خارجی را که هر ماه به حساب بنیاد مذهبی «میسیونرهای خیریه» واریز می‌شود، مسدود کرد. این بنیاد که اصل و ریشه آن به «انجمن مادر ترزا» مربوط می‌شود، از جمله نهادهای مذهبی به حساب می‌آید که دولت هند و وزیر کشور، آنها را صاحب مناسبات خطرناک می‌انگارند. شکی نیست که محدودسازی این میسیون مذهبی با افزایش اخیر حملات به سازمان‌های مسیحی در سطح هند بی‌ارتباط نیست.

در «اگرا»ی هند که تاج‌محل در آن واقع است، اعضای گروه موسوم به «باجرنگ دال» که از حزب حاکم باهاراتیا جاناتا (BJP) دستور می‌گیرد، نمادهای بابانوئل را به آتش کشیدند و در توجیه این اقدام گفتند که مسیحیان به بهانه کریسمس و جشن‌های سال نو میلادی می‌خواهند ملت هند را به سمت مسیحیت سوق بدهند. حتی اگر این اظهارات در کار نبود، تردیدی وجود نداشت که دولت مودی در فزونی بخشیدن به احساسات ضدمسیحی در سطح هند نقش زیادی دارد. چند روز پس از کریسمس، تیجاسوی سوریا یکی از اعضای ارشد و حقوقدان «BJP» در اظهاراتی به صراحت از لزوم رجعت مسیحیان به کشورهای ابا و اجدادی‌شان سخن گفت ولی وقتی انتقادهای عمومی از وی زیاد شد، حرف‌هایش را پس گرفت و ادعا کرد از صحبت‌های او سوء برداشت شده است. با این حال قبل از این واقعه نیز شعله‌های خشم علیه اقلیت‌های مذهبی هند را فراگرفته بود و یکی از نمونه‌های آن جمع شدن سران تندرو هندو و برخی فعالان دیگر ضدمسیحی در شهر هاریدوار بود که به صراحت عنوان «مجمع اعلام نفرت» به این گردهمایی اطلاق شده بود. در نگاهی وسیع‌تر باید متذکر شد که در طول سال پایان یافته ۲۰۲۱ تهاجم‌ها به اقلیت‌های نژادی و مذهبی دائماً رو به افزایش داشت و در هشت ماه اول سال حدود ۳۰۰ حمله سازماندهی شده به اقلیت‌ها از جمله مسلمانان شکل گرفت. در عمل هیچ اقدام تنبیهی از سوی دولت و مقام‌های نظامی در قبال حمله‌کنندگان صورت نپذیرفت و به تبع آن نه بازداشتی انجام شد و نه حجم حملات کاهش یافت. دولت مودی هم این روزها که سخنرانی‌های ضداقلیت‌ها در هند دائماً برقرار است، هیچ اقدامی در راه محدودسازی آن انجام نداده و حتی یک اطلاعیه خشک و ظاهری هم در محکوم‌سازی آن صادر نکرده است. البته مودی در شب کریسمس، تولد حضرت عیسی مسیح(ع) را به مسیحیان کشور تبریک گفت اما این فقط یک عبارت فرمایشی بود و باری بر آن مترتب نبود و فردای همان روز درخت‌های آذین بسته شده کریسمس در سطح چند شهر از جمله دهلی نو قطع و سرنگون شد.

اصولاً برخورد دولت مودی با مسیحیان هند طی دوران زمامداری وی نه برخوردی از سر عطوفت و بر پایه رویکردهای مذهبی بلکه با دربر داشتن مؤلفه‌های آشکار سیاسی و به‌صورت یک دستورالعمل بوده است. حتی در زمان‌هایی که مودی از این خط فکری خارج شده و قدری ملاطفت را چاشنی موضعگیری‌هایش در قبال مسیحیان کرده، فقط در زمان‌هایی بوده که انتخابات پارلمانی در راه بوده و حزب وی برای تثبیت خود به آرای مساعد مسیحیان هم نیاز داشته است.

منبع: Foreign Policy

دورنما

لس آنجلس تایمز (امریکا)

کالیفرنیای جنوبی در اوج بحران ابتلا به کرونا جشن سال نوی میلادی را برگزار کرد. اما با توجه به شیوع ۷۰ درصدی امیکرون میان افراد ۱۸ تا ۴۹ سال، مقامات این ایالت از شهروندان خود خواستند در تعطیلات پیش رو از دورهمی‌های پرجمعیت خودداری کنند. لس آنجلس در آخرین روز سال ۲۰۲۱، ۲۷ هزار مورد ابتلای جدید داشت.

چاینا دیلی (چین)

«شی جین پینگ» ماه آینده در نخستین دیدار رو در روی خود با رهبری خارجی در دو سال اخیر، با «ولادیمیر پوتین»، رئیس جمهور روسیه ملاقات خواهد کرد. دو رئیس‌جمهور که در سال گذشته به‌دلیل شیوع کرونا مکالمات مستمری داشتند، در دیدار مجازی ماه پیش متعهد به همکاری برای برگزاری بهتر المپیک زمستانی شدند.

استادو دی سائوپائولو (برزیل)

برزیل در حالی وارد ۲۰۲۲ شد که با سناریوهایی مبهم در حوزه اقتصاد، همه‌گیری کرونا و افزایش ناعدالتی روبه‌رو است. از سوی دیگر در میانه رقابت پوپولیسم و دموکراسی در جهان، این کشور در ۲۰۲۲، انتخاباتی پر سر و صدا را پیش رو خواهد داشت. اما همچنان مردم برزیل خواهان پیشرفت‌های حوزه هوشمند همچون شبکه نسل ۵ هستند.

رادیو ملی آمریکا گزارش داد

طراحی ترامپ برای کودتای ۲۰۲۴

بنفشه غلامی/ «دونالد ترامپ بعد از انتخابات ۲۰۲۴ ریاست جمهوری امریکا کودتا خواهد کرد.» این هشداری است که «پل ایتان»، ژنرال بازنشسته امریکایی در آستانه سالگرد حمله هواداران «ترامپ» به ساختمان کنگره امریکا در گفت‌وگو با رادیو ملی امریکا (NPR) خطاب به مردم امریکا و دموکرات‌ها اعلام کرده است تا در انتخابات آتی مراقب حرکت‌های رئیس جمهور سابق این کشور و هوادارانش باشند.

به‌گزارش سایت «رادیو ملی امریکا»، «پل ایتان» که هفته پیش نیز در مقاله‌ای به همراه دو نفر از دیگر ژنرال‌های بازنشسته امریکایی درباره اقدامات «ترامپ» هشدار داده بود، این هفته در گفت‌وگو با این شبکه، از نگرانی‌هایش درباره انتخابات آتی امریکا سخن گفت و تأکید کرد: «سؤال مهم این است که آیا در ارتش همه درک درستی از رئیس جمهوری منتخب دارند یا نه. زیرا درک نادرست این قضیه می‌تواند شامل هرکسی در ارتش در هر رتبه‌ای شود و نتایجی نگران کننده به بار آورد.» او سپس به نامه ۱۲۴ ژنرال بازنشسته ارتش امریکا در سال ۲۰۲۰ که مشروعیت انتخابات را زیر سؤال برده بودند، اشاره کرد و گفت: «نگران آن هستیم که برخی در ارتش با تصورات اشتباهی که دارند دست به اقداماتی اشتباه بزنند. ما باید مطمئن شویم ارتش امریکا برای انتخابات ۲۰۲۴ آماده‌تر از آنچه است که در سال ۲۰۲۰ بود. زیرا اگر ارتش به درک درستی از انتخابات نرسیده باشد، می‌تواند دچار سردرگمی شده و دست به اقداماتی شبه کودتا بزند.»

آماری که ژنرال «ایتان» ارائه کرده، شاید برای امریکایی‌ها نگران کننده باشد، اما آماری نگران کننده‌تر نیز وجود دارد. مجله انگلیسی «اکونومیست» در شماره این هفته خود در مقاله‌ای به نگرانی‌های امریکایی‌ها بابت وضعیت دموکراسی در این کشور پرداخته است و بر مبنای نظر سنجی خود اعلام کرده: «۷۰ درصد جمهوریخواهان معتقدند در انتخابات ۲۰۲۰ تقلب شده بود. ضمن اینکه ۸۰ درصد امریکایی‌ها نیز معتقدند، سیستم سیاسی این کشور نیازمند اصلاحاتی جدی است.» این مقاله با تأکید بر اینکه انتخابات میان دوره‌ای مجلس نمایندگان امریکا در سال ۲۰۲۲ و همین طور انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ تحت چنین فضایی باید برگزار شود و بنابراین هیچ بعید نیست که در سال ۲۰۲۴ شاهد چالش‌های دوباره نباشیم، هشدار داده است: «حزب‌گرایی افراطی جمهوریخواهان و امتناع آنان از پذیرش نتایج انتخابات ترکیب خطرناکی است.»

این حجم از نگرانی‌ها نزدیک به سه سال مانده به انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ امریکا شاید بی‌دلیل نباشد. زیرا شمار زیادی از کارشناسان امریکایی معتقدند، «ترامپ» از هم اکنون کار خود را برای تخریب دموکراسی امریکا آغاز کرده است. شاهد آنها خبری است که دیروز سایت خبری تحلیلی «دیلی بیست» از جمله سایت‌هایی که از ایده‌های افراطی جمهوریخواهان تندرو حمایت می‌کند، منتشر کرد. این سایت خبر داد «دونالد ترامپ» که حساب کاربری اش در توئیتر بسته شده، در بیانیه‌ای خطاب به حامیانش گفته است: «اگر در نهایت نتوانستیم چالش تقلب در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ را حل کنیم، در انتخابات میاندوره‌ای ۲۰۲۲ و ریاست جمهوری ۲۰۲۴ رأی ندهید. زیرا این مهم‌ترین کاری است که جمهوریخواهان در این شرایط می‌توانند انجام دهند.»

AP

با این حال بسیاری از تحلیلگران امریکایی معتقدند، تنها «ترامپ» نیست که باید از او ترسید. بلکه تفکری که او برآمده از آن است، باید مایه نگرانی باشد. یکی از این تحلیلگران «استیون لویتسکی» استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد است که می‌گوید: «حزب جمهوریخواه بعد از شکست ۲۰۲۰ دیگر حاضر نخواهد بود شکست دیگری را بپذیرد. بنابراین این حس، حزب جمهوریخواه را تبدیل به یک جبهه غیر دموکرات کرده است.» «نیکولاس ریکاردی» از تحلیلگران امریکایی نیز در سایت «استار» از رسانه‌های حامی حزب دموکرات امریکا، نوشته است: «دموکراسی امریکا از همان روزهای نخست پیدایش خود به‌خاطر دستکاری‌های هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه دارای نواقصی است. طوری که میلیون‌ها زن، سیاه پوست و بومی امریکایی در قوانینی که توسط جمهوریخواهان و دموکرات‌ها به گونه‌ای نوشته شده است که به نفع این احزاب باشد، نادیده گرفته شده‌اند. اما این بار این نواقص روی دیگر خود را نشان داده است. زیرا هرگز در تاریخ امریکا سابقه نداشته که یک حزب بخواهد انتخابات کشور را به‌خاطر منافع خود زیر سؤال ببرد.»

همسایگان

توصیه اقتصادی «اردوغان» به مردم ترکیه

رئیس‌جمهور ترکیه با ادعای اینکه نوسانات اخیر در ارزش پول این کشور تا حدودی تحت کنترل درآمده، از مردم کشورش خواست تا دارایی‌های خود را به لیر ذخیره کنند.

به گزارش ایسنا به نقل از رویترز، «رجب طیب اردوغان» در سخنرانی خود در استانبول گفت: «از همه شهروندان می‌خواهم پس‌انداز خود را به پول خودمان ذخیره کنند و خرید و فروش و تجارتشان را نیز با ارز ملی انجام دهند. فراموش نکنیم مادامی که پول خود را شاخص قرار ندهیم محکوم به غرق شدن هستیم. لیر ترکیه واحد پولی است که ما با آن پیش خواهیم رفت.»

وی در درخواست دیگری از مردم کشورش نیز خواستار واگذاری دارایی‌های طلای خود به نظام بانکی شد. «اردوغان» در این سخنرانی همچنین بار دیگر بر اظهارات خود درباره کاهش بهره تأکید کرد: «دوستان اینکه نرخ‌های بهره یک روز بالا و یک روز پایین می‌آیند را از ذهن خارج کنید. نرخ‌های بالای بهره تنها ثروتمندان را ثروتمندتر و فقرا را فقیرتر می‌کند.»

حمله مرگبار جنگنده‌های متجاوز یمنی به مواضع خودی

گروه جهان/ جنگنده‌های ائتلاف سعودی با حمله اشتباهی به مواضع عربستان در یمن دست‌کم ۱۲ نظامی خودی را به کشتن دادند.

به‌گزارش «آسوشیتدپرس»، در این حمله که پنجشنبه گذشته در استان «شبوه» اتفاق افتاد، ۸ نظامی یمن نیز مجروح شده‌اند. منابع رسمی یمن این آمار را تأیید کردند اما عربستان سعودی از واکنش در این باره خودداری کرد. در عین حال «ترکی المالکی»، سخنگوی ائتلاف نیز تماس‌های پی‌درپی رسانه‌ها را بی‌جواب گذاشت و حاضر به توضیح جزئیات این اشتباه مرگبار نشد.

به‌گفته شماری از ساکنان محلی این استان، در صحنه این بمباران، علاوه بر اجساد سوخته، سه خودروی منهدم شده نظامی و بسیاری از تسلیحات پیشرفته نیز تخریب شده بودند.

این حمله اشتباهی در حالی رخ داده است که در چند ماه گذشته با پیشروی‌های ارتش یمن و نیروهای مردمی در استان‌های مارب و حدیده، ائتلاف سعودی بر شدت حملات هوایی خود در صنعا افزوده است و همچنان باوجود تقویت فشارهای بین‌المللی برای پایان جنگ در یمن، بر حملات خود ادامه می‌دهد.

یمن از سال ۲۰۱۴ مورد حملات ائتلاف عربی به رهبری عربستان سعودی قرار گرفت و در فاصله چند سال این نبرد به هولناک‌ترین بحران بشری جهان بدل شد.

Reuters

به نوشته «گاردین»، سازمان ملل در آغاز سال جدید میلادی در بیانیه‌ای، شمار غیرنظامیان کشته شده یمنی در ۷ سال جنگ را ۳۷۷ هزار نفر عنوان کرده است که بسیاری از آنها از شدت فقر و گرسنگی تسلیم مرگ شده‌اند. آغاز سال ۲۰۲۱ در حالی تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای پایان این جنگ را شدت بخشید که «جو بایدن» رئیس جمهور امریکا با وعده سلب حمایت از ائتلاف سعودی به کاخ سفید وارد شد اما چند ماه بعد این امید نیز با افشای قرارداد نظامی ۵۰۰ میلیون دلاری واشنگتن و ریاض رنگ باخت. صندوق غذای سازمان ملل در آخرین آمار خود در حالی نسبت به فقر مطلق ۱۶ میلیون نفر و آوارگی چهار میلیون یمنی هشدار داد که این شرایط یمن را فقیرترین کشور منطقه خواهد کرد.

دو خط خبر

■ **الجزیره:** سازمان ناظر موسوم به فدراسیون بین‌المللی خبرنگاران اعلام کرد، ۴۵ خبرنگار در سال ۲۰۲۱ در سراسر جهان کشته شده‌اند.

■ **سما:** ارتش رژیم صهیونیستی با ادعای شلیک دو موشک از نوار غزه به ساحل تل آویو، از مصر خواست برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها به مسأله ورود کند.

■ **گاردین:** حداقل سه نفر از قاتلان خاشقچی در ویلاهای مجلل مجتمع امنیتی تحت مدیریت دولت عربستان در ریاض، زندگی و کار می‌کنند، اما در عین حال اجازه ملاقات با خانواده‌هایشان را ندارند.

■ **فاکس نیوز:** چین در مناقشه مرزی در سواحل جنوبی و صعب‌العبور دریاچه پانگونگ، تجهیزات روباتیک مستقر کرده و وسایل نقلیه بدون سرنشین را برای تقویت مواضعش به تبت فرستاده است.

■ **هیل:** دبیر کل سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد، در صورت پایان نابرابری‌ها و توزیع عادلانه واکسن در سراسر جهان، پاندمی کرونا در ۲۰۲۲ پایان می‌یابد.

نوبت دوم

آگهی تجدید ارزیابی کیفی مشاوران
(شماره ۱۴۰۰/۲۵)

وزارت نیرو
شرکت مدیریت شبکه برق ایران

شرکت مدیریت شبکه برق ایران در نظر دارد انجام خدمات ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به‌شماره ثبت ستاد ۲۰۰۰۰۰۱۰۷۰۰۰۰۰۳۴ به مشاور واجد شرایط واگذار نماید:

الف) **شرح مختصر کار:** مشاوره در امن‌سازی زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)

ب) **دستگاه کارفرما:** شرکت مدیریت شبکه برق ایران به نشانی: تهران- خیابان ولیعصر- بالاتر از میدان ونک- خیابان یاسمی - شرکت مدیریت شبکه برق ایران

پ) **مدت انجام کار:** ۲۴ ماه از تاریخ مبادله قرارداد

ت) کلیه مراحل برگزاری فرآیند انتخاب مشاور از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد و گشایش پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد و لازم است پیشنهاددهندگان در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در ارزیابی کیفی محقق سازند. به پیشنهادهای واصله خارج از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ث) از کلیه متقاضیان **دارای گواهی‌نامه معتبر صلاحیت از سازمان برنامه و بودجه حداقل در یکی از رشته (گروه)های: ۱-** امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات با حداقل رتبه ۴، **۲-** مشاوره و نظارت بر اجرای طرح‌های انفورماتیک، فناوری اطلاعات و ارتباطات با حداقل رتبه ۴، **۳-** شبکه رایانه‌های داده‌ای و مخابراتی با حداقل رتبه ۴، همچنین **دارای گواهی‌نامه معتبر صلاحیت از مرکز مدیریت راهبردی افتای ریاست جمهوری در حوزه‌های: ۱-** گواهی معتبر صلاحیت در حوزه خدمات مدیریتی امنیت با رتبه ۱، **۲-** گواهی معتبر صلاحیت در حوزه آزمون و ارزیابی امنیتی، **۳-** گواهی معتبر صلاحیت در حوزه امن‌سازی، مقاوم‌سازی سامانه‌ها، زیرساخت‌ها و سرویس‌ها دعوت می‌شود از تاریخ درج آگهی نوبت اول تا ساعت ۱۶:۱۵ روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۸ اسناد ارزیابی کیفی را از طریق سامانه ستاد به آدرس: WWW.SETADIRAN.IR دریافت و اسناد و مستندات تکمیل شده را به‌صورت فایل‌های PDF تا ساعت ۱۰:۵۵ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ در سامانه فوق درج نمایند.

ج) به پیشنهادهای واصله رأس ساعت ۱۱ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ در جلسه هیأت انتخاب مشاور به نشانی: تهران- خیابان ولیعصر- بالاتر از میدان ونک- خیابان رشید یاسمی- جنب بیمارستان خاتم‌الانبیا- شرکت مدیریت شبکه برق ایران گشایش خواهد شد. حضور حداکثر ۲ نفر نماینده معرفی شده با نامه رسمی از سوی پیشنهاددهنده در جلسه هیأت انتخاب مشاور بلامانع است.

چ) پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ح) سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد ارزیابی کیفی موجود می‌باشد.

خ) جهت کسب اطلاعات بیشتر صرفاً با شماره تلفن ۸۵۱۶۲۳۷۴-۰۲۱ تماس و یا به وب‌سایت‌های (۱- http://igmc.ir، ۲- http://iets.mporg.ir و ۳- WWW.tavanir.org.ir) مراجعه فرمایید.

ضمناً تلفکس شماره ۸۸۶۴۴۷۸۶-۰۲۱ جهت ارائه نظرات و پیشنهادات می‌باشد.

بدیهی است کلیه فرآیند ارزیابی کیفی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام می‌پذیرد و به پیشنهادهای خارج از سامانه ستاد هیچ گونه ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۳۳۳۴-۲۴۹۸۸۶

نوبت اول

یکی از مجموعه‌های دولتی
آگهی مناقصه عمومی (دومرحله‌ای)

ردیف	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مبلغ سپرده شرکت در مناقصه
۱	۱۳۱ - ۶۸۲۰/۷/۱۳/۰۰	تأمین ۳ دستگاه کنسول آلومینیومی برای شناور	۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲	۱۳۲ - ۶۸۲۰/۷/۲۳-۵/۰۰	تأمین جرثقیل دریایی هیدرولیک	۶,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

شرایط اختصاصی: کلیه متقاضیان می‌بایست: ۱- دارای جایگاه حقوقی بوده و تأیید صلاحیت مربوطه را داشته باشند. ۲- دارای توانایی مالی و فنی باشند. ۳- دارای حسن سابقه مرتبط باشند. ۴- دارا بودن گواهی‌نامه سمتا و یا الزام به اخذ آن

محل و مهلت فروش و نحوه دریافت اسناد: از تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۲ تا تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۵ غیر از ایام تعطیل رسمی از ساعت ۷ صبح تا ۱۸ از طریق مراجعه حضوری به آدرس: تهران - خیابان پاسداران - سازمان صنایع دریایی دفتر انتظامات شماره تلفن: ۲۲۷۷۴۱۰۸-۰۲۱ و ۲۲۷۷۴۱۰۶-۰۲۱

مهلت عودت و تحویل پیشنهادات: از زمان دریافت اسناد تا تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۵ ساعت ۱۰ - مبلغ فروش اسناد مناقصه ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال، واریز به‌حساب جاری ۱۱۷۷۸۰۰۶۶۲۵۰۱ به‌نام گروه صنایع شهید همتی نزد بانک سپه شعبه

مبلغ فروش اسناد مناقصه: ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال، واریز به‌حساب جاری ۱۱۷۷۸۰۰۶۶۲۵۰۱ به‌نام گروه صنایع شهید همتی نزد بانک سپه شعبه شهید چمران شاخص ۱۱۷۷

سایر شرایط و استانداردها و گواهی‌نامه‌های لازم در اسناد مناقصه اعلام شده است.

ایران
روابط عمومی
با ارتباط مردم
پاسخگوییم
تلفن: ۸۸۷۶۹۰۷۵
نمابر: ۸۸۷۶۹۰۷۴
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳
editorial@iran-newspaper.com

سال بیست‌وهفتم ■ شماره ۷۸۱۴ ■ یکشنبه ■ ۱۲ دی ۱۴۰۰ ■ ۲۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۳ ■ 2 Jan. 2022

ایران اقتصادی

رئیس اسبق ستاد بسیج اقتصادی در گفت‌وگو با «ایران» اعلام کرد:

توزیع هوشمند بازار را تنظیم می‌کند

صفحه ۸

«تأمین مالی زنجیره‌ای» آغاز شد

صفحه ۵

گزارش «ایران» از بسترسازی دولت برای مهار تورم

چرا تورم کاهشی می‌ماند؟

صفحه ۶

«ایران» از سوءمدیریت در برنامه ۱۰ ساله تأمین دانه‌های روغنی در کشور گزارش می‌دهد

بی‌تدبیری ۸۴ درصدی!

صفحه ۷

عکس: علی محمدی / ایران

۲۰۲۲ با نفت ۷۷ دلاری آمد

صفحه ۷

آغاز نخستین حراج الکترونیکی اموال تملیکی

صفحه ۶

ضرورت توسعه صادرات در گرو گسترش مؤسسات مالی توسعه‌ای غیر دولتی

محمد کهندل
اقتصاددان
و مدرس دانشگاه

مؤسسات مالی یا زنجیره مالی یک اقتصاد به‌طور کلی شامل چهار نوع مؤسسه مالی است. این مؤسسات عبارتند از؛ مؤسسات مالی سپرده‌ای مثل بانک‌ها و مؤسسات مالی اعتباری غیر بانکی، مؤسسات مالی قراردادی مثل صندوق بازنشستگی، سازمان تأمین اجتماعی و شرکت‌های بیمه، مؤسسات مالی سرمایه‌گذاری مثل سازمان بورس و مؤسسات مالی توسعه‌ای مثل صندوق توسعه ملی. در حال حاضر مؤسسات مالی توسعه‌ای در کشور به بلوغ کافی دست پیدا نکرده و بیشترین بار مؤسسات توسعه‌ای را دولت به‌عهده گرفته است. این موضوع نشانگر این است که در بخش عمومی اقتصاد ضرورت و اهمیت این نوع از مؤسسات مالی وجود دارد ولی در بخش خصوصی این مهم را یا از وظایف دولت می‌دانند یا از ضرورت و اهمیت آن اطلاع ندارند. در هر دو صورت عدم بلوغ کافی تنها واژه‌ای است که در این ارتباط می‌توان بکار برد. البته در این موضوع همه مقصریم. اولین آنها من کارشناس است. مؤسسه مالی توسعه‌ای، مؤسسه تأمین مالی‌ای است که منابع آن از طریق سهامداران تأمین می‌شود. این نوع مؤسسات می‌توانند بین‌المللی باشند مثل گروه بانک جهانی، می‌توانند منطقه‌ای باشند مثل بانک توسعه آسیا، بانک توسعه آفریقا و بانک توسعه اروپا، می‌توانند در سطح ملی باشند مثل صندوق توسعه ملی و می‌توانند برای یک بخش از اقتصاد یا یک صنف از مشاغل خاص مد نظر قرار بگیرند، همچون صنف پتروشیمی، صنف تولید پارچه، صنف تولید کفش، صنف تولید فرش، صنف زعفران‌کاران یا صنف مرکبات و أمثال اینها.

ادامه در صفحه ۶

«تأمین مالی زنجیره‌ای» آغاز شد

کار مشترک تیم اقتصادی دولت برای کاهش هزینه تولید و شفافیت در تخصیص منابع مالی

طرح شیوه‌های «تأمین مالی زنجیره‌ای» دیروز با امضای تفاهمنامه همکاری میان وزارت صنعت، معدن و تجارت، بانک مرکزی و هفت بانک عامل عملیاتی شد؛ در این روش، به جای شیوه سنتی دریافت تسهیلات مستقیم، فرایند تأمین مالی بنگاه‌ها به‌صورت پیوسته و در طول زنجیره‌های تأمین و مبتنی بر جریان واقعی کالا و خدمات صورت می‌گیرد.

هدف اصلی این طرح کاهش هزینه تمام‌شده محصول و تسریع در تأمین مالی بنگاه‌های تولیدی و اقتصادی است و با اجرایی شدن آن انحراف منابع کاملاً محدود می‌شود و شفافیت و کارآیی تخصیص منابع مالی افزایش می‌یابد.

تفاهمنامه همکاری با موضوع تأمین مالی زنجیره‌ای تولید دیروز با حضور علی صالح آبادی رئیس کل بانک مرکزی، رضا فاطمی امین وزیر صمت، احسان خاندوزی وزیر امور اقتصادی و دارایی و علی آقا محمدی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام به امضا رسید.

صالح آبادی، رئیس کل بانک مرکزی در این مراسم با بیان اینکه موضوع تأمین مالی تولید از اصلی‌ترین اولویت‌های نظام بانکی است، گفت: با اجرایی شدن طرح تأمین مالی زنجیره تولید نیاز به نقدینگی واحدها کمتر می‌شود و در نتیجه آن فشار بر سیستم بانکی کاهش خواهد یافت و شاهد بهبود ترازنامه بانک‌ها خواهیم بود.

وی با تأکید بر اینکه در این طرح به‌جای تمرکز صرف بر نقدینگی بر ابزارهای اعتباری تکیه خواهد شد گفت: سیاست مهم این است که از انحراف منابع بانکی در بازارهای غیرتولیدی و سفته‌بازانه جلوگیری و هدایت اعتباری در تولید محقق شود.

رئیس کل بانک مرکزی از دیگر ویژگی‌های این طرح را نظارت بر مصرف تسهیلات اعطایی به شبکه تولید خواند و گفت: بر اساس مکانیزم طراحی شده، صدور فاکتور از یک سامانه واحد انجام می‌شود در نتیجه شفافیت و نظارت بر مصرف تسهیلات و اعتبارات در بنگاه‌های تولیدی گسترده‌تر و نظام‌مند خواهد شد. رئیس شورای پول و اعتبار در ادامه مزیت این طرح را در کاهش مطالبات غیرجاری بانک‌ها برشمرد و گفت: در بحث مطالبات غیرجاری قطعاً به‌دلیل نظام‌مند شدن اعطای تسهیلات و رصد آن شاهد کاهش بدهی‌ها و مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی خواهیم بود ضمن آنکه هزینه تمام شده محصول با اجرایی شدن طرح تأمین مالی زنجیره‌ای کاهش می‌یابد.

صالح‌آبادی کار مشترک بانک مرکزی، بانک‌ها و وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و اقتصادی و امور دارایی را بسیار مطلوب ارزیابی کرد و گفت: از امروز به‌صورت آزمایشی در هفت بانک عامل صنعت و معدن، صادرات، ملی، ملت، تجارت، پارسیان و مسکن با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت زنجیره تأمین مالی تولید در حوزه‌های فلزات، خودرو، ساختمان، لوازم خانگی، صنایع غذایی، محصولات پتروشیمی، ماشین‌آلات و تجهیزات فعال خواهد شد و سپس به مرور به صنایع دیگر نیز تعمیم خواهد یافت.

■ وزیر صمت: کار مشترک حاصل هماهنگی تیم اقتصادی است

در ادامه جلسه وزیر صنعت، معدن و تجارت این تفاهمنامه را یک کار مشترک و هماهنگ و نمود عینی برای هماهنگی تیم اقتصادی برشمرد و با بیان اینکه با اجرایی شدن این طرح ضمن تسهیل دسترسی تولیدکنندگان به منابع بانکی از انحراف این منابع ممانعت به عمل می‌آید گفت: بازگشت‌پذیری تسهیلات به بانک‌ها و حذف فاکتورهای صوری و دسترسی سهل تولیدکنندگان در دریافت اعتبارات از ویژگی‌های مهم این طرح است.

فاطمی امین وزیر صنعت، معدن و تجارت با تأکید بر اینکه این طرح امروز با حضور هفت بانک عامل به‌صورت آزمایشی انجام می‌شود، گفت: طرح تأمین مالی زنجیره‌ای کمک مؤثری برای نظام بانکی در مدیریت و هدایت اعتباری است و در مقابل نیز واحدهای تولیدی به‌صورت آسان‌تر و زنجیره‌ای اعتبارات لازم را برای فعالیت خود دریافت خواهند کرد.

وی با بیان اینکه با این طرح شاهد حذف فاکتورهای صوری در اعطای تسهیلات خواهیم بود تأکید کرد: زیرساخت‌های لازم در سامانه جامع تجارت مبنا عمل قرار می‌گیرد و تأمین مالی زنجیره‌ای در این بستر انجام خواهد گرفت.

به‌گفته وزیر صنعت، معدن و تجارت اجرای تفاهمنامه تأمین مالی زنجیره‌ای باعث افزایش ۳۰ درصدی دسترسی بنگاه‌های اقتصادی به منابع مالی خواهد شد.

■ وزیر اقتصاد: تأمین مالی زنجیره‌ای حلقه مقاومت در برابر تحریم‌هاست

وزیر امور اقتصادی و دارایی این کار مشترک را نمونه هم‌افزایی بین بانک‌ها و وزارت صنعت، معدن و تجارت خواند و گفت: امیدواریم این اقدامات و همکاری‌ها حلقه‌ای برای زنجیره مقاومت در برابر تحریم‌ها و برای تولیدکنندگان در شرایط کنونی اقتصادی که تحت فشار تحریم‌های ظالمانه است کمکی مفید باشد.

خاندوزی تأمین مالی زنجیره تولید را منتج به ارزان کردن هزینه تولید و سامان‌مند کردن اعطای اعتبارات به بنگاه‌های تولیدی و اقتصادی خواند و گفت: این هم‌افزایی در مسیر تولید سال‌های طولانی به‌عنوان دغدغه اصلی مطرح می‌شد و در گزارش‌های ارزیابی موانع کسب و کار در صدر سه اولویت اصلی قرار داشت.

وی افزود: این اقدامات نه تنها به تولید کمک شایانی خواهد کرد بلکه موجب انسجام و ضابطه‌مند شدن اعطای اعتباری و تسهیلات در واحدهای تولیدی خواهد شد و بر این اساس صف و تقاضاهای صوری برای دریافت تسهیلات از بین خواهد رفت و با این اقدام با کمترین اعتبار بیشترین پوشش را در بحث اعطای تسهیلات در تولید را شاهد خواهیم بود.

وزیر امور اقتصادی و دارایی از ویژگی‌های مهم این طرح را تحول ساختاری خواند و گفت: امیدواریم این هم‌افزایی تعمیم و تداوم یابد و همچون گذشته شاهد پشتیبانی تولید توسط شبکه بانکی باشیم.

SEECO
شرکت مهندسی توسعه سایپا
مناقصه عمومی سایپا
نوبت دوم
شماره TEG1400/338-08
شرکت مهندسی توسعه سایپا در نظر دارد نسبت به انتخاب پیمانکار جهت خرید المان‌های اعلام حریق پروژه راه‌اندازی طبقه سوم ساختمان اصلی مرکز تحقیقات و نوآوری سایپا طبق اسناد اقدام نماید.
لذا از کلیه تأمین‌کنندگان دارای رزومه کاری مرتبط دعوت می‌شود جهت کسب اطلاع و ارسال پیشنهاد فنی و بازرگانی از روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۱ به سایت www.seeco.ir مراجعه نمایند.

SEECO
شرکت مهندسی توسعه سایپا
مناقصه عمومی سایپا
نوبت دوم
شماره TEG1400/290-04
شرکت مهندسی توسعه سایپا در نظر دارد تعداد حداقل هفت دستگاه روبات دست دوم جهت انجام فرآیند جوشکاری خریداری نماید.
لذا از کلیه تأمین‌کنندگان دارای رزومه کاری مرتبط دعوت می‌شود جهت کسب اطلاع و ارسال پیشنهاد فنی و بازرگانی از روز شنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۱ به سایت www.seeco.ir مراجعه نمایند.

مناقصه عمومی سایپا
● تأمین ۹۰۰ عدد فیلتر کیسه‌ای غیر ایستاده کلاس F7 ابعاد mm ۵۹۲×۵۹۲×۶۰۰ تعداد کیسه ۷
● تأمین ۱۰۰۰ عدد فیلتر کیسه‌ای غیر ایستاده کلاس F6 ابعاد mm ۵۹۲×۵۹۲×۶۵۰ تعداد کیسه ۷
● استاندارد مورد تأیید ۲۰۰۲
● مدیا مورد تأیید اروپایی برند IREMA
● جهت دریافت مشخصات فنی و پیمان، لطفاً به سایت اینترنتی www.saipacorp.com بخش مناقصه‌ها و مزایده‌ها (مناقصه الکترونیکی) و یا سایت اینترنتی https://pur.saipacorp.com مراجعه فرمایید.
● همچنین می‌توانید ما را در سایت اینترنتی https://auc.saipacorp.com نیز دنبال کنید.
معاونت بازرگانی گروه - مدیریت خرید ماشین‌آلات، ابزار و قالب

آگهی تجدید مناقصه
شماره ت ۴/ع/۱۴۰۰
پژوهشگاه نیرو
افزایش تاب‌آوری شبکه انتقال نیرو با استفاده از دکل موقت
پژوهشگاه نیرو در نظر دارد برون سپاری افزایش تاب‌آوری شبکه انتقال نیرو با استفاده از دکل موقت مورد نیاز خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی، به پیشنهاد دهنده واجد صلاحیت واگذار نماید، لذا از کلیه اشخاص حقوقی که دارای توان مالی، اجرایی، کادر فنی مجرب و سایر مجوزات قانونی از مراجع ذی ربط درزمینه خدمات فوق‌الذکر می‌باشند، دعوت به‌عمل می‌آید، ضمن واریز نمودن مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال به‌حساب شماره ۴۰۰۱۰۴۹۸۰۳۰۰۹۵۴۵ با شماره شبای IR ۶۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۴۹۸۰۳۰۰۹۵۴۵ و شناسه واریز ۳۹۸۰۴۹۸۷۴۱۴۳۵۰۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۹ به‌نام پژوهشگاه نیرو نزد بانک مرکزی قابل پرداخت می‌باشد و از تاریخ انتشار آگهی تا پایان وقت اداری روز شنبه، مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۵، جهت دریافت اسناد مناقصه با ارائه اصل معرفی‌نامه و فیش واریزی به آدرس: تهران، شهرک قدس، انتهای غربی بلوار شهید دادمان، پژوهشگاه نیرو، امور حقوقی قراردادها و رسیدگی به شکایات مراجعه نمایند.
لازم به ذکر است پژوهشگاه نیرو در رد یا قبول کلیه پیشنهادها مختار می‌باشد. همچنین هزینه درج یک نوبت آگهی به‌عهده برنده مناقصه خواهد بود.
پژوهشگاه نیرو

اطلاعیه
سازمان امور مالیاتی کشور
قابل توجه کلیه خریداران طلا، جواهر و پلاتین
باتوجه‌به اجرایی‌شدن قانون دائمی‌مالیات بر ارزش افزوده از تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۳ به‌اطلاع می‌رساند، از تاریخ یاد شده اصل طلا، جواهر و پلاتین به کار رفته در مصنوعات ساخته شده از فلزات مزبور معاف از مالیات بر ارزش افزوده بوده و فقط «اجرت ساخت، حق‌العمل و سود فروشنده» مشمول مالیات و عوارض با نرخ نه درصد (۹%) می‌شود.
۰۲۱-۳۵۰۱۹ ستاد خبری دفتر مرکزی حراست
۱۵۲۶ مرکز ارتباط مردمی
روابط عمومی سازمان امور مالیاتی کشور ۳۳۷۶-۱۲۵۲۲۲۸

اخبار

آغاز نخستین حراج الکترونیکی اموال تملیکی

سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی اعلام کرد: نخستین حراج اموال تملیکی به‌صورت الکترونیک از دیروز با ۱۰ پارتی از استان تهران برای عموم مردم در دسترس است.

بر این اساس، متقاضیان برای شرکت در حراج‌های اموال تملیکی نیاز است ابتدا با انجام ثبت‌نام، احراز هویت شوند و سپس کیف پول الکترونیکی خود را معرفی کنند. این سازمان اعلام کرد: متقاضیان برای رؤیت شرایط عمومی فروش، همچنین شماره تلفن و آدرس مدیریت اموال تملیکی استان تهران از امروز به نشانی www.haraj.tamliki.ir مراجعه کنند. همچنین بازدید از کالاهای مطرح شده در حراج الکترونیک از روز ۱۱ تا ۱۴ دی‌ماه سال‌جاری از ساعت ۹ صبح تا ۱۴ امکان‌پذیر خواهد بود. در همین حال هفته گذشته حراج حضوری فرش‌های موجود در انبارهای اموال تملیکی استان تهران طی ۳ روز برگزار شد. سیدعبدالمجید اجتهادی، مدیرعامل سازمان اموال تملیکی در این باره اظهار کرد: این حراج نیز همانند دیگر حراج‌های حضوری با استقبال گسترده همراه شد و بیش از ۷۰ درصد تعداد فرش‌های مطرح شده به فروش رسید./ **سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی**

ادامه از صفحه ۵

ضرورت توسعه صادرات در گروگسترش مؤسسات مالی توسعه‌ای غیر دولتی

طرح مؤسسات توسعه‌ای در استان‌ها و شاخ و برگ دادن به صندوق توسعه مالی در حدی که هدایت منابع صندوق را به سمت فعالیت‌های مزیت‌دار و دانش‌بنیان با رعایت پرهیز از رانت‌پروری باشد امری پسندیده است. ولی افزایش بار مسئولیت فعالیت‌های توسعه‌ای بر دولت و صندوق یک راهبرد خطا و متوقع کردن بخش خصوصی بر خلاف موضوع رقابت و شفافیت و کوچک کردن دولت است. زایش رانت و به دنبال آن ایجاد منفذهای جدید فساد برای اقتصاد و کشور نیز نتایج مورد نظر ما نیست.

اینطور نیست که سهامداران مؤسسات توسعه‌ای دولت یا دولت‌ها باشند. یک مؤسسه توسعه‌ای منطقه‌ای بین چند کشور یا یک قاره برای سرمایه‌گذاری جهت ایجاد خدماتی که برای همه آن کشورها لازم است تشکیل می‌شود. ایران اسلامی در مرحله جهش اقتصادی قرار گرفته است و با برنامه‌ریزی و بکارگیری امکانات و مدیریت صحیح، هیچ قدرتی توان بازدارندگی آن را ندارد. هژمونی ایران مستقل و قدرتمند در منطقه زمینه تصمیمات و اقدامات بزرگ را برای مدیران کشور فراهم ساخته است. اینک وقت و زمان آن رسیده است که شرایط قانونی و اجرایی لازم برای ایجاد مؤسسات توسعه‌ای صنفی با سهامداران اعضای هر صنف تشکیل شود. از محل سهام سهامداران مؤسسه توسعه هر صنف برنامه توسعه‌ای تهیه نماید و برای مسائل مشترک صنف چون استانداردسازی محصول و توسعه بازار چاره‌اندیشی نمایند. یکی از مسائل مشترک هر صنف موضوع صادرات محصول به بازارهای کشورهای دیگر است. در این ارتباط می‌توان مؤسسه توسعه صنفی مثلاً پوشاک با سهامداری اعضای همین صنف ایجاد کرد، ضمن اینکه بر دولت باری اضافه نشده و مهمتر اینکه منابع توسط متولیان امر و با شناخت دقیقی که از بازار دارند تأمین می‌شود و منافع آن نیز متوجه اعضای صنف و سهامداران آن مؤسسه خواهد شد. این موضوع قدم بزرگی برای حمایت از تولید و تصرف بازارهای دیگر کشورها خواهد بود.

گزارش «ایران» از بسترسازی دولت برای مهار تورم

چرا تورم کاهشی می‌ماند؟

کارشناسان می گویند با تغییر و اصلاح سیاست های پولی در ماه های اخیر که نتایج آن در پاییز امسال نمایان شد، روند افت تورم ادامه خواهد داشت و بزودی منجر به توقف گرانی ها خواهد شد

گروه اقتصادی/ پس از رکوردشکنی‌های تورم از سال گذشته، تازه‌ترین گزارش‌ها از روند شاخص قیمت مصرف کننده درکشور حاکی از کاهش شتاب این شاخص مهم و تأثیرگذار برای معیشت مردم است. درحالی که در شهریور ماه امسال تورم ماهانه ۳،۹ درصد و تورم نقطه‌ای (نسبت به ماه مشابه سال قبل) ۴۳،۷ درصد و تورم سالانه ۴۵،۸ درصد رشد نشان داد، از مهرماه آثار تغییر سیاست‌های دولت بخصوص در بخش پولی نمایان شد. در مهر ماه تورم ماهانه به ۳،۷ درصد رسید و تورم نقطه‌ای با افت قابل توجهی ۳۹،۲ درصد شد و تورم سالانه هم با ۴ دهم درصد افت، روی عدد ۴۵،۴ درصد ایستاد. درآبان ماه روند کاهش شتاب تورم سرعت گرفت که این روند بخصوص در اقلام خوراکی بیشتر محسوس بود. بدین ترتیب دراین ماه تورم ماهانه به ۲،۵ درصد عقب نشینی کرد. تورم نقطه‌ای و سالانه نیز به ترتیب به ۳۵،۷ و ۴۴،۴ درصد رسید. طبق تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران، در آخرین ماه پاییز رشد ماهانه تورم با ۱،۷ درصد، به زیر ۲ درصد رسید. تورم نقطه‌ای آذر ۳۵،۲ درصد و تورم سالانه آن ۴۳،۴ درصد شد.

در حالی در فصل پاییز شاهد افت ۸،۵ درصدی تورم نقطه‌ای هستیم که طبق اعلام رئیس‌جمهور با تغییر و اصلاح سیاست‌های غلط گذشته این روند درماه‌های آینده نیز ادامه خواهد داشت. روز دهم دی ماه آیت‌الله رئیسی در دیدار با آیت‌الله نوری همدانی با بیان اینکه گرانی‌های اخیر نتیجه تصمیمات نادرست گذشته است، گفت: آثار تصمیمات دولت در ماه‌های آینده روشن می‌شود.

سیدابراهیم رئیسی در این دیدار با بیان اینکه سیر نزولی تورم ادامه دارد و تورم بزودی متوقف می‌شود، گفت: دولت سیزدهم برای کنترل تورم اقداماتی انجام داده و همچنین برخی فعالیت‌های تورم‌زا را متوقف کرده است و براساس همین تصمیم‌ها شاهد روند کاهشی تورم هستیم.

■ **چرا تورم کاهشی می‌ماند؟**

با تغییر و اصلاح سیاست‌های پولی که نتایج آن درفصل پاییز امسال نمایان شده است، زمینه عقبگرد شاخص تورم به محدوده‌های پایین‌تر فراهم شده است. روندی که با تداوم این سیاست‌ها طی ماه‌های آینده نیز ادامه خواهد یافت و در نهایت باعث توقف گرانی‌ها و سپس کاهش تدریجی قیمت‌ها می‌شود.

در دولت سیزدهم، سیاست‌هایی که به استقراض از بانک مرکزی منجر شده بود، متوقف شد و بر همین اساس روند شتابان پایه پولی یا همان چاپ و تزریق پول پرقدرت به اقتصاد کاهشی شده است و در رشد نقدینگی نیز همین اتفاق افتاده است.

طبق آمار بانک مرکزی در نخستین ماه امسال نرخ رشد پایه پولی ۲۷،۴ درصد و حجم آن ۴۶۵ هزار میلیارد تومان بود. در اردیبهشت و خرداد ماه نیز به ترتیب نرخ رشد پایه پولی به ۳۱،۵ و ۳۰،۷ درصد رسید، اما آثار کسری بودجه درنخستین ماه تابستان نمایان شد و بالاترین رشد پایه پولی دریک دهه اخیرثبت شد. در تیرماه امسال پایه پولی به بیش از ۵۱۷ هزارمیلیارد تومان رسید که نسبت به ماه مشابه سال قبل ۴۲،۶ درصد افزایش داشت. در مرداد ماه نیز هرچند اندکی از رشد پایه پولی کاسته شد ولی همچنان نرخ رشد آن با ۴۲،۱ درصدی بالای ۴۲ درصد بود. دراین ماه حجم پایه پولی به ۵۱۵ هزار میلیارد تومان بالغ شد. اما از شهریورماه به‌عنوان نخستین ماهی که دولت سیزدهم به‌صورت کامل درآن فعالیت داشت، شاهد افت قابل توجه نرخ رشد پایه پولی هستیم. بدین ترتیب نرخ رشد پایه پولی از بالای ۴۲ درصد در ماه‌های تیر و مرداد به ۳۹،۵ درصد در شهریورماه محدود شد و حجم آن به ۵۱۸ هزارمیلیارد تومان رسید. در مهر ماه نیز شاهد تداوم کاهش شتاب این شاخص هستیم. دراین ماه نرخ رشد پایه پولی به ۳۶،۴ درصد و حجم آن نیز به ۵۳۰ هزار میلیارد تومان رسید. نگاهی به روند رشد پایه پولی نشان می‌دهد که در مهرماه رشد این متغیر در مقایسه با تیرماه ۶،۲ درصد کمترشده است. برمبنای تازه‌ترین گزارش بانک مرکزی درآبان ماه امسال هم رشد پایه پولی به ۳۵،۸ درصد رسید که اختلاف زیادی نسبت به ابتدای تابستان امسال دارد.

بدین ترتیب رشد این شاخص تأثیرگذار در تورم درمقایسه با تیرماه امسال نزدیک به ۷ درصد کمتر شده است. به طور قطع با تداوم این روند در ماه‌های پیش رو باید انتظار نرخ‌های تورمی به مراتب پایین‌تر بود.

■ **مهارغول نقدینگی**

بر پایه اطلاعات ارائه شده از سوی بانک مرکزی حجم نقدینگی در پایان آبان‌ماه سال ۱۴۰۰ (معادل ۴۳۱۵۹،۵ هزار میلیارد ریال) نسبت به پایان سال ۱۳۹۹ معادل ۲۴،۲ درصد رشد یافته است که ۲،۴ واحد درصد از رشد نقدینگی در هشت ماهه ابتدای سال‌جاری مربوط به اضافه شدن اطلاعات خلاصه دفترکل دارایی‌ها و بدهی‌های بانک مهر اقتصاد به اطلاعات خلاصه دفترکل دارایی‌ها و بدهی‌های بانک سپه (بواسطه ادغام بانک‌های متعلق به نیروهای مسلح در بانک سپه) است و فاقد آثار پولی است.

بر همین اساس نرخ رشد نقدینگی در دوازده ماهه منتهی به آبان‌ماه ۱۴۰۰ به ۴۲ درصد رسید که ۲،۷ واحد درصد از آن مربوط به افزایش پوشش آماری مذکور است. به عبارت دیگر در صورت عدم لحاظ پوشش آماری مذکور، رشد نقدینگی در پایان آبان‌ماه ۱۴۰۰ نسبت به پایان سال ۱۳۹۹ معادل ۲۱،۸ درصد و در دوازده ماه منتهی به آبان‌ماه ۱۴۰۰ معادل ۳۹،۳ درصد می‌بود. البته ذکر این نکته ضروری است، پس از تجمیع اطلاعات خلاصه دفتر کل بانک مهر اقتصاد با اطلاعات بانک سپه و تسری آن به سال‌های قبل، ارقام مربوط به رشد نقدینگی تعدیل خواهد شد.

رشد پایه پولی در دوازده ماه منتهی به آبان‌ماه ۱۴۰۰، معادل ۳۵،۸ درصد بوده است. ذکر این نکته ضروری است که پایه پولی در پایان آبان‌ماه ۱۴۰۰ نسبت به پایان سال ۱۳۹۹، رشدی معادل ۱۷،۸ درصد داشته که در مقایسه با رشد متغیر مذکور در دوره مشابه سال قبل (۱۲،۸ درصد) به میزان ۵،۰ واحد درصد افزایش یافته است.

■ **عملیات بازار باز در خدمت مهار تورم**

در آبان‌ماه ۱۴۰۰ همانند ماه‌های گذشته با هدف مدیریت نقدینگی بازار بین‌بانکی ریالی، بانک مرکزی در تعامل با بانک‌ها اقدامات اعتباری متعددی را انجام داده است. در همین راستا، انجام عملیات بازار باز با موضع انبساطی مجموعاً به ارزش ۱۲۸۴،۳ هزار میلیارد ریال در قالب توافق بازخرید با سررسیدهای ۷ روزه (مانده توافق بازخرید از محل عملیات بازار باز در پایان آبان‌ماه معادل ۳۴۴،۴ هزار میلیارد ریال بوده است) و استفاده بانک‌ها از اعتبارگیری قاعده‌مند در نرخ سقف برای رفع نیازهای نقدینگی جمعاً با ۲۹۱،۷ هزار میلیارد ریال (مانده اعتبارگیری قاعده‌مند در پایان آبان‌ماه معادل صفر بوده است) از جمله این اقدامات بوده است.

براساس اعلام وزارت امور اقتصادی و دارایی، کارگزاری این بانک تا پایان آبان ماه سال‌جاری، نوزده مرحله حراج اوراق مالی اسلامی دولتی برگزار کرد که در مجموع، ۵۰۷،۷ هزار میلیارد ریال اوراق مالی اسلامی دولتی توسط بانک‌ها و سایر سرمایه‌گذاران خریداری شد. علاوه بر این، در هشت‌ماهه نخست سال‌جاری از محل سهمیه ارزی سال ۱۴۰۰ در حدود ۱۱،۹ میلیارد دلار ارز با نرخ ترجیحی به‌صورت نقدی و اعتباری به واردات کالاهای اساسی، دارو، تجهیزات پزشکی و نیز واکسن کرونا اختصاص یافته است که مشخصاً حدود ۱،۴ میلیارد دلار آن بابت تأمین ارز واردات واکسن کرونا بوده است.

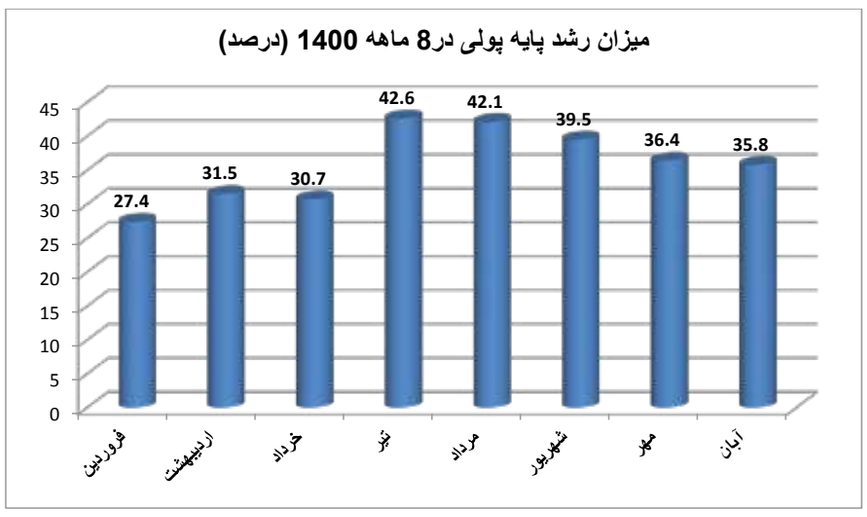

آگهی مزایده عمومی یک مرحله‌ای

شماره ۱۱۹/م/ع/۱۴۰۰

شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش (متعلق به سازمان منطقه آزاد کیش)

- **مزایده گزار:** شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش
- **موضوع مزایده:** واگذاری استیجاری تعداد ۸ واحد غرف تجاری به‌شماره‌های، NE-114 (شماره پلاک ۱۷۹)، NE-115 (شماره پلاک ۱۷۸)، NE-116 (شماره پلاک ۱۷۷)، NW-116 (شماره پلاک ۱۵۲)، NW-117 (شماره پلاک ۱۵۳)، NW-118 (شماره پلاک ۱۵۴)، NW-119 (شماره پلاک ۱۵۵)، NW-120 (شماره پلاک ۱۵۶) واقع در جزیره کیش، بازار ونوس، طبقه اول
- **مبلغ برآورد اولیه و تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار مطابق جداول به‌شرح ذیل:**

جدول غرف تجاری بازار ونوس

ردیف	نام مجتمع	کاربری	طبقه	شماره واحد	کل مساحت	مبلغ پایه اجاره بهای ماهیانه	مبلغ سپرده شرکت در مزایده (ریال)
۱	بازار ونوس	تجاری	اول	NE-116 (177)	۷۲/۰۰	۹۰ ، ۰۰۰ ، ۰۰۰	۴ ، ۵۰۰ ، ۰۰۰
۲	بازار ونوس	تجاری	اول	NE-115 (178)	۷۲/۰۰	۹۲ ، ۰۰۰ ، ۰۰۰	۴ ، ۶۰۰ ، ۰۰۰
۳	بازار ونوس	تجاری	اول	NE-114 (179)	۶۲/۰۰	۸۳ ، ۰۰۰ ، ۰۰۰	۴ ، ۱۵۰ ، ۰۰۰
۴	بازار ونوس	تجاری	اول	NW-116(152)	۷۲/۶۰	۸۸ ، ۰۰۰ ، ۰۰۰	۴ ، ۴۰۰ ، ۰۰۰
۵	بازار ونوس	تجاری	اول	NW-117 (153)	۶۲/۶۰	۸۰ ، ۰۰۰ ، ۰۰۰	۴ ، ۰۰۰ ، ۰۰۰
۶	بازار ونوس	تجاری	اول	NW-118 (154)	۶۲/۶۰	۸۰ ، ۰۰۰ ، ۰۰۰	۴ ، ۰۰۰ ، ۰۰۰
۷	بازار ونوس	تجاری	اول	NW-119 (155)	۷۲/۶۰	۸۸ ، ۰۰۰ ، ۰۰۰	۴ ، ۴۰۰ ، ۰۰۰
۸	بازار ونوس	تجاری	اول	NW-120 (156)	۷۲/۶۰	۸۸ ، ۰۰۰ ، ۰۰۰	۴ ، ۴۰۰ ، ۰۰۰

- **تاریخ فروش اسناد مزایده:** از تاریخ درج آگهی در سایت شرکت (idctender.kish.ir) تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۲ (حتی ایام تعطیل و جمعه‌ها)
- **آخرین مهلت زمان تحویل اسناد مزایده:** از تاریخ درج آگهی فروش اسناد تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۷ (حتی ایام تعطیل و جمعه‌ها)
- **محل‌های فروش اسناد مزایده و تحویل پاکات:**
  - **دفتر مرکزی:** جزیره کیش- میدان خلیج‌فارس - بلوار ایران - مجتمع پارس- بلوک ۱ - دبیرخانه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش - تلفن ۲۰- ۴۴۴۲۵۰۱۸-۰۷۶
  - **دفتر تهران:** بزرگراه آفریقا - بالاتر از چهارراه شهید حقانی (جهان کودک) - نبش خیابان کیش - ساختمان منطقه آزاد کیش - شماره ۴۵ - طبقه اول تلفن: ۸۸۸۸۰۲۶۰ - ۸۸۷۷۷۹۰۳ - ۲۸۴۲۹-۰۲۱
  - سایت شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش IDC.KISH.IR (مناقصه‌ها و مزایده‌ها) (idctender.kish.ir) (صرفاً فروش)
- **مبلغ فروش اسناد مزایده:** ۴ ، ۰۰۰ ، ۰۰۰ ریال وجه نقد که می‌بایست به‌حساب شماره ۱-۷۱۹۹۹۹۹-۱۰ به‌شماره شبا IR۴۰۰۷۰۰۰۰۱۰۰۰۲۲۷۱۹۹۹۹۹۰۰۱ نزد بانک رسالت به‌نام شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش واریز گردد. مبلغ خرید اسناد در سایت شرکت ۲ ، ۰۰۰ ، ۰۰۰ ریال می‌باشد.
- **نوع سپرده شرکت در مزایده که می‌بایست به یکی از سه روش ذیل ارائه شود:**
  - واریز نقدی به‌شماره حساب مندرج در آگهی و ارائه فیش بانکی مربوطه
  - ارائه ضمانت‌نامه بانکی بدون هرگونه قید و شرط به‌نام مزایده‌گزار مطابق ضوابط مندرج در اسناد مزایده
  - چک بانکی تضمینی در وجه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش
- **شرایط موضوع مزایده:**
  - کلیه پیشنهاددهندگان می‌بایست در ساعت ۱۰ صبح روز ۱۴۰۰/۱۰/۲۵ از محل موضوع مزایده بازدید نمایند و فرم بازدید از محل را به امضای مسؤول مربوطه برسانند. پیشنهاددهندگان می‌توانند به‌منظور هماهنگی با شماره ۰۷۶-۴۴۴۲۳۵۸۰ (اداره بازرگانی) تماس حاصل نمایند.
  - پرداخت هزینه‌های مصرفی آب، برق، گاز، تلفن، فاضلاب، شارژ و غیره مورد نیاز جهت موضوع مزایده بر عهده برنده مزایده می‌باشد و در صورت عدم پرداخت از تضمین انجام تعهدات وی کسر می‌گردد.
  - قرارداد استیجاری موضوع مزایده به‌صورت یک‌ساله می‌باشد.

- **سایر شرایط:**
  - هزینه درج هر نوبت آگهی و کارشناسی به نسبت مساحت هر غرفه به‌عهده برنده مزایده می‌باشد.
  - در صورت درخواست بیش از یک قطعه/غرفه/واحد لازم است به ازا، هر قطعه/غرفه/واحد به‌صورت مجزا اسناد مزایده خریداری گردد. لذا بدیهی است هر پیشنهاد برای هر یک از ردیف‌های موضوع مزایده می‌بایست در پاکات خریداری شده به‌صورت مجزا تکمیل و ارائه گردد.
  - شرکت کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مزایده آزاد است.
  - به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
  - به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش یا کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.
  - حداقل تعداد پیشنهاددهندگان در مرحله بازگشایی پاکات الف و ب سه پیشنهاد و پاکت ج دو پیشنهاد می‌باشد و پاکات مذکور، در ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۹ در جلسه کمیسیون معاملات در مرکز همایش‌های بین‌المللی کیش بازگشایی خواهند شد. حضور متقاضیان یا نماینده تام‌الاختیار پیشنهاددهندگان در جلسه بازگشایی در صورت ارائه معرفی‌نامه معتبر، مجاز می‌باشد.
  - مزایده‌گزار در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مخیر خواهد بود و ارائه اسناد مزایده هیچ‌گونه حقی برای پیشنهاددهندگان ایجاد نخواهد کرد.
  - سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مزایده درج گردیده است.

- **جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۴۴۴۲۵۰۱۲-۰۷۶ دبیرخانه کمیسیون معاملات تماس یا به سایت idc.kish.ir مراجعه فرمایید.**

دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش

آگهی تجدید مناقصه عمومی دومرحله‌ای

شماره ۱۲۲/ن/۱۴۰۰/۳

شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش (متعلق به سازمان منطقه آزاد کیش)

- **مناقصه‌گزار:** شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش
- **موضوع مناقصه:** تجدید مناقصه جهت تعمیر، رفع نواقص، بهروزرسانی و نگهداری تأسیسات برقی، مکانیکی و برودتی مرکز همایش‌های بین‌المللی تالار شهر و نمایشگاه بین‌المللی جزیره زیبای کیش
- **مدت قرارداد:** ۲۴ ماه شمسی پس از ابلاغ قرارداد
- **مبلغ برآورد اولیه:** مبلغ برآورد اولیه سال اول مبلغ ۱۱ ، ۷۶۰ ، ۰۰۰ ، ۰۰۰ ریال (یازده میلیارد و هفتصدو شصت میلیون ریال)
- **تاریخ فروش اسناد مناقصه:** از تاریخ درج آگهی ۱۴۰۰/۱۰/۱۱ در سایت شرکت (idctender.kish.ir) تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۲ (حتی ایام تعطیل و جمعه ها)
- **آخرین مهلت زمان تحویل اسناد مناقصه:** از تاریخ درج آگهی تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۶
- **محل فروش اسناد مناقصه و تحویل پاکات:**
  - **دفتر مرکزی:** جزیره کیش- میدان خلیج‌فارس- بلوار ایران- مجتمع پارس- بلوک ۱ - دبیرخانه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش - تلفن ۲۰- ۴۴۴۲۵۰۱۸-۰۷۶
  - **دفتر تهران:** بزرگراه آفریقا- بالاتر از چهارراه شهید حقانی (جهان کودک)- نبش خیابان کیش- ساختمان منطقه آزاد کیش- شماره ۴۵- طبقه اول تلفن: ۸۸۸۸۰۲۶۰-۸۸۷۷۷۹۰۳-۰۲۱
  - سایت شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش/ بخش مناقصات و مزایده‌ها / idctender.kish.ir (صرفاً فروش)
- **مبلغ خرید اسناد مناقصه:** ۴ ، ۰۰۰ ، ۰۰۰ ریال وجه نقد که می‌بایست به‌حساب شماره ۱-۷۱۹۹۹۹۹-۱۰ به‌شماره شبا IR۴۰۰۷۰۰۰۰۱۰۰۰۲۲۷۱۹۹۹۹۹۰۰۱ نزد بانک رسالت به‌نام شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش واریز گردد. مبلغ خرید اسناد در سایت شرکت ۲ ، ۰۰۰ ، ۰۰۰ ریال می‌باشد.
- **مبلغ و نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:** مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۵۸۸ ، ۰۰۰ ، ۰۰۰ ریال است که به یکی از سه روش ذیل می باید ارائه گردد:
  - واریز نقدی به‌شماره حساب ۱-۷۱۹۹۹۹۹-۱۰ به‌شماره شبا IR۴۰۰۷۰۰۰۰۱۰۰۰۲۲۷۱۹۹۹۹۹۰۰۱ نزد بانک رسالت به‌نام شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش و ارائه فیش بانکی مربوطه
  - ضمانت‌نامه بانکی غیرمشروط با اعتبار سه ماه و قابل تمدید برای سه ماه دیگر، مطابق نمونه مندرج در اسناد، به‌عنوان تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (وجه التزام) به دستگاه مناقصه‌گزار تسلیم می‌شود.
  - چک بانکی تضمینی در وجه شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش

- **شرایط جهت شرکت در مناقصه:**
  - پیشنهاددهندگان می‌بایست تصویر برابر اصل رتبه بندی پیمانکاری از سازمان برنامه و بودجه کشور (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و یا معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری) را ارائه نمایند. مناقصه‌گزار باید دارای رتبه۴ در رشته تأسیسات و تجهیزات باشد و رونوشت را در پاکت((ب)) قرار دهند. در غیر این‌صورت به پیشنهاد مربوطه ترتیب اثر داده نخواهد شد.
  - پیشنهاددهندگان می‌بایست مدارک و مستندات مربوط به ارزیابی فنی را که در اسناد درج شده است، همچنین ارائه قرارداد مشابه با موضوع فرآیند ارجاع کار مطابق جدول مندرج در اسناد و رونوشت قرارداد در ۵ سال گذشته را در پاکت ب ارائه نمایند.
  - پیشنهاددهندگان مدارک مورد نیاز مربوط به ماده ۱۳ (فرم بازدید) و ماده ۱۵(ارزیابی فنی-بازرگانی) را در پاکت ((ب)) ارائه نمایند.
  - پیشنهاددهندگان مطابق اسناد مناقصه مورد ارزیابی کیفی قرار می‌گیرند و حداقل امتیاز قابل قبول برای پذیرفتن پیشنهادات ۶۰ می‌باشد.
  - شرکت‌کنندگان در مناقصه می‌بایست جهت هماهنگی برای بازدید از محل موضوع مناقصه با شماره تلفن ۴۴۴۲۱۵۷۰-۰۷۶ (دفتر مدیریت مرکز همایش ها) تماس حاصل نمایند.
  - تبصره۱: حضور نیافتن شرکت‌کننده در بازدید از محل مورد مناقصه و عدم تکمیل و ارائه فرم بازدید (فرم شماره ۶) تأیید شده از سوی کارفرما در اسناد مناقصه به منزله حذف از مناقصه خواهد بود.
  - درصورت عدم ارائه مدارک و مستندات فوق، پیشنهاددهنده از مناقصه حذف می‌گردد.
  - هزینه درج هر دو نوبت آگهی به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.
  - شرکت کلیه اشخاص حقوقی دارای صلاحیت در مناقصه آزاد است.
  - به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
  - به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش یا کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.
  - با عنایت به تجدید مناقصه حداقل تعداد پیشنهاددهندگان در مرحله بازگشایی پاکات الف، ب و ج **یک** پیشنهاد می‌باشد وپاکات مذکور، در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ در جلسه کمیسیون معاملات در مرکزهمایش‌های بین‌المللی کیش بازگشایی خواهند شد. حضور نماینده تام‌الاختیار پیشنهاددهندگان در جلسه بازگشایی درصورت ارائه معرفی‌نامه معتبر کتبی، مجاز می‌باشد.
  - مناقصه‌گزار در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مخیر خواهد بود و ارائه اسناد مناقصه هیچ‌گونه حقی برای پیشنهاددهندگان ایجاد نخواهد کرد.
  - سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه درج گردیده است.

- **جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۴۴۴۲۵۰۱۲-۰۷۶ دبیرخانه کمیسیون معاملات تماس یا به سایت idc.kish.ir و یا www.kish.ir مراجعه فرمایید.**

دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت سرمایه‌گذاری و توسعه کیش

«ایران» از سوءمدیریت در برنامه ۱۰ ساله تأمین دانه های روغنی در کشور گزارش می دهد

بی تدبیری ۸۴ درصدی!

از مجموع ۱۰ و نیم میلیارد دلار ارزش واردات کالاهای اساسی تا پایان امسال، یک سوم آن روغن و دانه های روغنی است

از سال ۹۴ وعده هایی به کشاورزان برای تشویق به کشت دانه های روغنی داده شد

براساس طرح ۱۰ساله، از سال ۹۴ تا ۱۴۰۴، باید ۷۰ درصد نیاز کشور به روغن از محل تولید داخل تأمین شود ولی از سال آغاز طرح(سال۹۴) تا ۱۴۰۰ یعنی در ۶ سال فقط ۱۰ درصد افزایش تولید محقق شد و خوداتکایی دانه‌های روغنی از ۱۰ به ۱۶ درصد رسیده است.

طرح خوداتکایی دانه‌های روغنی یکی از هشت طرح خوداتکایی محصولات اساسی (برنج، جو، گندم، حبوبات، پنبه، چغندر قند، ذرت و دانه‌های روغنی) از نیمه دوم سال ۹۴ توسط وزارت جهاد کشاورزی آغاز شد. براساس اجرای این طرح ۱۰ ساله تا افق ۱۴۰۴، حداقل ۷۰ درصد نیاز کشور به روغن در داخل باید تأمین شود اما آمارها نشان می دهد اجرای این برنامه به هدف نرسیده است. با توجه به اینکه ۹۰ درصد روغن و دانه‌های روغنی مورد نیاز با واردات تأمین می‌شود و واردات آن نیز با ارز ۴۲۰۰ تومانی است، این کالاها در میان واردات کالاهای اساسی، ارز زیادی را به خود اختصاص می دهد. بر همین اساس، خودکفایی در تولید روغن، در برنامه کلان اقتصادی قرار گرفته اما این برنامه به هدف نرسیده است.

بررسی آخرین وضعیت واردات اقلام اساسی از ابتدای امسال تا آذر ماه نشان می دهد، ۱۹.۱ میلیون تن کالای اساسی به ارزش ۱۰.۵ میلیارد دلار با نرخ ۴۲۰۰ تومان تأمین ارز شده‌اند یعنی مجموع واردات اقلامی شامل گندم، ذرت، جو، انواع دانه‌های روغنی، روغن‌های خوراکی و بخشی از دارو، تجهیزات و ملزومات پزشکی.

جزئیات این گزارش نشان می‌دهد کالاهای اساسی که تا آذر امسال وارد شده است ۱.۹ میلیون تن انواع دانه‌های روغنی به ارزش ۱.۳ میلیارد دلار، ۱.۴ میلیون تن روغن خوراکی به ارزش ۱.۹ میلیارد دلار است.یعنی از مجموع ۱۰.۵میلیارد دلار ارزش واردات کالاهای اساسی ۳.۲ میلیارد دلار یعنی حدود یک سوم از ارز ترجیحی واردات کالاهای اساسی، برای واردات روغن و دانه‌های روغنی بوده است.

■ ۵۰ درصد رشد در ۴ سال

با توجه به عقب ماندن تولید دانه‌های روغنی از برنامه، برای رسیدن به هدف خودکفایی ۷۰ درصد لازم است در ۴ سال تولید این محصول ۵۰ درصد رشد کند تا کمبود تولید ۶ سال گذشته جبران شود. اما مسئولان و متولیان بخش تولید برنامه‌ای مشخص و قابل اجرا برای رسیدن به این میزان تولید ارائه نداده‌اند. علیرضا مهاجر، مجری طرح دانه‌های روغنی در وزارت جهاد کشاورزی که ازسال ۹۴ این مسئولیت را دارد به سؤالات ما در خصوص برنامه افزایش تولید دانه‌های روغنی پاسخ نداد.

■ کشت حمایت نشد

اما کارشناسان، دلایلی را برای عدم موفقیت برنامه افزایش تولید دانه‌های روغنی عنوان می کنند. قاسم پیشه‌ور، رئیس سازمان نظام صنفی کشاورزی، قیمت پایین خرید تضمینی دانه‌های روغنی را در کنار خشکسالی دلیل اصلی انگیزه پایین کشاورزان برای کشت دانه‌های روغنی می‌داند. او در این خصوص به «ایران» توضیح داد: قیمت خرید تضمینی دانه‌های روغنی نسبت به محصولات دیگر در سال‌های اخیر پایین‌تر بود و کشاورزان تمایل کمتری به تولید این محصول داشتند. در مقایسه با ذرت، گندم یا برنج قیمت خرید تضمینی دانه‌های روغنی کمتر بود اما امسال نرخ خرید تضمینی بیشتر شده و امید داریم کشاورزان بیشتر برای کشت دانه‌های روغنی اقدام کنند.

نرخ خرید تضمینی دو محصول اصلی دانه‌های روغنی یعنی کلزا و دانه سویا در سال ۹۹ به ترتیب ۷هزار و ۸۰۰ و ۶هزار و ۶۳۰، در سال ۱۴۰۰، ۱۱هزار و ۱۱هزار و ۴۰۰ تومان بود اما برای سال زراعی آینده نرخ این دو محصول به ترتیب ۱۵ هزار و ۱۵هزار و ۳۰۰ تومان تعیین شده است.

تا قبل از سال ۱۴۰۰، دولت مسئول تعیین نرخ خرید تضمینی بود که همواره نقدهایی به قیمت نسبت به تورم سالانه وارد می‌شد. اما از امسال و با تصویب مجلس، شورای قیمت‌گذاری متشکل از دولت و بخش خصوصی مسئول تعیین نرخ خرید تضمینی شده است. این شورا تا حدودی نرخ خرید تضمینی محصولات را به هزینه‌های تولید نزدیک کرده است.

رئیس سازمان نظام صنفی کشاورزی بااشاره به افزایش نرخ خرید تضمینی گفت: انتظار افزایش تولید دانه‌های روغنی را داریم اما در کنار افزایش نرخ خرید تضمینی، هزینه‌های تولید مانند ماشین آلات، حمل‌ونقل، کود و سم هم افزایش یافته است. متولیان تولید باید به این نکته توجه کنند که با توجه به ارزبری بالای واردات، با حمایت از تولید، صرفه‌جویی ارزی انجام گیرد.

بیشتر دانه‌های روغنی محصولاتی هستند که در نیمه دوم سال کشت می شوند بنابراین به‌عنوان محصول کم آب بر تلقی می‌شوند. به‌همین دلیل کشت این محصولات توصیه شده است؛ اما عدم حمایت از نوع کشت، باعث شده که تولید آن براساس برنامه رشد نداشته باشد. فعالان حوزه کشاورزی معتقدند حداقل قیمت خرید تضمینی برای دانه‌های روغنی در سال‌های گذشته تعیین شد که کشت را برای کشاورزان به صرفه نکرد و با اینکه دولت از سال ۹۴ وعده‌های زیادی را به کشاورزان داد اما تقریباً بیشتر وعده‌ها عملی نشد و همین موضوع باعث کاهش سطح زیر کشت شد.

■ چشم‌انداز تولید

سویا، کنجد، کلزا و آفتابگردان در برنامه کشت دانه‌های روغنی است. طبق برنامه ۱۰ساله باید سطح زیرکشت دانه‌های روغنی به ۷۰۰هزار هکتار برسد سطح زیر کشت دانه‌های روغنی درحال حاضر ۳۰۰هزار هکتار است. میزان تولید دانه‌های روغنی نیز در سال گذشته ۴۲۳ هزار تن بود که امسال به خاطر کم آبی احتمال کاهش تولید پیش‌بینی شده است.

افزایش قیمت هزینه‌های تولید ،کاهش بارش‌ها؛ در کنار قیمت خرید تضمینی پایین و افزایش قیمت جهانی، مشکلات تولید دانه‌های روغنی و روغن را افزایش داده است. نیاز کشور به روغن خام سالانه حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار تن است که فقط ۸ درصد آن از داخل تأمین می‌شود.

ظرفیت تولید روغن در کارخانه‌های ما ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تن است در حالی که نیاز سالانه یک میلیون و ۴۰۰ هزار تن است به‌همین دلیل بیشتر کارخانه‌ها با ظرفیت پایین تولید می‌کنند. بنابراین افزایش تولید دانه‌های روغنی می‌تواند ظرفیت خالی مانده کارخانه‌ها را پوشش دهد و حتی در برنامه‌ای بلند مدت، ایران توانایی صادرات روغن را خواهد داشت. نکته قابل توجه این است که در لایحه بودجه سال آینده مبلغ ۱۶۲ میلیارد تومان به منظور حمایت از توسعه کشت دانه‌های روغنی لحاظ شده که این رقم نسبت به اعتبار ۱۸۰ میلیارد تومانی امسال ۱۰ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

با توجه به ارزبری بالا، تولید دانه‌های روغنی، در صرفه‌جویی ارزی و مهم تر از آن تأمین امنیت غذایی نقش مهمی دارد. از سوی دیگر با توجه به اینکه در برنامه بودجه سال ۱۴۰۱، ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات روغن و دانه‌های روغنی تخصیص نیافته است، بنابراین حمایت از تولید، سهم بسزایی در کاهش قیمت تمام شده روغن دارد. به نظر می رسد با توجه به اهمیت حمایت از تولید و حمایت از مصرف کننده، متولیان تولید باید هرچه سریع‌تر برنامه‌های حمایت از افزایش تولید دانه‌های روغنی را در قالب برنامه الگوی کشت ارائه دهند.

گزارش

پایان سالی که قیمت نفت دو برابر و صادرات نفت ایران ۳ برابر شد

۲۰۲۲ با نفت ۷۷ دلاری آمد

گروه اقتصادی- سال ۲۰۲۲ میلادی با نفت خام بشکه‌ای ۷۷ دلار و ۷۸ سنت آغاز شد. اگرچه هنوز به خاطر شیوع ویروس کرونا از نوع Omicron نگرانی‌هایی در خصوص میزان تقاضا برای نفت وجود دارد اما قیمت‌های آغازین سال ۲۰۲۲ حدود ۵۰ درصد بالاتر از قیمت نفت خام در سال ۲۰۲۱ میلادی است. سال گذشته در چنین روزهایی قیمت هر بشکه نفت خام کمتر از ۵۰ دلار بود و بالاترین قیمتی هم که نفت خام در سال ۲۰۲۱ لمس کرد، ۸۳ دلار بود.

در همین حال صادرات نفت خام ایران نیز در این سال یک جهش را تجربه کرد و از حدود ۵۰۰ هزار بشکه به یک میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در روز رسید. به این ترتیب، ترمیم تأثیرات اقتصادی بحران کرونا در جهان، خروج اقتصادها از رکود و قرنطینه، هم روی قیمت جهانی نفت خام اثر مثبت داشت و هم میزان تقاضا برای نفت را بالا برد. این افزایش تقاضا برای ایران نیز فرصتی را فراهم کرد تا بازارش را حتی با وجود فشارهای امریکا گسترش دهد.

در سال ۲۰۲۱، یک اتفاق مهم نیز رقم خورد. در این سال برای اولین بار گاز طبیعی تعیین کننده قیمت نفت خام شد و رابطه میان این دو سوخت تغییر کرد. حالا،

برای سال جدید میلادی، یعنی ۲۰۲۲، پیش‌بینی می‌شود که در ابتدا قیمت‌ها اندکی کاهش داشته باشند؛ اما به مرور دوباره روند افزایشی قیمت آغاز خواهد شد. تا جایی که پیش‌بینی می‌شود، هر بشکه نفت خام قیمت‌های بالاتر از ۱۰۰ دلار را نیز بار دیگر تجربه کند.

قیمت‌ها در ابتدای سال کاهش می‌یابد، زیرا عدم اطمینان زیادی ناشی از نوع ویروس Omicron وجود دارد. پیش‌بینی می‌شود بازار شاهد افزایش عرضه نفت خام از سوی تولیدکنندگان بزرگ باشد و نگرانی‌هایی درباره میزان تقاضا وجود دارد. اما با وجود این اقتصادهای جهان بسرعت بهبود می‌یابند و همان طور که آژانس بین‌المللی انرژی و اوپک انتظار دارند مصرف جهانی نفت خام در پایان ۲۰۲۲ از مرز ۱۰۰ میلیون بشکه در روز فراتر می‌رود و این مسأله قیمت‌ها را به سمت ارقام بالاتر سوق خواهد داد. برای ایران نیز افزایش تقاضا در بازار جهانی نفت خام و قیمت‌های بالای نفت در ۲۰۲۲ می‌تواند زمینه‌ای برای گسترش بیشتر بازار شود.

رویترز به نقل از جان کیلداف تحلیلگر مؤسسه مدیریت دارایی اگین کپیتال درباره وضعیت بازار نفت می‌نویسد: «سال ۲۰۲۱ شاهد ترمیم بازار فرآورده‌های نفتی از جمله بنزین و سوخت جت بودیم... قیمت‌ها در بازار نفت نسبت به هرگونه اخبار مرتبط با کرونا حساس بود و هنوز هم این حساسیت وجود دارد. هنوز به طور کامل از بحران کرونا رها نشده‌ایم اما به سطح تقاضای قبل از کرونا نزدیک شده‌ایم.»

کریگ جیمز اقتصاددان مؤسسه کامسک نیز می‌گوید: «محدود شدن عرضه در رشد قیمت‌ها طی سال ۲۰۲۱ مؤثر بود.»

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران
مناقصه‌گزار: شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران به نشانی تهران، میدان جهاد، شماره ۲ به‌شماره ثبت: ۲۵۵۲۰ و شناسه: ۱۰۱۰۰۷۰۹۸۲۶
موضوع مناقصه: خرید، حمل، نصب و راه‌اندازی ۷ دستگاه دیزل ژنراتور ساختمان شماره ۱و۲ ستاد، سیلوی زنجان، سیلوی کمالوند خرم آباد، سیلوی کاشان، سیلوی گرگان و سیلوی گنبد
برآورد کار: ۱۶۶/۲۱۱/۷۲۸/۵۲۲ ریال
زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد: متقاضیان می‌توانند اسناد مناقصه را از تاریخ بارگذاری و همچنین انتشار آگهی به‌مدت ۷ روز تا مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۸ از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir دریافت نمایند.
هزینه تهیه اسناد: واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به‌حساب بانک مرکزی به‌شماره شبا IR ۷۵۰۱۰۰۰۰۰۰۴۰۰۱۰۵۸۲۰۲۰۰۵۹۱ و شناسه ۳۹۷۰۵۸۲۸۲۹۴۲۰۰۵۵۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰ قابل واریز در کلیه شعب بانک‌ها به‌صورت پایا جهت هر ردیف
مدت اعتبار پیشنهادها: سه ماه از تاریخ تحویل پاکات می‌باشد.
مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه: واریز وجه نقد به‌مبلغ ۸/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌عنوان سپرده شرکت در مناقصه به‌حساب شماره IR ۳۹۰۱۰۰۰۰۰۰۴۰۰۱۰۵۸۲۰۶۳۷۳۷۴۷ خزانه نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به‌نام شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران و یا ضمانت‌نامه بانکی بلاقید و شرط ۳ ماهه با تمدید اعتبار ۳ ماه دیگر
زمان و محل گشایش پیشنهادها: ساعت ۱۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۹ در محل شرکت به نشانی: تهران- خیابان فاطمی- نبش حجاب- شماره ۲۲۵- شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران (ساختمان شماره ۲)- طبقه دوم سالن جلسات خواهد بود.
نحوه تکمیل و تنظیم پاکات مناقصه: مناقصه‌گران می‌بایست بر طبق شرایط و دستورالعمل شرکت در مناقصه نسبت به تکمیل و تنظیم و ارسال پاکات اقدام نمایند.
زمان و نحوه ارسال پاکات مناقصه: مناقصه‌گران می‌بایست اسناد مناقصه را شامل پاکات الف و ب و ج در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir درج و در عین حال پاکات مذکور را ظرف مدت ۱۰ روز از آخرین روز تحویل اسناد تا روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ به نشانی تهران- میدان جهاد- شماره ۲- شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران- طبقه هفتم- دبیرخانه محرمانه خراست تحویل و رسید دریافت نمایند.
مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) می‌بایست مراحل ثبت‌نام در سایت www.setadiran.ir را انجام و گواهی امضای الکترونیکی را دریافت نمایند.
متقاضیان شرکت در مناقصه در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر می‌توانند به‌شماره تلفن ۸۲۳۹۹۷۴۶ تماس و همچنین آگهی فراخوان را از طریق نشانی اینترنتی www.gtc-portal.com ملاحظه نمایند. ضمناً اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه به‌شرح زیر می‌باشد. مرکز تماس: ۴۲۹۳۴-۰۲۱- دفتر ثبت‌نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۲۹۳۷۶۸
اطلاعات تماس دفاتر ثبت‌نام سایر استان‌ها، در سایت سامانه بخش «ثبت‌نام/ پروفایل تأمین‌کننده / مناقصه‌گر» موجود است.
شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران

آگهی مناقصه عمومی
شرکت سایپا پرس (سهامی خاص) در نظر دارد خدمات سرویس ایاب‌وذهاب پرسنل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از عموم متقاضیان شرکت در مناقصه دعوت به‌عمل می‌آید از تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۲ لغایت ۱۴۰۰/۱۰/۱۹ با مراجعه به سایت www.saipapress.net اسناد مناقصه را رؤیت، دریافت و تسلیم نمایند.
تلفن پاسخگویی: ۵۱۰۲۲۸۵۴-۵۱۰۲۲۸۴۷-۵۱۰۲۲۸۱۵

آگهی مناقصه عمومی
شرکت سایپا پرس (سهامی خاص) در نظر دارد حمل و نقل درون شهری محموله‌های شرکت را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از عموم متقاضیان شرکت در مناقصه دعوت به‌عمل می‌آید از تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۲ لغایت ۱۴۰۰/۱۰/۱۸ با مراجعه به سایت www.saipapress.net اسناد مناقصه را رؤیت، دریافت و به دبیرخانه حراست تسلیم نمایند.
تلفن پاسخگویی: ۵۱۰۲۲۸۵۴-۵۱۰۲۲۸۱۵-۵۱۰۲۲۸۴۷

آگهی مناقصه عمومی
نوبت اول
دو مرحله‌ای
شماره ۱۴۰۰/۰۲۷
شرکت پالایش نفت تندگویان
موضوع آگهی:
طراحی، تهیه، اجرا و راه‌اندازی ایجاد مسیر جدید آب آشامیدنی شهرک مروارید آخرین مهلت اعلام آمادگی و ارسال رزومه
تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۰۳
برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت WWW.BAORCO.IR و یا خبرگزاری شانا www.shana.ir و WWW.TENDER@NIORDC.IR مراجعه نمایید.
روابط عمومی و بین‌الملل

« آگهی ابلاغ »
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران
بدینوسیله به آقای دکتر امیرعباس هاشمی قمصری شاغل در مرکز بهداشت غرب تهران که به دلیل غیبت پرونده ایشان در هیأت تخلفات اداری کارکنان دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران در دست اقدام می باشد، ابلاغ می گردد که به موجب رأی قابل پژوهش شماره ۰۱۰۳۰۳۳۹۹۰۱۹۵۰۱ صادره از سوی هیأت محترم بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان به مجازات بازخرید خدمت با پرداخت سی و پنج روز حقوق مبنا محکوم شده اند. بدیهی است بر اساس ماده ۷۳ آیین دادرسی مدنی، در صورت داشتن اعتراض می توانید اعتراضیه خود را حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ انتشار این آگهی به واحد خدمتی و یا به این مدیریت تسلیم نمایید. بدیهی است پس از اتمام مهلت مذکور رأی فوق الذکر به طور قطعی قابل اجراء خواهد بود.
دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

نبض تهران با برق می‌زند
بهینه مصرف کنیم
آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
نوبت دوم
شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ (سهامی خاص)
شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد نسبت به خرید کنتور تک فاز هوشمند فهام امور نیاز خود از تولیدکنندگان داخلی واجد شرایط از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نماید.
● شرح مختصری از کالا(نوع، کمیت و کیفیت کالا):

شرح	خرید کنتور تک‌فاز هوشمند فهام ۱
شماره مناقصه سامانه ستاد	۲۰۰۰۰۹۲۷۳۴۰۰۰۰۱۳
شماره مرجع مناقصه	۰۰۱۰۱۰۲۶۲
مقدار	۱۰۰۰
واحد	دستگاه
مبلغ ضمانت‌نامه (ریال)	۱,۳۱۰,۰۰۰,۰۰۰
مهلت فروش اسناد	از روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۲ لغایت روز شنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۱۸
مهلت تحویل اسناد مناقصه به دستگاه مناقصه‌گزار	تا ساعت ۱۴ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۰۲
تاریخ بازگشایی	ساعت ۱۰ روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۰۳
ارزیابی کیفی	دارد
صلاحیت و گواهی‌نامه لازم	۱- ارائه پروانه بهره‌برداری به‌همراه گواهی ظرفیت تولید سالیانه الزامی است. ۲- احراز مشخصات فنی و الزامات طبق مستندات پیوست اسناد الزامی است. در صورت اخذ گواهی‌نامه احراز حداقل استانداردهای تولیدی برای کنتور تکفاز هوشمند فهام۱ از شرکت توانیر، این گواهی ارائه گردد. ۳- ارائه گواهی مصونیت در برابر میدان مغناطیسی با شدت بالاتر از ۲۰۰ mT همچنین مستندات و نتایج کلیه آزمون‌های نوعی و عملکردی انجام شده برای کنتور مورد نظر از آزمایشگاه های مورد تأیید شرکت توانیر الزامی است.
محل تحویل و بازگشایی اسناد	تهران- خیابان شیخ بهایی جنوبی- شهرک والفجر- انتهای کوچه سوم- اداره دبیرخانه شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ محل بازگشایی: سالن جلسات

● مبلغ و نوع سپرده شرکت در مناقصه: تضمین شرکت در مناقصه به‌شرح جدول فوق می‌باشد که مناقصه‌گران می‌بایست به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی، چک تضمین شده بانکی، واریز وجه به‌حساب جاری شماره ۰۱۰۱۸۰۱۱۷۰۰۴ بانک صادرات شعبه ملاصدرا به‌نام شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ، بلوکه از مطالبات تأیید شده نزد امور مالی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ ارائه نمایند.
به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن ترتیب اثر داده نخواهد شد.
● مبلغ ومحل فروش اسناد:
جهت شرکت در مناقصه، مبلغ ۱,۵۰۰,۰۰۰ ریال به‌صورت الکترونیکی صرفاً از طریق درگاه پرداخت اینترنتی سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir - اقدام به خرید اسناد نمایند. ضمنا کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران، بازگشایی پاکت‌ها، اعلام و قبول برندگی از طریق همین درگاه انجام خواهد شد و مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۲ می‌باشد.
به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان وامل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
● شرایط متقاضیان جهت شرکت در مناقصه:
- هزینه درج ۲ نوبت آگهی در روزنامه به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.
- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.
● نشانی‌های کسب اطلاعات بیشتر:
سایت شبکه اطلاع‌رسانی معاملات شرکت توانیر: www.tavanir.org.ir
سایت پایگاه ملی مناقصات: http://iets.mporg.ir
سایت شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ: http://www. tbtb.ir
روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ (سهامی خاص)

مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران
در هفدهمین نمایشگاه مجازی کتاب آذربایجان غربی
۸ تا ۱۴ دی ۱۴۰۰ به آدرس:
BOOK.ICFI.IR
آدرس و شماره تماس مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران:
تهران، خیابان خرمشهر، پلاک ۱۶، واحد۳ - تلفن: ۹۵ و ۸۸۵۴۸۸۹۲

http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir
ایران اقتصادی

علی محمدی/ ایران

رئیس اسبق ستاد بسیج اقتصادی در گفت‌وگو با «ایران» اعلام کرد:

توزیع هوشمند بازار را تنظیم می کند

ستاد تنظیم بازار باید دست کسی بالاتر از وزیر باشد تا نظارت‌ها پاسخ دهد

مریم آریایی
خبرنگار

افزایش قیمت و کمبود برخی کالاها در سال‌های اخیر فشار مضاعفی بر معیشت مردم وارد کرد؛ آمارها گویای عمق این فشار اقتصادی است آنجا که فقط در سال ۱۳۹۹ قیمت انواع کالاهای اساسی ۴۰ تا ۱۱۳ درصد افزایش یافت. سوی دیگر این ماجرا مدیریت ناهماهنگ وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی بود که نمود بارز نتایج آن در بازار آشفته مرغ و تخم مرغ دیده می‌شد؛ بازاری که بعد از تمرکز مدیریت در وزارت جهاد کشاورزی و توزیع هوشمند در یک ماه اخیر بالاخره آرام گرفت و این بازار بعد از یک سال آشفتگی تنظیم شد.جواد اسماعیلی رئیس سابق ستاد بسیج اقتصادی که سال‌ها مدیریت کوپن را بر عهده داشت و تجربه مدیریت عرضه شیر یارانه‌ای را در سال‌های اخیر در کارنامه خود دارد در گفت‌وگو با «ایران» به تحلیل وضعیت تنظیم بازار، تغییرات اخیر و آینده آن پرداخت. این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

■ سال گذشته شرایط سختی را به‌لحاظ تنظیم بازار گذراندیم، افزایش قیمت‌ها بخصوص در بازار مرغ و کالاهای اساسی را شاهد بودیم و البته حالا بخصوص در زمینه مرغ و تخم مرغ شاهد مدیریت این بازار و کنترل قیمت‌ها هستیم. تحلیل شما از این شرایط چیست؟

ابتدا مقدمه‌ای درباره تنظیم بازار بگویم؛ ما یک ستاد تنظیم بازار داریم که از سازمان‌ها و ادارات مختلف در آن شرکت و راجع به‌موضوعات مختلف در آنجا تصمیم‌گیری می‌کنند اما متأسفانه تنظیم بازار ما عقبه مطالعاتی ندارد. اگر عقبه مطالعاتی داشت می‌توانستیم بهترین تصمیمات را برای کنترل قیمت‌ها بگیریم.

لازم است گروهی مدام راجع به‌کالاهای مهم و حساس مورد نیاز مردم در حال مطالعه باشند و رصد کنند و به محض اینکه احساس خطر می‌کنند تنظیم بازار را در جریان قرار دهند و تنظیم بازار برای آن موضوع خاص تدبیر کند؛ این کمبود اکنون در تنظیم بازار ما دیده می‌شود.

ما اکنون یک سازمان عریض و طویل به‌نام سازمان حمایت داریم که کارشناسان بسیار خوب و مسلطی دارد و اگر این افراد را به‌عنوان عقبه مطالعاتی تنظیم بازار قرار دهیم به‌نظرم تنظیم بازار بسیار خوبی خواهیم داشت اما حالا تنظیم بازار به این شکل اتفاق می‌افتد که وقتی در یک بازار، بحرانی رخ می‌دهد بلافاصله درباره آن تصمیم‌گیری می‌کنند و در نهایت چون قیمت‌گذاری مطالعه نشده صورت می‌گیرد نرخی را می‌گذارند که برای تولیدکننده مقرون به‌صرفه نیست، بنابراین تولید کننده از توزیع کالا امتناع می‌کند چرا که منطقی تصمیم‌گیری نشده است. مثلاً مرغ را در ابتدا ۱۵ هزار تومان سپس ۲۴ هزار تومان و بعد ۳۱ هزار تومان تعیین کردند و مشخص است که تصمیمات فی‌البداهه گرفته می‌شود و مطالعات آنها کم است. معتقدم اگر سازمانی به این عریض و طویلی تبدیل به عقبه مطالعاتی تنظیم بازار شود، امکان تنظیم بازار وجود خواهد داشت.

البته گرانی بعضی چیزها طبیعی است و ممکن است ناشی از بالا رفتن قیمت جهانی آن باشد و دیگر ربطی به دولت و تنظیم بازار ندارد مثلاً در سال گذشته روغن، دانه‌های روغنی، خوراک دام و نهاده‌های دامی در دنیا گران شد و طبیعتاً در داخل نیز گران می‌شود.

■ وظیفه دولت و ستاد تنظیم بازار چه بوده؟

کاری که دولت در این زمینه انجام می‌دهد این است که قدرت خرید مردم را با دادن یارانه حفظ و تدبیر کند تا فشار معیشتی بر مردم وارد نشود. متأسفانه در این زمینه در سال‌های اخیر کوتاهی شده و قدرت خرید مردم حفظ نشده است و به‌همین دلیل مردم بسیار تحت فشار هستند.

■ اما آیا تمام علل گرانی به‌عوامل خارجی بر می‌گردد؟

در این زمینه دولت هم منفعل بوده، رئیس جمهوری داشتیم که متأسفانه حال کار و فعالیت نداشت اما به‌هرحال تغییر مدیریت صورت گرفت. من آقای رئیسی را ۳۰ سال است می‌شناسم، انسان سلامت و پرکاری است و برخلاف رئیس‌جمهور گذشته اهل تلاش و پشتکار است و با این حال نباید فراموش کرد که ما دشمنان داخلی و خارجی داریم که به گرانی و افزایش قیمت‌ها دامن می‌زنند و بخشی از این دامن زدن به قیمت‌ها با هدف ایجاد نارضایتی و عصبی کردن مردم است. نباید فراموش کنیم که ما همیشه با تورم در سال‌های اخیر مواجه بوده‌ایم اما اتفاقی که الان افتاده این است که درآمدها با هزینه‌ها هیچ همخوانی ندارد لذا باید برای همخوان کردن درآمد و هزینه مردم تلاش شود.

■ البته نباید فراموش کنیم که چرخه دستمزد- تورم در این سال‌ها مورد بی‌توجهی قرار گرفته و افزایش حقوق‌ها خود به تورم دامن زده است. به‌نظر شما آیا درست است که حقوق‌ها متناسب با تورم ۴۰ تا ۵۰ درصدی بالا برود و منجر به استقراض از بانک مرکزی و دامن زدن به تورم شود؟

البته افزایش حقوق‌ها متناسب با تورم، بودجه بسیار کلان می‌خواهد که اصلاً چنین بودجه‌ای را هم نداریم و دولت دستش خالی است و اگر بخواهد افزایش حقوق متناسب با تورم باشد باید استقراض از بانک مرکزی یا چاپ پول بدون پشتوانه داشته باشد.

■ راهکار چیست؟ برای اینکه قدرت خرید مردم حفظ شود چه پیشنهادی دارید؟

راهکار، دادن یارانه است و البته در این زمینه ملاحظاتی وجود دارد. زمانی شیر یارانه‌ای داده می‌شد و ساعت ۸ صبح می‌رفتیم شیر تمام شده بود. ما طرحی را اجرا کردیم که جواب داد؛ گفتیم یارانه شیر را زمانی می‌دهیم که کارخانه محصول را در مغازه تحویل دهد و در واقع یارانه را به محصول نهایی دادیم این طور نبود که یارانه را به کارخانه یا دامدار بدهیم. اوایل دشوار بود و بعد از آن کل بودجه یارانه شیر را در حسابی در بانک ملت ریختیم و با آنها توافق کردیم که به جای آن برای ما نرم‌افزاری تولید کنند که از کارخانه تا در مغازه را رصد کنند. برای این کار کارتی را طراحی کردند که سهمیه‌ها هم در آن تعبیه شده بود و در هر مغازه دستگاه پوزی وجود داشت که بعد از تحویل شیر، کارت را می کشید و تیک تحویل شد، می‌خورد.

عوامل توزیع بعد از بازگشت به کارخانه کارت را تحویل امور مالی می‌دادند و بر اساس همان لیست یارانه را دریافت می‌کردند. ما به یک باره دیدیم که شیر در مغازه‌ها پر شد و تا ساعت دو بعد از ظهر می‌ماند.

■ چرا؟

چون قبلاً آمارهای جعلی می‌دادند، در جلسه ستاد تنظیم بازار بود که آقای میرکاظمی از من سؤال کرد چه اتفاق خاصی افتاده که این وضعیت به‌وجود آمده، گفتم اتفاق خوبی افتاده و آن اینکه ۴۰ درصد کمتر شیر توزیع کردیم ولی شیر به وفور هم هست. ایشان به سه استان هم زنگ زدند، گفتند که وضع شیر عالی است از زمانی که کارتی شده، شیر فراوان است. پیش از این تولیدکنندگان آمار ۱۰۰ واحد می‌دادند و مثلاً ۶۰ واحد توزیع می‌کردند و شیر از بستنی فروشی و آبمیوه فروشی و کارخانه هایی مثل بیسکوئیت‌سازی سر درمی‌آورد به دست مصرف کننده واقعی نمی‌رسید. زمانی که این را ساماندهی کردیم ۴۰ درصد یارانه کمتر دادیم و شیر کافی هم به دست همه رسید.

■ چرا فقط برای شیر اجرا شده، در مواردی دیگر شاهد اجرای چنین سیستمی نبودیم؟

دیگر دوره ما تمام شد و اواخر دوره آقای میرکاظمی اجرا شد و دیگر بعد از آن اجرا نشد، در همان زمان که اجرا شد حتی من را مجلس خواستند که چرا پول کارخانه‌داران را نمی‌دهید. برایشان توضیح دادم که اگر توزیع کنند، پول‌شان را می گیرند. در این حالت توزیع کاملاً قابل رصد بود تازه آن موقع زیر ساخت‌های الان را نداشتیم.

■ این سیستم در شرایط حاضر هم قابل اجرا است؟ پیشنهادی در این مورد دارید؟

بله همین را برای کالاهای اساسی اجرا کنیم درست می‌شود؛ البته اجرای چنین سیستمی در شرایط فعلی با زیرساخت‌های ارتباطی و آی‌تی ساده‌تر هم هست و کاملاً امکان‌پذیر است.

الان یارانه می‌دهیم و برنج وارد می‌کنیم، اصلاً مشخص نیست چه می‌شود، زمانی که کوپن می‌دادیم همه چیز قابل رصد بود؛ ما درکل ۷۰۰ هزار تومان برنج می‌آوردیم و به‌صورت کوپن به دست مردم می‌دادیم، در چند سالی که کوپن برنج داده می‌شد برنج هیچ وقت از ۱۵۰۰ تومان بالاتر نرفت، بعد از اینکه آقای احمدی‌نژاد آمد و دستور داد برداشته شود، من مصاحبه‌ای داشتم و گفت بزودی برنج به ۵۰۰۰ تومان می‌رسد و ظرف دو ماه این اتفاق افتاد.

الان هم می‌توان چنین کاری کرد البته لزوماً نباید کوپن باشد، مثل همان سیستم می‌شود یارانه را درمغازه به کارخانه‌دار داد مگر آنجا چقدر امکان تخلف وجود دارد؟ درنهایت چند سبد اما تخلف در جایی انجام می‌شود که هیچ گونه رصدی وجود ندارد و کالاهای اساسی به‌صورت کامیونی جای دیگر می‌رود.

علم و تجربه این کار وجود دارد. می‌توان در بسیاری از کالاهای اساسی آن را اجرا کرد و اگر کاملاً سیستمی باشد قیمت‌ها را کنترل خواهد کرد.

■ برگردیم به تنظیم بازار، تغییرات اخیر و تمرکز مدیریت را چطور می‌بینید؟

چندان موافق نیستم که جهاد کشاورزی مسئول تنظیم بازار شود.

■ البته تجربه تعلیق قانون تمرکز نشان می‌دهد که آشفتگی بیشتری بر بازار حاکم شده بود و بعد از آن با توزیع اینترنتی کالاهای اساسی مثل مرغ و تخم مرغ توانست بازار را مهار کند و حتی قیمت‌ها از قیمت مصوب در بازار پایین‌تر آمد؟

این حذف یارانه را از جیب خودش نمی‌دهد بلکه آن را روی قیمت تمام شده کالا می‌کشد و در واقع از جیب من و شما می‌رود.

■ اما اینها قابل کنترل است و باید با نظارت بر بازار این سوءاستفاده‌ها مهار شود.

خیر. تجربه نشان داده که قابل کنترل نیست. بخش زیادی از یارانه ای که ما به کالاهای مختلف می‌دهیم به دست مصرف کننده نهایی می‌رسد و انحرافی است. در عین حال که نیروهای ناظر بر بازار ما آن قدر نیستند که بر تمام شبکه توزیع نظارت داشته باشند بنابراین نظارت باید سیستماتیک باشد همچنان که پرداخت یارانه بر مبنای اطلاعات دقیق و آی تی محور انجام پذیرد.

من مدیر پروژه طرح شبنم بودم زمانی که شبنم را اجرا کردیم، کالاها را رصد می‌کردیم. می‌گفتم از مرز باید این برچسب زده شود اما به یکباره در بازار دیدیم که مشابه برچسب را زده‌اند.

■ بله البته همان طرح هم درست اجرا نشد، چرا؟

قابل اجرا بود، اما آقای نعمت‌زاده مخالف آی‌تی بود. آدم بازاری و حجره‌ای بود ودرکل هم آی‌تی را جمع کرد، به بازرگانی داخلی و تنظیم بازار هم اعتقاد نداشت و معتقد بود بازار باید رقابتی شود.

■ بازار رقابتی در شرایط اقتصادی ما و شرایطی که سال‌هاست درگیر جنگ اقتصادی هستیم، پاسخگوست؟ در بازار رقابتی تکلیف قدرت خرید مردم چه می‌شود؟

بازار رقابتی برای کالاهای لوکس خوب است اما برای کالاهای اساسی که با معیشت مردم سر و کار دارد نیاز به مداخله دولت داریم. دولت باید بازار کالاهای اساسی را مدام رصد کند و تنظیم بازار با همان صورتی که گفته شد یعنی باید عقبه مطالعاتی داشته باشد و زمانی که احتمال کمبود کالایی وجود داشته باشد هشدار داده و اقدامات لازم برای جلوگیری از کمبود یا گرانی آن کالا اجرا شود. مثلاً زمانی که جوجه‌های یک روزه را از بین بردند مشخص بود به مرور با کمبود مرغ مواجه می‌شویم و اگر لازم است باید وارد کنند یا با هر اقدامی از در هم ریختگی بازار جلوگیری کنند.

■ دولت سیزدهم زمانی که امور را در دست گرفت، ذخایر کالاهای استراتژیک ما در سطح پایینی بود و کالاهای بسیاری در گمرک مانده بود، همین موارد به بر هم زدن بازار دامن نمی‌زد؟

اینکه حجم کالاهای استراتژیک در حد پایینی بود، نمی‌توانم قضاوت کنم و آقای سیف مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران که قبلاً هم بوده و الان هم هست باید در این زمینه اطلاعات بدهند تا ببینیم که وضعیت به چه صورت است.

اما اینکه اراده بر این است که کالاها در گمرک نماند، بسیار مثبت است، پیش از این آنقدر کالاها در گمرک می‌ماند که ما هزینه دموراژ هم می‌دادیم و همین هزینه‌ای بر کشور تحمیل کرده بود.

■ درباره مدیریت متمرکز بر بازار و بحث تجمیع زنجیره فروش و نظارت بر بازار به‌صورت متمرکز را چطور می‌بینید؟ به نظر می‌رسد تا به حال که نتایج خوبی داشته.

معتقدم این درست نیست و نظارتی باید خارج از جهاد کشاورزی بر بازار وجود داشته باشد، باید تنظیم بازار را معاون اقتصادی یا معاون اول رئیس‌جمهور در دست بگیرد تا جواب بدهد، باید نظارتی فراتر از وزارت جهاد بر بازار نظارت کند.

■ البته دولت قبل همه سال‌ها در حلقه بسته مدیریتی بودند، اما میزان تخلفات و سوءاستفاده‌ها کم نبود و بدترین نوع فسادها آن هم در شرایطی که کشور با جنگ اقتصادی مواجه بود شاهد بودیم که یک نمونه درباره ارز ۴۲۰۰ تومانی بود و با تجربه‌ها را هم که دیدیم؟

البته علت این تخلفات و فسادها این است که با متخلفان برخورد شدید و بازدارنده نمی‌شود و البته درباره ارز ۴۲۰۰ تومانی اگر دلار ۴۲۰۰ تومان رصد می‌شد کار به اینجا نمی‌کشید و اینقدر انحراف نداشتیم.

■ در بودجه سال آینده، ۴ هزار میلیارد تومان برای تنظیم بازار کالاهای اساسی در نظر گرفته شده است، همچنین دولت روی درآمدهای مالیاتی حساب کرده، این ارقام را چطور می‌بینید؟

اعداد بودجه را دیدم خوب است اما درباره یارانه‌ها و کنترل بازار تا زمانی که همه چیز آی‌تی محور نشود، امکان نظارت درست بر بازار و حتی رصد اینکه یارانه کالاهای اساسی به دست مردم برسد وجود ندارد، فقط در این صورت است که همه چیز شفاف می‌شود اینکه بسیاری از تجار با سیستم‌ها نمی‌توانند هماهنگ شوند، همین شفافیت است.

ما ۱۰ سال پیش شرکتی برای خرید و فروش اینترنتی آهن زدیم و گفتیم همه بیایند همین جا آهن هایشان را بفروشند هیچ کس نیامد می‌گفتند مالیات پدر ما را در می‌آورد.

الان هم اگر دولت بخواهد بیشتر روی درآمدهای مالیاتی حساب کند، قطعاً باید به شفافیت سیستم‌ها و سامانه‌ها توجه ویژه داشته باشد. بسیاری ممکن است برای فرار از مالیات به اقتصاد زیرزمینی روی آوردند و مالیات ندهند بنابراین پیش شرط وصول درآمد مالیاتی شفاف شدن تمام سیستم‌هاست.

دولت عزم انجام این کارها را دارد اما موانع و مقاومت‌ها هم در برابر آن زیاد است. تنها راه غلبه بر این موانع و مقاومت‌ها حرکت به‌سمت الکترونیکی کردن هر نوع خدمات و فعالیتی است و البته در کنار آن با مفسدان اقتصادی و اخلالگران هم باید برخوردهای سخت قضایی صورت گیرد؛ به تناسب زمان جنگ باید با متخلفان، کسانی که احتکار می‌کنند و بازار را بر هم می‌زنند برخورد کرد.

سپاس از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

گزیده

■ اگر سازمان حمایت تبدیل به عقبه مطالعاتی تنظیم بازار شود، امکان کنترل قیمت‌ها وجود خواهد داشت

■ افزایش حقوق‌ها متناسب با تورم، بودجه بسیار کلان می‌خواهد که اصلاً چنین بودجه‌ای را هم نداریم و دولت دستش خالی است

■ اجرای سیستمی شبیه توزیع شیر یارانه ای برای کالاهای اساسی ممکن و راهگشا است

■ توزیع هوشمند کالاهای اساسی بازار را سامان می‌دهد اما باید هزینه‌های تبعی آن دیده شود تا استمرار یابد

■ آقای نعمت‌زاده کلاً مخالف آی‌تی بود؛ آدم بازاری و حجره‌ای بود و کلاً هم آی‌تی را جمع کرد، به بازرگانی داخلی و تنظیم بازار هم اعتقاد نداشت و معتقد بود بازار باید رقابتی شود

■ بازار رقابتی برای کالاهای لوکس خوب است اما برای کالاهای اساسی که با معیشت مردم سر و کار دارد نیاز به مداخله دولت داریم

آژانس عکس «ایران»

البته من به این سامانه هم چندان امیدوار نیستم چون هزینه‌های تبعی آن دیده نشده است، اینکه کالا با قیمت مصوب یا زیر قیمت مصوب در منزل به‌صورت رایگان تحویل داده شود، هزینه ایاب و ذهاب آن چه می‌شود؟ آیا این هزینه به جهاد کشاورزی داده شده؟ باید مشخص شود به چه صورتی تأمین شده، چرا که اگر چاره‌ای برای این هزینه تبعی در نظر گرفته نشود به ناچار در جایی متوقف خواهد شد.

در تنظیم بازار هم هزینه تبعی حساب می‌شود، باید در این مورد هم هزینه تبعی در نظر گرفته شود تا امکان ادامه دار شدن آن وجود داشته باشد.

■ اما همین فروش اینترنتی به نوعی ترمز افزایش قیمت را کشید و نتیجه عملی آن آرام گرفتن بازار مرغ و تخم مرغ بود؟

بله خوب است. معتقدم هر کار سیستمی جواب می‌دهد اما پایداری و استمرار آن هم مهم است و به همین دلیل بحث هزینه تبعی را مطرح می‌کنم که لازمه پایداری چنین سیستمی است اگرنه طرح توزیع اینترنتی طرح بسیار خوبی است. اگر همین توزیع در فروشگاه‌ها و با مدل شیرباشد مشکل حل خواهد شد.

■ نکته‌ای که در بودجه سال ۱۴۰۱ هم دیده می‌شود، ایجاد محدودیت درباره ارز ۴۲۰۰ تومانی و همچنین حذف یارانه دهک‌های بالا است، در این صورت نیاز به توزیع عادلانه یارانه برای حفظ قدرت خرید مردم داریم، نظر شما در این مورد چیست؟

به‌نظر من زمانی که یارانه را از صاحب کالا و سرمایه می‌گیریم او هزینه اینها لازم است، ما امسال کم آبی داریم و ممکن است مشکل گندم داشته باشیم از همین الان باید تدبیر شود، در حالی که در ترسالی مشکلی برای تأمین گندم نیست.

■ حتی اگر تیم مطالعاتی وجود نداشته باشد، در سال‌های اخیر هر بازاری که به هم ریخت پیش از آن کارشناسان و رسانه‌ها هشدارهای لازم را داده بودند، مثلاً درباره جوجه‌های یک روزه، یا الان درباره کشتار دام مولد به‌دلیل کمبود نهاده هشدارها داده می‌شود که بعد از یک دوره با کمبود گوشت و گرانی مواجه می‌شویم، در این موارد چطور باید تنظیم بازار انجام شود؟

یکسری کالاها با واردات قابل تنظیم هستند، مثلاً گاهی واردات مرغ انجام داده‌ایم و قیمت مرغ پایین آمده است. نکته اینجاست که در جاهایی که ذخیره خوبی داشتیم زیاد بازار سر به سر دولت نگذاشته، چون در دولت‌ها آدم دارند و می‌دانند که حجم ذخایر به چه صورت است و بر همان اساس بازار را بر هم می‌زنند.

■ دولت سیزدهم زمانی که امور را در دست گرفت، ذخایر کالاهای استراتژیک ما در سطح پایینی بود و کالاهای بسیاری

سال بیست‌وهفتم ■ شماره ۷۸۱۴ ■ یکشنبه ■ ۱۲ دی ۱۴۰۰ ■ ۲۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۳ ■ 2 Jan. 2022

ایران زندگی

نقش هوانیروز ارتش و اورژانس هوایی در پیوند اعضا

پرواز قلب‌ها با جت

صفحه ۱۲

سود توریسم درمانی در خراسان رضوی به جیب واسطه‌ها می‌رود

آفت دلالی در گردشگری سلامت

صفحه ۱۰

بارش‌های سیلابی در هرمزگان قربانی گرفت

هشدار قرمز هواشناسی برای استان‌های جنوبی

صفحه ۱۰

کارشناسان فاوا در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کردند

کارگروه ویژه؛ اولین گام دولت برای رفع موانع اقتصاد دیجیتالی

صفحه ۱۱

عکس‌ها: علی محمدی/ ایران

عکس تزئینی است

گزارش «ایران» از یک اختلال کارکرد اجتماعی؛ «فابینگ»

افتادن در دام «مَجاز»

مهسا قوی قلب
خبرنگار

چندی پیش رئیس انجمن آسیب شناسی اجتماعی ایران خبر داد که ۷۶ درصد جامعه ایرانی به اختلال فابینگ مبتلا هستند. برای آن دسته از افرادی که این اصطلاح را نشنیده‌اند، در ابتدا باید گفت که معنای ساده این اصطلاح، وابستگی شدید به تلفن همراه است. کوروش محمدی رئیس انجمن آسیب شناسی اجتماعی ایران معتقد است که فابینگ نوعی اختلال کارکردی در حوزه اجتماعی است تا جایی که افراد حین پیاده روی، رانندگی و حتی افراد در مشاغل حساس به شکل افراطی از تلفن همراه خود استفاده می‌کنند، البته میزان این اختلال از خفیف تا شدید در ایران متغیر است و چیزی در حدود ۴۵ درصد زوجین ایرانی به این مشکل دچارند. فابینگ در تقاطع بسیاری از اعتیادهای اینترنتی قرار دارد، البته خود اختلال فابینگ هم ریشه در اعتیاد اینترنتی دارد. افرادی که دچار این اختلال هستند وجود تلفن همراه برای آنها هویت شده است و دست‌کم ۴ بار در روز به‌صورت دزدکی به تلفن همراهشان سرک می‌کشند. چک کردن روزانه بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ بار تلفن همراه نشانه‌ای از بروز این اختلال است یعنی فرد هر ۳ تا ۵ دقیقه یکبار به گوشی ورود می‌کند.

■ هر ۱۰ دقیقه یکبار تلفن همراه خود را چک می‌کنید؟

مجید صفاری نیا، رئیس انجمن روانشناسی اجتماعی ایران، با اشاره به این که در حال حاضر در طبقه‌بندی تشخیصی بیماری‌های روانی وابستگی به فضای مجازی وجود ندارد، به «ایران» می‌گوید: در بحث کلی اعتیاد، در پیش‌بینی‌های انجام شده، وابستگی شدید به تلفن همراه در همان طبقه‌بندی اعتیاد گنجانده می‌شود، جدا شدن از تلفن همراه مانند سایر اعتیادها، برای عده‌ای علائم بیقراری، گوشه‌گیری و پرخاشگری را به‌دنبال دارد. تحقیقات مختلف نشان داده که پدیده فابینگ یا وابستگی شدید به تلفن همراه در همه جای دنیا وجود دارد و پدیده‌ای عمومی است. در مطالعات انجام شده در خصوص زوج‌هایی که با یکدیگر به رستوران می‌روند، تقریباً هر ۱۰ دقیقه یک بار افرادی که در رستوران در حال غذا خوردن هستند، تلفن همراه خود را چک می‌کنند. حتی هنگام صرف غذا و در فضای خانوادگی نیز این اتفاق برای این دسته از افراد می‌افتد.

به‌گفته او، امروز تلفن همراه هم جنبه سرگرمی دارد و هم جنبه کار و اطلاع‌رسانی و در کل دسترسی به فضای مجازی به پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. تشخیص این که این پدیده یک نوع اختلال است یا خیر، مقوله پیچیده‌ای است. یکی از روش‌هایی که از طریق آن می‌توانیم پی به اختلال فردی ببریم این است و مطمئن شویم اختلال فابینگ وجود دارد، این است که برای چند دقیقه‌ای تلفن همراه را از او جدا کنیم، چنانچه فرد علائم ترک را نشان دهد یعنی بیقرار و بی‌تاب و پرخاشگر شود و ولع به دست آوردن تلفن همراه را داشته باشد، به این اختلال مبتلا شده است.

صفاری نیا در ادامه می‌افزاید: تحولات هزاره سوم و نیاز مبرم مردم برای کسب اطلاعات، اخبار، حوادث، کار و نظایر این‌ها، اجتناب‌ناپذیر شده و این امر هم درست نیست که افراد فکر کنند، دچار اختلال مرضی شده‌اند، مگر این که در معرض قرار بگیرند و ثابت شود که دچار عوارض ناشی از اختلال هستند.

■ فابینگ؛ ترجیح تلفن همراه بر ارتباط مستقیم با دیگران

ممکن است شما واژه فابینگ را نشنیده باشید یا در ارتباط کلامی از آن کم استفاده کنید، اما به‌کرات در معرض آن قرار گرفته اید یا آن را در مورد دیگران اعمال کرده اید. فربد فدایی با بیان این که واژه فابینگ از ادغام دو واژه انگلیسی به وجود آمده است، به «ایران» توضیح می‌دهد: این دو واژه یکی به معنی تلفن و دیگری به معنی بی‌توجهی است، یعنی بی‌توجهی به افرادی که در حضور فرد هستند به علت توجه زیاد به تلفن و در آن فرد در یک موقعیت اجتماعی که می‌تواند در حضور افراد خانواده، جمع دوستان یا همکاران باشد به آنان بی‌توجهی و کم محلی می‌کند و بر تلفن همراه خود متمرکز می‌شود. در یک نمونه، خانم شکایت دارد که همسرش به خانه که می‌رسد، به جای پرسیدن حال او و رویدادهای روزانه به تلفن همراه خود می‌چسبد و به شبکه‌های اجتماعی مختلف سرک می‌کشد و با او به سردی رفتار می‌کند یا آقایی شکایت می‌کند که همسرش مرتب سر در گوشی تلفن همراه دارد و مشغول رد و بدل کردن پیام است و وقتی برای او نمی‌گذارد. به این ترتیب فابینگ یکی از نشانه‌های وابستگی روزافزون ما به تلفن همراه و اینترنت است. طبق یک پژوهش ۱۷ درصد افراد حداقل ۴ بار در روز به قیمت بی‌اعتنایی به همراهان و مصاحبان خود روی تلفن همراه خود متمرکز می‌شوند.

این روانپزشک در ادامه اضافه می‌کند: پدیده فابینگ به معنی کاهش ارتباط نزدیک و چهره به‌چهره است که از نیازها و الزامات زندگی انسان به شمار می‌رود. رواج فابینگ موجب دوری انسان‌ها از یکدیگر و نیاموختن مهارت‌های اجتماعی و بین فردی می‌شود. افرادی که وقت زیادی را با تلفن همراه می‌گذرانند، نمی‌دانند با فردی که روبه‌روی آنان است، چگونه رفتار کنند، از تغییر حالات چهره و وضعیت بدنی مخاطب خود که بخش عمده‌ای از ارتباط را تشکیل می‌دهد، ناتوان هستند و نمی‌فهمند در ذهن مخاطب آنان چه می‌گذرد، بنابراین در ارتباط واقعی با دیگران شکست می‌خورند. پدر و مادر یک نوجوان مبتلا به فابینگ در می‌یابند که مرجعیت و اعتبار خود را در مورد فرزند از دست داده‌اند، زیرا نوجوان برای هرچیز به تلفن همراه مراجعه می‌کند و به تجربه آنان اعتنایی نمی‌کند. پزشکان هم با بیمارانی روبه‌رو می‌شوند که به عوض انجام توصیه درمانی پزشک، سر در گوشی همراه دارند و مطالب سطحی و عامیانه موجود در آن را به‌عنوان حقایق پزشکی تلقی می‌کنند و در نتیجه از درمان محروم می‌مانند اما واقعیت آن است که خیلی هم این پدیده جدید نیست. در سال‌های گذشته نیز بانوان شکایت داشتند که همسرشان تا به خانه می‌رسد، مشغول مطالعه روزنامه می‌شود و به صحبت‌های آنان فقط با اشاره پاسخ می‌دهد، آقایان نیز شکایت می‌کردند که همسرشان به عوض صحبت با آنان فقط به تلویزیون نگاه می‌کند و مجموعه‌های تلویزیونی برای او جذاب‌تر از ارتباط با شوهر و فرزندان است، تلفن ثابت هم موجب می‌شد که جوانان ساعت‌ها به مکالمه بپردازند و از ارتباط با پدر و مادر و برادر و خواهر صرفنظر کنند.

به‌گفته فدایی، سابق بر این حتی گاه خانواده نگران فرزندشان بودند که فقط سر در کتاب داشت و از ارتباط با دیگر اعضای خانواده یا همسالان پرهیز می‌کرد. گاهی این شکایت مطرح می‌شد که جوانان با خواندن کتاب از دنیای واقعی غافل می‌شوند و به‌دنبال رویاها و تخیلات غیرواقعی می‌روند. به هرحال در دوره‌های گوناگون و برحسب فناوری رایج زمان که می‌توانست صنعت چاپ و نشر روزنامه و مجله و کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون و تلفن ثابت باشد، نگرانی از کاهش ارتباط چهره به چهره و عواقب آن وجود داشته است. امروز هم نگرانی بر اینترنت و تلفن همراه متمرکز شده است. ضمن تأکید بر مزایای انکارناپذیر همه این فناوری‌ها، ارتباط‌های نزدیک و چهره به چهره نیز باید تقویت شود.

■ نگذاریم افکار مزاحم ما را احاطه کنند

فرشاد نجفی‌پور، روانشناس با تأکید بر این که هر فعلی که به‌صورت چند دقیقه یک بار تکرار شود، نوعی اختلال وسواس است، به «ایران» می‌گوید: هیچ فرقی نمی‌کند که فعل چه چیزی باشد، وقتی به‌صورت ناخودآگاه اجباری و در فواصل کوتاه انجام می‌شود، به نوعی که بازهم فرد قانع نمی‌شود و با تناوب و تواتر آن کار را تکرار می‌کند با نوعی وسواس سر و کار دارد، برای شناختن فابینگ هم باید در ابتدا وسواس را بشناسیم. پشت وسواس فکر مزاحمی وجود دارد، امکان ندارد وسواس عملی وجود داشته باشد ولی فکر مزاحمی دخیل نباشد، در واقع همین فکر است که سبب می‌شود، فرد قانع و راضی نباشد. خوب است بدانیم که فکر مزاحم در اثر اضطراب به وجود می‌آید، وقتی نگران موضوعی هستید یا به هر دلیلی نگرانی کلی دارید، اضطراب ایجاد می‌شود، اضطراب می‌تواند برون‌زاد یا درون زاد باشد، در اضطراب برون زاد، موضوع نگران‌کننده‌ای واقعاً وجود دارد مثل این که شخص مسلحی در حال شلیک و نزدیک به شما باشد، این اتفاقی است که واقعاً وجود دارد و می‌تواند شما را مضطرب کند. اما اضطراب درون زاد، هنگامی است که فعل وجود ندارد، این در حالی است که اضطراب برون زاد هم می‌تواند به درون زاد تبدیل شود و بعد از مدتی فکر مزاحم ایجاد می‌شود یعنی فکری کاملاً پوچ و بی‌اساس سبب می‌شود فعلی را مکرر انجام دهیم.

به‌گفته او در دنیای امروز، سطح کلی هیجان عمومی بالا است و عموماً افراد مضطرب هستند، فشارها و استرس‌های مختلف نمره هیجان عمومی را بالا برده است و هر عملی می‌تواند در ما واکنش ایجاد کند. وقتی سطح هیجان عمومی بالا است و اضطراب‌ها طولانی مدت می‌شوند، افکار مزاحم هم زیاد می‌شوند و کاری که بیشتر با آن سر و کار داریم، بیشتر می‌شود. مثلاً در زمان قدیم فعل شست‌وشو در میان زنان به فکر مزاحم و فعل تکرار که همان وسواس بود، تبدیل می‌شد، در حال حاضر استفاده از تلفن همراه بین افراد شایع شده است و همچنین سبب شده بسیاری از افراد به این اختلال که به آن فابینگ گفته می‌شود، دچار شوند.

نجفی‌پور مهم‌ترین راهکاری را که می‌تواند سبب کاهش آمار مبتلایان شود، کاهش اضطراب و افکار مزاحم دانسته و توضیح می‌دهد: در مواردی که فرد نمی‌تواند به خود کمک کند، بهره‌مندی از روانشناس و مشاور به بهبود اوضاع کمک خواهد کرد.

برش

■ فرشاد نجفی‌پور، روانشناس: در دنیای امروز، سطح کلی هیجان عمومی بالا است و عموماً افراد مضطرب هستند، فشارها و استرس‌های مختلف نمره هیجان عمومی را بالا برده است و هر عملی می‌تواند در ما واکنش ایجاد کند.

■ وقتی سطح هیجان عمومی بالا است و اضطراب‌ها طولانی مدت می‌شوند، افکار مزاحم هم زیاد می‌شوند و کاری که بیشتر با آن سر و کار داریم، بیشتر می‌شود. مثلاً در زمان قدیم فعل شست‌وشو در میان زنان به فکر مزاحم و فعل تکرار که همان وسواس بود، تبدیل می‌شد، در حال حاضر استفاده از تلفن همراه بین افراد شایع شده است و همچنین سبب شده بسیاری از افراد به این اختلال که به آن فابینگ گفته می‌شود، دچار شوند

علی محمدی / ایران

گفتار

تأثیر کرونا بر افزایش پدیده «فابینگ»

رابرت فرنام
روانپزشک و مسئول دفتر اعتیادهای رفتاری مرکز ملی اعتیاد

فابینگ رفتاری مشخص و اعتیادگونه است که بعد از پدید آمدن تکنولوژی‌های ارتباطی توسعه پیدا کرد. به نظر می‌آید این پدیده در ابتدا فرار از شرایط استرس زا است، وقتی مدیایی دارید که محتوایی دارد و در شرایطی قرار می‌گیرید که از وضعیت موجود زندگی راضی نیستید، ترجیح می‌دهید، به سمت آن اقدام یا آن رفتار گرایش پیدا کنید. به‌عنوان مثال کتابی در دست دارید، در عین حال هم در جمعی هستید که از آن جمع خوشتان نمی‌آید، در همان زمان کتاب را باز کرده و مشغول خواندن می‌شوید یا احتمال دارد که در جمع نشسته اید اما از حضور در آن جمع راضی نیستید، سمت تلویزیون رفته و آن را روشن می‌کنید. اتفاقی که این روزها افتاده، این است که در عصر حاضر اینترنت و ابزارهای وابسته به آن به شکلی درآمده که شما می‌توانید به حجم بالایی از محتویات به‌صورت همزمان دسترسی داشته باشید و این وسوسه و میل به فرار به سوی این حجم از اطلاعات همیشه وجود دارد. مرحله بعد موقعی بود که محتوای قابل دسترسی اینترنت توسط ابزاری قابل حمل شد، یعنی از یک کامپیوتر پی‌سی رومیزی تبدیل به یک لپ‌تاپ شد و بعد قابل حمل‌تر شده و به‌صورت یک گوشی در جیب افراد قرار گرفت، در واقع انسان به‌عنوان یک راه فرار از شرایط انتخاب کرد که به این سمت برود؛ پدیده‌ای که بعد از این اتفاق به وجود آمد و داستان را پیچیده کرد، این بود که آیا این دنیای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، بازی و نمونه‌هایی که در ابزاری مانند موبایل جا می‌شوند، اعتیاد آور هستند؟ در واقع اتفاقی که در مرحله بعدی افتاد، این بود که صرف دور شدن از محیط یا تنوع و جذابیت محتوا نبود، بحث این بود که شما حتی اگر نمی‌خواستید، به‌دلیل وسوسه زیادی که داشتید، حتماً به این مدیا گرایش پیدا می‌کردید. با شروع این اتفاق انواع بحث‌ها هم در گرفت که آیا این پدیده اعتیاد است و چه چیزی در این میان به‌عنوان اعتیاد دیده می‌شود. برخی گفتند که آن چه اعتیادآور است، اینترنت است، برخی دیگر گفتند که آن چه اعتیادآور است، محتوای داخل اینترنت است، دسته‌ای دیگر اعتقاد داشتند که خود ابزار گوشی اعتیادآور است، در نهایت پس از بحث‌های متعددی که در دهه‌های اخیر ایجاد شده می‌توانیم بگوییم طی ۵ سال گذشته تقسیم بندی‌های جهانی پذیرفته‌اند آن چیزی که اعتیادآور است، محتوای داخل دنیای مجازی است. بحث فابینگ در واقع نوعی رفتار مرتبط با استفاده اعتیادگونه از محتوای داخل جیب شماست. این رفتار می‌تواند پرسه زنی در محتواهای آفلاین باشد یا این که بازی‌های آفلاین داخل گوشی باشد، می‌تواند پرسه زنی در دنیای آنلاین شبکه‌های اجتماعی باشد یا بازی آنلاین داخل گوشی باشد و در واقع آن چیزی که تحت عنوان فرار از شرایط نه چندان لذت بخش مطرح می‌شود و در انتها تبدیل به حالتی می‌شود که فرد مدیریتی بر سر زدن به محتوای تلفن همراه ندارد، پدیده‌ای اعتیادآور است. به خاطر سرعت توسعه ابزارهای دیجیتال و دنیای مجازی اتفاقی که در طولانی مدت می‌افتد، پژوهشگران را نیز سرگردان کرده که چه چیزهایی بیشتر اعتیادآور هستند. تاکنون مرکز طبقه بندی‌های بیماری‌های روانی در امریکا پذیرفته که بازی‌های آنلاین می‌توانند اعتیادآور باشند. مرکز طبقه‌بندی بیماری‌های بین‌المللی وابسته به سازمان بهداشت جهانی (WHO) پذیرفته که یک سری اعتیادهایی وجود دارد که به آنها اعتیادهای رفتاری گفته می‌شود؛ بدین معنی که اعتیاد تنها مصرف یک ماده نیست، برخی رفتارها هم می‌توانند نشانه اعتیاد باشند. تا الان دو گروه از اعتیادهای رفتاری مورد تأیید قرار گرفته، اولی قمار است که هم می‌تواند در دنیای واقعی باشد و هم به‌صورت آنلاین انجام شود، دیگری بازی‌های آنلاین یا آفلاین موجود در دنیا هستند که می‌توانند اعتیادآور باشند و برای افراد عوارضی را به‌دنبال داشته باشند، اما سؤال اینجاست که چرا اینقدر این پدیده مورد توجه قرار گرفته در واقع در دوسال اخیر که پاندمی کرونا شروع شد، افراد در دنیا گرایش بیشتری به سمت شبکه‌های مرتبط با اینترنت پیدا کردند. دلیل این امر هم کاهش تعاملات اجتماعی با لاک داون‌ها و قرنطینه‌ها بود و افراد به‌دنبال راهی برای سرگرمی، آموزش و ارتباط می‌گشتند و راه‌های آنلاین نه تنها این نیاز را برآورده می‌کرد، بلکه به شدت هم تقویت و توصیه شد و کمپینی هم تحت عنوان بهداشت جهانی از ابتدای قرنطینه‌ها در سال ۲۰۱۹ و ابتدای ۲۰۲۰ زده شد که توصیه کرد بازی‌های آنلاین و آفلاین و حضور بیشتر در شبکه‌های اجتماعی و دنیای مجازی افزایش یابد، اما این اتفاق با وجود پیامدهای مثبتی که به‌همراه داشت، عوارضی را هم ایجاد کرد، توسعه رفتارهای اعتیادی در افراد مستعد از جمله این آثار منفی است. اتفاق دیگری که افتاد این است که والدین و حامیان کودکان و نوجوانان تا قبل از کرونا نگرش‌های منفی تری در خصوص ورود آنها به دنیای مجازی داشتند اما در دوران قرنطینه و به منظور حفظ سلامت بچه‌ها اتفاقاً این قضیه تشدید شد و والدین برای فرزندان خود تبلت خریدند، PS4 تهیه کردند یا شرایطی فراهم کردند که بچه سرگرم شود. سیستم آموزشی کشور ما و جهان هم آنلاین شد و در نهایت با تقویت این رفتار و کاهش نظارت‌ها، افراد بیش از پیش به این دنیا هل داده شدند و تعداد افرادی که مستعد اعتیاد رفتاری بودند، افزایش یافت. این در حالی است که پس از پایان پاندمی با موجی از شکایاتی روبه‌رو خواهیم شد که نشان دهنده آسیب‌های ناشی از کاهش تعاملات اجتماعی است. پژوهش‌های جدید توصیه می‌کنند که هرچه سریع‌تر باید وارد مقوله پیشگیری شویم، قطعاً آگاه‌سازی والدین و بحث فشار برای نظارت هرچه بیشتر روی سیستم‌های تولیدکننده این محتواها در نخستین گام‌ها می‌توانند مؤثر باشند.

گزارش

گلزار شهدای کرمان میعادگاه علمداران جهاد و مقاومت شده است

درخواست تعطیلی رسمی ۱۳ دی ماه در استان کرمان

شیما جهانبخش
خبرنگار

مزار سردار بزرگ اسلام شهید سلیمانی در گلزار شهدای کرمان این روزها میزبان میهمانانی از سراسر دنیا شده است. دوستدارانی که هر ساله با نزدیک شدن به ۱۳ دی ماه تنها برای شناخت ابعاد شخصیتی این شهید والامقام خود را به گلزار شهدای کرمان می‌رسانند. مردی که به تعبیر رهبری ثابت کرد «می‌توان ملی‌ترین و در عین حال امتی‌ترین بود.» هر چند ایشان اهل تظاهر و لاف‌زنی نبودند و از دیده شدن فرار می‌کرد اما تشییع میلیونی و برگزاری مراسم بزرگداشت باشکوه مردمی ایشان که هر ساله در سالگرد شهادتشان برگزار می‌شود اولین پاداش و جزای الهی به اخلاص ایشان در دنیا بوده است. کرمان زادگاه و آرامگاه سردار دل‌ها این روزها حال و هوای دیگری دارد. در جای جای استان کرمان می‌توان نشانی از

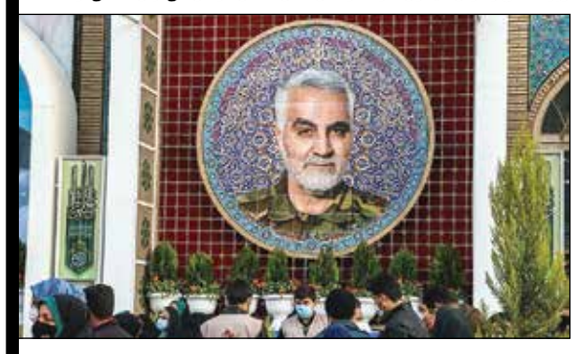

سردار سلیمانی، مردی که رهبری ایشان را «واقعیت ماندنی و تا ابد زنده»، خوانده‌اند را یافت. این روزها همزمان با سالروز شهادت سردار شهید، کرمان شلوغ شده اما وسایل حمل‌ونقل عمومی برای رفاه مسافران در حال خدمت‌رسانی هستند و تمامی مسیرهای ورودی به گلزار شهدا و جنگل قائم از سمت بزرگراه آیت‌الله خامنه‌ای بسته و به پیاده‌راه تبدیل شده است. مردم عاشقانه از شهرهای مختلف ایران خود را به گلزار شهدا رسانده‌اند و در صف‌های طولانی برای زیارت مزار ایشان لحظه‌شماری می‌کنند. در بین مسافران زائران پاکستانی، عراقی و لبنانی نیز به چشم می‌خورند.

موکب‌های زیادی هم برای استقبال از زائران راه‌اندازی شده و خلاصه اینکه تمام شهر دست به دست هم داده‌اند تا همانند سال گذشته مراسمی باشکوه و در خورشأن و شخصیت ایشان برگزار کنند.

■ کرمان آماده برگزاری دومین مراسم سالگرد سردار دل‌ها

«سردار حسین معروفی»، فرمانده سپاه استان کرمان در مراسم اختتاییه جشنواره «سلیمان سلامت» در این خصوص اظهار داشت: امسال ۱۷ کارگروه ذیل ستاد دومین سالگرد شهید حاج قاسم سلیمانی در استان فعالیت کرده و با شعار «مرد میدان» بیش از ۱۷۰ برنامه را برگزار خواهد کرد. وی ادامه داد: با توجه به حضور میلیونی مردم در این ایام ۱۰۰ موکب برای استقبال و پذیرایی از زائران حاج قاسم در محدوده گلزار شهدای کرمان و سطح شهر راه‌اندازی شده و زمینه اسکان روزانه حدود ۲۰ هزار نفر فراهم شده است. معروفی با بیان اینکه در شهر کرمان برنامه‌های دومین سالگرد در گلزار شهدا، مصلی امام علی(ع) و بیت‌الزهرای حاج قاسم برگزار می‌شود، افزود: برنامه‌های دومین سالگرد شهادت حاج قاسم، تابع مصوبات ستاد ملی کرونا و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی برگزار خواهد شد و کارگروه سلامت و بهداشت ستاد نیز بر آن نظارت خواهد داشت. فرمانده سپاه ثارالله استان کرمان با اعلام اینکه ۳۹۰ تیم مراقبتی با بیش همکاری یک‌هزار بسیجی آماده خدمت‌رسانی به مردم است، افزود: در کرمان مراکز واکسیناسیون ایجاد شده و تمام پایگاه‌های مقاومت بسیج درگیر این کار شده‌اند.

سردار معروفی با اشاره به اینکه امسال مراسم دومین سالگرد شهادت شهید سلیمانی از ۱۰ تا ۱۶ دی‌ماه در سراسر کشور با رویکرد مردمی برگزار خواهد شد. در همین زمینه ۱۷۱ برنامه در استان کرمان برگزار می‌شود که ۹ برنامه در سطح ملی خواهد بود. معروفی با بیان اینکه ۱۰ هزار ختم قرآن از هفته بسیج در استان آغاز شده و تا پایان هفته مقاومت به اتمام می‌رسد، گفت: ۲ هزار و ۲۰۰ یادواره شهدای خانگی در سطح استان هم از دیگر برنامه‌های هفته مقاومت در استان است. همچنین آزادسازی ۶۳ زندانی جرایم غیرعمد و توزیع ۶۲۰ سری جهیزیه بین زوج‌های جوان در این هفته انجام خواهد شد. فرمانده سپاه استان کرمان با اشاره به اینکه معرفی کرمان به‌عنوان پایتخت مقاومت اسلامی مطالبه مردمی در استان است و امروز کرمان میزبان زائرانی از اقصی نقاط دنیا، بویژه کشورهای جبهه مقاومت است، افزود: درخواست داریم شهر کرمان در روز ۱۳ دی ماه رسماً تعطیل شده و تعطیل رسمی اعلام شود.

ایران در ایران

خرید تضمینی برق تولیدی در سیستان و بلوچستان ۱۰ درصد بالاتر از سایر استان‌ها

زاهدان- محمد شکوهی‌فر: استاندار سیستان و بلوچستان گفت: خرید تضمینی برق تولیدی نیروگاه‌های تجدیدپذیر در استان ۱۰ درصد بالاتر از سایر استان‌هاست که این جذابیت خوبی برای سرمایه‌گذاری در این استان است.

جلسه امضای تفاهمنامه توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر و بررسی تسهیل امر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر استان با حضور حسین مدرس خیابانی «استاندار» و محمود کمانی معاون وزیر نیرو و رئیس سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق(ساتبا) در استانداری برگزار شد. مدرس خیابانی در حاشیه این جلسه اظهار داشت: یکی از مزیت‌ها و قابلیت‌های استان به‌دلیل اینکه در اطلس تابش خورشید و تونل باد قرار دارد اجرا و احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر خورشیدی و نیروگاه‌های بادی است که پتانسیل بسیار بالایی در این زمینه در استان وجود دارد. وی تصریح کرد: در تفاهمنامه منعقد شده ۱۰ هزار مگاوات برق از طریق نیروگاه‌های خورشیدی و بادی در استان تولید می‌شود.

استاندار افزود: در استان سیستان و بلوچستان چند اولویت برای سرمایه‌گذاران وجود دارد که از جمله آن خرید تضمینی برق تولیدی ۱۰ درصد بالاتر در مقایسه با سایر استان‌هاست که این موضوع در قالب تفاهمنامه با معاون وزیر نیرو منعقد شد. وی افزود: جذابیت دوم برای سرمایه‌گذاران این است که به‌دلیل قابلیت صادراتی استان و همجواری با پاکستان و افغانستان این موضوع در تفاهمنامه منعقد شد که سرمایه‌گذاران در این حوزه به غیر از دوره پیک و فصل پرمصرف سال برق تولیدی را صادر کنند و این قابلیت صادرات نیز مشوق خوبی برای سرمایه‌گذاران در این زمینه است.

کشف توله شیر در حال خارج کردن غیرقانونی از کشور

ارومیه- رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان سردشت از کشف یک قلاده توله شیر از قاچاقچیان در نقطه صفر مرزی شهرستان سردشت خبرداد. در این عملیات قاچاقچیان حین خروج از نقطه صفر مرزی با مشاهده مأموران و جا گذاشتن محموله قاچاق با استفاده از موقعیت جغرافیایی و تاریکی شب از محل متواری شدند. به‌گزارش فارس در این زمینه سه نفر شناسایی شده و دستگیری آنان در دستور کار قرارگرفته است، وضعیت این توله شیر در ابتدا بسیار نامناسب بود که با معاینه و مراقبت‌های لازم از آن هم اکنون از لحاظ جسمی بهبود یافته و در حال حاضر از شرایط مناسبی برخوردار است. گونه این نوع شیر هنوز مشخص نیست و پس از اطلاع از گونه آن توسط کارشناسان، بلافاصله طی مراحل قانونی به منطقه زیست خود بازگشت داده خواهد شد.

سود توریسم درمانی در خراسان رضوی به جیب واسطه‌ها می‌رود

آفت دلالی در گردشگری سلامت

زهرا کشوری
خبرنگار

مشهد مقصد گردشگران سلامت از ۳۰ کشور است. عراقی‌ها در صدر گردشگران سلامت این شهر زیارتی هستند. بعد از همسایه غربی ایران، گردشگران سلامت از افغانستان، ترکمنستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس مسافر مشهد هستند. دو سال پیش، قبل از آنکه کرونا گردشگران را خانه نشین کند، همزمان با کاهش ارزش پول ملی، گردشگران سلامت مشهد از عراق، ازبکستان، جمهوری باکو، ترکمنستان، افغانستان و... افزایش یافت. افزایش گردشگران سلامت مشهد باعث شد تا مسئولان میراث فرهنگی و سلامت استان وعده دهند پای دلالان را برای همیشه از گردشگری سلامت مشهد کوتاه می‌کنند. وعده‌ها به سرانجام نرسیده تا شرکت کنندگان در کنفرانس ملی مدیریت گردشگری و خدمات سلامت بین‌الملل یکبار دیگر در سال ۱۴۰۰ خواستار حل معضل دلالان در گردشگری سلامت شوند. آنها تربیت راهنمایان گردشگری آشنا به زبان عربی، روسی و ترکمنی را یکی از راه‌های پایان دادن به حضور واسطه‌ها در صنعت گردشگری مشهد می‌دانند.

■ کرونا، گردشگران سلامت را از مشهد گرفت

«یاشا مخدومی» فوق تخصص آنکولوژی و سرطان شناسی بیمارستان امام رضای مشهد در گفت‌وگو با «ایران» از کاهش شدید گردشگران سلامت مشهد پس از شیوع کووید ۱۹ خبر می‌دهد. به گفته او محدودیت‌ها، گردشگران سلامت کشورهای ترکمنستان و جمهوری باکو به را به صفر رسانده و تعداد گردشگران سلامت افغانستان و عراق به حداقل رسیده‌اند. تعداد گردشگران سلامت مشهد از مقصد برخی از کشورها پس از تزریق گسترده واکسن هم افزایش نیافته است. گردشگران سلامت ترکمنستان با وجود آنکه به‌دلیل اشتراکات زبانی و فرهنگی و ضعف نظام سلامت کشور خود ترجیح می‌دهند در ایران درمان شوند اما به ندرت به ایران می‌آیند. مخدومی می‌گوید: «گردشگران سلامت ترکمنستان بعد از درمان باید دو هفته در کشور خود در قرنطینه باشند، این مسأله باعث شده که آنها ایران را انتخاب نکنند.» گردشگران جمهوری باکو نیز کاهش یافته‌اند و بیماران صعب العلاج هم ترجیح می‌دهند به جای مشهد در بیمارستان‌های آذربایجان شرقی از جمله تبریز درمان شوند. تازه‌ترین آمارهای بیمارستان علوم پزشکی مشهد تعداد گردشگران عراقی در ۱۴۰۰ را ۱۰ هزار نفر اعلام می‌کند. با وجود این و به گفته مخدومی حضور گردشگران عراقی هم در شرایطی که همچنان کووید ۱۹ سویه‌های جدیدی از خود نشان می‌دهد، به بیماران صعب العلاج از جمله مبتلایان به سرطان که در کشور خود جواب شده‌اند، محدود شده است.

آذرماه بود که ۶۰ نماینده آژانس‌های گردشگری عراق به ایران آمدند و در طول سه روز در مشهد با بخش خصوصی و دولتی ایران به گفت‌وگو نشستند تا تبادل گردشگر در بین دو کشور شکل جدیدی به خودش بگیرد. پیش از آن ایران صدور روادید برای گردشگران عراقی را آزاد کرده بود. براساس آماری که در این جلسات به رسانه‌ها اعلام شد در آبان ماه ۳۰ هزار عراقی به مشهد آمده بودند. یکی از موضوعات مورد بحث دو گروه اسکان گردشگران عرب در اماکن غیر مجاز بود. زائران عراقی در کنار زیارت برای درمان هم می‌آمدند و گرفتار دلالان غیرمجازی می‌شدند که زبان عربی بلدند. دلالان به کلینیک‌ها می‌رفتند و توافق می‌کردند که اگر بیمار به این مرکز برود، ۵۰ درصد سهم بگیرد. در نتیجه درآمد دلال از پزشک بیشتر می‌شد.

دلالان برخی از گردشگران سلامت عراق را به‌نام زائر وارد ایران می‌کنند و آنها را به مراکز درمانی مورد نظر خود معرفی می‌کنند. افزایش غیرقانونی تعرفه‌های پزشکی و خدمات پزشکی ناقص از جمله پیامدهای جدی و منفی حضور دلالان گردشگری سلامت ایران است. یاشا مخدومی اعتقاد دارد به‌دلیل سکونت عراقی‌های زیادی در مشهد و آشنایی کادر درمان با زبان عربی گردشگران عراق بیشتر از گردشگران ترکمنستان و تاجیکستان از دست دلالان جان سالم به درمی‌برند. البته وجود عراقی‌ها در مشهد باعث شده بسیاری از گردشگران عراقی برای سکونت به جای مراکز رسمی در خانه اقوام ساکن شوند و سهم اقتصادی صنعت گردشگری ایران از این حضور پرداخت نشود. این مسأله شامل گردشگران عراقی خوزستان هم می‌شود. مسأله‌ای که بارها اعتراض «حرمت‌الله رفیعی» رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی را در پی داشته است. رفیعی سهم اقتصادی ایران از حضور چهار میلیون گردشگر عراقی در کشور را هیچ می‌داند.

با وجود این یاشا مخدومی اعتقاد دارد گردشگران سلامتی که از همسایه‌های شمالی ایران برای درمان می‌آیند بیشتر در معرض دلالان این صنعت قرار دارند. او دو سال پیش هم در گفت‌وگو با «ایران» خواستار استخدام و تربیت راهنمایان تور سلامت آشنا به زبان روسی و ترکمنی شده بود. در اینجا هم دو کشور رقیب صنعت گردشگری ایران، یعنی ترکیه و هند در کمین گردشگران سلامتی هستند که از کشورهای همسایه در چهار سو به ایران می‌آیند. مخدومی اعتقاد دارد که گردشگری سلامت در مشهد در دست دلالان مترجم آشنا با زبان گردشگران است. او به ضعف قانون اشاره می‌کند و می‌گوید: «کسی در کشوری مثل ترکمنستان نمی‌تواند با ویزای توریستی کار کند اما در ایران این نظارت وجود ندارد. هرکس هم به هر عنوانی وارد ایران می‌شود گردشگر محسوب می‌شود.»

■ آمارهای متفاوت

آمارهای اعلام شده در کنفرانس ملی مدیریت گردشگری و خدمات سلامت بین‌الملل عددهای متفاوتی از گردشگران سلامت کشور می‌دهد. براساس اظهارات سرکنسول کشور عراق در مشهد، امسال ۲ میلیون زائر عراقی برای زیارت به این شهر مقدس سفر کردند که ۲۰۰ هزار نفر آنان به‌عنوان گردشگر سلامت در بیمارستان‌های مشهد تحت خدمات درمانی قرار گرفتند.

ایسنا

نیم نگاه

■ بیمارستان امام رضای مشهد ۲۵۰ هیأت علمی، ۸۰۰ دانشجو و هزار و ۸۳۰ تخت بیمارستانی دارد اما میزان گردشگران سلامت آن در ماه کمتر از ۱۰ نفر است و آن هم کسانی هستند که اورژانسی ناچار به مراجعه می شوند

دکتر محمد اسماعیل خیامی مدیر گردشگری سلامت دانشگاه علوم پزشکی مشهد افزایش شمار گردشگران سلامت در مشهد طی سال‌جاری نسبت به پارسال را ۳۰ درصد اعلام می‌کند و به ایرنا، می‌گوید: سالانه افزون بر ۱۵۰ هزار گردشگر سلامت در کلینیک‌ها و مراکز درمانی سرپایی نظیر درمانگاه‌های تخصصی چشم، درمان ناباروری، ژنتیک، زیبایی، پوست و مو خدمات می‌گیرند که این تعداد امسال به‌دلیل نوسان ارزی افزایش داشته است.

به گفته او گروهی از گردشگران سلامت نیز در بیمارستان های مشهد از خدمات بستری برخوردارند که این تعداد از ابتدای امسال تاکنون بیش از ۱۰ هزار نفر برآورد می‌شود.

اما دکتر محمود شبستری رئیس بیمارستان امام رضا(ع) مشهد در این کنفرانس ملی می‌گوید: «بیمارستان امام رضای مشهد ۲۵۰ هیأت علمی، ۸۰۰ دانشجو و هزار و ۸۳۰ تخت بیمارستانی دارد اما میزان گردشگران سلامت آن در ماه کمتر از ۱۰ نفر است و آن هم کسانی هستند که اورژانسی ناچار به مراجعه می‌شوند.» آمارهای اعلام شده از گردشگران ورودی به ایران با مقاصد زیارتی، فرهنگی، طبیعی و درمانی همیشه محل شک بوده است.

■ سهم اندک پزشک در کاهش گردشگران سلامت

رئیس بیمارستان امام رضا(ع) مشهد اعتقاد دارد در صورت لغو بخشنامه‌های دست و پاگیر دولتی و اعطای استقلال به مرکز درمانی دولتی و خصوصی، گردشگری سلامت به اوج می‌رسد گرچه کشور ما به‌دلیل برخورداری از شرایط خاص، درمان ارزانتری نسبت به کشورهای همسایه ارائه می‌دهد که می‌تواند جاذبه خوبی باشد اما تا زمانی که از هر ۱۰۰ میلیون تومان یک میلیون به پزشک می‌دهند این چرخه جذب ناقص است.

شبستری می‌گوید:«از ۷۰ میلیون تومان حق‌العمل بیمارستان حدود ۵۰۰ هزار تومان به پزشک بعد از ۶ ماه می‌دهند در حالی که همه فکر می‌کنند ۵۰ میلیون تومان آن به پزشک می‌رسد، این سیستم پزشک را تشویق به همکاری در این زمینه نمی‌کند و حتی اگر بیمارستان مایل باشد تا زمانی که این راهکار درست نشود،اتفاقی نمی‌افتد.»

یاشا مخدومی هم به «ایران» می‌گوید: «در سیستم دولتی یک کارانه پزشکی وجود دارد که علاوه بر حقوق در قبال جراحی که انجام می‌شود به پزشک پرداخت می‌شود. برای مثال یک پزشک برای بیمارستان ۱۰۰ میلیون تومان درآمد تولید می‌کند سهم خود پزشک ۲۰ میلیون تومان در نظر گرفته می‌شود. این عدد در سیستم پلکانی به دو ۱۰ میلیون تومان تقسیم می‌شود. این دو عدد به ۶ تا ۷ میلیون کاهش پیدا می‌کنند. ۲۰ درصد هم مالیات از آنها کم می‌شود. در نهایت از ۱۰۰ میلیون درآمد تولیدی برای پزشک، چیزی بین ۵ تا ۶ میلیون تومان می‌ماند. بنابراین پزشک انگیزه‌ای برای ادامه کار ندارد و اگر می‌ماند هم در بحث بیمار خارجی هم بیمار داخلی بیشتر اخلاقی و علمی است.»

بارش‌های سیلابی در هرمزگان قربانی گرفت

هشدار قرمز هواشناسی برای استان‌های جنوبی

زهره افشار
خبرنگار

در حالی که بارش‌های سیلابی از روز پنجشنبه در استان‌های جنوبی موجب خسارت به زیرساخت‌های برخی استان‌ها شد و حتی جان یک کودک ۸ ساله را روستای «ایسین» بندرعباس گرفت، سازمان هواشناسی با هشدار سطح قرمز هواشناسی برای بوشهر، هرمزگان، جنوب کرمان، فارس در روز یکشنبه از ادامه بارش شدید در این استان‌ها خبر داد و از مسئولان خواست خود را برای سیلاب احتمالی آماده نگه دارند.

«صادق ضیاییان» مدیر کل پیش‌بینی و هشدارسریع سازمان هواشناسی در گفت و گو با «ایران»از ادامه بارش‌ها در بیشتر استان‌های کشور تا پایان هفته خبر داد و افزود: امروز بارش شدیدی همراه با رعد و برق و ریزش تگرگ و وزش باد شدید در چهار استان بوشهر، هرمزگان، جنوب کرمان، فارس خواهیم داشت که می‌تواند با سیل و طغیان رودخانه‌ها، آبگرفتگی گسترده معابر شهری، ورود آب به واحدهای مسکونی، تخریب پل و مسدود شدن جاده‌ها و خسارت به محصولات کشاورزی بینجامد.

وی خاطرنشان کرد: این بارش‌ها می‌تواند کم بارشی در بسیاری از مناطق را جبران کند و اگر مسئولان از پیش آماده شده باشند و مردم هم هشدارها را جدی بگیرند آن را یک رخداد مثبت تلقی کنیم.

ایرنا

ضیاییان بیشترین دریافت بارش از روز پنجشنبه گذشته تا روز گذشته را چابهار با ۱۴۴ میلیمتر اعلام کرد و گفت و افزود: پس از آن بوشهر با ۹۴،۶ میلیمتر و فیروزآباد فارس با ۸۰ میلیمتر است.

■ سیلاب جان یک کودک ۸ ساله را گرفت

«مهرداد حسن‌زاده»مدیرکل مدیریت بحران استانداری هرمزگان به ایرنا گفت:سیلاب در منطقه ایسین شهرستان بندر عباس منجر به مرگ یک کودک هشت ساله شد.

وی افزود: این حادثه ساعت ۱۳ و ۳۰ دقیقه ظهر جمعه و هنگامی رخ داد که این پسربچه برای تماشای باران و سیلاب به کنار رودخانه فصلی رفته بود که به خور«لور» منطقه ایسین بندرعباس سقوط کرد.

مدیرکل مدیریت بحران استانداری هرمزگان اظهار داشت: روز جمعه همچنین بارش شدید باران و وزش باد موجب سقوط تعدادی تیر برق شد و زمینه قطعی برق چند ساعته ۳۰ روستا در شهرستان‌های بندرعباس و بشاگرد را فراهم کرد. سیل در سیستان و بلوچستان مشکلات بیشتری برای مردم فراهم کرد، هر چند مردم از ثبت بارش ۱۴۴ میلیمتری در چابهار با توجه به خشکسالی‌های پیاپی این استان خرسند بودند اما متحمل خسارت بیشتری شدند.

«کورش محمدی» معاون سیاسی و اجتماعی فرمانداری ویژه چابهار گفت: چهار مکان شامل کمپ، مراد آباد، زیباشهر و سالن‌های ورزشی سپاه و ورزش و جوانان در مرکزشهر برای اسکان اضطراری سیل‌زدگان در نظر گرفته شده است.

وی از فعالیت‌های شبانه روزی نیروهای نظامی و انتظامی، شهرداری و امدادرسانی، بازدید و ارزیابی خانه های آسیب‌دیده از بارندگی و توزیع اقلام امدادی بین خانواده‌های متأثر از بارندگی توسط جمعیت هلال احمر در روستای کمپ قدردانی و خاطرنشان کرد: حاشیه نشینان چابهار به دلیل زندگی در کپرها نیاز شدید به خدمت‌رسانی دارند.

«علیرضا میربهاءالدین» مدیرعامل جمعیت هلال احمر سیستان و بلوچستان هم گفت: ۲ هزار و ۶۲ نفر از شهروندان آسیب دیده سیلاب جنوب این استان در قالب ۵۰۶ خانوار توسط نیروهای هلال احمر امدادرسانی شدند.

اخبار

خراسان شمالی رتبه اول ازدواج را در کشور کسب کرد

بجنورد- مدیرکل ثبت احوال استان خراسان شمالی گفت: در سال جاری، ۶ هزار و ۲۰۵ مورد ازدواج در استان ثبت شده که خراسان شمالی در موضوع ازدواج رتبه نخست کشور و در موضوع طلاق در جایگاه ۹ کشور قرار دارد.

به گزارش فارس ،علی زاهدی‌نیا، اظهارکرد: در سال جاری، ۶ هزار و ۲۰۵ مورد ازدواج و یک هزار و ۶۷۱ مورد طلاق در استان ثبت شده که نرخ خام ازدواج ۹ در هزار بوده است و خراسان شمالی در موضوع ازدواج رتبه نخست کشور و در موضوع طلاق در جایگاه ۹ کشور قرار دارد. وی با اشاره به اینکه بیشترین ازدواج مردان در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال با دو هزار و ۸۹ مورد بوده است، گفت: در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال یک هزار و ۷۹۱ مورد، در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال ۹۰۸ مورد، در گروه سنی ۶۵ تا ۶۹ سال ۴۴ ازدواج، ۷۰ تا ۷۴ سال ۱۶ مورد، ۷۵ تا ۷۹ سال ۱۷ مورد و ۸۰ تا ۸۴ سال ۸ مورد و ۸۵ تا ۸۹ هم دو مورد ازدواج به ثبت رسیده است. مدیرکل ثبت احوال استان خراسان شمالی بیشترین ازدواج زنان در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ سال را دو هزار و ۴۰ مورد عنوان کرد و افزود: علاوه‌بر این در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ سال یک هزار و ۷۱ مورد، در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال ۷۵۶ مورد، گروه سنی ۶۰ تا ۶۴ سال ۱۴ نفر، ۶۵ تا ۶۹ سال ۷ مورد و ۷۰ سال به بالا چهار مورد به ثبت رسیده است.

زاهدی‌نیا،میانگین سن طلاق در خراسان شمالی را ۳۶ سال برای آقایان و زنان را ۳۱ سال خواند و ادامه داد: از کل طلاق انجام شده، ۹۸ مورد مربوط به ازدواج‌هایی با عمر کمتر از یک ماه است، ۱۳۳ مورد بین یک تا دو سال، ۱۱۲ مورد بین دو تا سه سال، ۱۳۸ مورد بین سه تا چهار سال و در مجموع ۴۰۱ مورد از طلاق‌های ثبت شده در استان در سال جاری در پنج سال نخست زندگی مشترک رخ داده است. وی خاطرنشان کرد: ۱۰ مورد از طلاق‌های استان ۲۹ سال از عمر زندگی مشترکشان گذشته و ۴۸ مورد بیش از ۲۹ سال بوده است.

شرایط شکننده خوزستان در برابر امیکرون

اهواز- سرپرست دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز با اشاره به بروز سویه امیکرون در کشور گفت: شرایط شکننده است بنابراین باید مراقبت کنیم تا ساده‌انگاری ایجاد نشود.

دکتر محمدحسین سرمست در نشست ستاد استانی مدیریت کرونا اظهار کرد: در هفته گذشته موارد ابتلا و بستری بیماران مبتلا به کرونا در استان خوزستان نسبت به هفته قبل از آن تغییر عمده‌ای نداشته است. تعداد بیماران نیازمند تست نیز از ۹۰۰ نفر به ۷۵۰ نفر رسیده است. به گزارش ایسنا، وی افزود: در هفته گذشته روزانه ۱۵ تا ۲۵ مورد مثبت، پنج مورد بستری و صفر تا دو مورد فوتی داشته‌ایم.

وی بیان کرد: هر چند تاکنون موردی از ابتلا به امیکرون در خوزستان نداشته‌ایم اما با توجه به اینکه تنها از یک درصد موارد قطعی ابتلا تست شناسایی امیکرون گرفته می‌شود، قطعاً امیکرون وارد خوزستان هم شده است بنابراین باید پروتکل‌های بهداشتی سختگیرانه اجرا شوند.

سرمست افزود: پیشنهادی در مورد برگشت ورزشگاه‌ها به حالت عادی داشتیم که ستاد ملی مقابله با کرونا با این کار مخالفت کرده است و در خوزستان نیز باید با این کار مخالفت شود. وی در خصوص وضعیت واکسیناسیون کرونا در استان خوزستان نیز گفت: در حال حاضر پوشش نوبت اول واکسیناسیون در جمعیت هدف ۸۳ درصد، نوبت دوم ۶۷ درصد و نوبت سوم ۱۰.۵ درصد است.

کارشناسان فاوا در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کردند

دولت در مسیر ریل گذاری توسعه اقتصاد دیجیتال

سوسن صادقی
خبرنگار

یکی از مشکلات کسب و کارهای مجازی وجود دستورالعمل‌ها و قوانین مصوب در هیأت دولت و دستگاه‌های دولتی است که عملاً با هم در تضاد بوده و خود مانعی برای اکوسیستم استارتاپی و اقتصاد دیجیتالی محسوب می‌شوند. به تازگی به پیشنهاد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، «کارگروه ویژه توسعه اقتصاد دیجیتال» به ریاست وزیر ارتباطات وفناوری اطلاعات و دبیری وزیرامور اقتصادی ودارایی تشکیل ودر هیأت دولت مصوب شد تا نه تنها به این تضادها پایان دهد، بلکه باعث ایجاد یکپارچه‌سازی در تصمیم‌گیری و اقدام‌های تنظیم‌گرانه و مهم‌تر از همه رفع موانع کسب و کارهای مجازی شود. کارشناسان فاوا در گفت‌وگو با «ایران» تشکیل این کارگروه ویژه را اقدامی مثبت و اولین گام اساسی در جهت رفع موانع کسب و کارها اعلام و ابراز امیدواری کردند که با ایجاد یکپارچگی در تصمیم‌ها، شاهد افزایش سهم «اقتصاد دیجیتال» روی ریل توسعه در دولت سیزدهم باشیم.

■ رفع موانع با مشارکت بخش خصوصی

حسین اسلامی رئیس سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران معتقد است با تشکیل «کارگروه ویژه توسعه اقتصاد دیجیتال» به پیشنهاد وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، در عمل اولین گام اساسی دولت سیزدهم برای ورود جدی به حوزه اقتصاد دیجیتال، رفع موانع کسب و کارها و ایجاد هماهنگی داخل دولت، برداشته شد.

اسلامی به «ایران» گفت: تشکیل کارگروه ویژه توسعه اقتصاد دیجیتال در دولت را به فال نیک می‌گیریم و امیدواریم حال که از سوی رئیس جمهور و هیأت دولت به این کارگروه اختیارات لازم واگذار شده، این کارگروه بتواند با شنیدن صدای صنف، همراهی و تعامل با مجموعه‌های بخش خصوصی که رکن اساسی اقتصاد دیجیتال هستند، نقطه عطفی برای شکوفا شدن اقتصاد دیجیتالی باشد.

وی افزود: در حوزه فناوری‌های نوین بویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات آیین‌نامه، دستورالعمل‌ها و... وجود دارد که گاهی ناسخ و منسوخ یا ناهماهنگ با یکدیگر هستند. از سوی دیگر اکوسیستم اقتصاد دیجیتالی نیازمند تدوین قوانین جدید متناسب این اقتصاد و همزمان مقررات زدایی است.

به اعتقاد اسلامی مهمتر اینکه گاهی ناهماهنگی در بین نهادهای مرتبط مانند دستگاه‌های اجرایی، مرکز ملی فضای مجازی، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و... باعث ایجاد مشکلاتی برای اکوسیستم اقتصاد دیجیتالی شده از این رو انتظار داریم این کارگروه تصویر شفاف‌تر، هماهنگی و یکپارچگی‌سازی و تصمیم‌گیری بیشتری ایجاد کند.

به گفته وی انتصاب یک معاون یا قائم مقام در هر دستگاه اجرایی به‌عنوان CIO هم نباید فراموش شود، چرا که این اقدام می‌تواند اهمیت اقتصاد دیجیتالی را در دولت سیزدهم بیشتر نشان دهد.

رئیس سازمان نظام صنفی رایانه‌ای استان تهران در ادامه گفت: این کارگروه گر چه دولتی است و جایگاه تنظیم گری ندارد ولی اگر با همکاری بخش خصوصی روی موضوعاتی مانند خود تنظیم‌گری هم کار کند، اتفاق خجسته‌ای خواهد بود.

اسلامی افزود: آنچه برای صنف فاوا هم مهم بوده این است که دولت و بویژه این کارگروه از بخش خصوصی بهره‌گیری کند، چرا که این اقدام به غنای تصمیم‌گیری کمک می‌کند. به عبارتی وقتی در تصمیم‌گیری یکپارچه‌سازی ایجاد شود، به‌دنبال آن به رفع موانع کسب و کارها کمک شایانی خواهد کرد بنابراین در این راستا نظام صنفی رایانه‌ای آماده کمک به این کارگروه است.

■ ریل گذاری درست

رضا الفت نسب عضو هیأت مدیره اتحادیه کسب و کارهای مجازی نیز تشکیل کارگروه ویژه توسعه اقتصاد دیجیتال در هیأت دولت به ریاست وزیر ارتباطات وفناوری اطلاعات را اقدام خوب و مثبتی دانست و آن را یکی از خواسته‌ها و نیازهای ضروری اقتصاد دیجیتالی و کسب و کارهای این حوزه عنوان کرد. الفت نسب به «ایران» گفت: کسب و کارهای مجازی از گذشته تاکنون به‌دنبال یکپارچگی قوانین و دستورالعمل‌ها بودند تا تمرکزی حاصل شده و به حل و فصل مشکلات اکوسیستم اقتصاد دیجیتالی منجر شود.

وی افزود: وجود نهادهای مختلفی از مرکز توسعه تجارت الکترونیکی گرفته تا مرکز ملی فضای مجازی، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و... و نبود قرارگاه فرماندهی باعث شده فعالان اکوسیستم اقتصاد دیجیتالی سردرگم شوند و در آخر هم نمی‌دانند با کدام نهاد طرف هستند.

عضو هیأت مدیره اتحادیه کسب و کارهای مجازی معتقد است اگر قوانین، دستورالعمل‌ها و ضوابطی که در تضاد هم هستند احصا شده و با تعامل با دستگاه‌های اجرایی یکپارچگی ایجاد شود، مشکلات این اکوسیستم بشدت کاهش می‌یابد.

به گفته الفت نسب البته رفع مشکلات در اقتصاد دیجیتالی برای ایجاد رشد و توسعه بستگی به حدود اختیارات این کارگروه هم دارد از این رو امیدواریم اختیارات لازم هم به این کارگروه داده شود تا بتوانند کارها را بسرعت و دقت پیش ببرند.

وی در ادامه گفت: کسب و کارهای مجازی چالش‌های زیادی در قالب دستورالعمل‌ها، ضوابط و آیین نامه‌هایی که در هیأت دولت تصویب شده دارند و به نظر می‌رسد این کارگروه بتواند حداقل فضایی را به‌وجود آورد که چالش‌ها را برطرف کند.

به اعتقاد این فعال به نظر نمی‌رسد این کارگروه بتواند چالش‌هایی را که در حوزه قوانینی که سال‌های گذشته در مجلس تصویب شده رفع کند ولی می‌تواند آنها را با تدوین آیین نامه‌های جدید ذیل همان قوانین تسهیل یا تلطیف کند.

الفت نسب در ادامه گفت: یک از مواردی که باید به آن توجه ویژه شود جلوگیری از موازی کاری در دستگاه هاست و این قبیل موارد باید شناسایی شود. با حساب سرانگشتی اکنون ۱۶ سازمان و دستگاه در حوزه اقتصاد دیجیتالی دخیل هستند که باید به ۱۰ سازمان برسد و تجمیع شود تا از موازی کاری‌ها جلوگیری شود.

به گفته وی این کارگروه نباید ارتباط و تعامل مستقیم با تشکل‌ها را فراموش کند و حتی باید کارگروه‌های تخصصی در حوزه‌های مختلف را ایجاد کند تا تصمیمات و اقدام هایشان کارساز شود. هرچند عملیاتی کردن همین اقدام‌ها نیز بسیار سخت و دشوار و زمانبر است ولی با انجام آن دولت سیزدهم می‌تواند ریل گذاری خوبی برای توسعه اقتصاد دیجیتال در کشور انجام دهد.

دیجیتال‌تر شدن

زیست بوم اقتصاد دیجیتال در انتظار رشد و توسعه

یادداشت

محمد جواد نعناکار
کارشناس حقوقی فناوری اطلاعات

به تازگی «کارگروه ویژه توسعه اقتصاد دیجیتال» به ریاست وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و دبیری وزیر امور اقتصادی و دارایی تشکیل و در هیأت دولت مصوب شد تا با یکپارچه‌سازی در تصمیم‌گیری موانع کسب و کارهای مجازی رفع شود. در خصوص راه‌اندازی چنین کارگروهی در هیأت دولت سیزدهم باید گفت که قطعاً ایجاد کارگروه‌ها، ذیل قانون اساسی در هیأت دولت می‌تواند بخصوص از منظر حقوقی که به بخش‌های مختلف اقتصادی، حقوق عمومی، حقوق مدنی و تجاری تقسیم می‌شود، برای اکوسیستم اقتصاد دیجیتال دلگرم کننده بوده و تبعات خیلی خوبی را در این حوزه داشته باشد.

ولی لازمه اینکه بتوان از منظر حقوقی مسأله اقتصاد دیجیتال را تبیین، تدوین و تصویب و ابلاغ کرد این است که ابتدا و قبل از هر کار و تصمیمی عبارت اقتصاد دیجیتال یک بار برای همیشه به‌صورت دقیق معنا شود. متأسفانه تا امروز که در حال نوشتن یادداشت هستم، اقتصاد دیجیتال و زیست بوم اقتصاد دیجیتال بدرستی تبیین نشده است و اگر بدرستی تبیین نشود و بار دیگر دچار تشتت آرا و فهم در محاکم و ادارات دولتی خواهیم شد. اکنون هر دستگاهی در اقتصاد دیجیتال ساز خود را می‌زند و آن هم به‌دلیل نبود تبیین درست از عبارت اقتصاد دیجیتالی و نبود فهم مشترک از زیست بوم اقتصاد دیجیتالی است. وجود چنین کارگروهی حتماً سیاست‌های این حوزه را به هم نزدیک خواهد کرد و به عبارتی شاهد تقریب سیاست‌ها خواهیم بود تا بتوان در یک راستا مشی کلی را تصمیم‌گیری کرد.

برای توسعه اکوسیستم اقتصاد دیجیتالی باید کارهای زیربنایی انجام داد و آن هم شناسایی موانعی است که در حوزه رشد اکوسیستم اقتصاد دیجیتال وجود دارد و دولت باید در قالب همین کارگروه سریع آنها را شناسایی و رفع کند تا این اکوسیستم رشد یابد و همگام با کشورهای همسایه که با شدت و حدت در حوزه اقتصاد دیجیتال کار می‌کنند بتواند اقدام‌های تأمینی خود را انجام دهد. به نظرم تعامل گسترده دستگاه‌های اجرایی در چنین کمیته‌ای و البته تعامل این کمیته با مجلس قانونگذار هم مهم است از این رو فکر نمی‌کنم با یک کارگروه مستقر در دولت بتوان اکوسیستم اقتصاد دیجیتال را رهبری کرد چون راهبری قطعاً نیازمند قانون است که باید در مجلس تصویب و برای فعل و ترک فعل جزا و پاداش دیده شود. از سوی دیگر باید برنامه کوتاه، میان مدت و بلندمدت برای آنها تبیین و تدوین شود. حتی به نظر می‌رسد استفاده از سازمان‌های فراقوه‌ای مانند شورای عالی فضای مجازی و اقتصاد لازم است و آنها می‌توانند در این کمیسیون نقش آفرینی کنند و مصوبات مشترک ارائه دهند تا کارگروه بتواند با توجه به سیاست‌های کلی نظام در اقتصاد دیجیتال، اقتصاد کشور و البته زیرساخت‌ها، آیین‌نامه و دستورالعمل داشته باشد و با استناد به قانون مجلس، راهبری و راهبرد درستی را انجام دهد.

جلوگیری از تخریب اراضی کشاورزی با اطلاعات ماهواره‌ای

نگاه

ایران مدت‌هاست از فناوری‌های فضایی و تصاویر ماهواره‌ای برای رصد زمین‌های کشاورزی، وضعیت آب و هوایی، میزان تنش آبی و بیابان‌زایی و... استفاده می‌کند. به گزارش ایرنا، اکنون «سامانه پایش اراضی» به‌عنوان یکی از دو بخش اصلی سامانه «پنجره واحد مدیریت زمین» با رصدکردن استان‌های اصفهان، البرز، قزوین و زنجان کار خود را آغاز کرده و مأموریت ویژه جلوگیری از تخریب اراضی کشاورزی و حفظ جنگل‌ها و مراتع را دنبال می‌کند. ساز و کار فعالیت سامانه پایش اراضی به گونه‌ای طرح‌ریزی شده است که با تکیه بر فناوری‌های نوین، ظرفیت‌های بومی کشور و تعیین مختصات زمین، اقدام به دریافت تصاویر و داده‌های ماهواره‌ای می‌کند و ضمن تحلیل و پردازش اطلاعات دریافتی و مقایسه آنها با یکدیگر در بازه‌های زمانی مشخص، به بررسی وضعیت اراضی کشور می‌پردازد.

■ ساخت و ساز غیرمجاز ممنوع

یکی از معضلات همیشگی نیروهای متولی حفاظت از اراضی کشاورزی، بی اطلاعی از وضعیت ساخت و سازهای غیرمجاز در پشت دیوارهای باغ‌ها و مزارع محصور بوده است. در این روش زمین‌خواری، سودجویان ابتدا به بهانه جلوگیری از هجوم حیوانات یا سارقان به مزارع و باغ‌های خود، اقدام به دریافت مجوز احداث دیوار و حصار می‌کنند. در مرحله بعدی، زمین‌های مخفی شده در پشت دیوارها را مورد تخریب قرار داده و ساخت و ساز را آغاز می‌کنند، اما با راه‌اندازی سامانه پایش اراضی کشور، زمین‌های کشاورزی و منابع طبیعی به‌صورت مستمر و از فضای آسمان توسط ماهواره‌ها رصد شده و هرگونه تغییر نظیر دیوارکشی، گودبرداری، پی کنی، احداث بنا، قطع درختان باغی و جنگلی و احداث استخر قابل شناسایی است.

■ مقابله با زمین خواران منابع طبیعی

زمین‌خواران با جعل اسناد و مدارک مالکیت اراضی ملی نظیر جنگل‌ها، مراتع، کوه‌ها و سواحل دریاها و ادعاهای دروغین مالکیت آبا و اجدادی، اقدام به تخریب اراضی و محصور کردن آنها برای استفاده شخصی خود می‌کنند. یکی از این موارد، کاشت درختان چندین ساله در اراضی ملی است که در روش‌های سنتی بازدید میدانی اراضی توسط کارشناسان دادگستری و دولتی به‌عنوان مبنایی برای مالکیت اشخاص تلقی می‌شد. با فعال شدن سامانه پایش اراضی کشور، سوابق بهره‌برداری از اراضی در سنوات گذشته نیز براحتی قابل مشاهده است و امکان جلوگیری از ادعاهای دروغین و تصرف غیرقانونی اراضی منابع طبیعی را فراهم می‌کند.

■ محیطبانی الکترونیکی

نیروهای گشتی از قبیل جنگلبانان و محیطبانان همواره با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده‌اند. بخشی از این چالش‌ها شامل کمبود تجهیزات و خودرو بویژه برای نظارت مستمر بر مناطق صعب‌العبور است و بخش دیگر محدودیت در ابزارهای شناسایی تخلف در مقابل زمین‌خوارانی است که در بیشتر موارد امکانات مناسبی جهت پوشاندن تخلفات خود دارند. با فعال شدن سامانه پایش اراضی کشور، ابزارهای فناوری اطلاعات و دانش ماهواره‌ای در اختیار این نیروها قرار گرفته تا با استفاده از ظرفیت تکنولوژی نوین، امکان رصد دائمی اراضی و مقابله با افراد سودجو را داشته باشند.

■ یک پروژه اولویت‌دار

سامانه پنجره واحد مدیریت زمین، یکی از ۲۳ پروژه اولویت‌دار دولت الکترونیکی است که به منظور ایجاد سهولت در ارائه خدمات و مجوزهای زمین محور و مدیریت و پایش بهینه اراضی، ایجاد و راه‌اندازی شده است. ثبت و صدور مجوزهای مرتبط با ساخت‌وساز در اراضی و املاک خصوصی و استعلامات مربوطه، ثبت و واگذاری بهره‌برداری از اراضی و املاک ملی، دولتی و وقفی، ثبت و پیگیری گزارش‌های مردمی زمین خواری و نظارت بر اجرای قوانین مرتبط با حوزه زمین، اهداف چهارگانه «سامانه زمین» است.

■ صیانت از زمین‌های کشاورزی

سامانه پایش اراضی را می‌توان نقطه عطف استفاده از فناوری برای مقابله با پدیده زمین‌خواری دانست. این سامانه توسط سازمان فناوری اطلاعات ایران و با همکاری ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی ایجاد و راه‌اندازی شده است، ذی‌نفعان سامانه پایش اراضی را طیف قابل توجهی از دستگاه‌هایی تشکیل می‌دهند که به نوعی تکلیف قانونی برای حفظ، نگهداری و مدیریت اراضی کشور به عهده آنها گذاشته شده است که در این خصوص می‌توان به وزارت راه و شهرسازی، سازمان محیط زیست و غیره اشاره کرد.

نظارت یک حلقه هوشمند بر سلامت

قاب فناوری

میتراجلیلی/ این روزها استفاده از فناوری‌های پوشیدنی برای تناسب اندام و حفظ سلامت در کانون توجه فعالان حوزه فناوری قرار گرفته و یکی از بهترین نمونه‌ها حلقه هوشمند Movano است. پیش از این حلقه Oura بسیار مورد توجه قرار گرفته بود ولی نمونه جدید، از آن جهت دارای اهمیت است که می‌تواند با تحلیل داده‌ها بیماری‌های احتمالی را نیز پیش‌بینی کند. حلقه Movano شاخص‌های سلامت مانند میزان ضربان قلب، کیفیت خواب، تنفس، دمای بدن، سطح و میزان اشباع اکسیژن خون و... را اندازه‌گیری می‌کند و ازسوی دیگر گام شمار و میزان کالری سوزانده شده توسط کاربر را نیز مشخص می‌کند. این حلقه همچنین می‌تواند میزان قند خون، چربی و... را نیز اندازه‌گیری کند و نتیجه را در اختیار کاربر قرار دهد. این حلقه با تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌عنوان مثال مشخص می‌کند که با توجه به الگوهای خواب، کدام بیماری می‌تواند سلامت کاربر را تهدید کند. به این ترتیب می‌توان طی مشورت با پزشک، مانع یک بیماری مزمن مانند بی خوابی، دیابت و... شد. یکی دیگر از مواردی که این حلقه هوشمند را بسیار مورد توجه قرار داده، استفاده از سنسورهای مینیاتوری است. این سنسورها بر میزان دقت حلقه تأثیر مثبتی گذاشته و پزشکان معتقدند می‌توانند به نتایج بسیار دقیق آن اعتماد کنند. اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌های این انگشتر از طریق یک اپلیکیشن ویژه روی صفحه گوشی هوشمند، تبلت یا لپ تاپ نقش می‌بندد و همچنین امکان اشتراک‌گذاری این دیتا با پزشک، پرستار یا مربی ورزشی وجود دارد. حلقه Movano هنوز در مرحله آزمایشی و نسخه بتا به سر می‌برد و تا نیمه دوم سال ۲۰۲۲ در دسترس نخواهد بود. قرار است نسخه بتا این فناوری پوشیدنی در نمایشگاه CES لاس‌وگاس امریکا که بعد از تعطیلات ژانویه برگزار می‌شود، در معرض دید بازدیدکنندگان قرار بگیرد.

چگونه فایل های صوتی را تبدیل کنیم؟

نرم افزار آنلاین

احتمالاً برای شما هم پیش آمده است که برای اجرای یک فایل صوتی یا تصویری، نیازمند تبدیل فرمت آن هستید. در چنین شرایطی بهترین راهکار، استفاده از اپلیکیشن‌ها و نرم افزارهای مختلف موجود دربازار است و اگر بخواهیم به بهترین نمونه آن اشاره کنیم کافی است نگاهی به AVS Audio Converter داشته باشیم؛ نرم افزاری کاربردی برای تبدیل فرمت‌های مختلف صوتی به یکدیگر که تقریباً از تمامی فرمت‌های رایج صوتی مانند MP۳، WMA، WAV, M۴A, AMR, OGG, FLAC, MP۲ و ... پشتیبانی می‌کند.

در این مبدل، امکانات ویرایشی مختلف و کاربردی بسیاری گنجانده شده است که از آن می‌توان به امکان جدا کردن قسمتی از فایل صوتی یا چسباندن فایل‌های صوتی به یکدیگر اشاره کرد. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این نرم افزار، امکان استخراج فایل صوتی از فرمت‌های ویدیویی است. نرم افزار AVS Audio Converter محصولی از کمپانی Avs۴you است و تا کنون بسیار موفق عمل کرده است؛ از ویژگی‌های این نرم افزار می‌توان به تبدیل سریع و با کیفیت فایل صوتی از یک فرمت به فرمت دیگر اشاره کرد. امکان ایجاد و بازسازی audio books در فرمت‌های MP۳ و M۴B نیز با کمک این نرم افزار وجود دارد. امکان ساخت رینگتون گوشی‌های آیفون بخشی دیگر از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های این نرم افزار پرکار محسوب می‌شود. اگر شما هم علاقه مندید که این نرم افزار را در اختیار داشته باشید می‌توانید آن را از وب سایت پی سی ورلد به آدرس WWW.P30world.com به‌صورت رایگان بارگذاری کنید.

اخبار

با حضور رئیس سازمان فضایی ایران

آزمایشگاه محموله‌های سنجشی فضایی به بهره برداری رسید

آزمایشگاه سیستمی تعیین، کنترل مدار و وضعیت ماهواره و محموله‌های سنجشی فضایی با حضور حسن سالاریه، رئیس سازمان فضایی ایران در پژوهشکده سامانه‌های ماهواره‌ای به بهره‌برداری رسید.

به‌گزارش مهر، در این بازدید گزارش کاملی از آخرین وضعیت پروژه‌های ماهواره «ناهید ۲»، نمونه دوم ماهواره «پارس»، ماهواره «GTO» (مدار ثابت) و پروژه‌های مطالعاتی و راهبردی ابلاغی سازمان فضایی ایران توسط متخصصان این پژوهشکده به رئیس سازمان فضایی ارائه شد و وی در جریان آخرین دستاوردها و چالش‌های پیش روی این پروژه‌ها قرار گرفت.

سالاریه در این دیدار با تأکید بر لزوم تمرکز بر اتمام به موقع پروژه‌های در دست انجام، تحقق این امر را مستلزم تعامل، هماهنگی و همگرایی حداکثری کارشناسان پژوهشگاه فضایی با سازمان فضایی ایران عنوان کرد.

حسین صمیمی رئیس پژوهشگاه فضایی ایران نیز با اشاره به اینکه یکی از راهبردهای اصلی پژوهشگاه فضایی ایران توسعه زیرساخت‌های فضایی کشور است، در خصوص هدف از راه‌اندازی این آزمایشگاه گفت: با توجه به گسترش فعالیت‌های زیرسیستمی و سیستمی پژوهشکده سامانه‌های ماهواره، ساخت و تجهیز این آزمایشگاه در دستور کار پژوهشگاه قرار گرفت و این آزمایشگاه با هدف انجام فعالیت بخش‌های تعیین موقعیت، تعیین وضعیت و محموله‌های سنجشی تأسیس و راه‌اندازی شده است.

وی افزود: این آزمایشگاه سیستمی دارای تجهیزات و بستر تست سخت‌افزار در حلقه زیرسیستم تعیین و کنترل وضعیت شامل میز سه درجه آزادی، شبیه‌ساز خورشید، سیم پیچ هلمهولتز (Helmholtz) و شبیه‌ساز GPS است. همچنین امکان انجام تست‌های عملکردی المان‌های سخت‌افزاری زیرسیستم نیز در این آزمایشگاه فراهم شده است.

گفتنی است این آزمایشگاه به یاد دانشمند جوان پرتلاش فضایی، شادروان دکتر محمد ندافی‌پور میبدی مزین شد.

امکان سلب امتیاز سیم‌کارت با «دولت همراه»

مدیرکل دفتر نظارت بر خدمات ارتباطی و فناوری اطلاعات رگولاتوری از اتصال سامانه سلب امتیاز مالکیت سیم‌کارت به اپلیکیشن «دولت همراه» خبر داد. به گزارش «ایران»، سید محمد امامی گفت: مشترکان اپراتورهای تلفن همراه و اپراتورهای مجازی تلفن همراه از این پس می‌توانند برای سلب مالکیت سیم‌کارت خود علاوه بر اپلیکیشن اپراتورها، به سامانه تحت وب دولت همراه به نشانی mob.gov.ir مراجعه کنند. مدیرکل دفتر نظارت بر خدمات ارتباطی و فناوری اطلاعات رگولاتوری عنوان کرد: مشترکان برای اطلاع از سیم‌کارت‌هایی که به نام آنها ثبت شده است، می‌توانند با مراجعه به پرتال رگولاتوری به آدرس اینترنتی www.cra.ir در قسمت حقوق کاربران وارد بخش استعلام سرویس‌های مشترکان شده و از سیم‌کارت‌های تحت مالکیت و اپراتورهای مربوط به آن مطلع شوند.

وی با اشاره به اینکه این سامانه در بهمن ماه سال ۹۹ با توجه به همه‌گیری ویروس کرونا و کاهش مراجعات حضوری مشترکان در سامانه مدیریت حساب مشترکان اپراتورها راه‌اندازی شد، عنوان کرد: همچنین مشترکان می‌توانند برای سلب مالکیت سیم‌کارت در اپراتورهای سیار به اپلیکیشن همراه من (my mci) در همراه اول، اپلیکیشن ایرانسل من (my irancell) در ایرانسل، اپلیکیشن رایتل من (my rightel) در رایتل و مدیریت حساب مشترکان اپراتورهای مجازی مراجعه کرده و وارد فرایند سلب امتیاز شوند.

همکاری شبکه بین‌المللی آزمایشگاهی ایران با ۷ کشور

شبکه بین‌المللی آزمایشگاهی از مجموعه‌های توانمند برای تسهیل دسترسی پژوهشگران و صنایع به خدمات آزمایشگاهی در دامنه جهانی ایجاد شده است و تاکنون هفت کشور و ۲۱ آزمایشگاه در این طرح همکاری کرده‌اند.

به گزارش «ایران»، ایجاد شبکه بین‌المللی آزمایشگاهی به ایجاد کارگروه‌های تخصصی و تبادل دانش و تجربه میان کشورها منجر شده و توانمندی‌های آزمایشگاهی ایران را به دیگر کشورها معرفی کرده؛ به طوری که ۴۱۲ تجهیز آزمایشگاهی را به اشتراک گذاشته‌اند.

اهداف مدنظر شبکه آزمایشگاهی فناوری‌های راهبردی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری برای شبکه بین‌المللی آزمایشگاهی، ایجاد شبکه‌ای از آزمایشگاه‌های توانمند برای تسهیل دسترسی پژوهشگران و صنایع به خدمات آزمایشگاهی بین‌المللی، توسعه، تعمیر و نگهداری و کالیبراسیون تجهیزات، برگزاری کارگاه و برنامه‌های آموزش تخصصی حوزه آزمایشگاهی و ایجاد کارگروه‌های تخصصی برای تبادل تجربیات است. این شبکه تا امروز، برگزاری هفت کارگاه و برنامه آموزشی را در کارنامه خود ثبت کرده است و کشورهای ترکیه، پاکستان، هند، بنگلادش، اندونزی، مالزی و موزامبیک در این فعالیت‌های بین‌المللی با معاونت علمی و فناوری همکاری می‌کنند. این موضوع کمک می‌کند تا ایران بتواند از توانمندی کشورهای اسلامی بهره‌مند شود و در عین حال ظرفیت‌های علمی و تخصصی خود را نیز به آنها معرفی کند. یکی از راه‌های توسعه فعالیت‌های این حوزه، ارائه خدمات آزمایشگاهی و پیاده‌سازی استانداردهای لازم در مراکز عضو شبکه برای فعالیت‌های اعضای آن است تا دیگر کشورها از کیفیت این خدمات اطمینان و رضایت داشته باشند. توسعه فعالیت‌های بین‌المللی شبکه در قالب پایگاه اینترنتی intlabsnet.com راهکاری مؤثر در این حوزه است.

مقابله هند با اپل

کمیسیون رقابت هند از تحقیقات درباره رویه‌های تجاری اپل در این کشور خبر داده است. این شرکت متهم به نقض قوانین ضد انحصار در هندوستان است.

به گزارش مهر، بر اساس دستور کمیسیون رقابت هند، یک گروه غیرانتفاعی در هند اپل را به سوءاستفاده از موقعیت مسلطش در بازار اپلیکیشن‌های همراه متهم کرده است. زیرا اپل برنامه‌نویسان را مجبور به استفاده از سیستم پرداخت درون برنامه‌ای خود می‌کند. بسیاری از اپلیکیشن‌های موجود در فروشگاه آنلاین اپل به گونه‌ای طراحی شده‌اند که برخی امکانات آنها با پرداخت پول در دسترس است. اپل برای ارائه این خدمات ۳۰ درصد از مبلغ پرداختی کاربران را به نفع خود ضبط کرده و برنامه‌نویسان ۷۰ درصد باقی را به دست می‌آورند که این رویه مدت‌هاست مورد اعتراض قرار گرفته است. در شکایت مربوط به گروه «ما با هم برای جامعه می‌جنگیم»، تصریح شده است که اصرار اپل بر دریافت ۳۰ درصد از درآمد هر پرداخت درون برنامه‌ای و برخی محدودیت‌های دیگر باعث افزایش هزینه‌ها برای برنامه‌نویسان و توسعه‌دهندگان می‌شود و مانعی برای ورود نیروهای جدید و خلاق به بازار دیجیتال است. اپل پیش از این خواستار عدم رسیدگی به این موضوع توسط کمیسیون رقابت هند شده و تأکید کرده بود سهم این کشور از بازار اپلیکیشن‌های همراه هند از ۵ درصد فراتر نمی‌رود.

نقش هوانیروز ارتش و اورژانس هوایی در پیوند اعضا

پرواز قلب‌ها با جت

یوسف حیدری
گزارش نویس

ساعت ۱۱ و ۴۷ دقیقه همه در اتاق عمل بیمارستان شهید رجایی تهران انتظار می‌کشند. جراح چشم از مانیتور برنمی‌دارد؛ ضربان قلب ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود. چند سال است که این قلب نامنظم می‌زند. پزشکان می‌گویند تنها راه نجات پیوند است. سال‌هاست خانواده حسین جاده اصفهان به تهران را زیر پا می‌گذارند. حالا روز سرنوشت فرارسیده است. هزار کیلومتر آن طرف‌تر در یکی از روستاهای فریمان قلب مهدی برای پیوند به حسین آماده می‌شود. پزشکان اتاق عمل بیمارستان منتصریه مشهد هم منتظر تماس اورژانس هوایی هستند. چند دقیقه بعد زنگ تلفن اتاق عمل به صدا درمی‌آید و رئیس اورژانس هوایی اعلام می‌کند هواپیمای جت از فرودگاه مهرآباد آماده پرواز است.

با اشاره دکتر دستگاه‌ها از تن مهدی جدا می‌شود و خط ممتد روی مانیتور و سوت کش‌دار آن سکوت اتاق عمل را می‌شکند. همه چیز برای خارج کردن قلب آماده است. ساعت ۹ و ۲۲ دقیقه دوباره تلفن زنگ می‌خورد. هواپیمای جت در فرودگاه شهید هاشمی‌نژاد مشهد بر زمین نشسته است. جنب و جوش اتاق عمل را فرامی‌گیرد. پزشک جراح قلب را در جعبه مخصوص آماده انتقال قرار می‌دهد. ساعت ۹ و ۵۷ دقیقه تیم انتقال وارد اتاق عمل می‌شوند و جعبه را تحویل می‌گیرند. دو نفر از اعضای تیم جعبه آبی رنگ را در دست می‌گیرند و با سرعت پله‌ها را پایین می‌آیند. آمبولانس مقابل ساختمان منتظر است. با صدای آژیر همه کنار می‌روند.

حالا در اتاق عمل بیمارستان شهید رجایی تهران، چشم‌ها به تلفن دوخته می‌شود تا مهم‌ترین اتفاق زندگی حسین رقم بخورد. پسر بچه ۱۵ ساله آرام خوابیده است. انگار سال‌هاست هیچ درد و رنجی را حس نمی‌کند. یک ساعت پیش با بدرقه چشمان مادر از زیر قرآن گذشت و به اتاق عمل آمد. پشت در غوغایی است که نگو. تلفن زنگ می‌خورد و یکی از پزشکان گوشی را برمی‌دارد. همان صدای آشنا می‌گوید ساعت ۱۰ و ۲۵ دقیقه جت به سمت تهران از زمین بلند شد. همه دست به کار می‌شوند. جراح دست به کار می‌شود. این بار همه منتظر شنیدن صدای بالگرد می‌شوند. بالگردی که قرار است قلب مهدی را از فرودگاه مهرآباد به بیمارستان برساند.

«چقدر زمان سریع می‌گذرد» این را یکی از پرستاران اتاق عمل می‌گوید. همه می‌دانند فقط سه ساعت طلایی برای پیوند قلب وجود دارد. کسی نمی‌خواهد به بعد از آن فکر کند. ساعت ۱۱ و ۴۱ دقیقه هواپیمای جت در فرودگاه مهرآباد بر زمین می‌نشیند و تیم اورژانس هوایی به‌سرعت خودشان را به بالگرد می‌رسانند. ساعت ۱۱ و ۴۷ دقیقه صدای بالگرد در آسمان بیمارستان شهید رجایی شنیده می‌شود. مادر حسین از خوشحالی نمی‌تواند روی پا بایستد. بالگرد در محوطه چمن بیمارستان می‌نشیند و تیم انتقال قلب به‌سرعت خودشان را به آمبولانسی که در چند متری ایستاده می‌رسانند. این گوش نوازترین صدای آژیری است که در محوطه بیمارستان به صدا درمی‌آید. کمتر از دو دقیقه قلب به اتاق عمل منتقل می‌شود. با اشاره دکتر، قلب حسین جدا شده و قلب مهدی پیوند زده می‌شود. ساعتی بعد پزشک جراح با لبخند از موفقیت عمل پیوند خبر می‌دهد. با فداکاری خانواده مهدی در یکی از روستاهای فریمان خراسان رضوی قلب این پسر ۱۶ ساله که مرگ مغزی شده بود به حسین زندگی می‌بخشد.

دکتر محمد قادری رئیس اورژانس هوایی تهران ماجرای انتقال قلب از بیمارستان منتصریه مشهد تا بیمارستان شهید رجایی تهران را دقیقه به دقیقه و ثانیه به ثانیه تعریف می‌کند: «برای انتقال قلب ثانیه‌ها حکم مرگ و زندگی دارند و شاید کسی به اندازه تیم انتقال قلب این لحظات را با همه وجود لمس نکند. این سی و پنجمین عملیات انتقال قلب از شهرهای مختلف کشور به تهران بود و خوشبختانه بیش از ۹۸ درصد آنها به پیوند موفقیت‌آمیز منجر شده است. از سال ۹۸ به عرصه انتقال هوایی قلب برای پیوند به بیماران نیازمند پا گذاشتیم. تا قبل از آن قلب بیماران مرگ مغزی فقط به بیماران نیازمند قلب که ساکن همان شهر بودند پیوند زده می‌شد. اما از اواسط سال ۹۸ به‌صورت هوایی قلب را از شهرهای مختلف به تهران می‌رسانیم تا به بیماران نیازمند پیوند زده شود. البته با شیوع کرونا فعالیت ما کمتر شد اما در همین مدت هم تیم انتقال با همه وجود برای انتقال قلب تلاش کردند. وقتی خانواده بیمار مرگ مغزی به اهدای اعضا رضایت می‌دهند سه ساعت فرصت داریم قلب را به بیمار نیازمندی که ادامه زندگی‌اش به این قلب وابسته است برسانیم. برای پیوند اعضای دیگر فرصت بیشتر است. مثلاً برای پیوند کبد ۱۸ ساعت فرصت جابه‌جایی و انتقال داریم. انتقال هوایی قلب ایران در خاورمیانه کم نظیر است.

> برای انتقال قلب طی قراردادی که با هوانیروز ارتش داریم، دو مدل هواپیمای جت فالکون که موتور اف - ۴ روی آن نصب است در اختیار ما قرار گرفته. قراردادی هم با هواناجا منعقد کردیم که بر این اساس آنها بالگرد در اختیار ما قرار می‌دهند. در همه مأموریت‌ها یک پزشک جراح قلب و کمک جراح حضور دارند تا بعد از جداسازی قلب آن را به تهران منتقل کنیم

برای انتقال قلب طی قراردادی که با هوانیروز ارتش داریم، دو مدل هواپیمای جت فالکون که موتور اف - ۴ روی آن نصب است در اختیار ما قرار گرفته. قراردادی هم با هواناجا منعقد کردیم که بر این اساس آنها هم بالگرد در اختیار ما قرار می‌دهند. در همه مأموریت‌ها یک پزشک جراح قلب و کمک جراح حضور دارند تا بعد از جداسازی قلب آن را به تهران منتقل کنیم. یکشنبه هفته گذشته اداره پیوند اعضای وزارت بهداشت به ما مأموریت دادند تا قلب پسر ۱۶ ساله‌ای را که مرگ مغزی شده بود برای پیوند به پسر ۱۵ ساله‌ای به تهران منتقل کنیم. خوشبختانه در دو سالی که عملیات انتقال قلب انجام می‌دهیم همه ارگان‌ها با توجه به اهمیت موضوع همکاری می‌کنند تا هرچه سریعتر قلب را به فرد گیرنده برسانیم.» او می‌گوید: «قبل از پرواز جت با بیمارستان منتصریه مشهد تماس گرفتم و اعلام کردم عمل جراحی را شروع کنند. لحظه‌ای که به فرودگاه مشهد رسیدیم هم تماس گرفتم و گفتم قلب را از بیمار جدا کنند. این لحظه‌ها لحظات بسیار حساسی است. ثانیه به ثانیه جلو می‌رویم و همه مسیر را می‌دویم. قلب را در اتاق عمل بیمارستان تحویل گرفتیم و با آمبولانس به فرودگاه برگشتیم. این بار در تماس با بیمارستان شهید رجایی تهران اتاق عمل برای عمل پیوند آماده شد. خلبانان شجاع هوانیروز با سرعت ۸۵۰ تا ۹۳۰ کیلومتر در ساعت به طرف تهران پرواز کردند. همان موقع وقتی در باند مهرآباد به زمین نشستیم بالگرد آماده پرواز بود. خوشبختانه به‌موقع رسیدیم و عمل پیوند هم با موفقیت انجام شد.»

قادری در مورد هماهنگی ارگان‌های مختلف که حرف می‌زند یاد خاطره‌ای می‌افتد: «یک بار وقتی می‌خواستیم قلب یک جوان مرگ مغزی را به تهران منتقل کنیم به‌دلیل ناهماهنگی با تأخیر مواجه شدیم. در تهران هم به‌دلیل بدی آب و هوا بالگرد نمی‌توانست پرواز کند و با آمبولانس قلب را به بیمارستان شهید رجایی بردیم اما پزشکان گفتند متأسفانه قلب قابلیت پیوند ندارد. در یک عملیات دیگر قرار بود قلب دختر بچه هفت ساله‌ای را برای پیوند به دختری ۹ ساله از ارومیه به تهران منتقل کنیم. قبل از تیک آف جت، متوجه شدیم خلبان بالگرد در تهران به کرونا مبتلا شده و نمی‌تواند پرواز کند. لحظات حساسی بود و با چند خلبان دیگر تماس گرفتم. بالاخره خلبانی که ونک بود به‌سرعت خودش را به مهرآباد رساند و لحظه‌ای که در باند فرود آمدیم بالگرد آماده بود و به‌سرعت قلب را به اتاق عمل رساندیم. دو روز بعد وقتی عکس دختر بچه ۹ ساله را که مشغول صبحانه خوردن روی تخت بیمارستان بود دیدم از خوشحالی اشک ریختم. عمل موفقیت‌آمیز بود.»

یاد حرف‌های پدر مهدی می‌افتم. ساکن روستای تلگرد شهرستان فریمان که به پهنای صورت اشک می‌ریخت: «مهدی پاک بود. در یک سانحه مرگ مغزی شد. در آن لحظه به نوجوانان همسن و سال مهدی فکر کردم که سال‌هاست به خاطر از دست دادن یک عضو حیاتی زندگی سختی دارند. تصمیم گرفتم با اعضای بدن پسرم به آنها زندگی دوباره‌ای بدهم. کبد او به یک جوان ۲۰ ساله و کلیه او هم به یک مادر ۳۲ ساله اهدا شد. خوشحالم که قلب مهدی با تلاش اورژانس هوایی به پسر همسن و سال خودش زندگی دوباره‌ای بخشید.»

ایران

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۸۴۵

آسان

۲		۶	۷				۳	۸
	۹	۵		۸			۷	۴
			۱				۹	
	۳	۹	۲	۱				
	۲		۴		۷		۱	
				۹	۸	۵	۶	
	۱				۲			
۳	۵			۴		۹	۲	
۸	۶				۱	۴		۳

متوسط

۳	۶			۹				۵
				۶		۳	۹	۱
۹			۸					
	۷	۶	۵					
		۹	۱		۶	۵		
					۹	۶	۳	
					۷			۴
۲	۹	۷		۱				
۵				۲			۱	۶

سخت

			۱					۵
			۸		۲	۱		۳
		۴					۸	
	۳					۵		
۶		۲	۵		۱	۹		۷
		۵					۱	
	۶					۸		
۷		۳	۶		۵			
۵					۹			

خیلی سخت

				۷				۶
	۸					۴		
۷		۵		۹			۱	
			۱	۵				۴
		۲		۸		۶		
۱				۳	۷			
	۷			۲		۸		۹
		۴					۳	
۲				۴				

حل جدول سودوکو شماره ۳۸۴۵

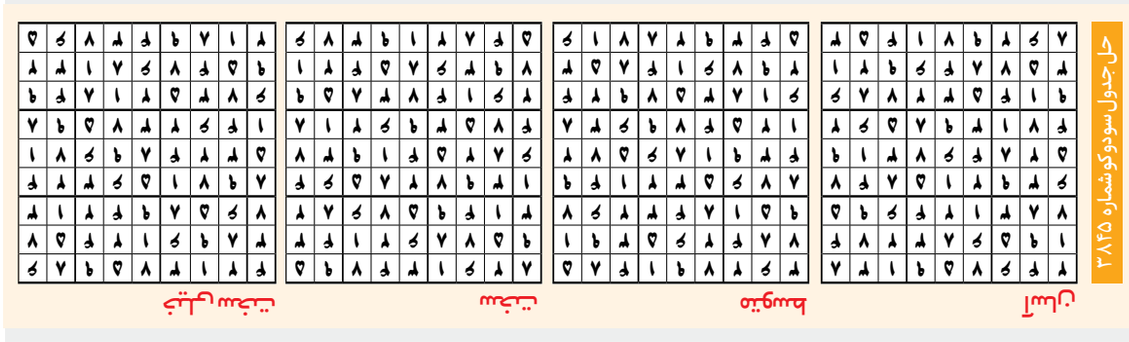

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۸۱۴

جدول عادی

افقی:

۱- بی‌اراده و تنبل- سریالی جنایی/پلیسی و در حال پخش به کارگردانی «سروش محمدزاده»
۲- مافوق- موضع‌ومسکن- محکم، پایدار
۳- فرهنگ لغت فرانسه- نوبت کاری- به‌یقه می‌زنند
۴- حسرت- جای پا- فراخواندن- خاندان
۵- مروارید- خوشگذران- پرنده
۶- صفت ابروی زیبا- اهرم- ناشنوا
۷- جناح لشکر- تراکم- نام‌سازی
۸- پسرمحبوب- معشوقه«رامین»- قایق مسابقه‌ای
۹- لایه محافظ زمین- بی‌نظیر- راه‌فرار
۱۰- احسنت- محفظه‌نگهداری چیزی- رواج دادن
۱۱- دومین شهرپرجمعیت«افغانستان»- الهه آب- رشته باریک
۱۲- تشک ماوس- نشان افتخار- شالوده- نوبت بازی
۱۳- احتیاج- آگهی تبلیغاتی بزرگ- دربه‌در
۱۴- به‌مقصود اردشدن- فراوانی- ترویج دهنده
۱۵- اتاقی زیرزمینی که در آن زندانیان را نگه می‌داشتند- آهستگی، کندی

عمودی:

۱- دسری محبوب- سرپرستار
۲- کل- ساختارمعماری یامهندسی ثابت- بیماری پوستی
۳- شرفیابی- موجود- جمع‌هدیه
۴- شود سبب خیر اگر خدا خواهد- تصرف، دارایی- کشیدن- پارچه‌ساییده‌وسوراخ‌شده
۵- آدم‌ناشی‌ازسرگشادش‌می‌زند- جایزه، پاداش- صوتی به‌معنای‌نه‌گفتن
۶- کرها- عاقل- اول
۷- درخت‌جنگلی- پزشک‌فرعون- غروب‌کردن
۸- نام‌زنانه- وحشت- خوگرفته
۹- سودمند- مدینه فاضله سعدی- از شهرهای استان آذربایجان‌غربی
۱۰- دسیسه‌کردن- جمع‌شیء- پایتخت‌فراری
۱۱- عددبازیکنان‌یک‌تیم‌فوتبال‌درزمین!- ضد«روشن»- شاه‌خوارزمشاهی
۱۲- آزاد- دریا- غرور‌وخودستایی- بی‌بیمی
۱۳- پناه‌ومهلت- غالب- هجران
۱۴- واحد پول خودمان- گوشه‌وپهلو- درخت چتری
۱۵- کباب ترکی- از آثار دیدنی و باستانی سیستان و بلوچستان‌درجنوب‌غربی‌زابل

جدول ویژه

افقی:

۱- فیلمی از«مایکل بی»- شهری در «اروگوئه»
۲- پدرازدست‌داده- محل‌عبورسیل- رنگین‌کمان
۳- جوجه‌تیغی- سازقدیمی‌شبیه‌تار- وسیله
۴- پسرزئوس‌وهرا- مخفف‌دایه- جمع‌شیء- صحنه‌تئاتر
۵- بله‌ترکی- گیاه‌پیچک- دریاچه‌ای‌حومه‌ساری
۶- صحه‌گذاشتن- نام‌پسرانه- سطح
۷- کیفیت و ماندگاری- شهری در«قرقیزستان»- مخفف آواز
۸- گیره‌سر- دانشگاه«امریکا»- خانه‌به‌دوش
۹- لطیف- قانونی‌درفیزیک- سهل‌تر
۱۰- نفس‌غنیمتی- به‌جای‌بهرام‌سوم‌برتخت‌نشست- روزانه
۱۱- تحفه‌فرستادن- سال‌ها- پایه
۱۲- منطقه‌ای در«انگلیس»- صدای نرم خندیدن- فرار حیوان- حیرت
۱۳- رفتارخوب- سرمربی تیم ملی فوتبال«برزیل»- شاعر شیلیایی
۱۴- شقایق- مدافع‌سابق‌تیم‌ملی‌فوتبال‌ایران- زنهاری
۱۵- پیراستن‌ناخن‌دست- بازیگرچینی

عمودی:

۱- روستای مرزی ایران با ترکیه در بخش دشتک چالدران- امیدکه‌به‌نیکی‌یادشود
۲- اختر- نه‌سردنه‌گرم- خانه‌ساحلی
۳- سرها- زمان- ممکن‌بودن
۴- حکم، فرمان- چراغ برق- عدد منفی- سرپرست دانش‌آموز
۵- منسوب‌به‌ادب- امانت- ورودغیرمجازرایانه‌ای
۶- صدای کلفت- خوی‌گرفته- دربندکردن
۷- پس‌غذا- گل‌خوشه‌ای- بخاری‌برقی
۸- زمین‌لم‌یزرع- روستایی‌ازتوابع‌سلطانیه‌شهرستان ابهر- بچه‌پررو
۹- جزئی‌ازدوربین- روی‌خط‌بودن‌دراینترنت- ترس ناگهانی
۱۰- بینوا- موزه«پاریس»- دهن‌کجی
۱۱- همان«بس»- یکی‌ازوسایل‌کمک‌آموزشی- ملجأو جای‌امن
۱۲- بالاپوش- صف- برادران‌مخترع‌هواپیما- حکم‌دادگاه
۱۳- هماهنگ- دمل- متعلق‌به‌سرزمینی‌که‌درآن‌زاده شده
۱۴- به‌حساب‌رسنده- عضوگوارشی- مقصدها
۱۵- فعل‌ربطی- ازآثار«رامبراند»نقاش‌هلندی

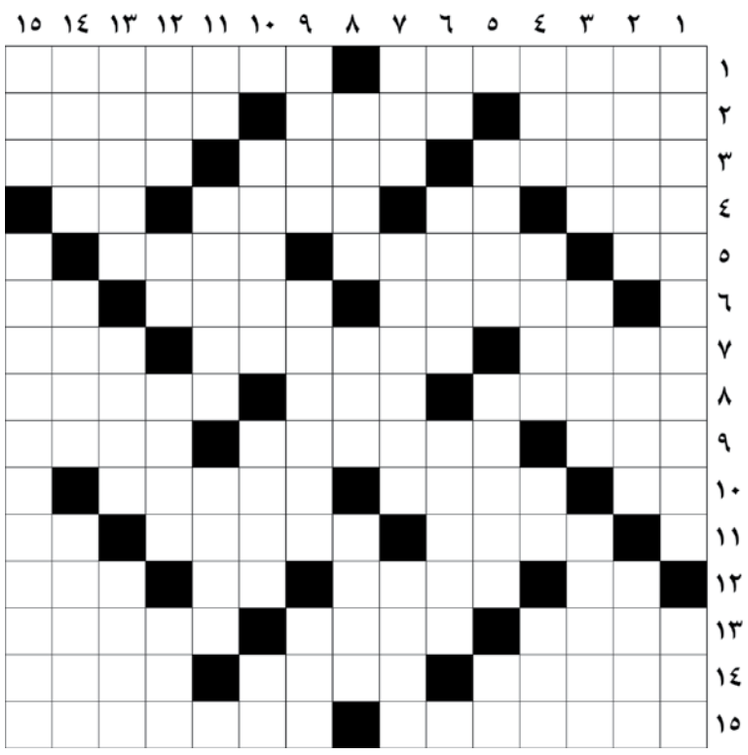

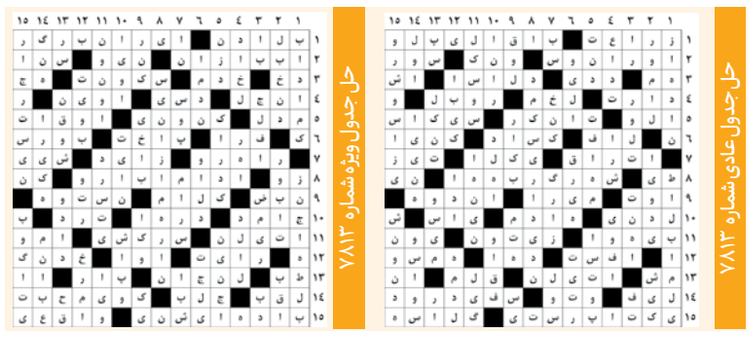

حل جدول عادی شماره ۷۸۱۳ | حل جدول ویژه شماره ۷۸۱۳

سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۸۱۴ ■ یکشنبه ■ ۱۲ دی ۱۴۰۰ ■ ۲۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۳ ■ 2 Jan. 2022

ایران فرهنگی

ترسیم آینده روشن
موسیقی برای نسل جوان
صفحه ۱۵

حال و هوای نقاشی‌های دیجیتال
علیرضا ذاکری
ضیافتی به رنگ خط و نقش
صفحه ۱۴

گفت‌وگو با جواد نوبهار
استاد هنرهای تجسمی درباره نمایشگاه جدیدش
طبیعتی که جامعه را تفسیر می‌کند
صفحه ۱۴

حاج قاسم سلیمانی
به روایت صادق آهنگران، مداح جبهه‌ها
صمیمی و با صلابت همچون بسیجی‌ها
صفحه ۱۶

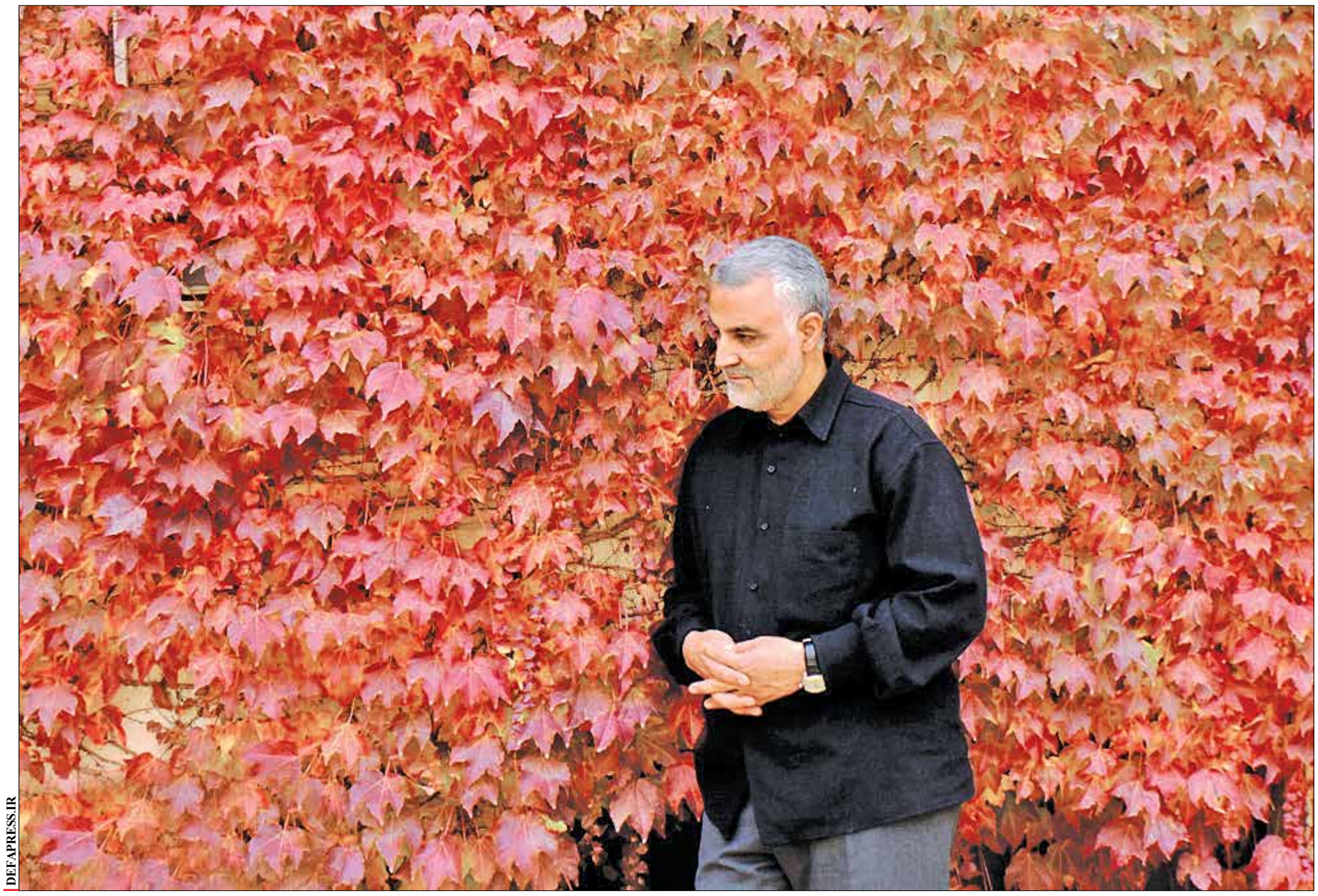

DEFAPRESS.IR

اتفاقی که «زنده بودن انقلاب» را به رخ دنیا کشید

شهادت حاج قاسم سلیمانی، نخ تار انسجام جامعه را به ریسمان محکم همبستگی گره زد

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر شمس‌الله مریجی
رئیس دانشگاه باقرالعلوم(ع)

۱ اگرچه خالق متعال قوه کمال‌طلبی را در سرشت انسان‌ها به ودیعت نهاده است، اما این قوه خدادادی برای به فعلیت رسیدن نیاز به ظرف مناسبی دارد که به اعتقاد اندیشمندان انسان‌شناس، جامعه همان ظرفی است که بشر می‌تواند در طول حیات جمعی، «شدن» حقیقی خود را در آن تجربه کند. پر واضح است که هر جمع و جامعه‌ای هم قادر نیست که سفره مناسبی را جهت تحقق کمال انسانی پیش‌روی بشر پهن نماید؛ زیرا جامعه‌ای می‌تواند راه رسیدن به کمال انسانی را هموار کند که خود کامل باشد چه اینکه فاقد شیء معطی شیء نخواهد بود. بی‌تردید انسجام و همبستگی اجتماعی، ابتدایی‌ترین شرط کمال هر جمع و جامعه‌ای است. به‌همین جهت از دغدغه‌های اصلی جوامع بشری بویژه جوامع صنعتی و تکنولوژیک عصر حاضر شده است و جوامع بشری نیز با توجه به مبانی معرفتی و انسان شناختی خود برای رسیدن به این مهم، سازوکاری را درپیش گرفته‌اند و تلاش می‌کنند با تکیه بر ویژگی‌های عام و مشترکی نظیر زبان و نژاد و امثال آن، جامعه و افراد آن را همبسته نموده تا در پرتو آن بستر مناسب رسیدن به کمال را مهیا نمایند.

اما خداوند متعال ضمن تأیید این دغدغه، کارش را غیر از آنی می‌داند که دیگران در پی آن هستند؛ شاید مناسب‌ترین آیه درباره «همبستگی اجتماعی» آیه ۱۰۳ سوره آل‌عمران باشد که خداوند حکیم ضمن مهم دانستن همبستگی اجتماعی، سازوکارش را نیز اینگونه بیان می‌فرماید: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ‌اللهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ‌اللهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ‌اللهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.

چنانچه ملاحظه می‌شود، از منظر خالق عالم و آدم در این آیه، هیچ یک از ویژگی‌های انسانی از جمله مشترکات قومی، خونی، نژادی، زبانی و... به‌عنوان عامل همبستگی شناخته نشده است زیرا هیچ یک از این ویژگی‌ها برخاسته از فطرت مشترک همه انسان‌ها نیست. در نتیجه، هرچند در مواردی موجب همگرایی و جمع کردن عده‌ای می‌شود، اما عده بیشتری را خارج کرده و حتی ممکن است این امر خود، عامل گسست و جدایی شود.

عاملی که در این آیه، مورد تأکید قرار گرفته «پیروی عقیدتی و التزام عملی به دین اسلام» است و از همگی خواسته است که به ریسمان الهی چنگ زده و از هرگونه تفرقه پرهیز کنند. خداوند متعال در این آیه از مسلمانان خواسته، همگی به‌صورت همبسته و در قالب امت اسلامی بر محور دین اسلام و آموزه‌های آن، به‌صورت یک اجتماع واحد دور هم جمع شوند و به ریسمان الهی چنگ زنند، نه آنکه هر یک از آنها به‌صورت جداگانه و فردی مؤمن شوند و ایمان آورند.

امیرالمؤمنین(ع) نیز در خطبه‌ها و بیانات متعددی بر اهمیت آن تأکید داشته و با صراحت بیان داشتند که عدم انسجام و همدلی موجب انحطاط جوامع شده و ظرف رسیدن کمال انسانی را متزلزل می‌کند. آن حضرت حتی نحوه بروز و ظهور این عدم همدلی و ازهم‌گسیختگی را در قالب کینه‌توزی، بخل و حسد، پشت کردن و کمک نکردن به یکدیگر در جامعه بیان کردند. خطبه ۲۹ نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که آن حضرت از نبود همبستگی در میان مسلمین رنج می‌برد. آنجا که می‌فرماید: «...ای مردمی که بدن‌هایتان جمع و افکار و خواسته‌های شما پراکنده است، سخنان داغ شما سنگ‌های سخت را درهم می‌شکند ولی اعمال سست شما دشمنان‌تان را به طمع می‌اندازد، در مجالس و محافل می‌گویید: چنین و چنان خواهیم کرد.»

۲ بی‌تردید یکی از عوامل مهم ایجاد همبستگی در جامعه مسلمین، رعایت تقوا و پایبندی به ارزش‌های الهی و اسلامی است؛ چنانچه در معارف بلند الهی داریم که اگر کسی مبنای اندیشه و عمل خود را خدا قرار داده و رفتار خود را بر پایه ارزش‌های الهی سامان دهد خداوند محبت او را در دل همگان قرار داده و هم او را منشأ بهم‌پیوستگی در جامعه قرار خواهد داد؛ تألیف قلوب تنها در دست قدرت الهی است ولاغیر. خدای متعال در سوره الأنفال به این حقیقت اشاره کرده و می‌فرماید: لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴿۶۳﴾؛ یعنی هر آنچه را که روی زمین است صرف می‌کردی که میان دل‌های آنان الفت دهی، نمی‌توانستی! ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است!

جامعه مسلمان ایران، اگرچه پیش از انقلاب با برخورداری از ارزش‌های اسلامی نسبت به جوامع دیگر از همبستگی بیشتری برخوردار بوده است، اما این انسجام پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی(ره)، به برکت اجرای ارزش‌های دینی بسیار پررنگ‌تر و با استحکام بیشتری رخ نمایانده تا جایی که ملت ایران به پشتوانه این همبستگی انسجام الهی بخوبی توانستند در برابرهجمه سنگین دشمنان بویژه جنگ تحمیلی هشت ساله مقاومت نموده و سرانجام شیرینی ظفر را بچشند؛ اما پس از اتمام جنگ و به نوعی هم کمرنگ‌تر شدن ارزش‌ها بخصوص در دو دهه اخیر، با پدیده اجتماعی متعددی مواجه شده است که گاه تا مرز ازهم‌گسیختگی اجتماعی پیش رفته و موجب تشتت در میان افراد و حتی نیروهای انقلاب شده بود؛ اما هر بار با بروز و ظهور یکی از ارزش‌های الهی در حیات جمعی، وحدت و همبستگی پررنگ‌تر شد و جامعه اسلامی را همبسته‌تر نمود.

دفاع از ارزش‌های دینی و حفظ و احیای شعائر دینی شهادت، ایثار و از خودگذشتگی، از جمله عوامل مهمی است که دارای ظرفیت بسیار بالایی جهت همبستگی در جامعه اسلامی است. صد البته این مفاهیم از طریق رفتار و عمل فرد یا افراد در جامعه ظهور و بروز خواهد نمود.

۳ شهادت «سردار سرافراز حاج قاسم سلیمانی» بدون‌شک یکی از مصادیق بارز ایجاد همبستگی و انسجام در جامعه اسلامی بوده است؛ چون همگان شاهد بودیم که حتی در سال‌های اخیر جامعه اسلامی ایران در اثر هجمه سنگین دشمنان بین‌المللی به فرماندهی امریکا و اذناب آن، در خطر ازهم گسیختگی قرار گرفته بود تا جایی که بدخواهان به گمان اینکه نظام اسلامی در ورطه اضمحلال قرار گرفته است، آشکارا به سرور و شادمانی پرداختند و هر یک سهم خود را در این موفقیت بیش از دیگری دانسته‌اند؛ حتی سلطنت‌طلبان و منافقان و پشتیبانان مادی و معنوی آنان خود را آماده حضور در ایران کرده بودند! در این میان کسانی که چشم امیدشان به این نظام اسلامی بوده و هست نیز به نوعی نگران شده بودند. اما شهادت سردار سلیمانی، که تمام قد پایبند به ارزش‌های الهی بوده و چهل سال در راه اجرا و تثبیت آن قدم برداشته بود، مثل بیرقی سرخ همه دلباختگان به ارزش‌ها با احساسات و سلایق مختلف را به دور خود جمع نموده و نخ تار انسجام جامعه را به ریسمان محکم همبستگی گره زد.

عکس: مهر

تشییع بی‌نظیر او در حقیقت خود گواه صادقی بود بر این حقیقت. صدالبته این حرکت مردمی خود نشانی بود از پایبندی ارزشی و دینی آن سردار خونین بدن. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، نیز این برکات عظیم و قیامتی را که در تشییع جنازه آن شهید گرانقدر و همراهانش به پا شد نتیجه معنویت او برشمردند و در تاریخ ۱۸ دی در جمع مردم قم فرمودند: «آن بدرقه‌های ایرانی را و همچنین آن بدرقه‌های عراقی را در کاظمین، بغداد، نجف و کربلا و آن تشییعی را که نسبت به این پیکرِ قطعه‌قطعه شد، دیدید. از روح مطهر آن شهیدِ بزرگوار از اعماق دل تشکر می‌کنم.»

ایشان با تأکید بر اینکه شهادت حاج قاسم سلیمانی و آن تشییع‌های بی‌نظیر، زنده بودن انقلاب را به رخ دنیا کشید، خاطرنشان کردند: «عده‌ای می‌خواستند وانمود کنند که انقلاب اسلامی در ایران تمام شده است و البته عده‌ای هم سعی می‌کنند این اتفاق بیفتد، اما شهادت حاج قاسم نشان داد که انقلاب زنده است و همه دیدند که چه قیامتی در تهران و دیگر شهرها به پا شد».

۴ بی‌تردید ویژگی‌های شخصیتی سردار سلیمانی در این وحدت و همبستگی تأثیر مستقیم داشته است؛ اما آنچه که اغلب در این پدیده نادر تاریخی، شاید از چشم اندیشمندان اجتماعی سکولار مغفول می‌ماند، منشأ این تأثیر شگرف است؛ چه اینکه شکی نیست که اگر قاتلان این «سردار سرافراز اسلام» از آن باخبر بوده و از چنین پیامدی مطلع می‌بودند، هرگز دست به چنین حرکت ناجوانمردانه نزده و در تاریکی شب او را با موشک‌های کینه خود ترور نمی‌کردند؛ چون بر اساس شواهد و اسناد فراوان، ازهم‌گسیختگی و عدم انسجام در میان ملت ایران اسلامی بیش از هرچیزی برای آنان مطلوب‌تر بوده است!

منشأ تأثیر این شهادت در حقیقت اعتقادات و اعمال و رفتار چهل ساله این «فرمانده رشید اسلام» بود که در پرتو آن مبنای نظری و رفتار عملی خود سامان داده بود؛ همان که خدا در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران فرمود: و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگِ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید! و شما بر لبِ حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

تلاش چهل ساله سردار بخوبی نشان می‌دهد که تنها مستمسک سردار در حیات فردی و اجتماعی، حبل‌الله بود؛ شاهد صادقش عشق میلیون‌ها انسان ایرانی و خارجی بود که در تشییع جنازه و مراسم بزرگداشت چند روزه‌اش به نمایش گذاشتند؛ صد البته این الفت تنها در ید قدرت خداست که می‌فرماید: «و دلهای آنها را با هم، الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می‌کردی که میان دلهای آنان الفت دهی، نمی‌توانستی! ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است!»؛ و خداوند نیز محبت کسانی را در دل انسان‌ها قرار می‌دهد که در خلوت و جلوت خود را در محضر خدا دیده و اعمال و افکار خود پرِ مدار رضای خدا و خواست او قرار می‌دهند.(ان الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا) مریم/۹۶ (این وعده خداوند است که محبت افراد شایسته و با ایمان را خدا در دل‌های دیگران قرار می‌دهد. این وعده کذب‌بردار نیست.)

یادداشت

اندیشه و عمل سردار سلیمانی چگونه به «مکتب» بدل شد؟

نقشه راهی برای عقلانیت انقلابی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدسجاد ایزدهی
استاد حوزه و دانشگاه

۱ «مکتب» به نظریه و طرح کلّی و جامعی اطلاق می‌شود که بایسته‌ها و ضوابط زندگی انسانی را ترسیم می‌کند و علاوه بر اینکه در راستای جهان‌بینی انسان قرار دارد، عملاً یک نظام ارزشی و ضوابط حاکم بر زندگی و کیفیت آن را معلوم می‌کند و از آنجا که مکتب اسلام، نمایانگر رویکرد کلان اسلام نسبت به مجموعه‌ای از باورها و رفتارها است و می‌تواند محکی بر حقانیت و صحت اندیشه و عمل باشد، لذا در شناخت باور و شناخت صحیح و مسیر مناسب زندگی و رفتارهای مطلوب، باید به «مکتب حاکم بر یک فرهنگ» مراجعه کرد.

از آنجا که مکتب، نرم‌افزاری مشتمل بر باورها و ضوابط حاکم است و باور و رفتار انسان‌ها به ملاک انطباق با آن سنجیده می‌شود بنابراین اغلب انسان‌ها که امکان خطا و انحراف در آنان وجود دارد، ملاک در باور و رفتار به‌شمار نمی‌روند؛ زیرا همانگونه که شخصیت‌های جامعه می‌توانند مردم را به سوی کمال هدایت کنند، به همان نسبت می‌توانند عامل انحطاط و انحراف مردم نیز محسوب شوند. قرآن کریم با تأکید بر این رفتار اجتماعی، شخصیت‌محوری و الگومحوری نسنجیده را نفی کرده و از زبان مردمی که گمراه شده‌اند، نقل می‌کند که در روز قیامت می‌گویند: «رَبَّنا إِنَّا أَطَعْنا سادَتَنا وَ كُبَراءَنا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا؛(احزاب: ۶۷) پروردگارا! ما بزرگان و اکابر خویش را اطاعت و پیروی کردیم و در نتیجه ما را گمراه ساختند».

جنگ جمل نمونه‌ای واضح از تردید بسیاری از مردم در شناخت مسیر صحیح و منطق حق بود؛ زیرا برخی، حضور همسر پیامبر(ص) و بزرگان صحابه در سپاه جمل و وجود حضرت علی(ع) و بسیاری از یاران پیامبر(ص) در سپاه حضرت علی(ع) را دلیل بر حقانیت آن گروه می‌دانستند. عده‌ای نیز به واسطه وجود افراد شاخص در دو سپاه، در شناخت ملاک حقانیت به تردید افتادند. حضرت علی(ع) در پاسخ به فردی که در شناخت حق و باطل در این فضا گرفتار تردید شده بود، ضمن رد قرار دادن ملاک حقانیت بر شخصیت افراد، وی را به شناخت ملاک حق و باطل سوق داد: «همانا حق بر تو پوشیده ماند. حق و باطل با مقیاس افراد شناخته نمی‌شوند. حق را بشناس تا اهل حق را بشناسی و باطل را بشناس تا اهل باطل را بشناسی»(محمدباقر محمودی؛ نهج‌السعاده، ج۱، ص۳۱۲)

این عبارت در حالی از سوی حضرت به آن شخص القا شد که همگان می‌دانستند سپاه جمل، بر حاکم مشروع و مستند به بیعت فراگیر مردم، سر برتافته و با نقض بیعت خویش، بر وی خروج کرده است. حضرت با یادآوری ملاک حق و باطل، وی را به تبعیت از حق و نه افراد، هدایت کرد.

۲ در برخی موارد، می‌توان به جای مراجعه به معارف و معیارهای موجود در کتب و سیره اهل بیت(ع)، جهت فهم حجیت باورها و رفتارها، به سیره و رفتار برخی انسان‌ها در این خصوص استناد کرد؛ زیرا از یک سو، برخی توانایی فهم آموزه‌های دینی و تحلیل و بررسی آن را ندارند و از سوی دیگر، برخی انسان‌ها از چنان ویژگی‌ها و امتیازاتی برخوردارند که رفتار آنان برای دیگران می‌تواند معیار و سنجه حق از باطل قرار گیرد و نماد یک «مکتب» (مشتمل بر جهان‌بینی و ایدئولوژی) به شمار آیند. در عصر حاضر نیز می‌توان به دو طریق به مکتب حق و مسیر صحیح دست یافت. از یک سو، برخی افراد قادرند با استفاده از مؤلفه‌های ارزشی در حوزه باورها و رفتارها، مسیر حق از باطل را تشخیص دهند و لذا مسیر خود را از متن آموزه‌های دینی به‌دست می‌آورند. بنابراین برخی افراد به خاطر سیره زندگی‌شان، عملاً نماد مکتب اسلام بوده و باورها و رفتارهای آنان نمادی از مکتب اسلام به شمار می‌رود و می‌توان از آنان به‌عنوان نماد مکتب حق و الگوی زندگی یاد کرد. از جمله افرادی که در این راستا، مدنظر قرار گرفته و می‌توانند به‌عنوان سنجه حق از باطل تلقی شوند می‌توان به حضرت امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب اشاره کرد.

راهبران فکری-رفتاری نظام اسلامی، علاوه بر اینکه خود، الگویی برای دیگران در پیروی محسوب می‌شوند، عملاً با الگوسازی برخی از شخصیت‌هایی با اوصافی مثل پاکی، پرهیزگاری، شجاعت، فداکاری، تواضع، انصاف، عدالت و خدمت، راهی روشن و مسیری هموار را برای سایر افراد جامعه فراهم می‌کنند.

۳ شخصیتی مانند سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی که در سالیان زندگی خویش، انسانی وفادار به انقلاب و آرمان‌های آن بوده و به گونه‌ای زیست که همواره نمونه‌ای از باورهای صحیح و رفتارهای مطلوب و پسندیده را تداعی می‌کرد و بدرقه با شکوه مردم در تشییع جنازه‌اش، نمایانگر قدردانی و علاقه مردم به این رفتار بوده است، از این روی، در دیدگاه رهبر معظم انقلاب به مثابه یک «مکتب» و نه یک فرد، تلقی شده است تا نقشه راهی برای انسان‌های خوب و «عقلانیت انقلابی» به شمار آیند.

«به شهید حاج قاسم سلیمانی به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس‌آموز نگاه کنیم.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در نماز جمعه، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷)

گفت‌وگو با جواد نوبهار استاد هنرهای تجسمی درباره نمایشگاه جدیدش

طبیعتی که جامعه را تفسیر می‌کند

مریم سادات گوشه
روزنامه‌نگار

نمایشگاه «چرا خنجرها سایه ندارند» جمعه سوم دی ماه در گالری ساربان افتتاح شد. نمایشگاهی متفاوت از جواد نوبهار نقاش و استاد دانشگاه که این بار به طبیعتی بی‌جان به گونه‌ای جان داده است و مفاهیمی اجتماعی و فرهنگی در آن گنجانده است که دیگر نمی‌توان سبک کار او را طبیعت بی‌جان نامگذاری کرد. به قول خودش «مضمون طبیعت بی‌جان در طول تاریخ بسیار کار شده است. اما با این نوع نگاه و با این شکل بیانی سابقه نداشته یا کم بوده است.» با جواد نوبهار راجع به آثارش اینکه چرا خنجرهایش سایه ندارند، به گفت‌وگو نشستیم.

■ **در ابتدا درباره این بگویید که چرا خنجرهایتان سایه ندارند؟**

وقتی تابلوی نقاشی‌هایم کامل شد، دیدم تنها چیزهایی که در آثارم سایه ندارند، همان چاقوها هستند. برای همین تصمیم گرفتم عنوان «خنجرها سایه ندارند» را برای مجموعه آثارم انتخاب کنم. گرچه این ظاهر معنای این عنوان است اما در باطن، بحث عمیق‌تری در آن نهفته است. لبه تیغ نوعی تهدید و تخریب است به طوری که کاری انجام می‌دهد که دیگر ردی از آن نباشد. حضور و جسمیت چاقو هست اما سایه‌ای ندارد.

■ **نام نمایشگاه معمولاً چکیده‌ای از تفکر هنرمند است. در آثارتان نمود این تهدید و تخریب که گفتید به گونه‌ای نمایان است که مخاطب هم با آن همذات پنداری می‌کند درباره فلسفه کارتان بیشتر توضیح دهید؟**

این مجموعه خیلی ساده شروع شد و در ابتدا اصلاً برنامه از پیش تعیین شده‌ای نداشتم، چون بعد از مدت‌ها کار نکردن با میوه‌ها و با بوم‌های کوچک کار را شروع کردم و رفته رفته کارم جدی‌تر شد. بحث تهدید و تخریب عملاً با ظاهر شدن میوه و چاقو که همیشه همراه میوه است شکل گرفت. اینها همراه هم کمک کردند. در ادامه کار بافت میوه‌ها که در بیرون از یخچال خراب می‌شوند برایم جذابیتی ایجاد کرد. و به مثابه مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه است. البته بیشتر مسائل اجتماعی. خیلی دوست نداشتم مستقیماً به موضوع اشاره کنم. اما در قالب و ظاهر میوه این قضیه شکل گرفت. تهدید و تخریب در روابط اجتماعی جامعه در حال وقوع و جریان است. انسان‌ها در برابر ناملایمات و مشکلات از درون رو به تخریبند. من اینها را در قالب میوه می‌دیدم و اینکه هم ظاهر موضوع برایم جذابیت داشت و هم باطن آن که البته برای مخاطب هم این جذابیت ایجاد شد. این تهدید و تخریب و اضمحلال را در آثار می‌بینیم.

گاهی اتفاقاتی می‌افتد و اثر و ردی از عنصر تهدید و تخریب نیست و ما نمی‌دانیم که چه اتفاقی افتاده است اما نشانه آن خرابی و تخریب بوده است. این مورد را عیناً در مسائل ساده زندگی روزمره می‌بینیم. در این دوره از کارها به چنین نتیجه بصری تبدیل شدند و من فکر می‌کنم چیزی که باید اتفاق می‌افتاد به وقوع پیوسته است. چون مخاطبان بسیاری در این باره صحبت کردند و توانستند با آن ارتباط برقرار کنند. انسان‌هایی که این مسائل را تجربه کرده‌اند با این آثار توانستند ارتباط برقرار کنند.

■ **بله این مسأله در آثار شما نمود بسیاری دارد. در یکی از تابلوهایتان یکسری گلابی پوسیده و تیره روی زمین افتاده‌اند و دو تا گلابی زرد روی شاخه درخت مانده است. به نظر می‌رسد نماد آدم‌هایی است که هنوز امید دارند.**

در مجموعه گلابی‌های تیره عنصر از یک جنس است. مفهوم و قالب یکی است ولی اینکه اینها چرا تیره شده‌اند و در پایین دستند و چرا آنها تعدادشان کم است و در بالا دستند و رنگ و روی خوبی دارند؟ چنین ذهنیتی در حالی که از یک عنوان برخوردارند اما آنهایی که پایینند در حال تخریبند. در اجتماع این تفاوت‌ها را حس می‌کنیم و می‌بینیم.

■ **بله در اجتماع این مورد برای همه آدم‌ها صدق نمی‌کند. در هر جامعه‌ای اینگونه هست. به نظر می‌رسد جامعه‌ای که در آثارتان نمود دارد و بروز و ظهور کرده یک جامعه جهانی است؟**

بله بیشتر مسأله انسانی و جامعه بشری است. هنر وسعتی دارد که اگر به کیفیت لازم در بیان برسد، فراگیر خواهد بود. و شامل تمام انسان‌ها می‌شود و گستردگی بیشتری پیدا می‌کند.

■ **میوه‌ها در آثار شما دو دسته‌اند. یک دسته در ظرف‌ها آنقدر روی هم متنوع چیده شده‌اند و بالا آمده‌اند با همان طراوت و زیبایی که آدم را جذب خود می‌کند ولی در تابلوی بعدی می‌بینیم که در کنار ظرف، میوه‌ای است که طراوتش را از دست داده است و رو به پوسیدگی است. یا در تابلوهای بعدی میوه‌ها همه در حال تخریبند. کدرو تیره هستند. بادمجان‌هایی که سرش بریده شده است. یا مثلثی از انواع میوه‌های خوش آب و رنگ که یک عده سوارکار با نیزه‌هایشان آن را دوره کرده‌اند. درباره تصاویر تابلوهایتان و این تفاوت‌ها توضیح دهید.**

نمادهای خوش آب و رنگ تعدادشان محدود است. اکثر ترکیب‌ها با عنصرهای رو به تخریب است. ولی آن سه کار متفاوت، آن همه نعمت‌های خوش آب و رنگ نشانه نعمتی است که در هر جامعه‌ای می‌تواند باشد. آن تابلویی که دورو بر مثلث میوه پر از سوارکار ایستاده‌اند برای من نامش شکارگاه امن بود. آن سوارکارها هر یک نماد یک ملیت است. هر یک می‌خواهند از این نعمت‌ها بهره ببرند. اینها نظاره‌گر کوه نعمت هستند. یک تیرگی و سیاهی پایین این میوه‌هاست. این نشانه دو فضای کاملاً متضاد است؛ آن بالا آن همه نعمت و لطف خدا و این پایین تیرگی‌ها بیانگر بی‌نصیبی از کوه نعمت است. که همه نماد است. چنین ذهنیت کلی در ذهن من بود. بیشتر بحث زیبایی تصویر از نظر تکنیکی و ترکیب‌بندی است. معمولاً وقتی می‌خواهیم ظرف میوه را پر کنیم دانه‌های یاقوت بالاست و خیلی زیر نمی‌ماند. با توجه به نیاز کار و ترکیب رنگ‌بندی این چیدمان را انجام دادم.

■ **انگور در آثار شما شاه میوه است و همیشه روی همه میوه‌ها قرار دارد.**

چون در ادبیات ما مولوی، حافظ و سعدی از انگور و می الهی همیشه در آن فضای معنوی استفاده کرده‌اند. در این ترکیب‌ها هم من انگور را در بالای میوه‌ها قرار دادم.

■ **چرا ظرف‌های میوه شما همان‌هایی که خوش آب و رنگند در آسمان هستند؛ میزشان در آسمان رهاست و روی زمین قرار ندارد. انگار اینها از دسترس انسان به دور است.**

بله درست است. نیم سایه ملایمی این آثار دارند. برای اینکه خیلی سوررئالیستی نشوند، اینگونه نقاشی کردم. ولی با چاقو به معنای نگهبان و محافظ ترکیب شده‌اند و این دریافت شما هم درست است. اینها از دسترس آن زیر خط و سطح پایین دور می‌شوند یا برده می‌شوند یا عدم دسترسی را می‌توان به این تصاویر داشت.

■ **این دوره از نمایشگاه‌تان با دوره‌های قبلی خیلی متفاوت بود. چطور شد به این سبک از کار روی آوردید؟**

این دوره از نمایشگاه را متفاوت از دوره‌های قبلی برگزار کردم. دوره‌های نمایشگاه‌های قبلی را به موضوع شبانی و چوپانی و گله می‌پرداختم. همان فرهنگ چوپانی که در اشعار شعرای کلاسیک بسیار است و در زندگی انبیاء هم بود. و من به این موضوع خیلی پرداختم. مخاطبانم بیشتر مرا با این آثار می‌شناختند. با شروع دوران کرونا و بعد از وقفه‌ای که در کارم افتاد بهانه‌ای شد تا آرام آرام این کار را انجام دهم. این کار برایم جذابیت بسیار داشت. حتی در اوایل کارم این آثار را در فضای مجازی هم نگذاشتم. دو سالی بود که نمایشگاهی برگزار نکردم و پس از شکل‌گیری این آثار و برگزاری این نمایشگاه و نظر مخاطبان و اهل فن که برایشان بسیار جذاب بود، با چنین مضمونی به این کار ادامه خواهم داد.

■ **منظورتان از مضمون، طبیعت بی‌جان است؟ اما طبیعت شما جان و به قولی حرف دارد.**

بله. مضمون طبیعت بی‌جان در طول تاریخ بسیار کار شده است. اما با این نوع نگاه و با این شکل بیانی سابقه نداشته یا کم بوده است. از آن جهت برای من هم پنجره‌ای گشوده شد و برای من هم جذاب‌تر شده است. برای بهتر شدن و غنی‌تر شدن آثارم با این مضامین فکرهای بسیاری دارم.

■ **حرف از موضوع آثارتان به صورت چوپان و گله زدید به نظر می‌رسد این طرز تفکر در این آثار هم دیده می‌شود. در تابلوهای گلابی هم این نمادها حضور دارد؛ گلابی‌های زرد نماد انسان‌های خوب و آدم‌های روشن ضمیر است که البته در هر دوره‌ای در ادبیات ما چنین مضامینی به چشم می‌خورد. تداعیگر همان معنای انسانم آرزوست.**

بله از این زاویه هم می‌توان نگاه کرد. همان ظرف میوه بزرگ که پایینش سطح تیره باریکی است و در گوشه سمت راست یک فیگوری پیدا شد که دستش یک شمع است و در تاریکی است و می‌خواهد به سمت چپ تابلو بیاید. و این اشارات هم در این تابلوها هست. با این اوصاف بیننده و مخاطب نظرات بسیار جالبی از دریافت‌هایشان دارند. مخاطبان خاص از نظر تکنیکی و خلاقیت و نوآوری نگاه می‌کنند و مخاطب عام که علاقه به نقاشی دارد به‌دنبال مفهوم و اشارات است. هر کار هنری اگر کیفیت لازم را چه از نظر بصری و زیبایی‌های ظاهری باید داشته باشد و اگر این مفاهیم هم در آن بگنجد و پیامی هم داشته باشد می‌تواند در تاریخ بماند و موفق باشد و آن مسئولیتی که بر عهده هنر است بخوبی انجام دهد.

حال و هوای نقاشی‌های دیجیتال علیرضا ذاکری

ضیافتی به رنگ خط و نقش

گروه فرهنگی / حدود ۳۰ سال است که در حوزه نقاشی دیجیتال فعالیت دارد. خودش هم معتقد است مهارت نقاشی دیجیتال را مدیون کسب هنر خوشنویسی، عکاسی حرفه‌ای و گرافیک است. نمایشگاه «ضیافت خط، رنگ و نقش» که دوشنبه ۲۹ آذرماه در گالری ابوالفضل عالی افتتاح شد حاصل تلاش‌های علیرضا ذاکری است. نمایشگاهی که شامل ۴۲ اثر از نقاشی‌های دیجیتال او هست که از سال ۹۵ تاکنون در رسانه‌ها و مجلات کشور منتشر شده‌اند. گفت‌وگو با این هنرمند نقاش درباره این ضیافت را با هم می‌خوانیم.

■ **در نمایشگاه شما خط، رنگ و نقش چه ضیافتی به پا کرده‌اند؟**

به واسطه اینکه سال‌ها نقاشی کرده‌ام در همه کارهایم سوای انتخاب سبک کارم همیشه سعی کردم بخش فنی و تخصصی کار، جلوه ویژه‌ای داشته باشد. در آثارم از دهه ۶۰ تاکنون عنصر خط که پایه طراحی است، دیده می‌شود. در واقع وقتی نقاشی می‌کشم انگار طراحی می‌کنم. آثاری که با رنگ، خط شکل ها به وجود می‌آید. انگار ضیافتی از خط و رنگ را می‌بینید.

■ **روایت نمایشگاه‌تان را تعریف کنید؟**

این کارها به غیر از چند اثر که پرتره نیست، بقیه آثار، منتخبی از نقاشی‌های دیجیتال است که از سال ۹۵ برای مجلات و رسانه‌ها کار کردم. عمده این ۴۲ اثر پرتره شخصیت‌های فرهنگی، ادبی و برخی عرفا است که برای روی جلد مجلات مطرح کشور طراحی کردم. تعدادی از این آثار در سال جاری طرح ملی شده است. سعی کردم در این پرتره‌ها به کیفیت و استایلی هنری برسد که برای مخاطب هم آورده داشته باشد.

■ **شخصیت‌های پرتره‌هایتان خیلی متفاوتند. از شهدای انقلاب مثل شهید رجایی و مطهری می‌بینیم تا شهدای دفاع مقدس مثل شهید همت و نیز شهدای ترور مثل سردار سلیمانی و شهید منتظرالمهدی و... در کنار اینها تابلوهایی از زرویی نصرآبادی، نیما یوشیج یا محمدرضا حکیمی را می‌بینیم. درباره این تفاوت روایت توضیح دهید؟**

این اتفاق به‌خاطر تنوع سفارش‌های مطبوعاتی است. دوره‌ای برای نشریات علوم انسانی نقاشی می‌کردم و بالطبع چهره اندیشمندانه مثل محمدرضا حکیمی، در آثارم دیده می‌شود تا شهید مطهری و رضا اردکانی. پرتره‌های فراوانی از اندیشمندان را نقاشی کرده‌ام. در سال ۹۶ در تالار اجلاس صدا وسیما به مناسبت کنگره علوم انسانی، نمایشگاهی برگزار شد که شامل ۳۵ پرتره از اندیشمندان بود، بعضی آثار هم برگزیده جشنواره‌ها بوده‌اند. آثاری هم هستند که موضوع دارد. مثلاً طراحی بستن چاه نفت که در نمایشگاه گذاشته‌ام. این اثر در پنجمین جشنواره مقاومت برگزیده نقاشی دیجیتال شد، یا تابلوی واقعه مباهله. تم این تابلو حال و هوای آثار هنری قدیمی را دارد. نوع و سبک این کار با سایر کارها متفاوت است.

■ **بعضی آثار تیتر و شرح دارد. آیا برای درک و فهم بهتر تابلو این روایت را نوشتید؟**

خیر. من برای تابلوهایم هیچ توضیحی نداده‌ام. این تیترها و عناوین، فرم پوستر به آثار داده و از طرف سفارش‌دهنده طراحی و منتشر شده است. ممکن بود برخی چهره‌ها را مخاطبین نشناسند. بهتر دیدم که نقاشی‌ها، به همان شکل پوستری در نمایشگاه ارائه شود.

■ **تابلویی که عکس آقای سلحشور را در آن کشیده‌اید یادآور همان فرمانده تنهای کمیل است. مهدی نریمان در فیلم پرواز در شب را می‌گویم. با سایر آثارتان خیلی متفاوت است، درباره‌اش توضیح دهید؟**

روی طراحی‌هایم وقت می‌گذارم و برایم مهم است که نتیجه نهایی چه فرم و استایلی داشته باشد. اگر این فیلم را دیده باشید، چهره آقای سلحشور در این پلان این گونه نیست. پشت سر ایشان در این صحنه خاکریز قرار دارد و صورتش زخمی است. نسخه با کیفیتی از فیلم را پیدا کردم. تصویر چهره ایشان را از اواسط فیلم انتخاب کردم تا تصویر باشکوهی در نقاشی نهایی ارائه شود. این شیوه کار در سینما رایج است. سینمایی‌ها از مدت‌ها قبل روی طراحی صحنه و لباس وقت می‌گذارند، نورپردازی می‌کنند و بازیگر گریم می‌شود. فیملبرداری را بارها و بارها تکرار می‌کنند تا تصویر ایده‌آلی به دست آید. در نقاشی هم همه چیز را باید مدیریت کرد. به قول خوشنویسان که می‌گویند: پادشاه ممالک خطیم، صفحه مشق ما، قلمرو ماست. من هم قلمرو کارم، بوم نقاشی و کادری است که در اختیار دارم. هر تکنیک و ایده‌پردازی‌ای برای نقاشی لازم بدانم، انجام می‌دهم!

■ **چرا نقاشی دیجیتال را برای خلق آثارتان انتخاب کردید؟**

ابزار نقاشی دیجیتال وسایل کار نقاش است. تهیه این ابزار، چندان هم ارزان نیست. اگر کسی نقاش یا طراح نباشد نمی‌تواند از این ابزار استفاده کند. باید نقاش و طراح باشد. به جای اینکه نقاش برود و رنگ، قلم‌مو و ابزار کار بخرد، می‌تواند از ابزار دیجیتال استفاده کند، البته این روزها نقاشی دیجیتال رایج و شایع شده است. پرسش مهمی قابل طرح است. آیا کشور ما این همه نقاش دیجیتال نیاز دارد؟ بعضی از نقاشان جوان خوب کار می‌کنند. اما مگر برای همه نقاشان سفارش کار وجود دارد. مدت‌هاست که سفارشی از سوی مجلات برای کشیدن طرح روی جلد، دریافت نکردم. کسادی و افول در دیگر رشته‌های دیگر هنری هم هست. هر ساله هزاران هنرجو در رشته نقاشی تربیت و فارغ‌التحصیل می‌شوند که بازار کار چندانی ندارند و عمدتاً نقاشی را رها می‌کنند.

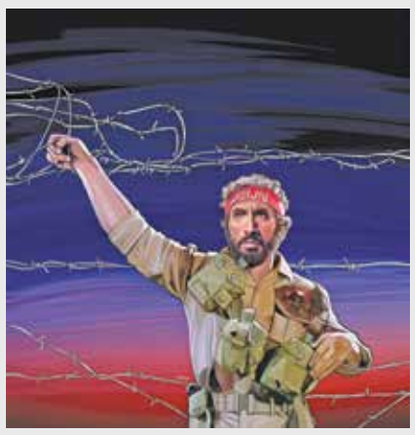

■ **گفتید مثل گذشته سفارش کار نمی‌دهند؟**

بله. اوضاع مطبوعات مثل گذشته نیست. از توزیع چند عدد روزنامه برای کیوسک‌های روزنامه فروشی، پیداست که نشریات تیراژ زیادی ندارند که بخواهند نقاشی روی جلد هم سفارش بدهند. اما در دیگر کشورها این اتفاق خیلی رایج است و سردبیران می‌پسندند که روی جلد نشریات‌شان، نقاشی باشد. نشریات مطرحی چون تایمز، نیوزویک، اکونومیست و... به نقاشی روی جلد اهمیت می‌دهند. در ایران هم اوضاع بد نبود. نقاشی عینیت عکس را کنار می‌زند و مخاطب می‌تواند به باطن شخصیت پرتره نزدیک شود. بعضی عکاسان هم با زاویه خوب و نورپردازی عکس‌های فوق‌العاده‌ای می‌گیرند.

یادداشت

«من رؤیا را زیسته‌ام» تلألؤیی از آیینه‌هاست

عاطفه محمد پور
نقاش و طراح

در مجموعه «من رؤیا را زیسته‌ام» که عصر جمعه دهم دی ماه در گالری ژاله افتتاح شد، طرح‌های منظم و هندسی‌وار قطعات کوچک و بزرگ آیینه‌ها در کنار نقاشی آبستره را با رنگ سیاه و سفید تلفیق کرده‌ام که نمایانگر ذهنیت من است که دنیای اطراف مخاطب را رؤیاگونه می‌کند.

فارغ‌التحصیل رشته نقاشی از دانشگاه مازندران هستم. اولین مجموعه نمایشگاهم را سال ۱۳۹۳ در گالری شلمان برگزار کردم. بعد از آن در بیش از ۲۰ نمایشگاه گروهی در داخل و خارج ایران شرکت کردم و توانستم در سال ۲۰۲۱ رتبه نخست جایزه طراحی و دیزاین در آرت جشنواره قطر را کسب کنم.

اینکه چرا در آثارم از آیینه استفاده می‌کنم به‌دلیل این است که آیینه پیوسته در هنر و معماری ایران نمادی از روشنایی، پاکی و صداقت بوده است و آیینه کاری ریشه در سنت‌های کهن ایرانی دارد. ترکیب فضای آبستره سیاه و سفید نقاشی‌ها با آیینه فضایی رؤیا گونه را برایم تداعی می‌کند. گویی رؤیا برایم دریچه‌ای است که از درون آن تجربه‌های زیسته تلخ و شیرین خود را در این دوره از روزگار بازبینی و لبه‌های تیز و برنده آن را کمی نرم‌تر کنم. آیینه‌ها هر آنچه را بر ما گذشته با صداقت تمام بازگو می‌کنند، دوباره به آیینه نگاه کن.

این نمایشگاه دومین نمایشگاه انفرادی من محسوب می‌شود. در نمایشگاه اول تمام تجربیات من در نقاشی آبستره خلاصه می‌شد، تداعی رنگ‌ها و ترکیب‌بندی آنها و در نهایت یک نقاشی آبستره محض ارائه می‌شد. اما در مجموعه جدید من نقاشی آبستره در دو رنگ سیاه و سفید در کنار آیینه کاری چه مدرن و چه سنتی تلفیق سنت و مدرنیته را ارائه کرده و تلفیقی که همیشه ذهن من را درگیر خود کرده است.

تمام مجموعه آثارم تا کنون و قبل این نمایشگاه در راستای نقاشی آبستره بوده و از ذهن و حس درونی من ایده گرفته شده است. تمام تجربیات نقاشی من بعد از تحصیلات دانشگاهی و دوره‌های متعددی که پیش استادان مختلف و صاحب سبک گذرانده‌ام همه و همه در راستای همین سبک است. علاقه من به سبک آبستره رهایی و آزادی من در هنگام کار بدون هیچ قید و بندی با حس درونی و رؤیاگونه من است یعنی خود خود من. اما در این مجموعه جدید تلفیق نقاشی آبستره با آیینه کاری است. تلفیقی که همیشه ذهن من را درگیر خودش کرده بود تا سرانجام این ایده به اجرا درآمد.

ایده این مجموعه جدید چند سالی بود که ذهنم را درگیر کرده بود. من عاشق هنر قدیمی ایرانی هستم، هنر آیینه‌کاری. همیشه با خودم می‌گفتم بین نقاشی سنتی و آبستره خیلی فاصله است؛ به همین دلیل می‌خواستم این دو هنر را با هم تلفیق کنم. چند سال پیش به خاطر تحقیقاتی که روی هنر آیینه کاری می‌کردم به شهر یزد سفر کردم و در هتل ملک التجار چند روزی بودم. اتاقم در اتاق آیینه‌کاری هتل بود این هنر بی‌نظیر بود تمام در و دیوار اتاق از آیینه کاری سنتی پوشیده بود واقعاً بی‌نظیر بود. مثل یک موزه بود. بعد از آن تصمیم گرفتم هنر آیینه کاری را با نقاشی‌های خود ترکیب کنم. من از زمان هنرستان نقاشی می‌کردم در دانشگاه هم نقاشی خواندم. بعد از آن نزد نصرالله مسلمیان رفتم و هشت سال هم نقاشی آبستره را تکمیل کردم. هنر آیینه کاری را یاد گرفتم و شروع به اجرای ایده خود کردم. اولین ایده این هنر ۵ سال بعد از اتمام کلاس‌هایم در ذهنم خطور کرد. بعد از آن یک مجموعه کوچکی از آیینه کاری ساختم و در نمایشگاه آرت ورد دوبی به نمایش گذاشتم. مجموعه بعدی را در نمایشگاه آرت جشنواره قطر به نمایش گذاشتم که تمام آثارم هم در آن نمایشگاه به فروش رفت. تلفیق نور و آیینه و روشنایی در کنار نقاشی آبستره. تلفیق نقاشی سیاه و سفید آبستره که نور و امید را در آیینه کاری و در فضای هندسی وار نشان می‌دهد. این دو هنر در کنار هم هنر هنرمند ایرانی ازگذشته تا به این زمان را نشان می‌دهد.

فرهنگ

قول وزیر فرهنگ برای حمایت همه‌جانبه از جشنواره تئاتر فجر:

هیچ محدودیتی نداریم

گروه فرهنگی: محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تماشای نمایش «تا اشکستان» به مجموعه تئاترشهر رفت و در حاشیه حضورش در تئاتر شهر، در پاسخ به پرسشی درباره میزان تخصیص بودجه جشنواره و همچنین تلاش برای گستردگی برگزاری آن در استان‌های مختلف، گفت: «ما امسال برای افزایش کیفیت جشنواره هیچ محدودیتی نداریم.» اسماعیلی با اشاره به افزایش کیفیت برگزاری این رویداد گفت: دوستان ما در اداره‌کل هنرهای نمایشی و جشنواره، هر درخواستی در راستای افزایش کیفیت این رویداد داشته باشند، خواسته‌هایشان را برآورده کنیم.

همچنین حسین مسافرآستانه دبیر چهلمین جشنواره تئاتر فجر هم با توجه به صحبت‌های وزیر ارشاد درباره بودجه جشنواره گفت: بودجه جشنواره از ماه‌های قبل طی جلسات متعددی که در

دبیرخانه با حضور رئیس انجمن هنرهای نمایشی داشتیم، برآورد و تنظیم شد که با توجه به تورم بسیار بالا در کشور، تفاوت آن نسبت به سال گذشته اندک بوده است. مسافرآستانه با اشاره به اینکه برای بخش‌هایی همچون بین‌الملل، برآورد بودجه مجزایی صورت گرفته است، گفت: طی جلسه‌ای که با معاون اجرایی معاونت هنری داشتیم، بودجه جشنواره امسال مصوب شد اما اختصاص آن متأسفانه با مشکلاتی روبه‌رو بوده که شاید بخشی از آن ناشی از تغییرات مدیریتی در وزارتخانه باشد. او ضمن اظهار امیدواری مبنی بر اینکه با تصویب این بودجه، اختصاص آن هم به‌زودی صورت بگیرد، ادامه داد: چون جشنواره با هزینه‌های جاری بالایی سر و کار دارد، امیدوارم با توجه به نظر مساعدی که وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی در خصوص بودجه جشنواره تئاتر فجر داشتند، این اختصاص سریعاً صورت بگیرد و دوستان کار خود را با دغدغه کمتری ادامه دهند. دبیر چهلمین جشنواره تئاتر فجر در پایان با اشاره به اینکه بودجه پیش‌بینی شده، بودجه ایده‌آلی برای برگزاری چهلمین جشنواره تئاتر فجر که مناسبتش جشن پیروزی انقلاب است، نیست، گفت: شرایط اقتصادی کشور خاص است و سعی بر این خواهد بود که با نهایت صرفه‌جویی این جشنواره برگزار شود و بودجه هم بر اساس همین اصل ارائه شده است. در همین راستا، از بسیاری مسائل حاشیه‌ای صرف‌نظر کرده و بسیاری از تشریفات را کنار گذاشتیم تا با بودجه کنونی جشنواره‌ای آبرومند برگزار کنیم.

خط خبر

■ رضا صادقی در اولین کنسرت پساکرونایی خود در تهران که شامگاه گذشته، جمعه ۱۰ دی ماه در دو سانس در تالار وزارت کشور برگزار شد، یاد درگذشتگان بر اثر ابتلا به کرونا، از جمله علی انصاریان و مهرداد میناوند را گرامی داشت./ خبرآنلاین

■ فیلم سینمایی «بیرو» سومین فیلم سینمایی مرتضی علی عباس میرزایی و به تهیه‌کنندگی مجید برزگر روایتی از زندگی علیرضا بیرانوند دروازه‌بان تیم ملی فوتبال ایران از دوران کودکی تا ورود به فوتبال حرفه‌ای و عضویت در تیم ملی فوتبال ایران است. فیلم سینمایی «بیرو» هم‌اکنون در مرحله فنی پس از تولید و ساخت موسیقی قرار دارد تا برای نمایش و رقابت در بخش مسابقه چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر آماده شود./ مهر

■ همزمان با سالروز شهادت سردار قاسم سلیمانی مستند سینمایی «۷۲ ساعت» به کارگردانی مصطفی شوقی و تهیه‌کنندگی مهدی مطهر از روز ۱۱ دی ماه اکران خود را در برخی سینماها آغاز کرد. این مستند روایتی تازه و منتشر نشده از ۷۲ ساعت منتهی به شهادت حاج قاسم سلیمانی است. / مهر

■ برنامه تلویزیونی خندوانه به‌دلیل ایام سوگواری شهادت حضرت زهرا(س) این هفته پخش نمی‌شود. / باشگاه خبرنگاران جوان

■ کتاب «تلگرافی برای شاه» نوشته رویا عمرانی درباره زندگی علاءالدین میرمحمد صادقی توسط انتشارات سوره مهر منتشر و راهی بازار نشر شد./ مهر

داریوش پیرنیاکان داور پانزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

ترسیم آینده روشن موسیقی برای نسل جوان

ندا سیجانی
خبرنگار

به گفته داریوش پیرنیاکان جشنواره ملی موسیقی جوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای موسیقی ایران است که طی این سال‌ها برگزارشده؛ جشنواره‌ای که توانسته از استقبال خوبی برخوردار باشد. داور پانزدهمین جشنواره ملی موسیقی جوان ارزیابی خود از این جشنواره را اینگونه بیان کرد: «در طول این سال‌ها جشنواره موسیقی جوان هم از سوی خانواده‌ها و هم از سوی نوجوان‌ها و جوان‌ها از استقبال بسیاربسیار خوبی برخوردار بوده و تأثیر بسیاری هم در جامعه هنری داشته است به این دلیل که در این جشنواره از حضور همه موزیسین‌ها استفاده می‌شود و به‌نوعی همه شاخه‌های موسیقی، نواحی، ردیف دستگاهی، کلاسیک و... با این جشنواره در ارتباط هستند و با این نگاه به تداوم این جشنواره امیدوار هستیم.»

■ **امنیت اخلاقی و فرهنگی برای فرزندان**

این هنرمند پیشکسوت درباره نگاه جامعه و خانواده به جشنواره ملی موسیقی جوان اظهار کرد: «با نگاه به فعالیت‌های فرهنگی و هنری در دو سال قبل، خواهید دید با وجود شیوع کرونا و تعطیلی برنامه‌های هنری، خانواده‌ها، مشارکت بسیار خوبی با برنامه‌های آموزشی آنلاین داشتند و از طریق همین کلاس‌ها، آموزش موسیقی را ادامه دادند و اتفاقاً جشنواره امسال بسیار گسترده دیده شد و استقبال خوب شرکت کننده‌ها در جشنواره خود گواه این موضوع است، بویژه در بخش آثار ارسالی از شهرستان‌ها که این امر نشان از نگاه مثبت خانواده‌ها به آموزش موسیقی است. نکته

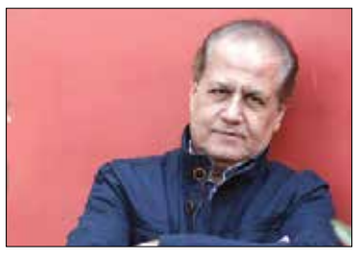

دیگر اینکه آموزش موسیقی اگرچه بخشی از فرهنگ و هنر ما است، اما به نوعی امنیت اجتماعی و امنیت اخلاقی هم محسوب می‌شود و این موضوع برای خانواده‌ها بسیار مهم بوده یعنی علاوه براینکه فرزند مستعدشان به مراتب بالاتر آموزشی خواهد رسید، همچنین یک امنیت اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی هم برای فرزندشان ایجاد می‌شود و از آسیب‌های اجتماعی مصون می‌ماند. نکته دیگر اینکه نباید نگاه تک بعدی به موسیقی داشته باشیم به‌عنوان مثال اگر ۱۰۰۰ نفر، هنرجوی تار هستند نباید انتظار داشت همه این افراد مانند جلیل شهناز ساز بنوازند و البته لزومی هم ندارند اما اگر از همین تعداد ۴ نفر به مراحل بالاتری دست یابند، یعنی در امر آموختن بسیار موفق عمل کرده باشند جای بسی خوشحالی است و مابقی افراد نیز یک امنیت فرهنگی برای این رشته به‌وجود خواهند آورد.» این نوازنده در ادامه درخصوص اثرگذاری این جشنواره در سطح آموزشی افزود: «با توجه به زمینه ارتباطی‌ام با هنرجویان، از علاقه و انگیزه خوب آنها مطلع هستم و آینده بسیارخوبی را برای خود ترسیم کرده‌اند که این نگاه جای امیدواری دارد.»

■ **جوانان ادامه‌دهنده راه بزرگان**

از نکات مثبت جشنواره ملی موسیقی جوان حمایت ۱۰۰ استاد موسیقی در جایگاه داور از این جشنواره است که هرکدام از استادان بنام موسیقی در بخش‌های مختلف هستند و این موضوع موجب انگیزه و ترغیب بیشتر شرکت کنندگان بوده است. این آهنگساز در این باره گفت: «مهم‌ترین نگاه حمایتی استادان و داوران از این جشنواره، صیانت از یک فرهنگ بسیار غنی و حفاظت از بخش مهمی از هنر این مملکت است. ما هنرمندان مملکت و فرهنگ‌مان را دوست داریم، جوان‌های این وطن را دوست داریم و تلاش می‌کنیم رشته موسیقی که بخشی از این فرهنگ است تداوم پیدا کند که یک راه آن حضور و حمایت از چنین جشنواره‌ها و همچنین تشویق جوانان و نوجوانان به انتخاب این مسیر است. هرکدام از استادان موسیقی یک دوره حضور دارند و دیگر نخواهند بود و این وظیفه جوانان است که راه آنها را ادامه بدهند و جای این پیشینیان را پرکنند و حتماً هم اینگونه خواهد بود. براین اساس هدف تمامی دست اندرکاران و استادان موسیقی ابتدا حمایت از تداوم این جشنواره است و دیگر احساس مسئولیتی که نسبت به نسل آینده موسیقی وجود دارد تا به مراتب بالاتر دست یابند. بار دیگر تأکید می‌کنم موسیقی از تأثیرگذارترین بخش‌های فرهنگی و هنری در هر فرهنگ و جامعه است و همان‌طور که اشاره کردم موسیقی در امنیت ملی و آسیب‌های اجتماعی وحفظ خانواده و... بسیار تأثیرگذار است. اگر ما بتوانیم در مملکت‌مان از تمامی بخش‌های هنری به درستی استفاده و به جامعه معرفی کنیم، برای جوانان امنیت ایجاد کرده‌ایم. به‌طور مثال اگر در مملکت خودمان موسیقی به درستی از رسانه ملی یا از رسانه‌های ارتباط جمعی پخش نشود، با وجود پیشرفت وسایل ارتباط جمعی در دنیا، مخاطبان خوراک موسیقایی خود را از کشورهای دیگر تأمین می‌کنند، بخصوص در حاشیه شهرهای مرزی این موضوع بیشتر دیده می‌شود. بنابراین اگر رسانه ملی برنامه‌های موسیقی در شاخه‌های مختلف را به مخاطب عرضه کند و به درستی آن را به‌عنوان یک برنامه مستقل نشان بدهد کمتر شاهد چنین اتفاقاتی خواهیم بود اما با وجود چنین مسائلی بازهم اشتیاق و علاقه مردم به موسیقی جای امیدواری است و ما به‌عنوان کسانی که متولی و دست‌اندرکار این برنامه هستیم باید به این آسیب‌ها و هجمه‌هایی که به موسیقی وارد می‌شود نگاهی جدی تر داشته باشیم و آن را حفظ کنیم که یکی از راه‌های آن تشویق جوانان به شرکت در چنین جشنواره‌هایی است و باید هنر این جوان مستعد دیده و شناسایی شود. اگرچه جای تأسف است که با وجود تعداد بی‌شماری فارغ‌التحصیل موسیقی در سطوح بالا، بازار کاری برای آنها فراهم نیست و نسبت به این موضوع احساس مسئولیت داریم و تا آنجا که در توان‌مان باشد حمایت‌های لازم را خواهیم داشت. داریوش پیرنیاکان در آخر، ارزیابی از این دوره از جشنواره را اینگونه بیان کرد: «این دوره از جشنواره مانند جشنواره‌های قبلی بسیار خوب دیده شد. البته افت و خیزهایی بوده اما چندان مهم نیست.»

عکس‌ها: سایت جشنواره

نوبت اول

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل به‌صورت برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تأمین نماید:

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۰۰۹۳۴۹۸۰۰۰۶۴۱
شماره مناقصه و تقاضا	تقاضای ۰۰۰۰۲۰۱ مناقصه شماره R5/1400/ME0000201SH-0
موضوع مناقصه/ شرح مختصر اقلام درخواستی	Complete tube bundle
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	۸۱۱،۰۷۳،۰۴۱ ریال
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به‌صورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران طبق موارد مندرج در سامانه ستاد می‌باشد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۱۶،۲۲۱،۴۶۰،۸۲۰
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی در سامانه ستاد	۵ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می‌باشد.
آخرین مهلت بارگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) در سامانه ستاد	ظرف مدت دو هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می‌باشد.
آخرین مهلت بارگذاری پیشنهادات فنی/ مالی در سامانه ستاد	پس از ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، مستندات دریافت پیشنهاد فنی و مالی به‌همراه برنامه زمانی از طریق سامانه ستاد ارسال می‌گردد.
آدرس مناقصه‌گزار	استان بوشهر- شهرستان عسلویه- شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی-پالایشگاه پنجم- ساختمان اداری ۲- اداره خرید- اتاق ۱۶

● بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می‌پذیرد و به پیشنهادهای خارج از سامانه ستاد هیچ‌گونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه‌گران بایستی نسبت به ثبت‌نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضای الکترونیکی اقدام نمایند.
● مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۰۷۷۳۱۳۱۷۲۵۰-۰۷۷۳۱۳۱۶۷۲۴۱ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی
۱۴۵۲۰۴۵

نوبت دوم

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل به‌صورت برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تأمین نماید:

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۰۰۹۳۴۹۸۰۰۰۷۶۲
شماره مناقصه و تقاضا	تقاضای ۳۳۱۶۸۹۷۰۶۴ مناقصه شماره ۹۹/۰۵۲
موضوع مناقصه / شرح مختصر اقلام درخواستی	خرید نازل مخصوص آتش‌نشانی جهت مخازن ذخیره‌سازی کاندنسیت
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	۵۷۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به‌صورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران می‌باشد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۱۱،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد	۷ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می‌باشد.
آخرین مهلت بارگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) در سامانه ستاد	ظرف مدت ۲۱ روز پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می‌باشد.
آخرین مهلت بارگذاری پیشنهادات فنی / مالی در سامانه ستاد	پس از ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، مستندات دریافت پیشنهاد فنی و مالی به‌همراه برنامه زمانی از طریق سامانه ستاد ارسال می‌گردد.
آدرس مناقصه‌گزار	استان بوشهر - شهرستان عسلویه - شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی - فازهای ۱۵ و ۱۶ - ساختمان امور کالا - اداره خرید پالایشگاه ششم

● بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می‌پذیرد و به پیشنهادهای خارج از سامانه ستاد هیچ‌گونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه‌گران بایستی نسبت به ثبت‌نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضای الکترونیکی اقدام نمایند.
● مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۴۴-۳۶-۰۷۷۳۱۳۱۸۳۳۵ تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی مزایده

سایپا

جهت مشاهده مزایده
اقلام ضایعاتی شرکت سایپا پرس
به سایت شرکت سودیکو مراجعه فرمایید.
www.sudico.ir
تاریخ برگزاری ۱۴۰۰/۱۰/۱۲ لغایت ۱۴۰۰/۱۰/۱۴

آگهی مزایده

سایپا

جهت مشاهده مزایده
اقلام ضایعاتی سایت خرمشهر شرکت رینگ سایپا
به سایت شرکت سودیکو مراجعه فرمایید.
www.sudico.ir
تاریخ برگزاری ۱۴۰۰/۱۰/۱۳ لغایت ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

مناقصه ساخت و نصب پکینگ‌های کولینگ تاور

شرکت پتروشیمی غدیر
Ghadeer Petrochemical Co.

به‌شماره: ۱۴۰۰/۰۳۶ غ ع

این شرکت در نظر دارد ساخت و نصب پکینگ‌های کولینگ تاور خود را از طریق مناقصه عمومی به شرکت معتبر و واجد شرایط واگذار نماید.
لذا بدین‌وسیله از شرکت‌های توانمند در این زمینه دعوت می‌شود جهت شرکت در مناقصه به سایت www.gpc.ir مراجعه و از تاریخ: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲ لغایت ۱۴۰۰/۱۰/۲۷ نسبت به ارائه پیشنهادات در سه پاکت الف- ب- ج به آدرس زیر اقدام نمایند.
● خوزستان، ماهشهر، منطقه ویژه اقتصادی، سایت ۳ پتروشیمی غدیر، دبیرخانه محرمانه حراست
تلفن تماس: ۰۶۱۵۲۱۲۴۶۱۷
روابط عمومی شرکت پتروشیمی غدیر

اگر چرخی هست
راه هم هست

صد در صد رایگان
تلفن ۴-۶۶۳۰۵۳۵۲
آموزش، توانبخشی
اشتغال و کارآفرینی
معلولین جسمی حرکتی
می خواهم کمک کنم #۹ ۲۴۴۲ ۰۷۸۰
WWW.RAAD-ALGHADIR.ORG

« آگهی ابلاغ »

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

نظر به اینکه پرونده فرد مشروحه ذیل در هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی ایران در دست بررسی می باشد و به علت عدم دسترسی و پاسخگو نبودن تلفن ایشان، بدینوسیله به نامبرده ابلاغ می گردد که از تاریخ نشر آگهی حداکثر ظرف مدت ده روز فرصت دارند تا ضمن رؤیت ابلاغیه دفاعیه خود را به همراه مدارک مورد استناد به دفتر هیأت واقع در بزرگراه شهید همت، بین شیخ فضل اله نوری و شهید چمران دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران طبقه پنجم اتاق ۵۳۹ تسلیم نمایند.
محمد اسمعیل تبارکشتلی، تکنسین تأسیسات شاغل در شبکه بهداشت و درمان رباط کریم

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

شهید قاسم سلیمانی در جمع فرزندان و خانواده شهدا
تسنیم

حاج قاسم سلیمانی به روایت صادق آهنگران، مداح جبهه ها

صمیمی و با صلابت همچون بسیجی ها

حجت‌الاسلام محمد مهدی بهداروند
نویسنده و پژوهشگر تاریخ جنگ

«حاج صادق آهنگران» مداح پرآوازه دوران دفاع مقدس در کتاب تاریخ شفاهی خود با عنوان «بانوای کاروان»، به بیان برخی خاطرات و همچنین ویژگی‌های برجسته سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی پرداخته است که به مناسبت سالروز شهادت ایشان منتشر می‌شود.

■ خاکی بودن شهید

یکی از ویژگی‌هایش خاکی بودن بود. او با بسیجی‌ها خیلی صمیمی بود و تواضع داشت. با خانواده شهدا هم ارتباط تنگاتنگ داشت و مرتب به آنها سر می‌زد. البته همه فرماندهان زمان جنگ با خانواده شهدا ارتباط داشتند، اما ارتباط حاج قاسم با خانواده شهدا از بقیه خاص‌تر بود. علاقه اینچنینی به شهدا و ارادت به خانواده آنها را در کمتر فرمانده‌ای دیدم. احترام او به خانواده و فرزندان شهدا توصیف شدنی نیست. هر کسی حوصله و طاقت او را نداشت. گاهی پیش می‌آمد که مادران، همسران و فرزندان شهدا معترض و ناراحت بودند و به حاج قاسم گلایه می‌کردند، اما او با سعه صدر با آنها برخورد می‌کرد. گاهی با آنها گریه می‌کرد و اشک می‌ریخت، گاهی جلوی آنها زانو می‌زد و با آنها درد دل می‌کرد. ارادتش به شهدا و خانواده‌هایشان مهم‌ترین ویژگی‌اش بود.

■ دل نازکی

ویژگی دیگرش دل نازکی‌اش بود. اشکش زودسرازیر می‌شد. همه فرماندهان این ویژگی را داشتند، ولی در او بارزتر بود. اشک ریختنش مثال زدنی بود. هنگام گریه حال خیلی خوشی داشت. وقتی باکری‌ها، همت و همرزمان دیگرش شهید شدند، این حال را داشت.

این حالت روز به روز در او تقویت می‌شد. هنگام شهادت احمد کاظمی، این حالت در او به اوج خودش رسیده بود.

■ شجاعت

ویژگی دیگر حاج قاسم، شجاعتش بود. او از همان ابتدای جنگ، در خط مقدم و روی خاکریز بود. به محض اینکه مشکلی پیش می‌آمد، به خط مقدم می‌رفت.

این روحیه را در جنگ با داعش هم داشت. یک بار حاج قاسم در سالگرد شهادت مهدی باکری در سالن وزارت کشور سخنرانی می‌کرد و از شجاعت شهید باکری می‌گفت. در صحبت‌هایش گفت که فرق ما با فرماندهان سوری این است که ما به خط مقدم و به نقطه اوج درگیری می‌رویم و به رزمنده‌ها و نیروها می‌گوییم؛ بیایید، ولی فرماندهان سوری آخر خط می‌ایستند و به نیروهایشان می‌گویند، جلو بروید و خودشان جلو نمی‌روند. این ویژگی در حاج قاسم بیشتر از فرماندهان دیگر بود و در جاهایی خودش را فدای نیروها می‌کرد. همین ویژگی‌ها باعث شده بود که نیروها حاج قاسم را خیلی دوست داشته باشند، چون می‌دیدند که او همه ویژگی‌های یک انسان کامل و خصوصیاتی را که یک فرمانده باید داشته باشد، دارد. او به ارزش‌های اسلامی و سیره پیامبران و ائمه بسیار پایبند بود.

■ ساده‌زیستی

ویژگی دیگر او ساده زیستی بود. باکری و احمد کاظمی هم مثل او بودند. حاج قاسم با بسیجی‌ها می‌نشست و کنسرو می‌خورد. آن موقع فرماندهان درجه نداشتند که مشخص شود چه کسی رده‌اش بالاتر است. گاهی حتی رزمنده‌ها فرماندهانشان را نمی‌شناختند. یکی از شخصیت‌های مورد علاقه من آیت‌الله یعقوبی قائنی بود. یک بار که پیش او بودم حرف حاج قاسم پیش آمد. آن موقع حاج قاسم خیلی سر زبان‌ها بود و به‌عنوان چهره ملی مقاومت مطرح بود. آقای یعقوبی به من گفت: شما که با او ارتباط دارید، امکان دارد از ایشان بخواهید دیداری با هم داشته باشیم؟ گفتم: چشم. پیغام شما را به او می‌رسانم. حاج قاسم را دیدم و به او گفتم آقای یعقوبی دوست دارد شما را ببیند. گفت: اتفاقاً اشخاص دیگری هم از طرف ایشان پیغام داده‌اند. چشم به دیدن او می‌روم. به وعده‌اش عمل کرد و رفت. در آن جلسه که آقای یعقوبی از من خواست پیامش را به حاج قاسم برسانم، به ایشان گفتم: نظر شما راجع به حاج قاسم چیست؟ او هنوز حاج قاسم را ندیده بود و فقط اسمش را شنیده بود؛ اما با دید عرفانی که داشت، گفت: از او خوشم می‌آید، چون خیلی اهل بکا است. خیلی گریه می‌کند.

■ قاسم رزمنده‌ام، دل زدنیا کنده‌ام

یادم می‌آید، اواسط سال ۶۳ به مقر لشکر ثارالله در اهواز رفتم. سیزدهم، چهاردهم یا پانزدهم محرم بود. حاج قاسم دعوتم کرد. من با نیروهای تبلیغات او که سید ابراهیم یزدی‌نژاد و مهدی صدفی بودند، هماهنگ کردم و نوحه‌ای خواندم که سربند آن این بود: قاسم رزمنده‌ام، دل زدنیا کنده‌ام

شعری که در لشکر ۴۱ ثارالله خواندم، در شأن حضرت قاسم بن حسن(ع) سروده شده بود و محتوایی حماسی داشت، اما به‌محض اینکه آن را خواندم، نیروهای لشکر ۴۱ ثارالله(ع)، همگی به حاج قاسم نگاه کردند. فکر کردند که آن شعر در مورد حاج قاسم گفته شده و من خطاب به فرمانده لشکر می‌خوانم. البته آخر شعر متوجه شدند که منظور من قاسم بن حسن(ع) است.

روال کار من این‌طور بود که بعد از نوحه‌خوانی در هر یگانی، به مقر فرماندهی آن می‌رفتم و ناهار و شام را با فرمانده می‌خوردم. معمولاً فرماندهان خیلی من را تشویق می‌کردند و به من روحیه می‌دادند.

در مقر لشکر ۴۱ ثارالله هم حاج قاسم، خیلی از محتوای شعری که خواندم تعریف و از من تشکر کرد. به من روحیه داد و از تأثیر آن روی رزمنده‌ها حرف زد. او هیچ‌وقت مانند یک فرمانده با من برخورد نمی‌کرد و خیلی به من محبت داشت. چند روز بعد، بسیجی‌های لشکر ۴۱ ثارالله با اقتباس از شعر من، شعری در وصف حاج قاسم سرودند و آن را مرتب می‌خواندند. مطلعش این بود:

■ قاسم رزمنده‌ام، سال‌ها در جبهه‌ام، ترک منزل کرده‌ام، عاشقی جامانده‌ام

در عملیات والفجر یک هم به نیروها گفته بود که اگر به حضرت زهرا(س) متوسل بشویم، ان‌شاءالله توجه و عنایتی می‌شود. من هم به سفارش او روضه حضرت زهرا(س) و بعد از روضه، شعر «ای لشکر صاحب زمان آماده‌باش، آماده‌باش» را خواندم. موقع خواندن می‌دیدم که حاج قاسم، حتی برای این شعر که حماسی بود، گریه می‌کرد.

وقتی روضه حضرت زهرا(س) را می‌خواندم، طوری گریه می‌کرد که انگار در جای دیگری سیر می‌کند و فقط صدایی می‌شنود. مطلب دیگر این‌که هر وقت می‌خواندم، اصرار داشت دستم را ببوسد. می‌آمد می‌گفت: باید دستت را ببوسم.

■ شب قدر در حرم حضرت رقیه(س)

چند سال ماه رمضان، به دعوت حاج قاسم به سوریه می‌رفتم و برای مدافعان حرم می‌خواندم. آخرین بار، سال ۱۳۹۷، بعد از حلب و دیرالزور، به حرم حضرت رقیه(س) رفتم و شب‌های احیا در آنجا برای مدافعان حرم خواندم و مراسم شب‌های قدر را اجرا کردم. شب ۲۱ (رمضان) سال ۱۳۹۷، برنامه را اجرا کردم، آقا سید محمد حاج میری که خادم حرم حضرت رقیه(س) است و برنامه‌ها را هماهنگ می‌کند، آمد و گفت: پیرمرد آمده. هم به شهید همدانی پیرمرد می‌گفتند، هم به حاج قاسم. به شهید همدانی ابووهب هم می‌گفتند.

پیرمرد اسم رمز آنها بود. وقتی برنامه من تمام شد، کمی با دوستان صحبت کردم. اتاقم بالای حرم حضرت رقیه(س) بود. در حرم را بستند و قفل کردند. هیچ کس در حرم نبود. فکر کردم حاج قاسم هم رفته. رفتم بالا برای سحری آماده شوم که سید محمد آمد و گفت: حاج قاسم می‌گوید بیا. گفتم: مگر نرفته؟ گفت: نه. پرسید که حاج صادق اینجاست؟ گفتم بله. گفت که بگو بیاید.

رفتم پایین. در قسمت شمالی حرم حضرت رقیه(س) یک اتاقی هست که متعلق به یکی از نیروهای سوریه است. خیلی مرد خوبی است. حاج قاسم همیشه به آنجا می‌رفت. فقط آقای میری، من، حاج قاسم و یکی از نیروها، در حرم بودیم. حاج قاسم با من احوالپرسی کرد. مثل همیشه تشکر کرد و گفت: ممنون که خطر را می‌پذیری و به اینجا می‌آیی. گفتم: شما فرمانده من هستید. بگویید دائم اینجا بمان هم می‌مانم. بعد حاج قاسم گفت: امشب، من در اتاق نشستم و به دلایلی بیرون نیامدم که مزاحم بقیه نشوم. نشستم خودم دعای شب احیا را خواندم، ولی به من نچسبید. خواهش می‌کنم اگر زحمتی نیست و اذیت نمی‌شوی، زیارت عاشورا بخوان و با هم قرآن بالای سر بگیریم. من خیلی خوشحال شدم. حاج قاسم از من خواسته بود برایش زیارت عاشورا بخوانم و مراسم شب قدر را انجام دهم. این افتخار بسیار بزرگی برای من بود. گفتم: چشم. مجلس قبلی خیلی طول کشیده بود و خسته بودم، ولی با حاج قاسم رو به قبله نشستیم و شروع به خواندن زیارت عاشورا کردیم. حاج قاسم دوزانو نشست، پیشانی‌اش را به ضریح حضرت رقیه(س) چسباند. من در فاصله نیم متری او نشستم و شروع کردم به خواندن زیارت عاشورا. بعد روضه حضرت زهرا(س) و روضه امیرالمؤمنین(ع) هم خواندم. مداحی نکردم. روضه معمولی خواندم. آن شب در مراسم شب احیا، زیاد خوانده بودم و صدایم گرفته بود، اما حاج قاسم انگار خیلی متوجه خواندن من نبود. طوری گریه می‌کرد که احساس می‌کردم در یک عالم دیگر است و با صوت دیگری آن حال را پیدا کرده. وقتی روضه حضرت زهرا(س) را خواندم، ناله‌اش بالاتر رفت و حالش آن‌قدر دگرگون شد که من نگرانش شدم و به کسی که با تلفن همراهش فیلم می‌گرفت، اشاره کردم که ادامه بدهم یا نه؟ دعا و روضه تمام شد، اما حاج قاسم سرش را به ضریح چسبانده بود و همین‌طور گریه می‌کرد. کمی بعد، طبق معمول آمد، من را بغل کرد. می‌خواست دستم را ببوسد، اما من نگذاشتم و دستش را بوسیدم. بعد با هم برای خوردن سحری رفتیم. خیلی خاطره خوبی بود. کاش آن فیلم به دستم می‌رسید! حضور در کنار حاج قاسم و دعا و مناجات در کنار او در شب قدر، افتخار بزرگی برای من بود.

> ارتباطش با خانواده و فرزندان شهدا روز به روز بیشتر می‌شد. اگر فرزند شهیدی با او تماس می‌گرفت و به او می‌گفت به خانه ما بیا، اگر در یک روستای دورافتاده هم بود، می‌رفت. هنگام گرفتاری مردم در کنار آنها بود. همه دیدند که در حادثه سیل خوزستان با کمال تواضع بین مردم عرب‌زبان رفت و با آنها درد دل کرد. به همه هم سفارش می‌کرد که به مردم آسیب‌دیده کمک کنند. تواضع حاج قاسم مثال‌زدنی بود

■ الان باید یک خون ریخته شود!

یک خاطره از ملاقات حاج قاسم با مرحوم آیت‌الله یعقوبی قائنی تعریف کنم. بعد از دیدار آن دو بزرگوار، از آقای یعقوبی که نظرش را در مورد حاج قاسم پرسیدم، گفت: حاج قاسم نوع مرگش را خودش انتخاب می‌کند. این خاطره از ذهن من محو شده بود، تا اینکه در مراسم تودیع سردار قاآنی، سردار حجازی، جانشین فرماندهی سپاه قدس، مطالبی درباره حاج قاسم در ماه‌های آخر حیات پربرکتش تعریف کرد که من را به یاد آن خاطره انداخت. آقای حجازی گفت: به حاج قاسم گفتم در این وضعیت که اوضاع منطقه آشفته است، به عراق نرو. او در جواب، از من خواست دعا کنم که شهید شود. گفتم: ان‌شاءالله ۱۲۰ سال دیگر. گفت: نه الآن باید یک خون ریخته شود. ظاهراً ابو مهدی هم به او گفته بود که مدتی صبر کند، اما حاج قاسم مثل کسی که بی‌تاب رسیدن به چیزی است، گفته بود که من به طرف مقتلم می‌روم.

■ فاطمیه سال بعد، من نیستم

به دوستانش در فاطمیه کرمان هم گفته بود: فاطمیه سال بعد با امسال فرق دارد. پرسیده بودند: چه فرقی دارد؟ جواب داده بود: ایام فاطمیه سال بعد، من نیستم.

حرف اصلی در مورد حاج قاسم را رهبر انقلاب در سخنرانی‌شان گفتند. ویژگی‌هایی که رهبر معظم انقلاب به آن اشاره کردند، من هم تکرار می‌کنم: افتادگی، تواضع، شجاعت، توجه به معنویات و تبعیت از ولایت، راز محبوبیت و ماندگاری او بود.

■ هیچ‌گاه ارتباطش با شهدا قطع نشد

ارتباطش با خانواده و فرزندان شهدا روز به روز بیشتر می‌شد. اگر فرزند شهیدی با او تماس می‌گرفت و به او می‌گفت به خانه ما بیا، اگر در یک روستای دورافتاده هم بود، می‌رفت. هنگام گرفتاری مردم در کنار آنها بود. همه دیدند که در حادثه سیل خوزستان با کمال تواضع بین مردم عرب‌زبان رفت و با آنها درد دل کرد. به همه هم سفارش می‌کرد که به مردم آسیب‌دیده کمک کنند. تواضع حاج قاسم مثال‌زدنی بود.

■ مهربانی با اقشار مختلف

خصوصیت دیگر حاج قاسم که سبب محبوبیتش شده بود، این بود که بین مردم خط‌کشی نمی‌کرد. هرچقدر در برابر دشمنان خشن و قاطع بود، با مردم مهربان بود. می‌گفت؛ نگویید این بی‌حجاب است و از ما نیست، یا این دشمن ماست. می‌گفت همه این جوان‌ها، بچه‌های ما هستند و باید از آنها حمایت کنیم.

مرتضی شاه‌کرم در گپ و گفتی با «ایران» مطرح کرد

خاطراتی کمتر شنیده شده از سردار

زینب مرتضایی فرد
خبرنگار

آیا نمایشنامه فقط تماشا کردنی است؟ راستش نه. شاید اول کار به نظر بیاید که نمی‌شود از خواندن این قالب لذت چندانی برد، اما کافی است که فقط کمی با فضای فیلمنامه وارش انس بگیرید. آن‌وقت خواهید دید که نمایشنامه‌ها را حتی روی کاغذ هم می‌شود به تماشا نشست! عمده‌ترین تفاوت ساختار نمایشنامه با داستان همین جاست. ما عموماً داستان را می‌خوانیم و بسته به کم و کیف توصیفات نویسنده وارد آن فضا می‌شویم، اما نمایشنامه را انگار باید خواه‌ناخواه از همان ابتدا تا انتها در ذهن‌مان روی صحنه ببریم. اینجا هیچ توصیف و تشریحی در کار نیست. تمام ماجرا صریح و سرراست در زنجیره گفت‌وگوها، دیالوگ به دیالوگ پیش می‌رود و صحنه گاهی عوض می‌شود. همین و بس. این موضوع سرعت خوانش را بالا می‌برد و تجربه‌ای متفاوت با داستان‌خوانی را رقم می‌زند. مثل همین کتاب «من قاسم سلیمانی‌ام» مرتضی شاه‌کرم که خواسته گوشه‌ای از کارهای زمین مانده را به دوش بگیرد و برای گروه‌های نمایشی سراسر کشور تولید محتوا کند. «من قاسم سلیمانی‌ام» مجموعه‌ای از پنج نمایشنامه نوشته مرتضی شاه‌کرم است که نشر سوره مهر به چاپ رسانده است. این مجموعه که برای آشنایی بیشتر مخاطبان با منش و معرفت یاران و سربازان شهید قاسم سلیمانی نوشته شده است، نمایشنامه‌هایی مناسب با اجرای خیابانی هستند. شاه‌کرم ۱۵ سال است که حرفه‌ای به کار نوشتن مشغول است. از او پیش از این چندین نمایشنامه با نام‌های «عندالمطالبه»، «سانتی‌متر» و... به چاپ رسیده است. با این نمایشنامه‌نویس درباره مجموعه «من قاسم سلیمانی‌ام» و چند و چون نگارش آن گفت‌وگویی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.

■ چه شد که تصمیم به نوشتن این مجموعه گرفتید؟

به پیشنهاد کورش زارعی قرار شد نمایشنامه‌ای بنویسم درباره لشکر ۴۱ ثارالله که شهید قاسم سلیمانی پایه‌گذار و فرمانده آن بود. لشکری بسیار تأثیرگذار در اتفاقات جنگ. برای تحقیقات محلی و پژوهش در این‌باره به کرمان رفتم. البته این پروژه برای زمانی بود که هنوز ایشان به شهادت نرسیده بودند. در تحقیقات محلی که انجام شد و ساعت‌ها گفت‌وگو با رفیق، همشهری، همرزم و... حاج قاسم سلیمانی به خاطراتی رسیدم که کمتر بازگو شده بودند. در نهایت از شهید سلیمانی به شناختی رسیدم و برایم این دغدغه به وجود آمد که خاطرات لشکر ۴۱ را بنویسم. برگشتم تهران و ماحصل آن سفر شد نوشتن نمایشنامه‌ای با عنوان «مثل ماهی در خاک» که روایت یکی از گردان‌های لشکر ۴۱ ثارالله بود؛ گردان غواص در عملیات‌های مختلف به خط شکن معروف بودند. نمایشنامه «مثل ماهی در خاک» در کرمان اجرا شد و با استقبال گسترده‌ای مواجه شد. چون من خودم هم در اجرا بودم بازخورد اجرا را از زبان دوستان، فرماندهان و خانواده‌های شهدا گرفتم و با آنها گپ زدم. این صحبت‌ها مرا به شناخت دقیق‌تری از سردار رساند و بعد از شهادت ایشان به پیشنهاد آقای زارعی تصمیم گرفتم مجموعه‌ای از قصه‌هایی که از حاج قاسم می‌دانم را به نمایشنامه تبدیل کنم.

■ این نمایشنامه‌ها بیشتر برای اجرای خیابانی است، چرا این بستر را انتخاب کردید؟

تصمیم گرفتم خاطرات را در قالب نمایشنامه‌های محیطی و خیابانی به چاپ برسانم که سندی باشد برای بچه‌های تئاتر شهرستان که بتوانند این نمایش‌ها را کار کنند و نقش حاج قاسم و شخصیت ایشان را به مردم شهرستان‌های خودشان معرفی کنند. هدفم هم بچه‌های دور از تهران بود. چون معمولاً این بچه‌ها ضعیف‌ترند و دسترسی به آثار نمایشی برایشان کمتر است. سعی کردم در نگارش این نمایشنامه‌ها خاطراتی را بنویسم که به سادگی قابل اجرا کردن باشند و نیاز به ابزار خاصی نداشته باشند و گروه‌های جوان بتوانند به سادگی و با کمترین امکانات و بیشترین بهره‌وری نمایش‌ها را اجرا کنند.

■ درباره قصه‌های «من قاسم سلیمانی‌ام» بگویید؟

این مجموعه ۵ نمایشنامه کوتاه دارد که به چاپ دوم رسیده و تعداد زیادی اجرا رفته است؛ حدود ۷۰ گروه تئاتری کشور در شهرستان‌ها و جشنواره‌های مختلف نمایش‌ها را کار کرده‌اند. «مهندس مین» قصه یکی از سربازان حاج‌قاسم است که با اینکه در آن دوره ۵ زبان دنیا را حرف می‌زند و همه او را به‌عنوان مهندس می‌شناسند اصرار فراوان دارد در گروه بچه‌های خط شکن کار کند. ماجرا چالش بین سردار و این سرباز برای عضویت در این گردان است. ایثار و از خودگذشتگی مهندس تا جایی است که بعد از اسارت توسط دشمن، سر از تنش جدا می‌کنند. «مفقود دوم» مادری است که دو فرزندش که از سربازان حاج‌قاسم بودند، مفقود می‌شوند. حتی مزار پسر این مادر هم به اشتباهی تحویل کسی دیگر می‌شود. این نمایش چالش ایشان است برای خبر دادن به این مادر. «سرباز سردار» ماجرای دو نفر از فرماندهان گردان‌های لشکر ۴۱ ثارالله است که سردار ارادت خاصی به این دو داشته است و ما اتفاقات بین این دو نفر را از نگاه حاج قاسم در جنگ بررسی می‌کنیم. «کاخ ریاست جمهوری» قصه نجات و ایده‌ای است که حاج قاسم در کاخ بشار اسد و آخرین لحظه‌ها مطرح می‌کند.

«من قاسم سلیمانی‌ام» نیز قصه گروه تئاتری است که نمایشی دارند با عنوان شخصیت حاج قاسم سلیمانی و یکی از یاران نزدیک به‌نام احمد امینی و شخصیت عماد مغنیه و نوع رابطه با حاج قاسم سلیمانی را روایت می‌کند.

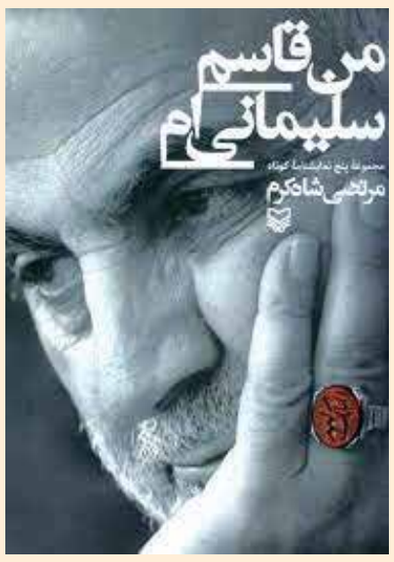

■ آیا نمایش‌ها منطبق بر افراد حقیقی‌اند؟

نمایشنامه اول علاوه بر راوی چهار شخصیت دارد و با محوریت یکی از سربازان خاص حاج‌قاسم در سال‌های دفاع مقدس، یعنی شهید عباسعلی فتاحی نوشته شده است. عباسعلی در اوج جوانی به شش زبان زنده دنیا تسلط داشت و در آمادگی جسمانی هم با توجه به رزمی‌کار بودنش نمره بسیار بالایی می‌گرفت. او تک‌فرزند خانواده بود و با این حال زمانی که وارد لشکر ۴۱ شد، مستقیم به خطرناک‌ترین بخش تیپ پا گذاشت: گردان تخریب! از آنجا کم کم به مهندس مین معروف شد و در نهایت سرنوشتی روضه‌وار و تکان‌دهنده برایش رقم خورد.

■ آیا متن ناظر بر جلوه‌های خاصی می‌باشد؟

مفقود دوم درباره رشادت‌های دو برادر کرمانی است. قصه به زمانی برمی‌گردد که بچه‌های کرمان و هرمزگان و سیستان و بلوچستان تازه قرار بود در یک تیپ مستقل به‌نام لشکر ۴۱ ثارالله سازماندهی شوند. حاج‌قاسم شد فرمانده لشکر و این دو برادر که سر نوبت جبهه رفتن باهم مدام بحث داشتند، شدند دوتا از پایه رکاب‌ترین نیروهای فرمانده.

■ روایت گری در متن بسیار پررنگ است، آیا این موضوع عمدی است؟

در نمایشنامه «سرباز سردار» در سه بخش مجزا به منش حاج‌قاسم و نیروهایش می‌پردازد و هدف اصلی‌اش بررسی بعضی ابعاد شخصیتی شهید سلیمانی است. سه تا بازیگر دارد که هر کدام یک قصه از سردار دل‌ها را روایت می‌کنند. اینجا تماشاگر در اجرای نمایش مشارکت مستقیم دارد. بازیگرها سؤالاتی می‌پرسند و تماشاگرها قرار است جواب آنها را در آستین‌شان داشته باشند تا با مشارکت هم قصه را جلو ببرند.

قصه اول در مورد شهید حسین یوسف‌اللهی است. همان نوجوان عارفی که حالا و برای همیشه در گلزار شهدای کرمان همسایه سردار قاسم سلیمانی است. قصه دوم برشی مختصر از جنگ پیشمرگ‌های کرد با داعش است. اربیل درحال سقوط است و صدای پای داعش پشت دیوارهای شهر به گوش می‌رسد. هیچ کس هم از غرب و شرق عالم قصد ندارد به داد مسعود بارزانی و اقلیم کردستان برسد. زمزمه فرار بین نیروهای کرد در حال انتشار است، تا اینکه تماس بارزانی با ایران و قول مردانه حاج قاسم ورق را برمی‌گرداند.

پرده سوم این نمایش هم در خانه عماد مغنیه در بیروت رقم می‌خورد. او به تازگی شهید شده و حاج‌قاسم به دیدار دخترش، زینب مغنیه رفته است. دختری صبور که مثل خیلی از فرزندان شهدا ایشان را عمو صدا می‌کند.

■ یکی از نمایش‌ها اشاره به موضوعی دارد که از جمله ناگفته‌های جنگ با داعش است موضوع چه بوده؟

نمایشنامه چهارم از روزهای غم آلوده و غریبی می‌گوید که پایتخت سوریه در یک قدمی سقوط ایستاده بود. آن ایام اوضاع به شکلی پیش می‌رفت که داعش تا نزدیکی کاخ ریاست‌جمهوری جلو آمده بود و در دولت و ارتش سوریه خیانت، عدم اعتماد و ترس بیداد می‌کرد. در چنین شرایطی بود که جبهه مقاومت به‌دنبال تکیه گاهی محکم در آخرین سنگرهای باقی مانده دمشق می‌گشت؛ چه تکیه‌گاهی محکم‌تر از شانه‌های استوار حاج‌قاسم؟ او شخصاً با جمع معدودی از یارانش به دمشق رفت، وارد کاخ ریاست‌جمهوری شد و سکان کشتی را در یکی از طوفانی‌ترین برهه‌های تاریخ به دست گرفت. حالا دیگر خودتان باید بخوانید و ببینید که آن روز وقتی مهم‌ترین اعضای کابینه بشار اسد از طریق غذا مسموم شدند و پزشک‌ها هم دست‌شان به جایی بند نبود، بروبچه‌های حاج قاسم چطور ناممکن‌ها را برای پیروزی ممکن کردند.

■ ...و اما ماجرای غواصان لشکر در این اثر به چه نحوی منعکس شده است؟

نمایشنامه پنجم قرار است دست ما را بگیرد و برود سراغ بچه‌های گردان ۴۱۰ لشکر ۴۱، گردان غواص‌ها. رزمنده‌هایی که با تمرین‌های کمرشکن آماده مهیب‌ترین روزهای نبرد می‌شدند. صبح‌ها به آب می‌زدند و غروب برمی‌گشتند. اکثر بچه‌های این گردان خط‌شکن کرمانی بودند و فرمانده‌شان، علی عابدینی، یکی از نیروهای خیلی خاص و نخبه لشکر بود. اما عابدینی در حین عملیات والفجر ۳ به‌شدت از ناحیه شکم مجروح و روانه بیمارستان می‌شود. بعد از او حاج‌قاسم با انتخابی هوشمندانه و دقیق، احمد امینی رفیق شفیق عابدینی را به‌عنوان فرمانده گردان غواص برمی‌گزیند. کسی که بین دوندگی‌هایش هرچند روز یک‌بار، دقایقی از فرط بی‌خوابی بیهوش می‌شود و وقتی به‌هوش می‌آید دوباره بی‌وقفه کارهایش را از سر می‌گیرد!

اینجا هم مثل دو نمایشنامه اولی، محور قصه سربازان حاج‌قاسم‌اند. نویسنده با دست گذاشتن روی گوشه‌هایی از زندگی نیروهای خالص و مخلص او، رسم و مرام قهرمان‌ها را به مخاطبش یادآوری می‌کند. مرامی که اگر نباشد، آدمی حتی از هزار فرسنگی رؤیای «قاسم سلیمانی شدن» هم نمی‌تواند رد بشود. برای نزدیک شدن به ساحت او و پا جای پایش گذاشتن، باید راه و رسمش را شناخت و برای شناختن راه و رسم خودش، باید دور و بر تک‌تک نیروهای عزیزش هم گشت و از احوال شان پروانگی یاد گرفت.

■ آقای نویسنده

نگاه

کتاب «من قاسم سلیمانی‌ام» مجموعه‌ای جمع‌وجور شامل پنج نمایشنامه کوتاه است: «مهندس مین»، «مفقود دوم»، «سرباز سردار»، «کاخ ریاست جمهوری» و «من قاسم سلیمانی‌ام» که بولد شده و به‌عنوان اسم کتاب روی جلد نشسته است. مؤلف دهه شصتی کتاب، مرتضی شاه‌کرم نویسنده، کارگردان، طراح صحنه و بازیگر تئاتر، تلویزیون و سینماست. او اصالتاً خرمشهری است و در دانشگاه در رشته کارگردانی تحصیل کرده است. کارنامه شاه‌کرم در حوزه تألیف کتاب هم مانند حوزه تئاتر و فیلم و سریال پربار است. کتاب‌هایی مثل «گندم»، «برونسی»، «سانتی‌متر»، «آقای قاضی صدایم را نمی‌شنوی» و... از جمله آثار مکتوب او و سینمایی «شب واقعه» و «اینجا خانه من است» و سریال «نجلا» از تجربه‌های بازیگری اوست.

ایران

ویژه نامه دومین سالگرد
شهادت سردار شهید قاسم سلیمانی - دیماه ۱۴۰۰

آئینه‌ای در مقابل حقیقت

صفحه ۲۰

کاریزمای سلیمانی و الگوی پردازش نرم در مستند «ژنرال سلیمانی» پخش شده از شبکه آرته فرانسه

نگاه نرم به سردار کاریزماتیک

صفحه ۲۰

گفت‌وگو با سعید علامیان نویسنده کتاب «حاج قاسمی که من می‌شناسم»

ناگفته‌هایی از سبک زندگی و سیره شهید سلیمانی

صفحه ۱۸

ضرورت تولید آثار نمایشی با موضوعیت شخصیت و اندیشه‌های حاج قاسم سلیمانی

کار بزرگ مسئولیت بزرگ

صفحه ۱۸

دل‌ها با سردار

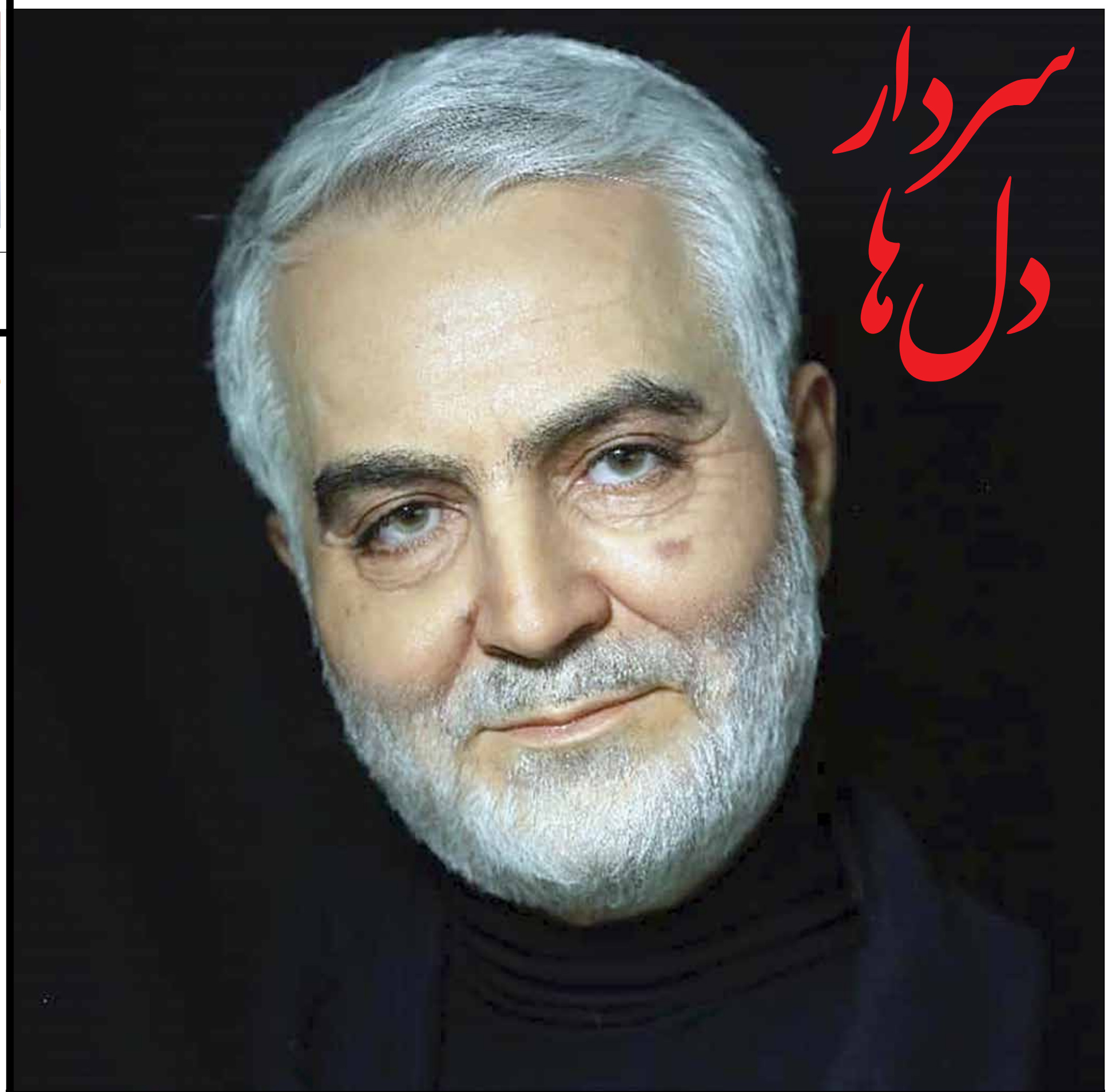

نمایی از تندیس ساخته شده شهید حاج قاسم سلیمانی توسط حمید کنگرانی فراهانی

نت‌هایی برای حاج قاسم

گروه فرهنگی: سفارش هر اثر هنری خصوصاً موسیقی چیزی است که در دنیا رواج دارد، از زمان بتهوون و موتزارت گرفته تا امروز که در قرن بیست‌ودوم هستیم. از همان زمان‌ها بسیاری از آثار کلاسیک دنیا توسط نامدارترین آهنگسازان به سفارش حکومت‌ها و نهادهای دولتی ساخته شده‌اند. برخی می‌گویند معروف‌ترین آثار بتهوون که امروزه جزو شاهکارهای موسیقی او محسوب می‌شود، سفارشی بوده یا آثار موتزارت و شوستاکوویچ و دیگرانی که شاید کسی امروزه نداند که پشت این نت‌هایی که روح انسان را جادو می‌کنند چه سرگذشتی برای ساختش نهفته است.

روند سفارشی بودن آثار موسیقایی در ایران نیز قدمتی دیرینه دارد. با نگاهی به موسیقی‌های اجرایی دربار پادشاهان یا جنگ‌های قومی و ملیتی در دوره‌های مختلف تاریخی یا ساخت آثاری با نام شهرهای ایران همچون شیراز و یا مناسبت‌هایی چون نوروز، شب چله و...؛ براحتی می‌توان به این نکته پی برد اما شاید مقوله آثار سفارشی در زمینه موسیقی طی دهه‌های اخیر کمی پررنگ‌تر شده و نگاه همگان را به خود جلب کرده باشد به‌طوری که شاهد خلق آثار بسیاری در ژانرهای مختلف به مناسبت‌های گوناگون تاریخی، مذهبی، سیاسی، ورزشی و... هستیم.

یکی از سوژه‌های ساخت موسیقی‌های سفارشی طی دو سال اخیر به‌نام و شخصیت سردار حاج قاسم سلیمانی بوده به‌طوری که طی این مدت آثار بی‌شماری در رثای این بزرگمرد ساخته و اجرا شده است. ناگفته نماند که در کنار سفارش ساخت برخی از این آثار توسط نهادهای مختلف، بودند هنرمندانی که به‌صورت خودجوش و دلی دست به ساخت و اجرای قطعاتی برای سردار سلیمانی زدند که برآمده از تعلق خاطر آنها به این شخصیت بزرگ کشورمان بود.

غلامرضا صنعتگر خواننده و آهنگساز موسیقی پاپ یکی از هنرمندان پیشرو در تولید اثر برای حاج قاسم است چرا که یک روز پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی قطعه‌ای با نام «قاسم هنوز زنده است» را به آهنگسازی محمدرضا چراغعلی و با شعری از میلاد عرفان‌پور به پیشنهاد مرکز موسیقی حوزه هنری خواند و منتشر کرد که البته حوزه هنری استان سیستان و بلوچستان هم برای تولید این اثر مشارکت داشت. این خواننده پاپ همچنین در سالگرد شهادت سردار سلیمانی قطعه دیگری با نام «لالایی» منتشر کرد که به گفته او پیشنهاد این کار از طرف پیروز ارجمند آهنگساز و مدیر سابق دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به او داده شده بود و در نهایت به آهنگسازی خود پیروز ارجمند این قطعه ساخته و توسط صنعتگر خوانده شد.

بعد از غلامرضا صنعتگر، محسن توسلی خواننده موسیقی پاپ بود که از همان ساعات اولیه خبر شهادت حاج قاسم؛ تصمیم به ساخت قطعاتی گرفت که بیانگر ویژگی‌های شخصیتی ایشان باشد و توانست ظرف ۴۸ ساعت با کار بی‌وقفه دو اثر موسیقایی تولید کند که یکی از آنها به سفارش دفتر موسیقی صداوسیما بود که با شعر حامد عسگری و تنظیم امید رهبران ساخته و از رادیو و تلویزیون پخش شد و دیگری با شعری از قاسم صرافان و تنظیم امید رهبران شکل گرفت که با صدای خودش اجرا شدند. او همچنین قطعه دیگری با عنوان «تقاص» را نیز به مناسبت چهلمین روز شهادت سردار سلیمانی خواند.

بعد از شهادت سردار سلیمانی، در سی‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر برخی گروه‌های موسیقی قطعاتی را به یاد ایشان اجرا کردند اما همان دوره بهزاد عبدی آهنگساز موسیقی ایران قطعه‌ای با عنوان «در محاصره» ساخت که توسط ارکستر ملی به رهبری سهراب کاشف در تالار وحدت اجرا شد.

در دوره سی‌وششم جشنواره موسیقی فجر نیز مهران غضنفری، خواننده موسیقی لرستانی در بخش ابتدایی کنسرتش قطعه «مرگ سهراب» را در همان اولین سال شهادت سردار ساخته بود که با گروه نوای سمیره به خوانندگی خودش به همراه قطعه دیگری با عنوان «بهشت» اجرا کرد که البته این قطعه را برای شهدای دوران دفاع مقدس ساخته بود اما در کنسرتش او را به سردار سلیمانی تقدیم کرد.

پوئم سمفونی «سرباز» نیز یکی دیگر از آثار موسیقایی با موضوع و محوریت سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی است که توسط معاونت موسیقی سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تهران و همکاری مرکز موسیقی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و ارکستر سمفونیک سازمان صداوسیما ساخته و در اختیار مخاطبان قرار گرفته است.

پوئم سمفونی «سرباز» با آهنگسازی آرمان مهربان و شعر علی‌محمد مؤدب در پنج موومان با عناوین «سرباز»، «الله اکبر»، «میهن»، «پیکار»، «پدر» و «فتح» ساخته شد که امیرحسین سمیعی، خوانندگی این اثر را برعهده داشته که این اثر در نخستین سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی به طور رسمی منتشر شده است.

دفتر موسیقی و سرود سازمان صداوسیما از جمله مراکزی است که طی این دوسال قطعات بسیاری را به خوانندگان و آهنگسازان در ژانرهای مختلف سفارش داده که از آن جمله می‌توان به قطعه «مرد میدان» اشاره کرد که به سفارش همین سازمان به آهنگسازی محمدرضا چراغعلی و خوانندگی علیرضا افتخاری تولید شده است. این خواننده پیشکسوت موسیقی ایرانی نیز امسال اثر دیگری به سفارش مرکز موسیقی حوزه هنری برای سردار سلیمانی اجرا کرده است.

یکی دیگر از خوانندگان موسیقی ایرانی که برای سردار سلیمانی خوانده، محمد معتمدی است. او قطعه «عشق زیبا» را خوانده که در قالب نماهنگ از شبکه‌های مختلف سیما پخش شده است.

در زمینه موسیقی ایرانی سالار عقیلی خواننده بنام نیز قطعه «فراق» را با آهنگسازی مجید انتظامی برای این شهید خوانده است با این تفاوت که همگی آثاری که در وصف سردار سلیمانی ساخته و اجرا شده همزمان با سالروز درگذشت ایشان بوده اما قطعه «فراق» با صدای سالار عقیلی به مناسبت شصت و سومین سالروز تولد سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی در قالب یک موزیک ویدیو شکل گرفته است.

ساخت قطعات موسیقایی برای شخصیت حاج قاسم همچنان ادامه دارد به طوری که سازمان صداوسیما هر ساله بیش از ۷۰ اثر را در سراسر کشور به هنرمندان ژانرهای مختلف سفارش می‌دهد که از شبکه‌های سراسری و استانی پخش می‌شوند. در کنار این اتفاق بنیاد مکتب حاج قاسم سلیمانی نیز امسال به منظور بزرگداشتی برای سالروز درگذشت ایشان برنامه موسیقایی را با عنوان «مقام حماسه» در تالار وحدت برگزار کرد که طی یک شب گزیده آثاری با موضوع سردار سلیمانی اجرا و از برخی هنرمندان عرصه موسیقی تقدیر شد. این برنامه به نوعی قدردانی از هنرمندان موسیقی بود که طی این دوسال در تهیه و تولید آثار موسیقی پیشقدم بودند.

گفتار

آنگاه که علمدار ایستاد

حمید کنگرانی فراهانی
مجسمه‌ساز

برای اینکه یک تندیس و مجسمه بالاترین شباهت به شخص را داشته باشد، بخش زیادی به میزان مهارت و تجربه مجسمه‌ساز و کسی که می‌خواهد این اثر را اجرا کند، باز می‌گردد. شبیه‌سازی در مجسمه‌سازی با نقاشی بسیار متفاوت است. چون ما یک سطح دوبعدی نداریم که بخواهیم از یک زاویه به آن نگاه کنیم. در یک فضای چند بعدی کار می‌کنیم که باید از تمام زوایا به آن شخص نگاه کنیم. به خاطر همین است که باید مختصات چهره فرد را در یک فضای چند بعدی به طور درست تجسم کنیم تا بتوانیم درست اجرا کنیم.

من افتخار این را داشتم که بنیانگذار سبک هایپررئالیسم در ایران و از اولین پیشروان این سبک در ایران باشم. بیش از بیست سال است که در این سبک کار می‌کنم و بیش از ۳۵۰ اثر در موزه‌های داخل ایران و خارج از کشور مثل بلاروس، عراق، ترکیه، آلمان، کانادا و... دارم و خیلی از مجموعه داران هم آثار من را دارند. از موزه‌های بزرگ لندن، رم و سیدنی دعوت به کار شدم. این رزومه را گفتم تا اگر تفاوتی در اثرم می‌بینید به خاطر این است که به همان میزان وقت و انرژی که گذاشته‌ام به همان میزان هم تجربه پشت کارم هست. در حقیقت تمام زندگی‌ام را صرف کار کرده‌ام. ماحصل همه اینها اثری است که با بقیه کارها متفاوت می‌شود.

من اخبار جنگ سوریه و داعش و برنامه‌ریزی شکل‌گیری گروه داعش را همیشه پیگیری می‌کردم که در واقع برای تجزیه سوریه، عراق و ایران برنامه‌ریزی کرده بودند. قرار بود مدیریت منابع منطقه خاورمیانه دست امریکا و انگلیس بیفتد. داعش خیلی هم سریع رشد کرد و پیش رفت. بسیاری از کشورها برای از بین بردن داعش میدان را خالی کردند. اوایل کار ایران به صورت مستشار به عراق و سوریه مشورت می‌داد. وقتی ایران عملاً وارد بحث نظامی شد، در حقیقت حاج قاسم سلیمانی بود که این کار را انجام داد و حضور ایشان همه را به سمت آنجا کشاند و کشورهای دیگر را هم برای مبارزه دلگرم کرد و باعث شد همه را به میدان جنگ بیاورد. اینطور تصور کنید که همه از میدانی فرار می‌کنند اما یکدفعه علمداری می‌ایستد و بقیه به عشق او وارد میدان می‌شوند. حاج قاسم عینیت یک اسطوره بود. من هم با اینکه آن زمان برای کاری ایران نبودم اما پیگیر این مسأله بودم. وقتی به ایران برگشتم نامه‌ای به سردار خضرایی نوشتم که آن زمان رئیس موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بودند. از ایشان خواهش کردم که این نامه را به دست حاج قاسم برسانند و از ایشان خواهش کنند تا اجازه دهند که من یک تندیس از ایشان بسازم.

نامه به دست ایشان هم رسید اما ایشان اجازه ندادند. طبیعتاً کسی که از خویش گذشته است و به دنبال خویشتن خود نیست قطعاً به دنبال مجسمه هم نبودند. تا اینکه متأسفانه خبر شهادت ایشان رسید و همان روز جمعه‌ای که این خبر را شنیدم بلافاصله با دکتر جعفری تماس گرفتم و پیشنهاد دادم که این کار را انجام دهم. ایشان هم موافقت کردند و من تندیسی ساختم از حاج قاسم که ایستاده است و با لباس نظامی است و دوربین شکاری در دست دارد. این تندیس در موزه دفاع مقدس است و کار دوم هم به سفارش خانواده سردار سلیمانی به صورت نشسته ساختم که در موزه مشاهیر برج میلاد است. عکسی از حاج قاسم داشتند که در آخرین مصاحبه ایشان که خیلی هم رسانه‌ای شد به حالت نشسته، اورکت مشکی و پیراهن و شلوار مشکی به تن داشتند و با لبخندی مهربان نشسته بودند. خانواده سردار نمی‌خواستند در قامت نظامی مجسمه ساخته شود. حاج قاسم علاوه براینکه فرمانده نظامی بود شخصیت فرهنگی هم بود. چون با خانواده ایشان هم ارتباط پیدا کردم و با خیلی از ابعاد شخصیتی ایشان هم آشنایی پیدا کردم. ایشان اگر می‌دیدند نخبه‌ای از کشور می‌خواهد برود قطعاً مانعش می‌شدند و برایشان کار فراهم می‌کردند و کارهای فرهنگی بسیاری کردند.

معرفی کتاب

ناگفته‌هایی از زندگی سردار

«از چیزی نمی‌ترسیدم» زندگینامه خودنوشت حاج قاسم سلیمانی است، مطالعه این کتاب راه خوبی است برای شناخت هرچه بیشتر این سردار شهید. همان‌طور که در مقدمه کتاب هم آمده، این نوشته حاصل گردآوری دستنوشته‌های سردار سلیمانی است. نوشته‌هایی که از نظر تاریخی زمان قابل توجهی را شامل می‌شود؛ از ماجراهایی درباره سال‌های مختلف زندگی وی، از وقتی به همراه خانواده ساکن روستای قنات ملک کرمان بوده تا بحبوحه وقوع انقلاب اسلامی در سال ۵۷ که در زمره مبارزان علیه رژیم شاهنشاهی بوده است. نکته قابل توجه اینکه کتاب مذکور با یادداشتی از رهبر معظم انقلاب هم همراه شده، نوشته‌ای که خیال علاقه‌مندان را آسوده می‌سازد که با کتابی خواندنی و خوب درباره سردار سلیمانی روبه‌رو هستند. عنوان کتاب برگرفته از شخصیت خود سردار سلیمانی است، شهرت وی به‌عنوان مردی که از هیچ چیزی نمی‌ترسیده و این گفته‌ای است که مصداق‌های آن را می‌توان به نقل از همه آنهایی شنید که او را می‌شناسند.

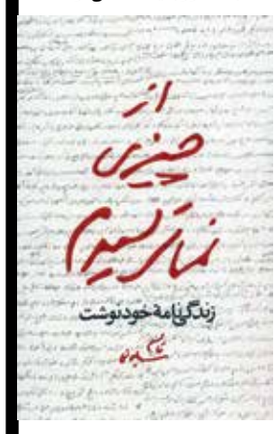

در معرفی‌هایی که درباره این کتاب آمده، نقل قول زینب سلیمانی، دخترش هم خواندنی است:«از چیزی نمی‌ترسیدم زندگینامه‌ای است که حاج قاسم با دست مجروحش نوشته است. شرح زندگی مردی از دل روستای دورافتاده در کرمان که چند دوره از زندگی ساده و گیرای خودش را برایتان روایت کرده است. این داستان شکل‌گیری زندگی شخصیت مردی است که از چوپانی به جایگاهی به بلندای وسعت آسمان‌ها رسید.» اگر تصمیم به مطالعه این کتاب گرفته‌اید خوب است بدانید که با قلمی شیوا و همراه با لحنی خودمانی و به دور از هر تکلفی نوشته شده، آنچنان که جایی حتی راجع به چوپانی کردن خودش نوشته. این کتاب دربردارنده نکات جالب دیگری هم هست، مطالبی که مطالعه آنها حتی به شناخت سبک زندگی این شهید می‌انجامد، از جمله اینکه برخلاف چیزی که شاید به ذهن برخی خطور کرده باشد اصلاً سطح مالی آنچنانی نداشته و زندگی مرفهی در کار نبوده است؛ آنچنان که گاهی برای رفع بعضی نیازهای مالی خود و خانواده‌اش با مشکلاتی دست‌وپنجه نرم می‌کرده‌اند.

- **کتاب: از چیزی نمی‌ترسیدم**
- **نویسنده: قاسم سلیمانی**
- **انتشارات مکتب حاج قاسم**

نسخه صوتی خاطراتی شنیدنی

در کنار آثار متعددی که درباره سردار سلیمانی روانه کتابفروشی‌ها شده‌اند، قالب‌های مختلف نشر کتاب دیده می‌شود؛ از نسخه چاپی گرفته تا نسخه صوتی. «حاج قاسم» جستاری در خاطرات حاج قاسم سلیمانی است که به قلم علی اکبری مزدآبادی نوشته شده و از سوی انتشارات یازهرا در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. گویندگی نسخه صوتی کتاب را هم «علی همت مومیوند» به عهده داشته است. این کتاب هم مانند زندگینامه خودنوشت سردار، فرصتی برای مطالعه خاطرات وی فراهم کرده است. در این کتاب مقاله‌ای خارجی هم درباره شهید سلیمانی آمده که پیش‌تر در یکی از پژوهشکده‌های سیاسی امریکا منتشر شده و ترجمه آن پیش روی علاقه‌مندان قرار گرفته است. این کتاب به همت انتشارات کتاب گویای ایران صدا به نسخه صوتی تبدیل شده، دربردارنده خاطرات و نکته‌هایی از زبان حاج قاسم درباره جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان است که سند آنها در اختیار گردآورنده کتاب بوده است. آن‌طور که در مقدمه هم آمده، خواننده در ابتدای کتاب با یک زندگینامه خودنوشت از سردار شهید سلیمانی روبه‌رو می‌شود که در آن بخشی از فعالیت وی در سال‌های ابتدایی دفاع مقدس آمده است. در بخش‌های دیگری از کتاب، گزیده‌هایی از سخنرانی‌ها و خاطرات مرتبط با چند عملیات مهم از جمله والفجر ۸، کربلای ۴ و کربلای ۵ آمده، در خلال مطالعه این سخنرانی تا اندازه‌ای می‌توان به شخصیت شهید سلیمانی پی برد. نسخه چاپی این کتاب هم پیش‌تر منتشر شده که دربردارنده تصاویر متعددی است. «عملیات کربلای ۵»، «از خدا پایان عمرم را خواستم»، «هیچ‌کس نمانده بود»، «به من ظلم کردی»، «زمان جنگ حاجی نبود» و «کربلاها را ادامه خواهیم داد» عنوان برخی بخش‌های این کتاب هستند. در بخشی از کتاب آمده:«در روزهای اول ورود به جبهه، دشمن را قادر به انجام هر کاری می‌دانستم، اما در اولین حمله‌ای که انجام دادیم، موفق شدیم نیروهای دشمن را از کنار جاده سوسنگرد تا حمیدیه به عقب برانیم و تلفاتی نیز بر آنها وارد کنیم. این امر باعث شد تصور غلطی که از دشمن در ذهن داشتم، از بین برود...»

- **کتاب: حاج قاسم**
- **گوینده: علی همت مومیوند**
- **انتشارات کتاب گویای ایران صدا**

روایتی از یک زندگی جهادی

«این مرد پایان ندارد» درباره زندگی جهادی شهید قاسم سلیمانی است که به قلم «سیدعلی بنی لوحی» و از سوی نشر راه بهشت روانه کتابفروشی‌ها شده. این کتاب نیز همراه با تصاویر متعدد رنگی است، تصاویری که برخی از آنها برای نخستین مرتبه پیش روی مخاطب قرار می‌گیرد. این کتاب هم دربردارنده خاطرات متعددی است اما نکته‌ای که «این مرد پایان ندارد» را از دیگر کتاب‌های مشابه جدا می‌کند این است که تعدادی از این خاطرات برای نخستین مرتبه در این کتاب منتشر شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته‌اند. سید علی بنی لوحی در روند تألیف نوشته‌اش کوشیده چینش مطالب را به گونه‌ای تنظیم کند که مخاطب تا اندازه‌ای با مکتب شهید سردار سلیمانی آشنا شود. در بخشی از کتاب به نقل از سردار اصغر صبوری می‌خوانید:«در آزادسازی تکریت به‌خاطر اینکه سقوط آن موصل را به‌خطر می‌انداخت امریکایی‌ها ماشین حاج قاسم را مورد حمله قرار دادند برای همین هم بود که در بیشتر صحنه‌ها ایشان تلاش می‌کرد از ماشین و تجمع بچه‌ها دور شود و تنهایی جابه‌جا شود تا خطر از دیگران هم دفع شود.امریکایی‌ها با زدن ماشین فرماندهی عملیات می‌خواستند به ما بفهمانند که نباید جلوتر بروید ولی حاج قاسم گوشش بدهکار نبود و کار خودش را می‌کرد تا تکریت را تصرف کردیم. در سوریه و در نزدیکی تنف که مقر امریکایی‌ها بود و هنوز هم آنجا هستند زمانی که ما به سمت این جبهه حرکت کردیم تا عملیات را شروع کنیم هواپیماهای امریکایی به ما حمله کردند که چند تانک و نفربر و یک بولدوزر منهدم شد و شهید هم دادیم ولی حاج قاسم با تغییر موضع سریع سالم ماند. امریکایی‌ها برای آنکه در آن منطقه داعش از موقعیت ما مطلع شود فیلم آن را برای داعش ارسال کردند، ما ظهر نماز خواندیم و حاج قاسم امام جماعت شد. چند ساعت بعد داعش یک ماشین انتحاری فرستاد برای به شهادت رساندن حاجی ولی ما تغییر مکان داده بودیم و عده‌ای از رزمندگان شهید شدند. امریکایی‌ها سال‌ها تلاش می‌کردند حاج قاسم را شهید کنند چون تمام برنامه‌های آنها را با شکست رو به رو کرده بود.» درباره نویسنده کتاب هم خوب است که بدانید، «سید علی بنی لوحی» خود را خادم یاران حضرت روح‌الله در لشکر امام حسین(ع) معرفی کرده است.بنی لوحی بعد از دفاع مقدس مدتی رئیس ستاد نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده و اکنون به فعالیت‌های فرهنگی مشغول است که در نتیجه این فعالیت ها بیش از ۲۰ جلد کتاب در حیطه دفاع مقدس و انقلاب روانه کتابفروشی‌ها شده است.

- **کتاب: این مرد پایان ندارد**
- **نویسنده: سیدعلی بنی لوحی**
- **انتشارات راه بهشت**

ضرورت تولید آثار نمایشی با موضوعیت شخصیت و اندیشه‌های حاج قاسم سلیمانی

کار بزرگ، مسئولیت بزرگ

علی راستاد
خبرنگار

کوروش زارعی مدیر مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری، تولید آثار هنری برای شخصیتی مثل حاج قاسم سلیمانی را افتخاری برای هنرمندان می‌داند و معتقد است در سراسر دنیا، هنرمندان و اهالی فرهنگ، برای سربازانی که برای دفاع از کشورشان جان خود را از دست‌داده‌اند، مرثیه‌ها می‌نویسند و فیلم‌ها و نمایش‌های فاخر تولید می‌کنند و به آن افتخار می‌کنند.

زارعی می‌گوید: «یکی از بدیهیات که مدام درباره آن سخن گفته شده و خواهد شد، این است که هنر نمایش و تئاتر، هنری است زنده و در تخاطب مستقیم با تماشاگر و این وجه زنده و پویا بودن، آن را از دیگر هنرهای دیداری و شنیداری متمایز می‌کند و باعث می‌شود مخاطب اثرنمایشی با آن به لحاظ حسی و عاطفی ارتباط برقرار کند و علاوه بر این با اندیشه اثر نیز همراه شود و در آن تأمل کند. به‌همین دلیل است که چنین بستری می‌تواند راوی رشادت‌ها و ایثارگری‌ها و البته اندیشه و منش شخصیت‌های بزرگی مانند حاج قاسم سلیمانی باشد و وجوه مختلف شخصیتی این شهید بزرگوار را در ایران و منطقه منتقل کند و به نمایش بگذارد. پس نمایش یکی از هنرهایی است که می‌تواند رسالت خود را در قبال حاج قاسم بخوبی ایفا کند»

مدیرمرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری معتقد است آنقدر که در ادبیات این تصویر به کلمه درآمده در هنرهایی مانند تئاتر هنوز محقق نشده است. او می‌گوید: «همین تئاتر در بخش‌های مختلف و قالب‌های مختلف است. البته درباره رشادت‌ها و حماسه‌های حاج قاسم در جنگ هشت ساله با عراق و این سالیان اخیر در جدال و نبرد با داعش در عراق و سوریه کارهای زیادی در حوزه ادبیات داستانی انجام شده اما درباره زندگی شخصی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و باورهای این شهید بزرگوار کار کمتری بخصوص در حوزه‌های نمایشی

گفت‌وگو با سعید علامیان نویسنده کتاب «حاج قاسمی که من می‌شناسم»

ناگفته‌هایی از سبک زندگی و سیره شهید سلیمانی

علی‌الله سلیمی
نویسنده و منتقد ادبی

کتاب«حاج قاسمی که من می‌شناسم» روایت چهل سال رفاقت حجت‌الاسلام علی شیرازی با سردار دل‌ها، شهید حاج قاسم سلیمانی است که به کوشش سعید علامیان، نویسنده و روزنامه‌نگار معاصر ثبت و ضبط و نگارش یافته است. سعید علامیان علاوه بر سابقه طولانی در کار روزنامه‌نگاری، کارنامه قابل توجهی هم در نگارش زندگینامه شخصیت‌های مهم تاریخی دارد. علامیان متولد سال ۱۳۳۴ در تهران است و در فروردین سال ۱۳۶۰ حرفه روزنامه‌نگاری را در روزنامه جمهوری اسلامی شروع کرد که تا سال ۱۳۶۸ ادامه یافت. او در این مدت صفحه جبهه و جنگ را در آن روزنامه تأسیس کرد و به عنوان خبرنگار در جبهه‌ها حضور یافت. علامیان در مهرماه سال ۱۳۶۷ در میان هنرمندان برگزیده هشت سال دفاع مقدس، لوح زرین پیام امام خمینی (ره)، دیپلم افتخار و نشان طلای یادبود مجتمع هنر و ادبیات دفاع مقدس را در رشته خبرنگاری دریافت کرد. او پس از جنگ، کار در مطبوعات را دنبال کرد، که از آن جمله هشت سال سردبیری هفته‌نامه ری از ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸ و همچنین سردبیری فصلنامه فرهنگ پایداری از ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ را می‌توان نام برد که حاصل آن هشت جلد فصلنامه یادشده بود. او علاوه بر این، دبیر سرویسی بخش اجتماعی روزنامه ایران و روزنامه سیاست روز و نیز فعالیت در نشریات مختلف دیگر را در کارنامه ۳۰ ساله روزنامه نگاری خود دارد، که تا امروز با انتشار گزارش و یادداشت در مطبوعات تداوم داشته است. در بخش نویسندگی کتاب، علامیان آثار قابل توجهی در کارنامه ادبی خود دارد که از میان آنها می‌توان به کتاب سه جلدی «برای تاریخ می گویم» (خاطرات محسن رفیق دوست)، «ملاقات در فکه» (زندگینامه شهید حسن باقری (غلامحسین افشردی)، «مسافران وطن» (خاطرات آزادگان شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران)، «دارساوین» (یادداشت روزانه فتح‌الله جعفری ۱۳۵۹-۱۳۵۲ به همراه توضیحات تکمیلی و شرح وقایع)، «روایت زندگی حسن باقری»، «لشکر آچار به دست» و «پسرهای ننه عبدالله» (خاطرات محمد نورانی از مدافعان خرمشهر در آغاز جنگ تحمیلی) اشاره کرد. با سعید علامیان درباره کتاب تازه او، «حاج قاسمی که من می‌شناسم» گفت‌وگو کرده‌ایم.

■ **ایده اولیه کتاب «حاج قاسمی که من می‌شناسم» چگونه شکل گرفت، چطور شد نویسندگی این اثر را به عهده گرفتید؟**

حاج قاسم شخصیتی است که خیلی از نویسنده‌ها دوست دارند درباره او بنویسند و دنبال دستاویزی می‌گردند. من هم درصدد بهانه‌ای بودم تا اینکه بهمن سال ۹۸ یادداشتی از حجت‌الاسلام والمسلمین علی شیرازی با عنوان «حاج قاسمی که من می‌شناسم» در خبرگزاری تسنیم منتشر شد. این زمانی بود که به تازگی کتاب خاطرات و روایت زندگی آقای شیرازی را تمام کرده بودم. به بهانه انتشار یادداشت نزد ایشان رفتم و گفتم: «چرا حاج قاسمی که من می‌شناسم در حد یک یادداشت باشد؟ این یادداشت می‌تواند با خاطرات رفاقت چهل ساله شما با حاج قاسم تبدیل به کتاب شود و اصلاً عنوان حاج قاسمی که من می‌شناسم به درد کتاب می‌خورد نه یادداشت!» حرفم گرفت، گفت: «باشد، فقط خودت باید آن را انجام بدهی.» از خدا خواسته همانجا قراری برای روز بعد گذاشتم، مصاحبه‌ها شروع شد و بالاخره رسید به کتاب حاج قاسمی که من می‌شناسم.

■ **چند ساعت گفت‌وگو کردید؟**

حدود بیست ساعت که تا مرداد ۹۹ ادامه پیدا کرد.

■ **اشاره به کتاب زندگینامه حجت‌الاسلام والمسلمین شیرازی کردید، در این مورد توضیحی می‌دهید؟**

بله، کتاب سرگذشت آقای شیرازی از تولد تا امروز است، اسمش «نبرد ناتمام» است. این کتاب قبل از شهادت سردار سلیمانی تمام شده بود.

■ **با توجه به اینکه حجت‌الاسلام علی شیرازی خود اهل قلم است و آثار بسیاری را نوشته و منتشر کرده‌اند، برای شما سخت نبود که خاطرات یک نویسنده را بنویسید؟**

نویسنده‌ها به ندرت دست به کار نوشتن اتوبیوگرافی شده‌اند. اتوبیوگرافی زندگینامه خودنوشت است که در آن نویسنده سرگذشت و تجربه‌های تلخ و شیرین خود را بدون واسطه می‌گوید. مخاطبان این‌گونه نوشته‌ها انتظار دارند با خواندن سرگذشت خودنوشت پی به رازهای زندگی نویسنده ببرند، اما چه بسیار ناگفته‌هایی که در خودنوشت‌ها گفته نمی‌شود. خیلی از صاحبنظران خاطره‌نگاری خاطرات خودنوشت را برتر از خاطرات شفاهی می‌دانند. به نظر من دلیل محکمی بر درستی این ادعا وجود ندارد یا حداقل در همه خودنوشت‌ها صدق نمی‌کند. چه بسا خودسانسوری‌های بی‌مورد یا ماجراهایی که نویسنده آنها را بی‌اهمیت می‌دانسته و دیگر ناگفته‌هایی که می‌توانست بازگو شود ولی مکتوم مانده است. همه اینهایی که گفتم در خاطرات شفاهی می‌تواند گفته شود تا خواننده از دانستن آنها محروم نشود. این خاطره‌نگار شفاهی است که در مسیر گفت‌وگو و طرح سؤال از راوی می‌تواند بسیاری از ناگفته‌ها را از حافظه راوی نجات دهد. مگر رازها و ناگفته‌هایی که راوی می‌خواهد آنها را برای خود محفوظ نگه دارد که این دیگر علاجی ندارد.

■ **اینها شامل آقای شیرازی هم می‌شود؟**

تا حدود زیادی بله، علاوه بر اینها مشکل دیگر این بود که ایشان در کنار خاطرات دیگران برای خاطرات خودشان اولویت قائل نبود و آن را ضروری نمی‌دانست. به هرحال مصاحبه‌ها صورت گرفت و کتاب با عنوان «نبرد ناتمام» آماده شد. این کتاب شاید نزدیک یک سال زودتر از کتاب حاج قاسمی که من می‌شناسم تحویل انتشارات خط مقدم شده است.

■ **به کتاب حاج قاسمی که من می‌شناسم برگردیم. در عنوان فرعی کتاب اشاره شده که این اثر چهل سال رفاقت حجت‌الاسلام علی شیرازی با شهید حاج قاسم سلیمانی را روایت می‌کند. برای بیان این رفاقت که نوعی صمیمیت هم در آن نهفته است، چه نوع لحن و زبانی را برای روایت خاطرات انتخاب کردید؟**

نه فقط در این کتاب، در نگارش همه کارهایم همیشه سعی کردم به لحن راوی وفادار باشم. این اصل مهمی در نگارش خاطرات شفاهی است. در این کتاب صمیمیت راوی و شهید سلیمانی هم در لحن هم در نوع دیالوگ‌های بین آنها دیده می‌شود.

■ **با توجه به انتشار خاطرات بسیاری از همرزمان و دوستان شهید سلیمانی در سال‌های اخیر، خاطرات کتاب «حاج قاسمی که من می‌شناسم» چقدر بکرو ناگفته محسوب می‌شود؟**

دوستان و یاران بی‌شمار شهید حاج قاسم سلیمانی هرکدام شناختی از او دارند. این شناخت بر اساس نوع شغل و سمت و همکاری با این شهید بزرگوار حاصل شده است. حجت‌الاسلام شیرازی در دوران دفاع مقدس ابتدا به عنوان روحانی گردان و بعد تبلیغات لشکر ثارالله در جنگ حضور داشته. اگرچه گاهی به مقتضیات شرایط عملیات اسلحه هم به دست گرفته یا دستی در کار تدارکات و پشتیبانی داشته است، اما عمده فعالیت ایشان در کنار حاج قاسم فعالیت

بریده‌ای از کتاب «حاج قاسمی که من می‌شناسم»

حاج قاسم در مسیر سفرها کتاب می‌خواند

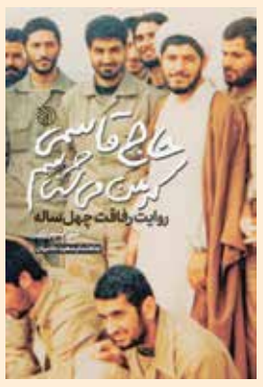

وقتی از نیروی دریایی سپاه به نیروی قدس رفتم، با سردار سلیمانی جلسه گذاشتم تا برنامه‌هایم را با او در میان بگذارم. یکی از برنامه‌ها، کتابخوانی بود. گفتم: «در نیروی دریایی، چند کتاب دفاع مقدس را مشخص می‌کردیم؛ مسابقه می‌گذاشتیم و به چهل، پنجاه نفر جایزه می‌دادیم. موافقی در نیروی قدس همین کار را ادامه بدهیم؟» گفت: «من به هر کسی که کتاب بخواند، جایزه می‌دهم!» دیدم سردار سلیمانی، بیشتر از من به فکر تشویق دیگران برای خواندن کتاب‌های دفاع مقدس است. فکر او، کتابخوان‌ها را چند برابر طرح من افزایش داد. دوران جنگ، مسئول تبلیغات لشکر ثارالله بودم. اوایل سال ۱۳۶۶ از من خواست درباره جنگ‌های صدر اسلام کار کنم. با چند نفر از بچه‌های اهل مطالعه شروع کردم. در مورد جنگ احد و بدر و خندق و جنگ‌های دیگر، مطالبی را آماده کردیم. حاج قاسم، همه آنها را می‌خواند و پس از تأیید او، به‌صورت جزوه چاپ می‌کردیم و در اختیار نیروها می‌گذاشتیم. حاج قاسم، از همان زمان، اهل مطالعه بود. سردار سلیمانی، سال ۱۳۷۵ تصمیم گرفت کنگره شهدای لشکر ثارالله را در کرمان برگزار کند. برای این کار، فقط به دستور دادن اکتفا نکرد. خودش از کرمان به حوزه هنری تهران آمد؛ جایی که بهترین کتاب‌ها را درباره دفاع مقدس منتشر می‌کرد و افراد حرفه‌ای، بالای سر کار بودند. حاج قاسم، سراغ آقای سرهنگی، مسئول دفتر ادبیات و هنر مقاومت، رفت. ساعت‌ها با مرتضی سرهنگی، محسن مؤمنی و نویسندگان صحبت کرد. او که خود یک نیروی فرهنگی بود، با همان جدیت روزهای جنگ، در خط مقدم جبهه فرهنگی قرار گرفت. نویسنده‌ها را به کرمان برد؛ آنها را تر و خشک کرد و تحویل‌شان گرفت؛ منابع و راوی معرفی کرد. زمانی هم که کتاب‌ها نوشته شد، همه آنها را سطر به سطر خواند؛ دقت کرد بزرگ‌نمایی نشده و مستند به واقعیت‌های جنگ باشد. خودش برای رفع اشکال‌ها وقت می‌گذاشت. برای نویسنده‌ها یادداشت‌های تشویق‌آمیز می‌فرستاد و برای تک تک کتاب‌ها مقدمه می‌نوشت. کتاب‌های کنگره کرمان، جزو اولین کتاب‌های فاخر دفاع مقدس بود. از زمان جنگ که سردار سلیمانی را شناختم، شبانه‌روز مطالعه می‌کرد. عاشق کتاب بود. سلیمانی فرمانده جنگ که وقت نداشت سرش را بخاراند، به اندازه یک محقق که کارش مطالعه است، کتاب می‌خواند. در بعضی سفرهای سوریه و عراق که خیلی کم می‌خوابید، همان‌جا کتاب می‌خواند. توی هواپیما که در راه سوریه یا عراق بودیم، به جای اینکه از این ساعات برای استراحت استفاده کند، یا ذهنش مشغول کارهای عملیات باشد، از توی کیفش کتاب در می‌آورد و مشغول خواندن می‌شد!

آشنایی با حجت‌الاسلام علی شیرازی، راوی کتاب «حاج قاسمی که من می‌شناسم»

راوی خاطرات خواندنی از سردار دل‌ها

در عنوان فرعی کتاب«حاج قاسمی که من می‌شناسم» اشاره شده که این اثر روایت رفاقت چهل ساله حجت‌الاسلام علی شیرازی با سردار دل‌ها، شهید حاج قاسم سلیمانی است.

در بخشی از کتاب هم آمده، در واقع سال ۱۳۶۱ در حمیدیه اهواز، شروع دوستی رقم خورد. قاسم سلیمانی فرمانده تیپ ثارالله سخنران بود و علی شیرازی روحانی گردان شهید باهنر، شنونده. همانجا عشق حاج قاسم به دلش نشست.

فروردین ماه سال ۶۵ دوستی شکل همکاری به خود گرفت و حاج قاسم، مسئولیت تبلیغات لشکر را به علی شیرازی سپرد. این همراهی پس از جنگ ادامه داشت؛ تا اینکه در سال ۱۳۹۰ به خواست سردار سلیمانی، علی شیرازی مسئول نمایندگی ولی فقیه در نیروی قدس شد و هشت سال در پرفراز و نشیب‌ترین روزهای جبهه مقاومت با حاج قاسم همراه ماند. وی در حال حاضر، جانشین سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع است. حجت‌الاسلام علی شیرازی در کنار فعالیت‌های اجرایی از جمله در حوزه فرهنگ، کارِ نوشتن را هم در طول این سال‌ها به‌طور جدی دنبال کرده که حاصل آن، چند عنوان در حوزه دفاع مقدس است. کتاب‌های «نامه‌های دلتنگی» و «نسیم سبز خاطره ها» از جمله آثار وی در بخش خاطره‌نگاری دفاع مقدس است.

بعد از شهادت حاج‌قاسم، بواسطه دهه‌ها دوستی و همراهی با سردار دل‌ها، بخش قابل توجهی از فعالیت‌های نوشتاری حجت‌الاسلام علی شیرازی به نوشتن درباره شهید سلیمانی معطوف شده و او چند عنوان کتاب درباره زندگی، سلوک رفتاری و مکتب شهید سلیمانی نوشته و منتشر شده کرده است. از جمله کتاب‌های«شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی» و «سیمای سلیمانی» (خاطراتی از زندگانی سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی) که آثاری در تبیین سلوک رفتاری و مکتب شهید سلیمانی است.

این روزها با قرار گرفتن در آستانه دومین سالگرد شهادت سپهبد قاسم سلیمانی، کتاب «حاج قاسمی که من می‌شناسم» با روایت و خاطراتی از ۴۰ سال دوستی حجت‌الاسلام علی شیرازی با سردار دل‌ها به اهتمام سعید علامیان از سوی انتشارات خط مقدم منتشر شده است.

انجام شده و با کم کردن این خلأ حتماً می‌توانیم وجهی دیگر از زندگی او را به عرصه تماشا بگذاریم و ضمن پرداختن به این وجه، اثرگذاری اندیشگی او را در جامعه ببینیم.»

این کارگردان و بازیگر تئاتر درباره وجوهی از زندگی حاج قاسم سلیمانی که کمتر در معرض تماشا و شناخت مخاطب قرار گرفته نیز می‌گوید: «به اعتقاد من مردم بیشتر فقط بخشی از زندگی او را به‌عنوان یک سردار و یک نظامی می‌شناسند و دیگر وجوه ارزشمند زندگی و شخصیت حاج قاسم همچنان ناشناخته مانده است. هر زمان در مملکت بحران و مشکلی پیش می‌آمد سردار مرد میدان بود اما او فقط مرد میدان نبرد نبود بلکه در تمامی میدان‌هایی که حضورش تأثیرگذار بود، نقش‌آفرینی می‌کرد و این بخش‌هاست که می‌تواند برای مردم بسیار جذاب باشد. البته از این مسأله هم نباید بسادگی عبور کرد که تولید اثری فاخر و درشأن این سردار بزرگ، کار بسیار دشوار و بزرگی است و جامعه تئاتر باید با تمام آنچه در توان دارد تلاش کند تا در آثاری که تولید می‌کنند حق مطلب را بخوبی در این زمینه ادا کنند چون این شهید بزرگوار صرفاً متعلق به ملت ایران نیست و چهره‌ای است که الگوی بسیاری از کشورهای اسلامی است

و بسیاری دیگر از ملت‌ها و کشورها او را از آن خود می‌دانند و همین مسأله در کنار افتخاری که می‌تواند برای یک هنرمند به‌همراه داشته باشد کار را برای او سخت و پر مسئولیت می‌کند.»

او در بخشی از صحبت‌های خود به بی‌مسئولیتی برخی از هنرمندان هم اشاره می‌کند و می‌گوید: «بگذریم از برخی هنرمندان که از این موضوع و این شخصیت بسادگی عبور می‌کنند و می‌خواهند با نادیده گرفتن اهمیت موضوع نقش اپوزیسیون به خود بگیرند، آن‌هم درباره شخصیتی که سال‌های سال تلاش خستگی‌ناپذیرش باعث آسایش و عزت مملکت و مردم ما شده است. کافی است نگاهی به کشورهای دیگر بیندازیم و ببینیم در این کشورها برای قهرمانان‌شان چه می‌کنند؛ نمونه‌های بارزش را می‌توانیم در حماسه‌سرایی‌ها و فیلم‌ها و نمایش‌هایی ببینیم که درباره کشته‌های جنگ جهانی اول و دوم تولید شده یا سربازانی که همین امروز در دفاع از وطن‌شان جان خود را از دست داده‌اند. به‌هر صورت، این وظیفه‌ای است که برگردن ماست و باید به بهترین شکل و بهترین کیفیت از پس‌اش بربیاییم و نگاه‌مان از حاج قاسم هرگز برنخواهد گشت.»

آرشیو شخصی

«علی شیرازی(راوی کتاب) و شهید قاسم سلیمانی»

فرهنگی و تبلیغی بوده است. حتی در سال ۱۳۹۰ که مسئولیت نمایندگی ولی فقیه در سپاه قدس را به عهده می‌گیرد مسائل و تعامل مربوط به خانواده شهدای مدافع حرم به خواست سردار سلیمانی به ایشان محول می‌شود، آن هم در زمانی که هنوز حضور نیروهای ایرانی و غیرایرانی در سوریه و عراق چندان فاش نشده و بزرگداشت و مراسم شهدای مدافع حرم محدودیت‌های خاص خودش را داشت. همه اینها روایت‌های ناگفته‌ای را دربر می‌گیرد که فقط آقای شیرازی می‌توانست آنها را روایت کند.

■ کتاب‌های زیادی درباره شهید سلیمانی نوشته شده و باز هم نوشته خواهد شد و یکی از آنها را هم شما نوشته‌اید. فکر می‌کنید راز محبوبیت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در جامعه به چه عواملی برمی‌گردد که این‌گونه از هر اثری درباره ایشان استقبال می‌شود؟

پاسخ به این سؤال در خاطرات آقای شیرازی نهفته است که اگر بخواهیم در یک جمله خلاصه کنیم نیت پاک، ولایتمداری، روحیه انقلابی، عشق به مردم و سبک زندگی حاج قاسم به او محبوبیت و عزت داده است. در مورد سبک زندگی حاج قاسم همین بس که وقتی مقام معظم رهبری پس از حادثه شهادت به خانه حاج قاسم تشریف بردند جمله‌ای به خانمش فرمودند. عین جمله این است: «حاج قاسم خوب زندگی کرد. شما هم با او خوب زندگی کردید؛ شما هم صبر کردید، همراهی کردید، مشکلات را تحمل کردید؛ خود شما، فرزندانتان، پسرها، دخترها، مشکلات را تحمل کردید؛ اینها همه‌اش پیش خدای متعال اجر دارد.» ببینید همین یک جمله اندازه یک کتاب حرف دارد. من فصلی از کتاب را با عنوان «زندگی خوب» به همین موضوع اختصاص دادم.

> مخاطب این کتاب عام است، همه مردمی که آن تشییع تاریخی بزرگ را رقم زدند که عنوان آن را «حماسه تشییع» گذاشتم. سلیمانی شدن فقط به زبان نیست، باید به سیره او هم عمل کنند. فکر می‌کنم این کتاب تا حدودی توانسته است ناگفته‌هایی از سبک زندگی و سیره شهید بزرگوارمان سلیمانی عزیز بیان کند

آقای شیرازی خاطرات زیادی از توجه و تعصب حاج قاسم نسبت به فرزندان شهدا بیان کرده است. همان حاج قاسمی که دنبال کار بچه‌های شهداست و به آقای شیرازی سفارش می‌کند که از بچه‌های شهدا حمایت کند حتی یک بار در مورد بچه‌های خودش چنین سفارشی نمی‌کند. فرزندان سردار سلیمانی هرکدام می‌توانستند توی کشور از جایگاه پدرشان استفاده کنند. پسر بزرگ سردار سلیمانی توی پلیس به‌علاوه ۱۰ کار می‌کند و نیاز داشت پدرش کمکش کند. پسر دیگرش شیرینی فروشی دارد. بقیه فرزندان و دامادهایش همین شرایط را دارند. آنها گاهی در وضع سخت اقتصادی بودند. با موقعیتی که سردار سلیمانی داشت اگر یک اشاره به هر وزیر می‌کرد می‌توانست امکان شغلی مناسبی برای‌شان فراهم شود. هیچ‌وقت نخواست از نام و مقامش استفاده شخصی کند، می‌خواست بچه‌هایش سالم باشند و روی پای خودشان بایستند. به قول آقای شیرازی بسیاری از مردم حتی بعد از شهادتش نمی‌دانستند حاج قاسم چند فرزند دارد. حالا زینب را به خاطر سخنرانی‌های بعد از شهادت پدرش می‌شناسند، وگرنه قبل از شهادت حاج قاسم کسی زینب را هم نمی‌شناخت. امروز در دنیای بزرگ رسانه و دامنه وسیع فضای مجازی چیزی از مردم پوشیده نمی‌ماند، مردم وضعیت فرزندان شهید سلیمانی را با دیگران مقایسه می‌کنند، خب طبیعی است که عشق چنین خدمتگزاری قلب مردم را تسخیر کند.

■ به نظرتان، مخاطب اصلی این اثر چه گروه یا طیفی هستند؟

مخاطب کتاب عام است، همه مردمی که آن تشییع تاریخی بزرگ را رقم زدند که عنوان آن را «حماسه تشییع» گذاشتم. به طور خاص مخاطب کتاب می‌تواند جوان‌هایی باشند که می‌خواهند از او الگو بردارند. سلیمانی شدن فقط به زبان نیست، باید به سیره او هم عمل کنند. فکر می‌کنم این کتاب تا حدودی توانسته است ناگفته‌هایی از سبک زندگی و سیره شهید بزرگوارمان سلیمانی عزیز بیان کند.

نگاهی بر کتاب «حاج قاسمی که من می‌شناسم»

روایت رفاقت چهل ساله

تاریخ شفاهی دفاع مقدس، یکی از بخش‌های غنی در حوزه فرهنگ پایداری است که راویان و نویسندگان بسیاری طی سال‌های اخیر برای پربار شدن آن کوشیده‌اند و آثار ماندگار بسیاری هم در این بخش تألیف و منتشر شده است.

بخشی قابل توجهی از این آثار در سال‌های بعداز پایان جنگ تحمیلی که فرصتی برای تأمل و یادآوری روزهای حماسه و خون فراهم شده بود پدید آمد و منتشر شد و در سال‌های اخیر به اوج شکوفایی رسید.

در ادامه خاطره نگاری راویان و نویسندگان از روزهای دفاع مقدس، مرحله تازه‌ای هم به‌وجود آمد که به ادبیات مدافعان حرم اختصاص داشت. ثبت و ضبط خاطرات از زندگی و حماسه آفرینی شهدای مدافع حرم و مکتوب کردن آنها برگ زرین دیگری به کارنامه پربار ادبیات پایداری افزود و شاید به جرأت می‌توان گفت شهادت سردار دل‌ها، حاج قاسم سلیمانی و نوشتن کتاب‌های متعددی که از خاطره و تحلیل تا مقالات و یادداشت‌های سیاسی، فرهنگی، نظامی و عقیدتی را شامل می‌شد، نقطه اوج توجه به حماسه آفرینی شهدای مدافع حرم بود که یکی از تازه‌ترین آثار در این زمینه، کتاب «حاج قاسمی که من می‌شناسم»؛ روایت رفاقت چهل ساله حجت‌الاسلام علی شیرازی با شهید حاج قاسم سلیمانی است که به اهتمام نویسنده معاصر، سعید علامیان تهیه و نگارش شده است.

این کتاب از یک پیشگفتار به قلم سعید علامیان و دوازده فصل به روایت حجت‌الاسلام علی شیرازی تشکیل شده که راوی خاطرات خود از شهید سلیمانی در حوزه‌های گوناگون را بیان می‌کند و با یادآوری خاطرات پراکنده پیرامون یک موضوع، سلوک رفتاری آن شهید بزرگوار را با لحن و بیان ساده و صمیمی روایت می‌کند.

نویسنده در بخش پیشگفتار، به مرور زندگی و مسئولیت‌های حجت‌الاسلام علی شیرازی در دوران دفاع مقدس و حضور در میان مدافعان حرم اشاره می‌کند و از تصمیم خود برای نگارش این کتاب می‌نویسد. «این کتاب، ثمره نوزده ساعت گفت‌وگو با آقای شیرازی است. برخی دست نوشته‌ها و یادداشت‌های ایشان هم ضمن نگارش و تدوین آمده است.»

در فصل اول کتاب با عنوان «شهادت بزرگ» روایت راوی درباره شنیدن خبر شهادت سردار سلیمانی و اتفاق‌های پیرامون این موضوع است.

در فصل بعدی با عنوان «زندگی خوب»، حجت‌الاسلام علی شیرازی به جنبه‌های مختلف زندگی شهید سلیمانی در زمان حیات اشاره می‌کند؛ این‌که رفتارش با اطرافیان و اعضای خانواده چگونه بود و برای تربیت فرزندانش چه برنامه‌هایی داشته است. حاج قاسم، افزودن ایمان و تقوای بچه‌هایش را وظیفه خودش می‌دانست. به من می‌گفت «گاهی که می‌خواهم در مورد مسائل عبادی و مذهبی به بچه هایم تذکری بدهم، برایشان نامه می‌نویسم.»!

برای فصل سوم کتاب، عنوان «عموی بچه‌ها» انتخاب شده و در آن به توجه و محبت شهید سلیمانی به فرزندان شهدا تأکید شده است.

همچنین در فصل «فدایی مردم» به دیدگاه شهید سلیمانی در خصوص نحوه خدمت‌رسانی به مردم پرداخته شده است. یکی از دوستان هم اخیراً برایم بازگو کرد که از بیت رهبری می‌آمدیم بیرون. به سردار سلیمانی گفتم: «بیا کاندیدای ریاست جمهوری بشو.». گفت: «این را که می‌گویم به مردم بگو. بگو من کاندیدای شهادت ام؛ کاندیدای گلوله ام؛ نه کاندیدای ریاست جمهوری.»!

فصل پنجم با عنوان «مرد کارهای سخت» به سختکوشی شهید سلیمانی در عرصه‌های گوناگون نظامی در ایران و خاورمیانه اشاره دارد و در فصل بعدی با عنوان «سیره و سلوک» به منش و آداب رفتاری این سردار بزرگ سپاه اسلام در مواجهه با افراد و موضوع های گوناگون پرداخته شده است. همچنین راوی در فصل هفتم؛ «عاشق اهل بیت(ع)» به ارادت شهید سلیمانی به اهل بیت(ع) و برنامه‌هایش برای توسعه نگاه و توجه خود و اطرافیانش به این موضوع می‌پردازد.

در بخش بعدی کتاب، «شیعه تنوری»، ارادت شهید سلیمانی به علمای شیعه مورد توجه قرار می‌گیرد و درباره آن صحبت می‌شود: «قاسم سلیمانی، همه جا اهل ملاحظه بود؛ اما ملاحظه اش، مرز هم داشت. اسلام، امام حسین(ع)، ولایت فقیه و استکبارستیزی، مرزهایش بود.» فصل نهم کتاب با عنوان «مداب بهشت» به اعطای نشان ذوالفقار به شهید سلیمانی و واکنش او به این موضوع و در مجموع، نگرش وی در خصوص رتبه‌بندی نظامی را بیان می‌کند.

در فصل بعدی با عنوان «مرد جبهه فرهنگی» به دیدگاه‌های شهید سلیمانی در خصوص کتاب و کتابخوانی و نقش مطالعه درساخت شخصیت افراد پرداخته شده است.

همچنین در فصل یازده کتاب، «شجاع میدان سیاست» دیدگاه‌های شهید سلیمانی در امر سیاست ورزی بیان شده است. دوازدهمین و آخرین فصل کتاب، «حماسه تشییع» خاطرات راوی از آیین باشکوه تشییع پیکر شهید سلیمانی در شهرهای مختلف است که سرانجام در کنار همرزمانش در گلزار شهدای کرمان مراسم خاکسپاری انجام می‌شود. در بخش پایانی کتاب، «تصاویر»، ۱۶ قطعه عکس مرتبط با موضوع اثر ضمیمه کتاب شده است.

■ کتاب «حاج قاسمی که من می‌شناسم» (روایت رفاقت چهل ساله علی شیرازی)
■ به اهتمام سعید علامیان
■ انتشارات خط مقدم
■ چاپ اول ۱۴۰۰.
■ ۱۶۸ صفحه: مصور با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه

معرفی کتاب

ابعادی پنهان درباره ژنرال محبوب

کمی بعد از شهادت حاج قاسم سلیمانی کتاب «متولد مارس» روانه بازار نشر شد، کتابی که دربردارنده خاطراتی است که بعضی از آنها هرگز در خلال هیچ مصاحبه یا یادداشتی منتشر نشده بودند. این کتاب به همت «علی اکبری مزد آبادی» نوشته شده، نویسنده‌ای که در صفحات فرهنگی امروز درباره یکی دیگر از نوشته‌های او نوشته‌ایم. مزدآبادی پیش از این کتاب، «حاج قاسم» و «ذوالفقار» را درباره سردار سلیمانی نوشته بود، کتاب‌هایی که همگی دربردارنده خاطراتی به نقل از خود حاج قاسم، در زمان حیاتش هستند. او در این کتاب به سراغ دوستان، همرزمان و نزدیکان سردار شهیر ایرانی رفته، خاطراتی که طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های وی را شامل می‌شوند، از ماجراهایی درباره تحولات سوریه، عراق تا زمان شهادت وی. با این حال کتاب مذکور ویژگی قابل تأمل دیگری هم دارند این که می‌توان نکاتی درباره خصوصیات اخلاقی شهید سلیمانی در خلال مصاحبه‌هایی که نگارنده انجام داده خواند. اغلب مطالب این کتاب از نظر سیر تاریخی، سال‌های اخیر را شامل می‌شوند. همان‌طور که نویسنده کتاب هم پیش‌تر گفته «متولد مارس» ابعاد پنهانی شهید سلیمانی را در مواجهه با مردم عادی و غیرنظامی بیان می‌کند؛ مردی که ۴۰ سال تمام لباس رزم پوشید و مجال این را نیافت که به گفته خودش «به زراعت و صناعت میراث پدری برگردد.» جنگید و بذر صلح را در اقصی نقاط جهان کاشت. (خبرگزاری لیزنا). این کتاب در سه فصل نوشته شده، نویسنده در بخشی از کتاب به گردآوری خاطراتی از شخصیت‌های شاخص و برجسته همچون سیدحسن نصرالله، حسین امیرعبداللهیان، امیر اسداللهی، عبدالله عراقی پرداخته و از این طریق وجوه مختلفی از شخصیت شهید سلیمانی ارائه کرده است. در قسمت دیگری او روایت‌هایی دست اول را منتشر کرده که در خلال دیدارهای خاص شکل گرفته‌اند. نویسنده درباره چرایی انتخاب نام کتاب نوشته: «مارس را هم «روح جنگ» دانسته‌اند و هم «محافظ صلح». مارس نماینده همه باورهای آدمیانِ کهن بود درباره «جنگ و صلح». محبوب‌ترین و نام‌آورترین نظامیان تاریخ، آنانی بوده‌اند که برای «صلح» شمشیر می‌زدند و حاج قاسم سلیمانی، در ماه «مارس» متولد شد.»

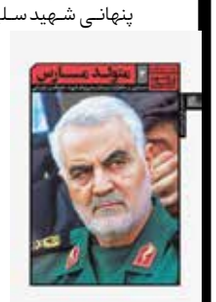

■ کتاب: متولد مارس
■ نویسنده: علی اکبری مزدآبادی
■ انتشارات یازهرا

شباهت‌های دو سردار شهیر اسلام

«مالک زمان» کتابی است که به همت جمعی از نویسندگان و از سوی انتشارات شهید ابراهیم هادی در اختیارات علاقه‌مندان قرار گرفته است. این کتاب با روایتی داستانی و خواندنی نوشته شده و دربردارنده بیش از ۵۰ داستان درباره زندگی و مجاهدت‌های سردار سلیمانی و همچنین داستان‌هایی از مالک اشتر است. نویسنده در خلال روایت این داستان‌ها دست به تطبیق زندگی این دو شخصیت برجسته اسلام زده است. راویان این داستان‌ها همه از همرزمان و نزدیکان حاج قاسم بوده‌اند و دست به ارائه روایت‌هایی مستند و عینی زده‌اند. افزون بر انتشار نسخه چاپی کتاب، مؤسسه کتاب گویا (ایران صدا) نسخه صوتی این کتاب با صدای «یاسر دعاگو» منتشر کرده است. به قول ناشر صوتی کتاب: «چه شباهتی است بین این دو مالک، یکی در زمان مولا علی و دیگری در انقلاب علوی و حرکت مهدوی.» گروه نویسندگان کتاب درباره چرایی روایت همزمان زندگی این دو سردار شهید اسلام نوشته‌اند: «سخنان مولا در فراق مالک را تاریخ به خاطر دارد. آنچنان مالک را توصیف می‌کرد که گویی هیچ سرداری با این پیر میدان‌دیده مقایسه نمی‌شود. این کتاب روایت‌هایی است از مالک اشتر و شهید قاسم سلیمانی که نقشش برای رهبری و نظام مانند مالک بود.»

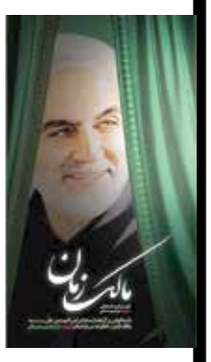

■ کتاب: مالک زمان
■ نویسنده: جمعی از نویسندگان
■ انتشارات شهید ابراهیم هادی

فرمانده‌ای فراتر از شعار

هنوز زمان چندانی از شهادت سردار سلیمانی نگذشته، اتفاقی که اندوهی بر دل دوستدارانش گذاشت، آن هم افرادی که به طیف خاصی محدود نمی‌شوند. در میان افرادی که رهسپار مراسم تشییع ژنرال محبوب شدند شرکت کنندگانی با همه شکل و ظاهری دیده می‌شود. شاید آن روزها برای خیلی‌ها این سؤال مطرح بود که چرا حاج قاسم تا این اندازه محبوب شده. این سؤالی است که بخشی از کتاب «من قاسم سلیمانی هستم؛ سرباز ولایت» در پاسخ به آن منتشر شده است. ناصر کاوه در پاسخ به این سؤال نوشته: «او کارش را بخوبی انجام می‌داد. قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس ایران بود. وظیفه سپاه قدس حراست از ایران و مقابله با دسیسه‌های خارجی علیه کشور است. مردم در این سال‌ها فقط شعار دیده بودند، اما سلیمانی بخوبی نشان داد که چگونه می‌شود حرف‌ها را به عمل تبدیل کرد. داستان داعش نمونه خوبی از این ماجراست. داعش آمده بود تا ریشه ایران و شیعه را بزند. اما سردار ایرانی بخوبی جلوی آن‌ها ایستاد و اجازه این اقدام را به آنها نداد.» این کتاب دربردانده عناوینی همچون «توصیف رهبری از شهید سلیمانی»، «چرا مردم قاسم سلیمانی را دوست داشتند»، «مروری بر زندگانی شهید سلیمانی»، «یک خون و این همه برکت»، «شجاع و بی‌ادعا»، «مقاومت حکیمانه»، «قسمتی از جنایات هولناک داعش»، «نشانه‌های تولد خاورمیانه جدید»، «شهید قاسم سلیمانی برای آینده چه ساخت» و همچنین متن کامل وصیتنامه شهید حاج قاسم سلیمانی را دربرگرفته است. مخاطبان در این نوشته با مختصری از زندگی‌نامه سردار سلیمانی نیز روبه‌رو می‌شوند.

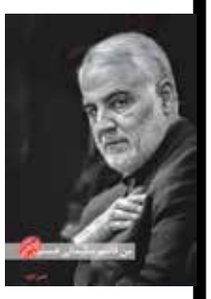

■ کتاب: من قاسم سلیمانی هستم؛ سرباز ولایت
■ نویسنده: ناصر کاوه
■ انتشارات نوآوران سینا

سعی کنیم مثل او باشیم

درباره شخصیت‌های اثرگذاری همچون سردار سلیمانی آثار مختلفی نوشته شده و می‌شود، در این بین عمده توجه نویسندگان به مخاطبان بزرگسال است. در صورتی که نمی‌توان از مخاطبان کودک و نوجوان نیز صرف‌نظر کرد، بویژه که آینده سرزمین‌مان در گرو آموزش همین طیف سنی است. از میان کتاب‌های مختلفی که درباره حاج قاسم نوشته شده‌اند، کتاب « عمو قاسم» دربردارنده بیست داستان برای کودکان و نوجوانان است؛ داستان‌هایی که با هدف آشنایی این مخاطبان کم سن و سال با زوایای مختلف شخصیت حاج قاسم نوشته شده اند. در بخشی از گزیده کتاب آمده: «وقتی سردار سلیمانی شهید شد. همه از دست امریکا عصبانی شدند. بزرگترها گفتند: ما همه قاسم سلیمانی هستیم. کوچک‌ترها هم آرزو کردند که روزی سردار سلیمانی بشوند. اما یک سؤال: سردار سلیمانی شدن یعنی چه؟ به نظرتان اگر همه بخواهند مثل حاج قاسم، افسر نظامی بشوند و بروند با دشمن بجنگند تکلیف زندگی‌مان چه می‌شود؟ چه کسی باید به دانش‌آموزان درس بدهد؟ چه کسی باید بیماران را درمان کند؟ چه کسی باید کشاورزی کند؟ چه کسی باید برایمان خانه بسازد؟ چه کسی باید راننده تاکسی شود؟ برای سردار سلیمانی شدن نیازی نیست حتماً نظامی شویم. برای اینکه مثل قاسم سلیمانی بشویم، باید اخلاق‌ها و رفتارهای او را یاد بگیریم و سعی کنیم همیشه مثل او رفتار کنیم.» نکته‌ای که درباره این کتاب نمی‌توان آن را نادیده گرفت این است که نویسنده برای نهادینه کردن پیام هر داستان در ذهن مخاطبان مورد نظر خود، بعد از اتمام هر ماجرا تمرینی را طراحی کرده تا در خلال آن کودکان و نوجوان را به تفکر بیشتری وادار سازد.

■ کتاب: عمو قاسم
■ نویسنده: محمدعلی جابری
■ تصویرگر: میکائیل براتی
■ انتشارات کتابک

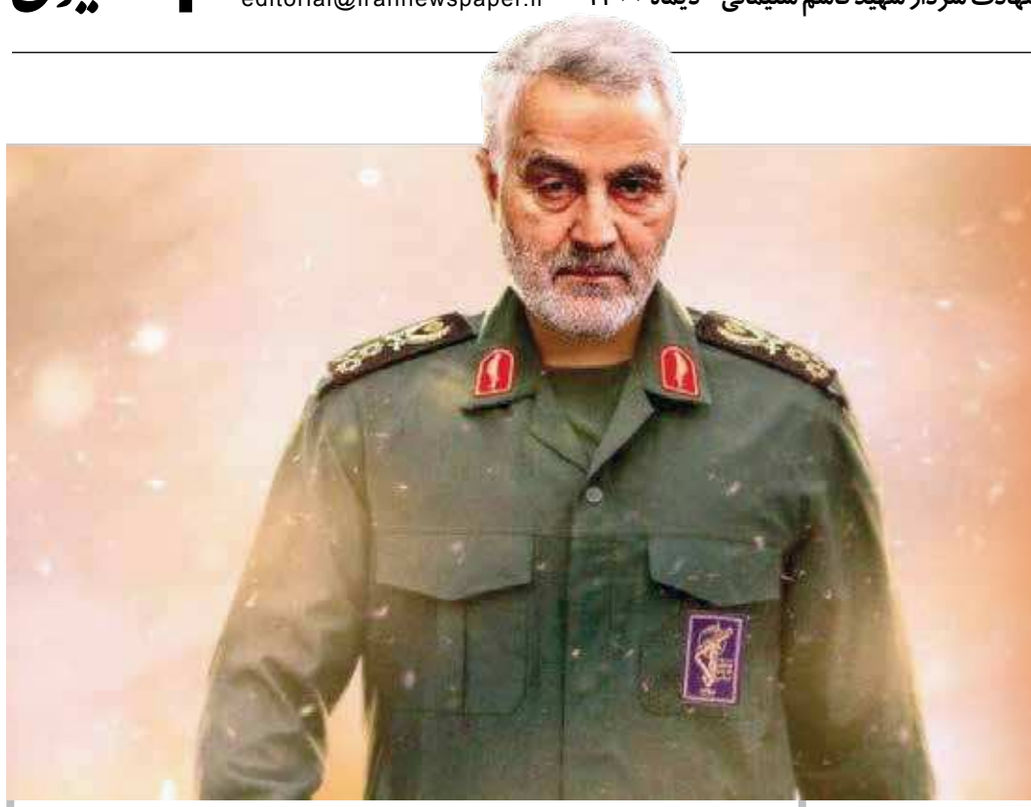

نیلوفر ساسانی
خبرنگار

مستندسازان طلایه‌دار پرداختن به موضوعات مهم روز جامعه هستند. در مواجهه با خبر شهادت حاج قاسم سلیمانی این بار هم مستندسازان پیشتاز در ثبت و ضبط وقایعی بودند که بخش‌هایی از مجاهدت‌های سردار سلیمانی را روایت می‌کند. بر همین اساس تعداد قابل توجهی از آثار پانزدهمین جشنواره سینما حقیقت بویژه در بخش شهید آوینی با محوریت تأثیرگذاری فعالیت‌های سردار سلیمانی در حفظ امنیت و تمامیت ارضی ایران بود. «ژنرال»، «امان‌نامه» و «آورتین» از جمله آثار به نمایش درآمده در این بخش بود. «ژنرال» به‌کارگردانی مهرداد یوسفی روایتی متفاوت از حمله داعش به مرزهای اقلیم کردستان و نجات این منطقه از چنگ داعش توسط حاج قاسم است. «امان نامه»، درباره اشرار جنوب کرمان است که با دریافت امان‌نامه‌ای از شهید سلیمانی به زندگی عادی بازگشته و به‌عنوان کشاورز و دامدار زندگی و فعالیت می‌کنند. همچنین مستند «آورتین» ساخته حسن وزیریان که جایزه ویژه سرباز وطن یادبود شهید سردار قاسم سلیمانی را به دست آورد با موضوع پاکسازی جنوب کرمان از اشرار توسط شهید قاسم سلیمانی از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵ در استان کرمان است. سازندگان این سه مستند برای «ایران» از شناخت و دریافت تازه‌شان از شخصیت سردار سلیمانی در روند ساخت این آثار گفته‌اند.

آئینه‌ای در مقابل حقیقت

قاب عکسی روی دیوار خانه‌های ساده کاهگلی

حسن وزیرزاده
کارگردان «آورتین»

در طول این سال‌ها هیچ‌گاه تجربه ملاقات با سردار سلیمانی را نداشته و دیدار با ایشان و درک خصوصیات اخلاقی‌شان برای بنده مهیا نشده است ولی فعالیت چندین ساله‌ام در زمینه مستندسازی باعث‌شده تا مطمئن شوم حاج قاسم سلیمانی بدون شک یکی از شخصیت‌های کم نظیر عصر حاضر بوده‌اند؛ مردی به تمام معنا سرباز وطن و در خدمت وطن، مردی در ادب و اخلاق کم‌نظیر و در خدمت بی‌نظیر. این همه ارادت بنده نسبت به شخصیت ایشان به چند دلیل است: اولین دلیل برمی‌گردد به تجربه ساخت مستند «آورتین»؛ ساخت مستندی در دل مناطق محروم جنوب شرق کشور از جمله روستاهای کرمان و ملاقات با مردم مستضعف با خانه‌های کاهگلی کوچک‌تر از یک فرش نه متری. دیدن قاب عکس سردار سلیمانی روی دیوار همین خانه‌های ساده کاهگلی و شنیدن صحبت‌های پرشور این مردم رنج‌دیده در تمجید و تعریف از مردانگی‌ها و پدری‌های سردار سلیمانی و مشاهده اشتیاق عجیب ایشان نسبت به سردار و... همه اینها در کنار دیدن و شنیدن فیلم‌ها و صداهای ضبط شده متعدد سردار سلیمانی در طول سال‌های مختلف در روند تولید مستندهایی که با آنها مواجه شده‌ام از دلایل تأثیرپذیری بنده از شخصیت حاج قاسم بوده‌اند؛ فیلم‌هایی که با دیدن آنها کاملاً با شخصیت اخلاقی سردار سلیمانی آشنا می‌شوید؛ فیلم‌هایی از جلسات ایشان که مطمئنت می‌کنند برای حاج قاسم مردم اولویت داشته‌اند حتی مردم مخالف با ایشان؛ صداهایی که با شنیدن آنها مطمئن می‌شوی حاج قاسم در ادب، اخلاق و مذهب شعار نمی‌دادند و مرد عمل بوده‌اند. این فیلم‌ها و صداها در کنار تجربه حضور در جنوب شرق مسلماً در نوع نگرش بنده و ارادت به شخصیت حاج قاسم بسیار مؤثر بوده‌اند و مرا نه به‌عنوان یک مستندساز بلکه به‌عنوان یک انسان، وادار می‌کند که این شخص والامقام و دلسوز را یک قهرمان به تمام معنا بدانم؛ قهرمانی از جنس مردم همین روزگار نه یک شخصیت افسانه‌ای اساطیری؛ مردی از دل همین روزگار معاصر، از مردم و در خدمت مردم...

در کردستان عراق شناختمش

مهرداد یوسفی
کارگردان «ژنرال»

در اولین سالگرد شهادت سردار سلیمانی فیلم کوتاهی با نام «توکل» درباره عملیات نجات شهر اربیل کردستان عراق از دست داعش ساخته شد. این فیلم در کنار بیان مجاهدت‌های سردار سلیمانی، نگاه تحقیرآمیزی به مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق داشت و واکنش‌های منفی زیادی برانگیخت و تا آنجا پیش رفت که روابط دو کشور مخدوش شد و وزارت خارجه کشورمان در نامه رسمی عذرخواهی کرد. من تصمیم گرفتم مستندی با همین موضوع بسازم و آنچه را که واقعیت دارد به تصویر بکشم. در طول مدتی که پژوهش می‌کردم به منابع و مصاحبه‌های زیادی برخوردم که در آن سال‌ها مسعود بارزانی از سردار سلیمانی تشکر زیادی کرده بود. همه را جمع‌آوری کردم و نهایتاً سفر من به کردستان عراق فراهم شد و موفق شدم با تعدادی از مقامات اقلیم کردستان عراق مصاحبه کنم. از قبل تصور دیگری داشتم، فکر می‌کردم به خاطر آبروریزی فیلم «توکل» این شخصیت‌ها خیلی مشتاق مصاحبه درباره سردار سلیمانی و واقعه اربیل نباشند اما وقتی پای صحبت آنها نشستم دیدم که تصوراتم اشتباه است و شخصیت‌های نامدار این منطقه و حتی مردم عادی، سردار سلیمانی را بیشتر از ایرانی‌ها دوست دارند و برایش احترام قائلند. هنگام تعریف از شخصیت سردار سلیمانی و بیان رشادت‌های ایشان، احساس غرور می‌کردم. تا قبل از آن و حتی در مدت زمانی که پژوهش کرده بودم به این داده‌ها رسیده بودم که سردار سلیمانی در نجات شهر اربیل و جلولا و سعدیه و بخشی از کرکوک به کمک کردها رفته، اما از خود کردها شنیدم که سردار سالهاست از زمان تصدی فرماندهی نیروی قدس نگاه ویژه‌ای به آنها داشته و هر آنچه در توانش بوده به آنها کمک کرده است. در حقیقت من سردار سلیمانی را در کردستان عراق شناختم.

وفای عهدی که از اشرار سابق، شهروند زحمتکش ساخت

حامد سعادت
کارگردان «امان‌نامه»

مدت‌ها بود که در منطقه حضوری ناشناس داشت و با بومی‌هایی که همکاری می‌کردند برای شناسایی و رصد اطلاعاتی چه قبل و چه بعد از عملیات پاکسازی جنوب شرق و تأمین امنیت تلاش می‌کرد. احتمالاً همین آشنایی با وضعیت مردم منطقه و شناخت از زجر عشایر بودن مهم‌ترین دلیل تصمیم مهم ایشان در عدم مقابله و دراز کردن دست دوستی به سمت عواملی بود که مدت‌ها منطقه را ناامن کرده بودند. خصلتی که امروز در بین مسئولان کشوری و لشکری کیمیاست. آن هم در روزگاری که شاهد فاصله زیستی بین مسئولان و عدم حضورشان بین مردم و به‌دنبال آن تصمیمات خلق‌الساعه‌ای بودیم که بدون هیچ شناختی از واقعیت‌های جاری در زندگی مردم اتخاذ می‌شد و البته که این شکاف هر روز بیشتر شده است. مؤلفه مهم و جذاب شخصیتی او وفای به عهد به این مردم تا پایان عمر بود. از مهم‌ترین جلوه‌های شخصیتی و مدیریتی که در ساخت مستند «امان نامه» از سردار سلیمانی دریافت کردم رها نکردن کاری بود که به ایشان واگذار شده بود. انگار با خودش قرار گذاشته بود تا کاری به بهترین شکل به‌ثمر نشیند، آرام نگیرد. در سال‌های میانی دهه هفتاد عملیات محوله به ایشان برای تأمین امنیت جنوب شرق به‌عنوان یک نظامی و فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله کرمان پایان یافته بود و اگر بنا به ادامه کاری هم بود صرفاً کارهای اطلاعاتی و رصد صحت و سقم تسلیم شدن و ادامه‌دار نبودن تخلفات بود اما او دقیقاً تا چند روز قبل از شهادت همچنان بر پیمان و عهدی که با قرآن در حضور اشرار سابق بسته بود باقی ماند. به آنها قول داده بود که پیگیر اصلاح امور زندگی‌شان بعد از دریافت امان‌نامه باشد و بر سر این عهد باقی ماند. ارتباط دوستانه و صمیمانه‌اش با این اشرار سابق و شهروندان و زحمتکشان امروز چنان ادامه‌دار و ریشه‌دار شد که ۱۳ دی‌ماه ۹۸ گویی عزیز و بزرگ طایفه‌شان را از دست داده بودند.

کاریزمای سلیمانی و الگوی پردازش نرم در مستند «ژنرال سلیمانی» پخش شده از شبکه آرته فرانسه

نگاه نرم به سردار کاریزماتیک

گروه فرهنگی / مستند «ژنرال سلیمانی» توسط شبکه آرته فرانسه و به‌کارگردانی آنتونی اُرلینگه با موضوع سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به زبان آلمانی ساخته شده است. این مستند تلاش دارد تا با قالبی متفاوت و از زوایای گوناگون و از طریق مصاحبه با شخصیت‌های خاص و مهم بین‌المللی، شهید سلیمانی را مورد نقد قرار دهد و جایگاه ویژه وی را در حوزه نظامی و سیاست خارجی در جریان محور مقاومت در منطقه و جهان مورد کنکاش قرار دهد. در این جستار بیش از آنکه به محتوای مطرح شده در آن پرداخته شود، قالب و ساختار این مستند مد نظر است چرا که طی مدتی که از شهادت شهید قاسم سلیمانی می‌گذرد با توجه به حجم تولیدات با محتوای نرم شبکه‌های خبری و رسانه‌ای خارجی خصوصاً بی‌بی‌سی فارسی پیرامون نقش شهید سلیمانی در جبهه مقاومت خصوصاً در عراق و سوریه و لبنان، فضای رسانه‌های داخلی هنوز محتوا و قالبی مناسب برای روایت از او در استاندارد رسانه‌ای جهانی و برای مخاطب جهانی تدوین و ارائه نکرده است و عمده تولیدات صرفاً به افکار عمومی داخلی آن هم برای صرفاً عده‌ای خاص پرداخته است. در حالی که رسانه‌های خارجی به طور هدفمند و با تبلیغات منفی، شهادت شهید سلیمانی را مساوی با افول جریان مقاومت در منطقه معرفی می‌کنند. صد او سیمای جمهوری اسلامی ایران با داشتن مجموعه شبکه‌های چند زبانه خارجی هنوز نمونه خاص و اثرگذاری از این دست را برای مخاطب خارجی با هدف مقابله نرم با هجمه رسانه‌ای رسانه‌های بیگانه و معاند تولید نکرده است.

■ **یافته‌های اساسی**

بدیهی است آنچه برای مخاطب داخلی و ایرانی که وجوه قهرمانانه شخصیت کاریزماتیک شهید سلیمانی را بیشتر می‌پسندد، برای مخاطب غیرایرانی مناسب نیست، همچنان که آنتونی اُرلینگه کارگردان مستند ژنرال سلیمانی در این اثر وجوه منطقی و ریشه‌ای و ذاتی و هویتی این شخصیت را برای فراهم کردن بستر لازم برای بسط و گسترش محتوا پیرامون سوژه اصلی مستند ارجح دانسته و روی آن برنامه‌ریزی بیشتری کرده است.

در پرداخت مستند و نگاه دراماتیک به شخصیت‌های خاص در جهان آنچه بستر مؤثر برای روایت‌های بعدی در طول اثر را فراهم می‌کند، اشاره مطلوب به گذشته و پیشینه شخصیتی و ذاتی و هویتی سوژه است و سپس بسط و گسترش محتوایی در قالب فرمی درباره وجوه مختلف و گوناگون آن. لذا این مستند از این قاعده به‌خوبی بهره برده و از این طریق اثر نرم و غیرمستقیم خود را بر مخاطب فعال و هوشمند می‌گذارد تا همواره در لحظه‌به‌لحظه روی سوژه کاریزماتیک مستند به‌طور آگاهانه فکر و تحلیل کند. مخاطب غیرایرانی ضرورتاً مانند مخاطب ایرانی نمی‌اندیشد که بر همان اساس برای او محتوا تدوین شود و انتظار داشت که به این روش یک غیرایرانی تحت تأثیر بمباران رسانه‌ای و پروپاگاندا مانند یک ایرانی (که قهرمان‌پروری در ژن و کهن‌الگوهای او نهفته است) جذب یک شخصیت کاریزماتیک ایرانی شود.

■ **کنکاش**

این مستند با قالبی روایی که بیشتر معطوف بر جهت‌دهی‌های خاص در نریشن است، مقدمه خود را از فرایند ترور شهید سلیمانی و واکنش ترامپ بعد از آن و همچنین حضور مردم در روز حماسی تشییع پیکروی آغاز می‌کند که با پرداختی ویژه و با ریتمی حساب شده از ابتدا روشن می‌کند که سطح شخصیت مورد روایت در مستند دارای چه اهمیتی است. پس از آن فضای دوران کودکی و تولد وی در روستایی در استان کرمان و سپس فعالیت‌های ورزشی وی از نگاه دوستان قدیمی او روایت می‌شود و در ادامه به حضور وی در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و ورود امام خمینی(ره) به کشور و نقش وی در کمیته استقبال از امام و همچنین توانایی نظامی وی در زمینه آموزش نظامی به افراد و حضور مؤثر و کاریزماتیک در جریان جنگ تحمیلی و پس از آن در سطوح عالی نظامی در جمهوری اسلامی می‌پردازد.

■ **ساختار متقارن**

این مستند تلاش می‌کند تا بدون محافظه‌کاری بیهوده به نقش شهید قاسم سلیمانی و شخصیت کاریزماتیکش در جبهه و پشت جبهه بپردازد و حتی با روایت و نمایش عکس‌های آرشیوی القا کند که ارتباطات وی با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ایام حضورش در جریان جنگ هشت ساله تحمیلی گرم و صمیمانه و دارای زمینه تقویت در آینده بوده است. از ویژگی‌های این مستند ایجاد تقارن نقش میان کسانی است که در قالب مصاحبه مقابل دوربین این مستند قرار گرفته‌اند، به‌طور مثال به نقش شهید سلیمانی در جبهه برون‌مرزی انقلاب اسلامی از افغانستان تا عراق و سوریه و لبنان اشاره می‌کند و در این بین از نگاه حسین امیرعبداللهیان پیرامون چگونگی حضور شهید سلیمانی در این آوردگاه منطقه‌ای بهره می‌برد و در عین حال با یک حرکت تقارن‌بخش به سراغ دریافت یک نکته از زبان نماینده سابق سیا در عراق یا یکی از فرماندهان ارشد سابق نظامیان امریکایی در منطقه خاورمیانه می‌رود و تلاش می‌کند با کم کردن فواصل در اثبات نکات و با کنار هم قرار دادن اظهارات تقریباً هم‌راستا اما همپوشان یا گاهی متضاد، چالش مستند بر سر واکاوی پیرامون شخصیت قاسم سلیمانی در جریان رخدادها و فراز و فرودهای سیاسی و نظامی در منطقه خاورمیانه را غنای بیشتر بخشد؛ این روش جدای از هر هدف و قضاوت و ارزیابی و تحلیل ارزشی، یک قالب مناسب برای روایت درباره یک شخصیت خاص و کاریزماتیک در قامت سپهبد شهید قاسم سلیمانی است.

این مستند تلاش می‌کند تا برای بررسی آنچه به طور مثال در آستانه حضور داعش در عراق و سوریه رخ داده است، به سراغ ناظران و گوینده‌های میدانی و مرتبط برود، از این رو در بخشی از مستند به سراغ یکی از ژنرال‌های ارشد نیروی نظامی عراق می‌رود تا وضعیت عراق در آستانه حمله گسترده داعش را تشریح کند و ضمناً براساس همان تقارن حضور شهید سلیمانی در عراق و سوریه را یک مکمل برای مقابله با این حمله گسترده معرفی کند. در واقع یکی از جذابیت‌های ساختاری این مستند، گفت‌وگو با چهره‌هایی است که کمتر برای روایت آنچه رخ داده از آنها استفاده شده است.

■ **غلبه منطق در روایت**

در این مستند همواره یک وجوه بارز و منطقی در روایت و پرداخت در ساختار آن به‌نظر می‌رسد و تلاش می‌کند تا به دور از احساس، خط تقارنی خود شامل در مقابل هم قرار دادن نظرات مخالف و موافق پیرامون قاسم سلیمانی را امتداد بخشد تا منطق بیشتری را در ارزیابی‌ها با هر قضاوت ارزشی و دیدگاهی تقویت کند.

در واقع این مستند در ساختار خود تلاش می‌کند تا بدون گرایش فضا به سوی برداشت‌های احساسی، با یک قالب جدی روایتگر باشد و در عین حال که برخی روایات همان روایات منتشرشده از سوی بسیاری از رسانه‌ها است اما تلاش می‌کند تا در انتقال‌ها کمتر اقدام به دخل و تصرف سلیقه‌ای در پرداخت روایی داشته باشد و کماکان آن قالب منطقی در روایت را حفظ نماید. از این‌رو بخش‌های مربوط به شعله‌ور شدن اعتراضات مردم عراق در نجف و کربلا و القای رسانه‌ها مبنی بر مقصر جلوه دادن ایران در این اعتراضات و تقابل مستقیم ترامپ و سردار سلیمانی با هم و... در این قالب بیشتر منطقی ارزیابی و پرداخته شده است. این پرداخت روایی منطقی تا بدان جا ادامه دارد که در بخش‌های پایانی و جمع بندی‌های نهایی مستند، مسأله خاورمیانه پس از قاسم سلیمانی مطرح می‌شود و فضا به آن‌سو می‌رود که این مقطع در آینده آیا با جنگ ادامه خواهد داشت یا آن‌که سرنوشت دیگری برای آن رقم خواهد خورد که مجموعاً بدون قضاوت خاص، این فضا به سوی یک پایان باز و ایجاد مسأله مبنی بر آینده خاورمیانه پس از ترور سردار سلیمانی و وجود یک خسران می‌رود و همچنین این پایان باز با مایه‌هایی از کشتار روزنامه‌نگاران در عراق و لبنان و... ادامه دارد، در حالی که قاسم سلیمانی نیز نیست اما به نظر آن تفکر هنوز ادامه دارد.

■ **رهیافتی بر نتایج مؤثر در این مستند**

بارزترین نقطه در این مستند، پرداخت فنی و تکنیکی با اثرگذاری نرم بر اذهان و افکار عمومی است و در این قالب بسیاری از محتوا به‌طور مبسوط و عمیق به نقش و کیفیت حضور قاسم سلیمانی در منطقه خاورمیانه اشاره روایی دارد و در عین حال تلاش می‌کند تا از ساختار و دایره منطق (به دور از احساس) که در ساختار و بدنه خود ایجاد کرده خارج نشود. واضح است که رسانه‌های جهانی به طور سازمان یافته خط و مشی مشخصی را برای پرداخت و انعکاس رویدادهای خاورمیانه متناسب با اهداف خاص جهانی دولت‌های امریکایی و اروپایی دارند اما این مستند از نمونه‌های مناسب و اثرگذار در روایت از نوع نرم درباره نقش قاسم سلیمانی در منطقه خاورمیانه است و طبیعی است که در قالب مشخص خود تلاش می‌کند تا محتوای همراستا با اهداف کلان قدرت‌های جهانی را نیز در عین حال القا کند.

«ژنرال سلیمانی» تلاش می‌کند تا شخصیت قاسم سلیمانی را از منظرهای گوناگون توسط افراد نزدیک به او، همفکران یا حتی دشمنان‌اش مورد تشریح قرار دهد؛ صرف نظر از هر نتیجه پایانی در این مستند، تشریح دقیق با صورتی چند وجهی از یک شخصیت در تراز و جایگاه شهید قاسم سلیمانی، نقطه مهم و اثربخش در تمام تحلیل‌های بعدی در ادامه یک اثر تصویری مانند این مستند است. در مقابل، در برخی تولیدات مستند پیرامون شهید قاسم سلیمانی طی دو سال اخیر که از حادثه شهادت وی می‌گذرد، آنچه به‌عنوان یک خلأ جدی در این تولیدات به نظر می‌رسد، همین عدم بسط و گسترش موضوعی و پرداختی در فردیت وی است و گویی بسرعت باید از توانایی‌های پایه و ذاتی و اصیل وی گذشت و با عجله به دوران پایانی زندگی او آمد؛ توجه به این مسأله برای درک مخاطب غیرایرانی که هیچ یا کمترین نسبت و ارتباط با ایران و جریان مقاومت و جریان‌های خاورمیانه دارد، در خصوص تولیدات برون مرزی با اهداف اثرگذاری و اقناعی نرم پیرامون این شهید امری مهم و خاص است؛ مانند نمونه‌هایی چون مقایسه ارزشی و کیفی یک سردار (ژنرال) جریان مقاومت با افسران و ژنرال‌های ارشد جنگ‌های جهانی از منظر مدیریت و فرماندهی و نفوذ میان عامه مردم و... و ویژگی‌های خاص شخصیتی یک فرمانده در میدان جنگ و حتی در زمین دیپلماسی و سایر موارد.

مستند به شخصیت قاسم سلیمانی در میان جریان مقاومت از افغانستان تا لبنان ضریب فراوان می‌دهد و لاجرم ناچار است تا کاریزمای شخصیت شهید سلیمانی در حوزه بین‌الملل را نیز نادیده نگیرد اما آنچه از این حضور و گسترش عملکرد بیان می‌کند متناسب با قرائت و بیان خاص خود از حضور ایران و در چهارچوب ناجی معرفی کردن ایالات متحده امریکا در منطقه خاورمیانه است؛ در واقع این مستند شخصیت قاسم سلیمانی را بخوبی با تمام عقبه و ویژگی‌های ذاتی وی معرفی می‌کند اما از این رهگذر میوه خود را می‌چیند و القای فکری خود را در جهت منافع غرب خصوصاً امریکا در منطقه بسط و گسترش می‌دهد، آن هم کاملاً نرم و حساب شده و به‌تدریج در طول مستند و این دقیقاً همان نقطه مقابل و ضعف برخی مستندهای تولیدات برون مرزی در داخل است که وجه نرم و القای تدریجی با یک بیان قدرتمند با غلبه منطق را به نحو مطلوب در تولیدات خود لحاظ نمی‌کنند.

خط سیر بیان در این مستند مانند یک بندباز حرفه‌ای رخ‌نمایی می‌کند، به گونه‌ای که تلاش می‌کند تا دو طرف قضیه یعنی حضور قدرتمند قاسم سلیمانی در عرصه بین‌الملل و قلب جریان مقاومت منطقه برای دفاع از منافع کشور و مقاومت و نوعی دخالت و حضور تدریجی و نرم در ساختار قدرت برخی کشورهای منطقه را عیان کند اما در عین حال هدفی شبیه به اهداف یکپارچه رسانه‌های غربی و امریکایی درباره تعبیر چگونگی و چیستی حضور فعال ایران در منطقه خاورمیانه را نیز فراموش نکند؛ در واقع بسیاری جوانب را به طور منطقی و هوشمند درباره شهید سلیمانی در نظر می‌گیرد اما در نهایت آن نگاه نرم و مشترک میان رسانه‌های غربی درباره ایران و مقاومت در منطقه خاورمیانه نیز در بطن و از فرم مستند استنباط می‌شود، علی رغم همه زمینه‌های فکری و منطقی که به این منظور در طول مستند برای مخاطب پدید آورده است.

آنچه در رسانه‌های جهانی بدان اشاره می‌شود و به نحو پررنگ منعکس می‌شود، ضریب‌دهی به این مسأله است که جریان مقاومت در منطقه پس از ترور قاسم سلیمانی رو به افول است یا اینکه دست‌کم باید از این رهگذر منتظر پدیدآمدن و شعله‌ور شدن مناقشات بیشتر و درگیری‌های عمومی بیشتر میان مردم و دولت با جریان مقاومت و کشته شدن بیشتر خبرنگاران و روزنامه‌نگاران بود اما نقش امریکا و قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این بین همواره نادیده گرفته می‌شود که از این‌رو طراحی قالب‌های نرم و اقناع ساز و دقیقاً متناسب با فهم و برداشت مخاطب فرامرزی و بین‌المللی در این بین توسط این رسانه‌ها بسیار نقش خود را به‌طور جدی اثبات کرده است؛ اما با یک نگاه درون سیستمی کشوری و ایجابی در مقابل این جنس اقدامات رسانه‌های جهانی ضروری است تا این نکته از نظر همواره دور نشود که در واقع آنچه در قالب یک منطق و برداشت موجب اقناع مخاطب داخل ایران در قالب یک مستند و سایر تولیدات رسانه‌ای می‌شود، ضرورتاً منجر به اقناع مخاطبان بیرونی و بین‌المللی که دارای افکار اندیشه‌ای کاملاً متفاوت و بسیار تحت پروپاگاندا و جهت‌دهی خاص رسانه‌ای بومی و محلی و جهانی است نمی‌شود.

■ **سطوح محبوبیت قاسم سلیمانی**

اُرلینگه موفق شده است تا به منظور بیان نمونه‌ای از حجم و توجه جهانی روی شخصیت قاسم سلیمانی از زبان یکی از مقامات ارشد سیا در عراق بیان کند که وی محبوبیت و مشهوریت بسیار در حد شخصیت‌هایی مانند لیدی گاگا داشته است، آن هم در شرایطی که شخصیت قاسم سلیمانی هیچگاه به اندازه آنها در فضای جهانی دارای قدرت برتر رسانه‌ای نبوده است و این مسأله یکی از همان بارقه‌های جاذب و خاص و کمتر شناخته شده شهید قاسم سلیمانی با ماهیت نرم در سطح جهانی است که متأسفانه پرداخت به این مسأله در برخی تولیدات برون مرزی کشورمان پیرامون شخصیت وی با یک خلأ جدی روبه‌رو است؛ البته که این جذابیت و محبوبیت شهید قاسم سلیمانی که از منظر نگاه یکی از تحلیلگران سیاسی مستقر در واشنگتن که با این مستند مصاحبه می‌کند نوعی مردم گرایی با مایه‌های پروپاگاندایی تعبیر می‌شود اما وقتی این مسأله در کنار موفقیت مردم سوریه و عراق در دفع خطر داعش و اظهار مستقیم مقامات این کشورها پیرامون این مسأله در این مستند قرار می‌گیرد، ممکن است در برابر افکار عمومی یک امتیاز مثبت برای قاسم سلیمانی لحاظ شود که این مسأله نیز گواهی بر وجود همان تقارن بخشی در گفته‌های برخی مصاحبه کننده‌ها در مقابل دوربین مستند اُرلینگه است که صرف نظر از هر برداشت و ارزیابی، یک فضای منطقی و ارزیابی آگاهانه برای مخاطب بین‌المللی درباره نقش قاسم سلیمانی پدید می‌آورد و می‌شود در این فضا به گزاره‌هایی مانند سخنرانی ترامپ با عنوان از میان برداشتن یک تروریست نه به شکل یک القای هجمه رسانه‌ای بلکه بیشتر به طور آگاهانه درباره نقش شهید قاسم سلیمانی در منطقه خاورمیانه فکر کرد.

ایران

ویژه نامه دومین سالگرد
شهادت سردار شهید قاسم سلیمانی - دیماه ۱۴۰۰

بررسی رابطه میدان و دیپلماسی در گفت‌وگوی اختصاصی با حمیدرضا آصفی سخنگوی اسبق وزارت خارجه:

میدان پشتوانه دیپلماسی است

صفحه ۲۲

مدیر گلزار شهدای کرمان در گفت‌وگویی عنوان کرد

راز نامه‌ای که با سردار دفن شد

صفحه ۲۳

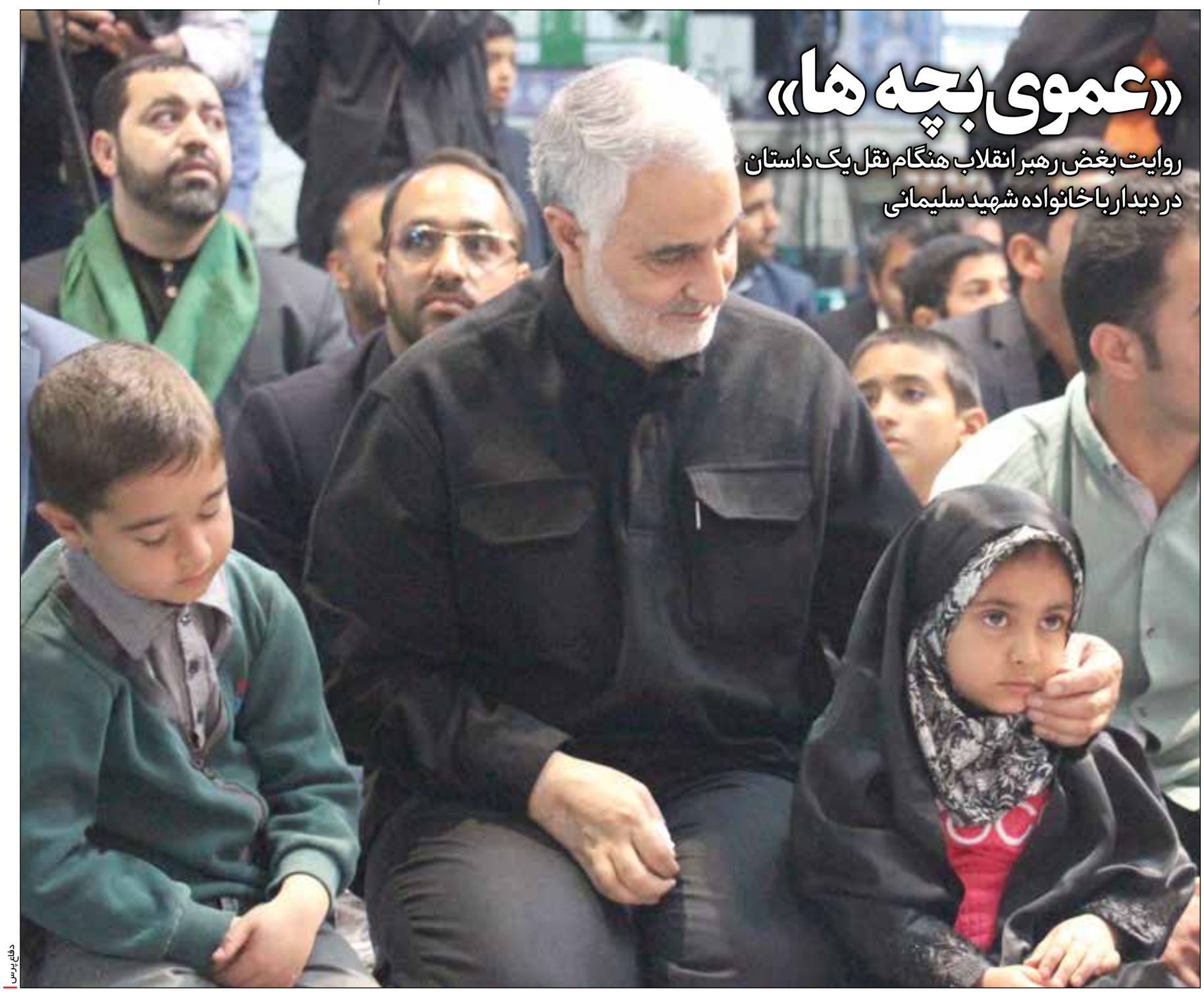

«عموی بچه ها»

روایت بغض رهبر انقلاب هنگام نقل یک داستان در دیدار با خانواده شهید سلیمانی

دفاع پرس

گروه سیاسی/ دیدار روز شنبه رهبر معظم انقلاب با خانواده شهید سلیمانی دقایقی بدیع داشت. از جمله در لحظاتی از این دیدار رهبر معظم انقلاب به ذکر خاطره‌ای از کتابی پرداختند که یکی از همرزمان شهید نوشته بود، خاطره‌ای که بیان و یادآوری‌اش بغض را در گلویشان شکست و در یاد سردار به نحو کم‌سابقه‌ای گریستند.

آن خاطره از کتاب «حاج قاسمی که من می‌شناسم» نقل شد، کتابی به قلم حجت‌الاسلام علی شیرازی که خاطرات نزدیک به چهل سال رفاقتش با شهید حاج‌قاسم سلیمانی را در آن بازگو کرده است. دوستی ای که از سال ۱۳۶۱ در حمیدیه اهواز آغاز شد. آن زمان سردار قاسم سلیمانی از جایگاه فرمانده تیپ ثارالله، سخنران بود و علی شیرازی، روحانی گردان شهید باهنر، شنونده. همانجا عشق حاج‌قاسم به دلش نشست. فروردین ۶۵ آن دوستی شکل همکاری به خود گرفت و حاج‌قاسم، مسئولیت تبلیغات لشکر را به علی‌شیرازی سپرد. همراهی آن دو پس از جنگ نیز ادامه داشت و در سال ۱۳۹۰ به خواست سردار سلیمانی، علی‌شیرازی مسئول نمایندگی ولی‌فقیه در نیروی قدس شد و هشت‌سال از پرفراز و نشیب‌ترین روزهای جبهه مقاومت را با حاج‌قاسم همراه ماند.

داستانی که با عنوان «عموی بچه‌ها» در کتاب «حاج قاسمی که من می‌شناسم» منتشر شده، خاطره‌ای بود که رهبر معظم انقلاب در سخنانشان به آن اشاره داشتند و خلاصه‌ای از آن را نقل کردند. «عموی بچه‌ها» حکایت دلبستگی سردار دل‌ها به خانواده شهدا است. شهدایی که همچون برادران و پسرانش بودند و حالا حاج قاسم از هرفرصتی برای سرزدن و رسیدگی به خانواده‌هایشان استفاده می‌کرد.

در بخشی از این روایت که مورد اشاره رهبر معظم انقلاب نیز قرار گرفت آمده است: «مهدی مغفوری، فرمانده سپاه کرمان بود. آمد جبهه و در عملیات کربلای چهار شهید شد. از فرماندهان عارف کرمان بود. سه فرزند داشت: فاطمه، مریم و مصطفی. همسر فاطمه، علی تهامی - فرزند شهید تهامی - است؛ عقدشان را رهبر معظم انقلاب در سفری که به کرمان داشتند، خواندند. فاطمه خانم، دو بچه دارد: حسین و زینب».

حاج قاسم در نامه‌ای به فاطمه خانم این طور نوشته است:«دخترم و گلم که محبت دخترانه‌ات، خستگی را از من می‌زداید! فاطمه‌ام، خداوند را سپاسگزارم که همسری همچون علی که نزدیک به علی است و بوی شهید از او استشمام می‌شود را به همراهی دو فرزند بسیار خوب عاطفی عزیز به تو عزیز دخترم عطا فرموده است. فاطمه، دختر خوبم، همیشه به دعا و محبت مادرانه‌ات نیازمندم. دخترم، مرا در همه حالات ارتباط با خداوند سبحان، به خاطر بسپار. نیازمند دعای تو هستم؛ نه، من همه امیدم، به دعای تو دختر عزیزم است. فاطمه‌ام، سعی کن همانند فاطمه به علی خدمت کنی و همانند علی و فاطمه، حسین و زینب را بپرورانید.» شوهر فاطمه خانم، علی تهامی، خلبان است. آن روزی که حاج قاسم به خانه‌شان رفته. علی پرواز داشته و خانه نبوده، حاج قاسم، گوشه همان نامه می‌نویسد: «جای علی خالی.»

در ادامه این روایت آمده است: «زینب، دختر فاطمه خانم، مریض شد و به عمل جراحی احتیاج پیدا کرد. حاج قاسم، همین که با خبر شد زینب را برای عمل به بیمارستان برده‌اند، با حسین پورجعفری به بیمارستان رفت. سپس با همه مشغله کاری ایستاد تا زینب را عمل کنند. عمل جراحی با موفقیت تمام می‌شود. فاطمه خانم به حاج قاسم می‌گوید:«حالا که خیال‌تان راحت شد، بروید به کارتان برسید.»

حاج قاسم می‌گوید:«من، بابایت را به جای خودم فرستادم؛ حالا به جای او اینجا هستم.»! آن قدر می‌ماند تا زینب به هوش می‌آید؛ یعنی برای نوه شهید مغفوری هم پدر بزرگی می‌کند.

وقتی مهدی مغفوری شهید شد، فاطمه سه سال داشت. همه بچه‌های ما، آن زمان، در همین سن و سال بودند. حاج قاسم برای همه این بچه‌ها عمویی مهربان بود. با بچه‌ها گرم می‌گرفت. دخترم فاطمه، از بچگی، حاج قاسم را دوست داشت. حاج قاسم هم با او صمیمی بود. اگر به تهران می‌آمد، مشتاق بود هر طور شده، حاج قاسم را ببیند. حاج قاسم، او را عمو صدا می‌کرد؛ او هم عمو می‌گفت.

حجت‌الاسلام شیرازی در ادامه این خاطره افزوده است: «یک روز خانه فاطمه بودیم. فاطمه، دفترچه‌اش را به حاج قاسم داد و از او خواست چیزی برایش بنویسد. همان جا دفترچه را گرفت و برایش نوشت: «برادرزاده عزیزم، فاطمه خانم عزیز! عموجان، من که از خود چیزی ندارم که برای تو بنویسم؛ اما بزرگان ما تأکید زیادی بر رابطه خودشناسی و اثر آن بر عبودیت و توجه به مبدأ هستی خداوند سبحان می‌کنند. خودشناسی یعنی چه؟ خودشناسی یعنی فقر خود را دیدن در مقابل عظمت استغنای الهی. خودشناسی یعنی کوچکی خود را در مقابل عظمت بزرگی خداوند دیدن. خودشناسی یعنی نیاز پیوسته خود را در مقابل هستی بخش بی‌نیاز دیدن. دخترم، هرکس خدا را بشناسد، به او رغبت خاص پیدا می‌کند؛ خصوصاً در عبادات و از گناه و معصیت دوری می‌کند. کسی که عظمت خداوند را دید و شناخت، پاک دامنی و زهد پیدا می‌کند و معرفت به خداوند سبحان، موجب تسلیم و رضای انسان می‌شود. معرفت به خداوند موجب بی‌نیازی از دیگران می‌شود. از خداوند می‌خواهم به دختر متدین و خوب و محجبه قابل افتخار، توفیق توجه به خدا و معرفت به خداوند سبحان بدهد. عمویت و ملتمس دعایت، قاسم سلیمانی ۱۳۹۴/۱/۱۰»

او در ادامه یادآور شده است: «سردار سلیمانی، عاشق بچه‌های شهدا بود. با بچه‌های شهدا زندگی می‌کرد. با آنها غذا می‌خورد و نشست و برخاست می‌کرد. گاهی با بچه‌های شهدا به کوه یا به زیارت امام زاده‌های تهران می‌رفت. تماس فرزندان شهدا با سردار سلیمانی، خیلی راحت برقرار می‌شد. این برنامه، فقط مربوط به ایران هم نبود. در سوریه و لبنان هم که بود، بچه‌های شهدا با او تماس می‌گرفتند، حرف می‌زدند و مشکلات‌شان را می‌گفتند. حتی روز پنجشنبه‌ای که فردایش شهید شد، این تماس‌ها برقرار بود. وقتی به خانه شهید می‌رفت، بچه شهید احساس می‌کرد پدرش آمده؛ احساس می‌کرد گم شده‌اش را پیدا کرده است.»

همایش «دختران حاج قاسم» برگزار شد

یاد زنده شهید سلیمانی

همزمان با فرا رسیدن دومین سالگرد شهادت سردار سلیمانی، گردهمایی «دختران حاج قاسم» در ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی تهران، با حضور اقشار مختلف مردم و جمعی از خانواده‌های شهدا صبح دیروز برگزار شد. در این مراسم که برای دومین سال پیاپی در بسیاری از شهرهای کشور برگزار شد، هزاران دختر جوان تهرانی از نواحی مختلف بسیج به دعوت سپاه محمد رسول‌الله به یاد و نام ایشان گردهم آمدند و بار دیگر با آرمان‌های این شهید گرانقدر بیعت و اعلام کردند که با این شهید والا مقام رابطه دختر و فرزندی معنوی دارند.

در همایش ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی که پرچم سه رنگ جمهوری اسلامی در دست دختران جوان می‌درخشید، گروه‌های زیادی از دختران در طیف‌های مختلف فرهنگی و ورزشی اقدام به اجرای برنامه‌های ورزشی، سرود، شعرخوانی در مدح و ثنای ایران و دختران حاج قاسم کردند. دختران و بانوان با هدف زنده نگه داشتن یاد شهید قاسم سلیمانی و راه و مسیر او در عرصه‌ها و اهتمام به زنده نگه داشتن یاد شهدا و تکریم خانواده آنان، حفظ حجاب و عفاف در این برنامه حضور پیدا کردند. به عقیده بسیاری از دختران و بانوان حاضر در مراسم دیروز، این اجتماع نشان دهنده این است که یاد و راه شهید حاج قاسم سلیمانی زنده است و همچنان ادامه دارد.

به گزارش مهر، در ادامه این همایش النا لاویان، شاعر و دین پژوه اقلیت‌های مذهبی، با بیان ویژگی‌های متمایز حاج قاسم سلیمانی و تکریم آن به ارائه شعر در رثای این شهید بزرگوار پرداخت. او در سخنانی هم گفت: مجالس بزرگداشت شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی، شعاری نیست، شعوری است، شهید سلیمانی حسن‌الخلق در قالب آیین زهرایی دارد. این شاعر ایرانی افزود: برای شهید سلیمانی شیعه، سنی، مسیحی، کلیمی و... فرقی نداشت. وی در جبهه مقاومت نه تنها به دنبال دفاع اسلام، بلکه مظلومان جهان بود. او در ادامه با بیان اینکه راه شهید سلیمانی را به عنوان یک ایرانی کلیمی پیرو حضرت موسی ادامه می‌دهم، گفت: از خدا تشکر می‌کنم که حاج قاسم را در دهه‌های اخیر برای روشن شدن راه سعادت خلق کرد.

مشیری، مسئول دانشگاه آزاد اسلامی هم در سخنانی در این مراسم گفت: مقام معظم رهبری زمانی که واژه کتب حاج قاسم را به کار بردند شاید امروز متوجه شویم که در شرایط امروزی این الگو و اسطوره در همه جنبه‌های زندگی زمینه رسیدن به او را فراهم می‌کند. وی افزود: شهید سلیمانی به بشریت نشان داد که الگوهای اسلامی قابلیت پردازش دارند. مسئول دانشگاه آزاد اسلامی اضافه کرد: سبک زندگی مکتب سلیمانی ابعاد و زمینه‌های مختلف دارد؛ علاقه، سلیقه‌ها در مکتب سلیمانی که اوج مهربانی، دوستی و حق طلبی است وجود دارد. وی تصریح کرد: جنبه‌ای از شخصیت سلیمانی وجه مهربانی و دوستی این شهید بزرگوار است. مشیری خاطرنشان کرد: جمله «همه دختران؛ دختران من هستند» از سوی شهید سلیمانی یک شعار نبود بلکه یک شعور بود.

مجموعه مردمی دختران انقلاب همچنین، همزمان با ایام شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها و سپهبد حاج قاسم سلیمانی دسته عزاداری دختران را با هدف «مطالبه حجاب فاطمی» و با عنوان «دسته عزاداری دختران حاج قاسم» برگزار می‌کند.

این دسته عزاداری با حضور عموم دختران و بانوان و خانواده‌های شهیدان، ابراهیم هادی، قربانخانی، حدادیان، احمدی روشن، جهان‌آرا، خالقی‌پور، وصالی، صیادشیرازی، پلارک، ذوالفقاری، مرتضی کریمی نیری، احمدوند، شهبازی، عالی، امینی، سیدجعفر حسینی، علی خلیلی، رسول خلیلی، رضوان، شهید حاتمی، حسام ذوالعلی، شهید محمدی، الله‌کرم، متوسلیان، شیرودی... و جمعی از علما و مداحان در روز شهادت حضرت زهرا ۱۶ دی از ساعت ۱۴ از چهارراه حضرت ولیعصر (عج) حرکت می‌کند.

ناگفته‌های سردار مارانی از فرماندهی شهید سلیمانی در دفاع مقدس

«حاج قاسم» همیشه سخت‌ترین مأموریت‌ها را می‌پذیرفت

سردار محمد مارانی شامگاه جمعه در مراسم دومین سالگرد سپهبد شهید قاسم سلیمانی و یادواره شهدای شهرستان جیرفت اظهار داشت: شهید سلیمانی چون در مکتب اسلام و امام حسین(ع) بود یقیناً شهادت وی جزو ایام‌الله است و کمترین وظیفه ما این است که در محفلی که به‌نام این شهید عزیز است حضور پیدا کنیم.

به گزارش تسنیم، فرمانده قرارگاه مدینه با بیان اینکه از حاج قاسم سلیمانی گفتن بسیار سخت است، افزود: حاج قاسم سلیمانی از یک خانواده مذهبی و دست‌پاک و سالم رشد کرد و به این مقام رسید.وی با اشاره به خاطره‌ای از دیدار با شهید سلیمانی با یادآوری اینکه سردار عاشق شهادت بود، گفت: روزی خدمت حاج قاسم رسیدم به من گفتند «آقای مارانی، دعا کن من شهید شوم»، من گفتم «حاج قاسم، این حرف را نزنید، شما باید در کنار رهبری باشید»، گفتند «نه، من دلم برای بچه‌ها تنگ شده است.»

مارانی با ابراز اینکه مکتب سلیمانی برگرفته از مکتب امام حسین(ع) است، گفت: حاج قاسم در همه صحنه‌ها و در اتفاقاتی که در دوره زندگی وی رخ داد انسان بزرگی بود و با صلابت ایستادگی می‌کرد.

وی تصریح کرد: آنچه را در شأن حاج قاسم است نمی‌توانم بیان کنم و حاج قاسم را باید از زبان حضرت آقا شنید و رهبری بعد از شهادت حاج قاسم نکات مهمی از وی بیان کردند و من فقط آنچه را دیدم و شنیدم بیان می‌کنم.

فرمانده قرارگاه مدینه با اظهار «شهیدان بزرگی چون بینا، طیاری، مشایخی، معناصری و غیره از این شهر کنار حاج قاسم خدمت کردند» افزود: فرماندهان بزرگی در مکتب شهید سلیمانی تربیت شدند و کسانی که در رکاب حاج قاسم بودند از فرماندهی و مدیریت وی بهره کافی بردند.

وی خاطرنشان کرد: حاج قاسم در دوره جنگ تمامی کارها را خودشان تقسیم و گردان‌ها را به‌خوبی مشخص و همراهی می‌کردند و تصمیمات را خودشان می‌گرفتند و سپس تقسیم کار می‌کردند و در نهایت بهترین و عاقلانه‌ترین تصمیم ممکن را می‌گرفتند و موفق می‌شدند.

مارانی با بیان اینکه شهید سلیمانی حماسه‌های بزرگی را در دفاع مقدس آفرید که واقعاً سخت و شکننده بودند، اضافه کرد: وی در تمام عملیات‌ها موفق عمل کرد و سخت‌ترین مأموریت‌ها را سردار می‌پذیرفت و به‌خوبی عملیات‌ها را مدیریت می‌کرد.وی با بیان اینکه همگی می‌دانستند چه جوهره‌ای در وجود سردار سلیمانی بود و به کارش اعتماد می‌کردند، گفت: عظمت لشکر ثارالله با وجود سردار سلیمانی در جنگ بر کسی پوشیده نبود.فرمانده قرارگاه مدینه با تأکید بر اینکه «شاهد شجاعت‌های شهید سلیمانی در منطقه جنوب شرق بودیم»، خاطرنشان کرد: گروهی از اشرار در حوزه سیستان و بلوچستان جاده را بسته و کارهای بسیار وحشیانه‌ای در این مرز انجام داده بودند و حاج قاسم دستور داد تمام مرزها را ببندند و همه تیپ‌ها را بسیج کرد.

وی با بیان اینکه در تمامی جلسات جذبه، جرأت و مهربانی حاج قاسم همه را متحیر می‌کرد و به وی اعتماد می‌کردند و به تدابیر و پیش‌بینی‌های حاج قاسم اعتماد می‌کردند و می‌پذیرفتند، تصریح کرد: حاج قاسم برایش مهم نبود که اهل چه مذهبی هستند فقط انسانیت برایش مهم بود و به مردم کمک می‌کرد.

فرمانده قرارگاه مدینه با اشاره به اینکه ارادت حاج قاسم به حضرت زهرا(ع) کم نبود و در تمامی دوره‌ها دیده می‌شد که حاج قاسم برای نام حضرت زهرا(ع) گریه می‌کرد و ارادت خودش را نشان می‌داد، گفت: حاج قاسم مدبّرانه یک جریانی را مدیریت و هدایت کرد که هدایت‌شده رهبری بود و یک جریان انقلابی را در بیان تمامی مسلمانان جهان ایجاد کرد.

وی ادامه داد: دشمن می‌خواست حکومت عراق یک حکومت امریکایی شود و تمامی کارها را انجام داده بودند و عراقی‌ها به حاج قاسم متوسل شدند و این شد که امریکا در این کشور شکست خورد و این اتفاق بسیار بزرگی بود.

مارانی متذکر شد: حاج قاسم اعتقاد خاصی به مردم و بسیج داشت و بسیج را عصاره سپاه می‌دانست و کارهای به‌جامانده شهید سلیمانی را ما باید انجام دهیم.

عکس‌ها: علیرضا صوت اکبر / ایران

بررسی رابطه میدان و دیپلماسی در گفت‌وگوی اختصاصی با حمیدرضا آصفی سخنگوی اسبق وزارت خارجه:

میدان پشتوانه دیپلماسی است

گروه سیاسی/ دکتر حمیدرضا آصفی سخنگوی اسبق وزارت خارجه و دیپلمات ارشدی است که اکنون چند سالی است از کسوت دیپلماسی کنار کشیده است ولی همچنان از تحلیل‌های عمیق و پرنکته‌ای برخوردار است. او معتقد است نه‌تنها دیپلماسی با میدان در تضاد نیست، بلکه میدان پشتوانه دیپلماسی است؛ یعنی اگر مؤلفه‌های اقتدار هر کشوری گرفته شود، کاری از دیپلماسی ساخته نیست چون دیپلماسی به‌غیر از میدان پشتوانه‌ای ندارد.

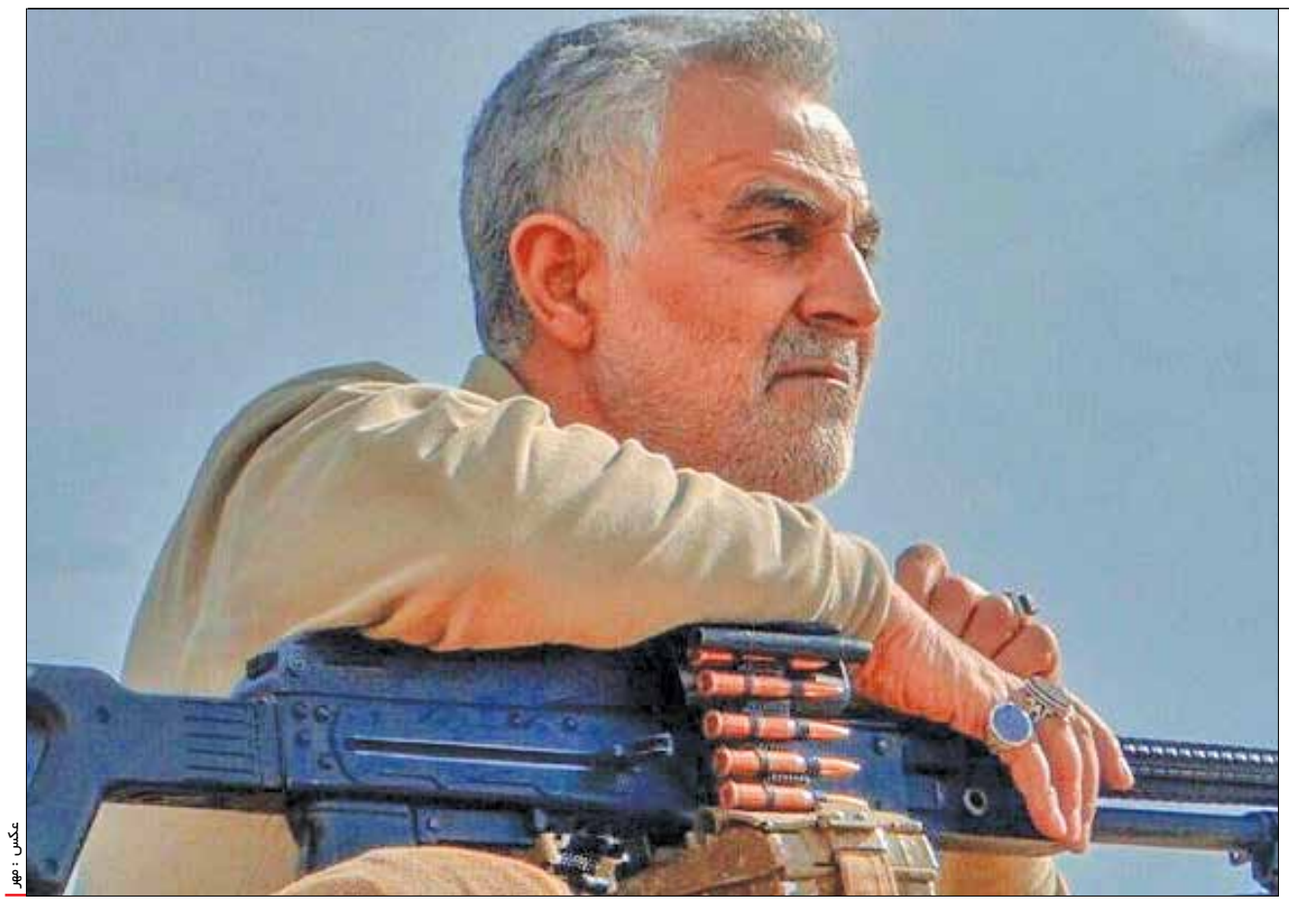
عکس: مهر

■ با توجه به شائبه‌هایی که چندی پیش در خصوص تضاد و دوگانگی بین دو حوزه دیپلماسی و میدان مطرح شده بود، شما چه نظری در مورد ارتباط این دو حوزه دارید؟ آیا واقعاً این دو حوزه متفاوت و منفک از یکدیگرند؟

ما باید اول بدانیم که دیپلماسی و میدان چه معنایی دارد. آیا این دو حوزه با هم در تضاد هستند، یا مکمل یکدیگرند؟ اصلاً دیپلماسی چیست؟ دیپلماسی، یعنی راه و روشی برای تأمین منافع ملی کشورها؛ حالا هر کشوری که باشد. امریکا با دیپلماسی‌اش به‌دنبال منافع ملی خود است، منتها منافع ملی‌اش را نامشروع تعریف کرده است. خب، دیپلماسی کشورهای دیگر مثل روسیه و چین هم در خدمت منافع ملی‌شان است، حتی ایران هم همین‌طور است.

منافع ملی هر کشوری، بستگی به جوهره آن حکومت دارد. هرکشوری منافع ملی خود را به‌گونه‌ای تعریف کرده است. وقتی دیپلماسی برآیند اقتدار هر کشوری باشد، منافع ملی‌اش تأمین می‌شود. اقتدار هرکشور ناشی از قدرت اقتصادی، توان نظامی، قدرت فرهنگی، توان تأثیرگذاری بر مراکز و کشورهای دیگر، بسیج افکار عمومی یا دیپلماسی عمومی است. حالا یک کشور به‌لحاظ اقتصادی خیلی قوی است، ولی به‌لحاظ نظامی ضعیف‌تر است و از آن بهره می‌گیرد.

پس، نه‌تنها دیپلماسی با میدان در تضاد نیست، بلکه میدان پشتوانه دیپلماسی است یعنی اگر مؤلفه‌های اقتدار هر کشوری گرفته شود، کاری از دیپلماسی ساخته نیست چون دیپلماسی به‌غیر از میدان پشتوانه‌ای ندارد. پس، میدان نه‌تنها در ایران، بلکه در تمام دنیا پشتیبان دیپلماسی است. تفکیک این دو از هم اشتباه است. آقای ویلیام برنز، مسئول سی.آی.ای امریکا در کتاب «گفت‌وگوهای پشت‌پرده» می‌گوید، همیشه توان نظامی، دفاعی، قدرت اجماع‌سازی و تحریم‌ها پشتوانه دیپلماسی بوده است. او می‌گوید توان نظامی ما باعث شد هرطور که می‌خواهیم کشورهای دیگر را اداره کنیم.

■ شهید سلیمانی به چه میزان در منطقه تسهیل‌گر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران بوده است؟ شما نقش ایشان در سیاست خارجی ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سردار سلیمانی از ابتدای جنگ در کرمان به عده‌ای از جوانان آموزش داد، گردان درست کرد و به جبهه رفت. ایشان از آن موقع درگیر جنگ، مقاومت و مبارزه بود. در واقع، سردار سلیمانی یک بُعدی نبود. ایشان فقط فرمانده نظامی نبود. ما فرماندهان نظامی زیادی داشتیم. خیلی از آنها همه عمرشان را در جنگ و جبهه و مقاومت بودند، ولی چرا تنها یکی سردار سلیمانی می‌شود؟ برای اینکه چندوجهی بود. قدرت تأثیرگذاری سردار سلیمانی روی گروه‌ها و جریان‌های خارجی بسیار زیاد بود. ایشان می‌توانست در داخل کشور با جریان‌های مختلف نظامی و سیاسی صحبت کند و اجماع درست کند. اگر به‌هر دلیل اجماع حاصل نمی‌شد، نظرات را به همدیگر نزدیک می‌کرد؛ حتی ایشان در عراق، اقلیم کردستان، لبنان و فلسطین هم این گونه عمل می‌کرد. لبنان گروه‌ها و دیدگاه‌های متعددی دارد. با این که دست برتر در اختیار حزب‌الله است، ولی نمی‌توان با زور به آنان امر و نهی کرد. هیچ‌کس در خط مقاومت حاضر نیست که عقیده تحمیلی بپذیرد. بااین‌حال، سردار همه را به زیر یک چتر آورد.

حاج قاسم عزیز به همان میزانی که در ارتباط با سیاسیون و نظامیون موفق بود، همان‌قدر هم با مراجع و علمای دینی موفق بود. این باعث می‌شد که این دیپلماسی از وجوه متفاوت سردار سلیمانی بهره‌مند شود.

■ اگر بخواهیم ماحصل دو حوزه دیپلماسی و میدان را ارزیابی کنیم، شما وزن کدام یک از این دو حوزه را سنگین‌تر می‌دانید؟

دیپلماسی همیشه متکی به میدان است؛ یعنی دیپلماسی در هر کشور متکی به مؤلفه‌های اقتدار آن کشور است. ممکن است کشوری به‌لحاظ نظامی ضعیف باشد، اما در اقتصاد و رسانه قوی باشد. بعضی از کشورهای کوچک، رسانه‌های متعددی درست می‌کنند؛ چون می‌خواهند فضای خبری دنیا را در اختیار بگیرند. با خود می‌گویند حالا که ما به‌لحاظ اقتصادی، اقلیمی، نظامی و جغرافیایی ظرفیت لازم را نداریم، پس، مؤلفه قدرت دیگری درست کنیم. آن مؤلفه قدرت را به‌سمت رسانه می‌برند.

موضوع دیگر اینکه نمی‌توان این مطلب را به‌صورت کلی دید که وزن کدام بیشتر است. با فرض اینکه دیپلماسی متکی به مؤلفه‌های اقتدار داخلی و از جمله میدان است، ولی در شرایط مختلف، متفاوت است. یک‌وقت شما در بحران هستید، یک‌وقت در مشکلات یا جنگ. خب، طبیعی است که میدان به کمک شما بیاید. در این شرایط، وزن میدان سنگین می‌شود. ما در خلال جنگ تحمیلی عراق با ایران، این قضیه را دیدیم. وقتی دیپلماسی تمام تلاش خود را کرد که اجلاس سران کشورهای متعهد را از عراق به‌جای دیگری منتقل کند و فشار روی دیپلماسی زیاد بود، میدان به کمک آمد؛ یعنی پالایشگاه الدوحه و سازمان کنفرانس اسلامی بمباران شد و دنیا گفت که عراق امن نیست. خود صدام گفت که من نمی‌توانم امنیت را تعریف کنم. خب در آن برهه، وزن میدان قوی‌تر و بیشتر بود و میدان به کمک دیپلماسی آمد.

پس، ممکن است در شرایط دیگری دیپلماسی به کمک میدان بیاید؛ یعنی ممکن است دیپلماسی هر کشوری که در آستانه بحران و جنگ است، فعال شود و اجازه ندهد که آن جنگ صورت بگیرد. آنجا دیپلماسی به کمک میدان می‌آید و وزن دیپلماسی سنگین‌تر می‌شود. باید شرایط و فضا را دید و باور داشت که این دو در تضاد با هم نیستند و همیشه هر کدام پشتیبان آن یکی هستند بویژه میدان که می‌تواند مؤلفه‌های اقتدار کشور را بالاتر ببرد.

■ شما در آیین رونمایی از کتاب «تأثیر اندیشه‌های امام خمینی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، گفت‌وگویی داشتید و به این نکته اشاره کردید که تشییع سردار سلیمانی به‌نوعی رفراندوم دیگری برای نظام بود. ممکن است این موضوع را توضیح دهید.

ما در انقلابمان یک تشییع بسیار گسترده داشتیم و آن رحلت حضرت امام(ره) بود که باشکوه‌ترین تشییع جنازه تاریخ شد. خب، آن هم یک نوع رفراندوم بود یعنی حضرت امام(ره) بعد از ۱۰سال از میان ما رفتند و دنیا منتظر بود که ببیند بعد از رفتن حضرت امام(ره)، ایران چه راهی را انتخاب می‌کند؛ انتخاب سریع رهبری توسط مجلس خبرگان به دنیا نشان داد که در ایران راه همان راه امام است و مردم به آرمان‌های خود دل بسته‌اند.

> ما فرماندهان نظامی زیادی داشتیم. خیلی از آنها همه عمرشان را در جنگ و جبهه و مقاومت بودند، ولی چرا تنها یکی سردار سلیمانی می‌شود؟ برای اینکه چندوجهی بود. قدرت تأثیرگذاری سردار سلیمانی روی گروه‌ها و جریان‌های خارجی بسیار زیاد بود. ایشان می‌توانست در داخل کشور با جریان‌های مختلف نظامی و سیاسی صحبت کند و اجماع درست کند. اگر به‌هر دلیل اجماع حاصل نمی‌شد، نظرات را به همدیگر نزدیک می‌کرد؛ حتی ایشان در عراق، اقلیم کردستان، لبنان و فلسطین هم این گونه عمل می‌کرد. لبنان گروه‌ها و دیدگاه‌های متعددی دارد. با این که دست برتر در اختیار حزب‌الله است، ولی نمی‌توان با زور به آنان امر و نهی کرد. هیچ‌کس در خط مقاومت حاضر نیست که عقیده تحمیلی بپذیرد. بااین‌حال، سردار همه را به زیر یک چتر آورد

اما موقعی که سردار شهید شد، تبلیغات زیادی علیه ایران بود که بگویند مردم ناراضی‌اند، گلایه و شکایت دارند و وضع معیشت و اقتصاد ایران خوب نیست. تشییع جنازه سردار سلیمانی خاطره تشییع جنازه امام را زنده کرد. بدون اغراق تقریباً با همان ابعاد بود. خب، این تشییع جنازه و این حضور مردم از شخصیتی که همه عمرش را در راه انقلاب گذرانده بود، نشان‌دهنده پیوستگی مردم با انقلاب بود. من از این جهت گفتم که آن تشییع رفراندوم بود، چراکه به دنیا نشان داد مردم همچنان پایبند به دین، آیین، انقلاب و رهبرشان هستند و باعث شد امریکا و اسرائیل از توطئه علیه ایران ناامید شوند.

رفتن سردار بسیار سنگین و پرهزینه بود، ولی برکاتش کمتر از آن هزینه‌ها نبود. شهدای صدر اسلام رفتند، ولی خونشان اسلام را پُربرکت و ماندگار کرد. خب، سردار سلیمانی رفت ولی باعث شد این نهال و تفکر و رشته مقاومت در میان کشورهای مختلف مثل یمن، افغانستان، سوریه، لبنان، ایران، عراق و شامات محکم‌تر شود. یکی از شخصیت‌های امریکایی گفته بود زدن سردار سلیمانی برای ما خیلی سخت نبود، ولی هزینه ترور و شهیدکردن ایشان بیشتر از منافعش بود. خود آنها هم این را می‌دانستند، منتها آدم احمقی مثل ترامپ آمد و دست به چنین جنایتی زد.

■ شما در مصاحبه‌ای اشاره کردید که اقدام امریکا در ترور شهید سلیمانی حماقت استراتژیک و اشتباه بزرگی بود. به نظر شما این حماقت استراتژیک و اشتباه بزرگ چه اثرات و نتایجی برای امریکا بویژه در بعد منطقه‌ای به‌بارآورده و می‌تواند بیاورد؟

ما باید الان که دو سال از شهادت سردار عزیز گذشته، این وضعیت را ارزیابی کنیم و به این ادعای من که آن موقع گفته شد، بپردازیم که آیا مبالغه بوده یا واقعی است. آنها جنایت کردند و به‌ظاهر سردار را از بین بردند، ولی آیا مقاومت کاهش پیدا کرد؟ نکرد! شرایط امریکا در منطقه بهتر شد؟ نشد! آیا امریکا با فضاحت از افغانستان بیرون نرفت؟ رفت! شرایط امریکا روزبه‌روز در عراق بدتر نمی‌شود؟ می‌شود! آیا امریکا با همکاری عربستان و بعضی دست‌های پشت‌پرده توانسته مقاومت یمن را از بین ببرد؟ آیا امریکا در سوریه به اهداف خود رسید؟ نرسید! آیا الان وضعیت امریکا در افکار عمومی دنیا بهتر است یا چند سال پیش؟ قطعاً الان بدتر است!

وقتی این داده‌ها را کنار همدیگر بگذاریم، می‌بینیم که امریکا ضرر بزرگی کرده است. حالا چرا این اتفاق افتاد؟ چون آن بذری که سردار در این مزارع پاشید و آن نهالی که غرس کرد، به ثمر نشست و آن نهال روزبه‌روز تنومندتر شد. اثر افراد بزرگ این گونه است. رهبر انقلاب به‌مناسبت شهادت حاج قاسم در پیام خود، کلماتی در وصف ایشان به‌کار بردند که علت آن، اثرات اقدامات سردار سلیمانی در طول تاریخ است. در این داستان، ما یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های خود را از دست دادیم، اما امریکا چیزهای زیادی از دست داد.

■ شما دلیل محبوبیت و مقبولیت شخصیت سردار نزد تمام جریانات سیاسی با افکار، سوگیری‌ها و تفکرات مختلف را چه می‌دانید؟

نکته اول اینکه سردار به‌معنای واقعی فراجناحی بود؛ یعنی ادا درنمی‌آورد. اگر آدم ادا دربیاورد، بالاخره جایی معلوم می‌شود البته ایشان تنها یک قطب‌نما داشت و آن ولایت و رهبری بود و ذیل آن تمام جناح‌ها را به یک شکل می‌دید. باور او در اطاعت از رهبری خلاصه می‌شد و واقعاً فراجناحی بود. وقتی آدم فراجناحی باشد و تظاهر نکند، ماندگار خواهد شد. نگاه سردار به کشور فراگیر بود. نکته دوم که بر نکته اول مقدم است، خلوص و محبت ایشان بود. به‌نظرم اگر آدم خلوص داشته باشد، خدا مهر او را در دل بقیه می‌اندازد و لازم نیست که آدم برای محبوبیت خود کار کند. لذا، اول خلوص و بعد فراجناحی‌بودن ایشان مورد توجه است. نکته سوم، تبعیت محض از رهبری است. این موارد باعث شد که ایشان فرد مورد اعتماد مردم، مقبول و الگو قلمداد شود.

در تشییع جنازه ایشان از همه جناح‌ها و طیف‌ها بودند. آدم فکر می‌کند که بعضی از افراد به انقلاب وابسته نیستند، ولی در تشییع ایشان دیدیم که عمیقاً هستند. پس، در اینجا ما با سه محور اصلی عدم تظاهر، خلوص و تبعیت از ولایت مواجهیم. مجموع این نکات باعث شد که سردار سلیمانی همچنان محبوب قلب‌ها بماند و ان‌شاءالله خواهد ماند.

گفت‌وگوی شنیدنی فرزند دبیرکل سابق حزب‌الله درباره سردار سلیمانی

داستان تسبیح و وصیت حاج قاسم برای دختر سیدعباس موسوی

در آستانه دومین سالگرد شهادت سردار سپهبد «حاج قاسم سلیمانی» و «ابومهدی المهندس» و همراهان باوفایشان، «بتول‌سادات موسوی» دختر سید «عباس موسوی» دبیرکل سابق حزب‌الله لبنان در گفت‌وگو با وب‌سایت خبری العهد به ویژگی‌های برجسته شهید سلیمانی و ملاقات‌هایی که با ایشان داشت، پرداخت.

به‌گزارش تسنیم، دختر دبیرکل سابق حزب‌الله لبنان اظهارداشت: سردار قاسم سلیمانی مردی افسانه‌ای و عاشق خانواده‌های شهدا بود و به آنها رسیدگی می‌کرد. چند سال قبل شنیدم که مادر حاج قاسم فوت کرده‌اند و بسیار ناراحت شدم؛ چرا که با خودم گفتم حتماً قلب حاج قاسم اکنون بسیار غمگین و محزون است، اما هرگز احساس نمی‌کردم که ملاقاتی بین ما اتفاق بیفتد؛ مدتی بعد یکی از دوستانم نزد من آمد و از من خواست که در آن روز به چیزی فکر کنم و بدون اینکه توضیحی بدهد من را به دفتری برد و در آنجا گفت که «ما اکنون نزد حاج قاسم سلیمانی هستیم.» آن لحظه احساس کردم که همه دنیا برای من است. ما در آن دفتر چای خوردیم و سپس به‌سمت طبقه بالا رفتیم و حاج قاسم به استقبالمان آمد.

بتول‌سادات موسوی افزود: حاج قاسم شخصاً از ما پذیرایی کرد و من از همان لحظات اولِ ملاقات، ابهت و هیبت ایشان را به‌شکلِ عجیبی احساس کردم اما به‌زودی احساس آرامش به من دست داد و متوجه شدم در برابر پدری مهربان و دلسوز هستم و گویا مدت‌هاست که او را می‌شناسم. من فوت مادرشان را به ایشان تسلیت گفتم و سپس حاج قاسم شروع به سؤال پرسیدن کرد. ایشان از من پرسید که چند فرزند دارم، شغل همسرم چیست و چه کار می‌کنم و ساکن کجا هستم و وقتم را چگونه می‌گذرانم. سؤالات ایشان نشان داد که خانواده شهدا نزد حاج قاسم چه جایگاه بالایی دارند و ایشان به این خانواده‌ها تا چه‌اندازه توجه می‌کند.

در ادامه مصاحبه دختر سید عباس موسوی با وب‌سایت العهد آمده است: سپس من نیز شروع به سؤال پرسیدن از حاج قاسم کردم و ایشان از من پرسید که «آیا دخترم زینب را می‌شناسی؟»، انگار می‌خواست به من بگوید که «می‌خواهم او را بشناسی». حاج قاسم تسبیحی در دست داشت ناگهان آن را به من داد و گفت «این تسبیح برای من بسیار عزیز است، همیشه آن را گم می‌کنم سپس به‌زودی پیدا می‌شود. این تسبیح را به تو می‌دهم به‌شرطی که هر روز هزار بار با آن صلوات بفرستی.»، سپس به من گفت «زمانی که شهید شدم باید این تسبیح با من دفن شود.»

از همان دیدار اول با حاج قاسم حسرت شهادت را در چهره ایشان احساس کردم و ایشان داستان‌هایی از امام زمان (عجّل‌الله تعالی فرجه) و اهل‌بیت (علیهم السلام) و علاقه ویژه خود به حضرت امام خامنه‌ای برایم تعریف کرد.

وی ادامه داد: در این ملاقات کوتاه متوجه شدم که حاج قاسم فردی بسیار مهربان و دلسوز و متواضع و صمیمی است. ایشان هدایایی به ما داد که شامل لوح‌هایی بود که نام خداوند روی آنها حک شده بود. من از اینکه هیچ هدیه‌ای با خودم برای ایشان نبرده بودم بسیار خجالت کشیدم؛ چرا که نمی‌دانستم قرار است به دیدن حاج قاسم برویم، اما یک تسبیح کوچک با خود به‌همراه داشتم که قبلاً از مشهد خریده بودم و این تسبیح را به ایشان دادم و حاج قاسم بسیار خوشحال شد.

سپس دختر دبیرکل سابق حزب‌الله گفت: هنگام خداحافظی حاج قاسم با تواضع فراوان ما را تا دم در بدرقه کرد و به من گفت «ان‌شاءالله به دیدار شما می‌آیم». من تصور نمی‌کردم ایشان به‌دلیل مشغله و مسئولیت‌های فراوانی که دارد وقت دیدار با ما را داشته باشد. اما چند ماه بعد برادرم آقا یاسر تماس گرفت و از من خواست که نزد او بروم، از او پرسیدم «قضیه چیست؟»؛ اما توضیح بیشتری نداد. بله، آن روز حاج قاسم سلیمانی میهمان ما بود و هدایایی نیز همراه خود آورده بود و در دیدارهای بعدی نیز همین اتفاق افتاد، ما واقعاً شرمنده ایشان و سخاوتشان شدیم.

عکس: ایبنا

> در آخرین دیدار فضا بسیار آرام بود و نوه‌ها حضور نداشتند و تنها من و برادرانم و همسرانشان بودیم. در آن روز آرامش عجیبی در چهره حاج قاسم بود و بسیار لبخند می‌زد. من این بار نمی‌خواستم خیلی صحبت کنم و از گوش دادن به صحبت‌های حاج قاسم و نگاه کردن به لبخندش لذت می‌بردم و احساسی به من می‌گفت که باید با او خداحافظی کنیم

بتول‌سادات موسوی ابراز کرد: حاج قاسم با ما احوالپرسی کرد و با سایر اعضای خانواده نیز آشنا شد و احوال ما را یکی یکی پرسید. حاج قاسم نه‌تنها متواضع بلکه بسیار صمیمی بود و حضور او آرامش وصف‌ناپذیری را برای ما به ارمغان می‌آورد. هر بار که اسم هریک از نوه‌ها را می‌پرسید او را نوازش می‌کرد، مثلاً از دختر برادرم پرسید «نامت چیست؟»، او پاسخ داد «نور»، سپس حاج قاسم گفت: «تو چراغ خانه هستی» و خندید. در این ملاقات حاج قاسم از من درباره تسبیحی که به من داده بود سؤال کرد و من به ایشان گفتم چون نمی‌دانستم که به دیدار ما می‌آیند تسبیح را با خودم نیاوردم، سپس حاج قاسم گفت «ان‌شاءالله دیدار بعدی در منزل بتول خانم باشد.»

وی تأکید کرد: من خیلی خوشحال شدم و انتظار نداشتم که حاج قاسم با امور مهم و حساس نظامی و سیاسی و مسئولیت‌های بزرگی که به‌عهده دارد وقت پیدا کند که به منزل من سر بزند. ایشان قبل از اینکه برود بلند شد تا هدایایی را که با خود آورده بود به ما بدهد. حاج‌قاسم کاملاً خودجوش رفتار می‌کرد و همه در حضور ایشان آرامشی بی‌نظیر داشتند و در پایان پیشنهاد داد که یک عکس جمعی بگیریم. بعد از مدتی حاج قاسم افتخار داده به منزل ما آمد و زمانی که با من صحبت می‌کرد به من می‌گفت: «عموجان، چطوری؟ چه خبر، عموجان؟»

دختر سید عباس موسوی اضافه کرد: حاج قاسم به جوانان علاقه زیادی داشت و به فرهنگ آنها و سؤالاتشان توجه می‌کرد، قلبی بسیار رئوف و مهربان داشت و هرگاه از فاجعه جنگ داعش در سوریه و مصیبت‌هایی که به سر مردم این کشور آمد صحبت می‌شد چهره ایشان تغییر می‌کرد و بسیار غمگین می‌شد. جنبه انسانی شخصیت حاج قاسم بسیار برجسته بود.

بتول‌سادات موسوی در ادامه به آخرین دیداری که با سردار شهید سلیمانی داشت پرداخت و گفت: در آخرین دیدار فضا بسیار آرام بود و نوه‌ها حضور نداشتند و تنها من و برادرانم و همسرانشان بودیم. در آن روز آرامش عجیبی در چهره حاج قاسم بود و بسیار لبخند می‌زد. من این بار نمی‌خواستم خیلی صحبت کنم و از گوش دادن به صحبت‌های حاج قاسم و نگاه کردن به لبخندش لذت می‌بردم و احساسی به من می‌گفت که باید با او خداحافظی کنیم.

وی در پایان این مصاحبه گفت: حاج قاسم حتی از دور هم حال ما را درک می‌کرد، یک روز خیلی ناراحت بودم و غم سنگینی را روی سینه‌ام احساس می‌کردم که تلفن زنگ خورد و صدای آرامی به من گفت «حالت خوبه، عموجان؟»، من در ابتدا این صدا را نشناختم و سپس به او گفتم «ببخشید، شما را نمی‌شناسم اما صدایتان بسیار آشناست»، سپس خندید و من متوجه شدم که حاج قاسم است، انگار که از حال من خبر داشت.

عکس‌ها: خبرگزاری فارس

سردار سلیمانی و سردار حسنی سعدی

مدیر گلزار شهدای کرمان در گفت‌وگویی عنوان کرد

راز نامه‌ای که با سردار دفن شد

حاج قاسم کار در سپاه قدس را با غسل شهادت آغاز کرد

محمدرضا حسنی سعدی در دوران دفاع مقدس همزمان با سال ۶۰ در عملیات کرخه نور با حاج قاسم آشنا می‌شود، اما در عملیات بیت‌المقدس در بند اسارت عراق می‌افتد و بیش از هشت سال را در زندان‌های عراق زیر شکنجه نیروهای صدام سپری می‌کند. سال ۶۹ وقتی که پس از ۳ هزار و ۳۵ روز به کشور بازمی‌گردد، حاج قاسم اولین نفری است که به استقبالش می‌آید.

ارتباط او با حاج قاسم پس از اسارت هر روز قوی‌تر می‌شود؛ تا جایی که حسنی سعدی پس از مدتی در لشکر ثارالله مسئولیت می‌گیرد و همراه با حاج قاسم در فعالیت‌های مختلف حضور می‌یابد. زمانی که سردار سلیمانی به‌عنوان فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران منصوب شد، حسنی سعدی هم مدیر بنیاد شهید کرمان می‌شود و از آن زمان دیدارهای حاج قاسم با خانواده شهدا بیشتر و بیشتر می‌شود.

حاج قاسم چه در دوران جنگ تحمیلی و چه پس از آن و حتی زمانی که در نیروی قدس حضور داشت، ارتباط مستمر با خانواده شهدا را ترک نکرد؛ به طوری که به گفته حسنی سعدی، در طول ۲۱ سالی که در تهران هم بود، هر وقت به کرمان می‌آمد، به خانواده شهدا سر می‌زد و به درد دل فرزندان شهدا گوش می‌داد و به ما هم می‌گفت که مشکلات فرزندان شهدا را پیگیری کنید. همین ارتباط حاج قاسم با خانواده شهدا و رفتار ایشان بود که باعث شد نه تنها در زمان حیات، بلکه پس از شهادت نیز همچنان در دل‌ها جا داشته باشد و در مزارش که در گلزار شهدای کرمان است، با اینکه نزدیک دو سال از شهادتش می‌گذرد، هر لحظه صف طولانی از زائران، ساعت‌ها منتظر بمانند تا کمی با او درد دل کنند و دقایقی را در کنار مزار مرد میدان به زیارت مشغول شوند.

در ادامه گفت‌وگوی فارس با سردار «محمدرضا حسنی سعدی» را که اکنون مدیر گلزار شهدای کرمان است، درباره رابطه حاج قاسم با خانواده شهدا می‌خوانیم.

■ آشنایی شما با حاج قاسم به چه زمانی برمی‌گردد؟

تیرماه سال ۶۰ برای عملیات کرخه نور آماده می‌شدیم. نیروها دو بخش شدند و دو مرحله عملیات انجام شد. مسئول عملیات اول غلام‌عباس گلزار بود و مرحله دوم با مسئولیت علی مهاجری صورت گرفت که حاج قاسم هم با آنها در عملیات شرکت کرد و در همان عملیات دست راستش مجروح شده بود. نیروهای کرمان که وارد جبهه می‌شدند، فرماندهان همه دوست داشتند که بچه‌های کرمان با آنها باشند. من همان جا با سردار سلیمانی آشنا شدم. جوانی متین و کم‌حرف. در زمان بازگشت از عملیات، در مسجدجامع کرمان باهم صحبت کردیم. پس از مدتی در آبان سال ۶۰ در عملیات بستان او را مجدد ملاقات کردم. بعد هم در عملیات بیت‌المقدس جانشین گردان بودم و ایشان فرمانده تیپ. برای اینکه وضعیت عملیات را با نیروها ساماندهی کنم همه را به نمازخانه دعوت کرده بودم. صحبتم که تمام شد، از در نمازخانه خواستم بیرون بیایم که دیدم حاج قاسم هم وسط نیروها سرش را پایین انداخته و صحبت‌های من را هم شنیده بود. حاج قاسم خیلی باهوش بود و همیشه نیروها را ارزیابی می‌کرد. من در همان عملیات مجروح و دهم اردیبهشت سال ۶۱ به اسارت دشمن درآمدم.

■ چند سال در اسارت بودید و پس از اسارت روابط شما چگونه ادامه پیدا کرد؟

۳۰ مرداد سال ۶۹ بعد از هشت سال و سه ماه و ۲۰ رو از اسارت بازگشتم. جالب اینجاست که اولین کسی که به استقبالم آمد، حاج قاسم بود. او کنارم روی صندلی نشست و کمی با هم صحبت کردیم. ارتباط من و حاج قاسم آن زمان بیشتر شد. در عروسی‌ام شرکت کرد و یک روز که افطار دعوتش کرده بودم، یک فرش ماشینی به من هدیه داد. فرش را هنوز دارم.

بعد با هم نماز خواندیم و خواستیم افطار کنیم. یک لیوان آب جوش خورد و بعد به من گفت: «در کوچه مادرخانم شهید کازرونی مرا دیده و اصرار کرده است که افطار خانه آنها بروم. اگر نروم ناراحت می‌شود. تو خودی هستی، اجازه بده آنجا بروم.» من هم پذیرفتم و او به منزل مادرخانم شهید کازرونی رفت.

یک روز هم قبل از عروسی به من گفت: ناهار کجایی؟ گفتم: جایی نیستم. گفت: جایی قول نده با هم خانه ما برویم، برای ناهار. خودش پشت ماشین نشست. خانه حاج قاسم در خیابان ابوذر کرمان بود. در ورودی خانه سوئیت کوچکی برای میهمان‌ها داشت. حاج قاسم خیلی میهمان‌نواز بود. ناهار که از بیرون گرفته بود، خوردیم و بعد از عملیات کربلای ۵ و سختی‌های جنگ تحمیلی گفت.

حاج قاسم تعریف کرد که در عملیات کربلای ۵ حدود ۵۰۰ نفر شهید داده بود و هر خاطره‌ای تعریف می‌کرد در ادامه می‌گفت که همیشه دلم می‌خواست من جای بچه‌ها می‌رفتم و آنها هنوز بودند. بعد از مدتی که از اسارت بازگشته بودم، به من مسئولیت جمع‌آوری آثار شهدا و ایثارگران را داد و پس از چند پیشنهاد دیگر، به لشکر ثارالله رفتیم. مقطعی تأیید صلاحیت لشکر و بعد معاونت نیروی انسانی لشکر بودم. آن موقع بواسطه مسئولیتی که داشتم، ارتباط کاری ما بیشتر شد.

وقتی از لشکر خداحافظی کرد و قرار شد به‌عنوان فرمانده نیروی قدس به تهران برود، در مراسم معارفه در تهران گفت: «امروز که می‌آمدم، دیدم در کوله پشتی هیچ چیزی ندارم. غسل شهادت و بعد به خدا توکل کردم. امیدوارم در این مسیر سربلند باشم.» کسی که هشت سال دفاع مقدس حضور داشته و توانسته امنیت را به جنوب شرق کشور بازگرداند و خدمات بسیاری برای کشور کرده بود، می‌گوید که هیچ چیز ندارم! این تواضع حاج قاسم بود.

■ یکی از موضوعاتی که همیشه مطرح است و بعد از شهادت حاج قاسم هم بیشتر نمایان شد، ارتباط سردار سلیمانی با خانواده شهدا است. وقتی که به تهران آمدند، این ارتباط با خانواده شهدا در کرمان چگونه حفظ شد؟

حاج قاسم در ۲۱ سالی که در تهران حضور داشت، مرتب با خانواده شهدا ارتباط داشت. با توجه به اینکه من مدیر بنیاد شهید کرمان شده بودم، با من تماس می‌گرفت تا دیدار با خانواده شهدا را هماهنگ کنم و حتی تأکید می‌کرد که مشکلات فرزندان شهدا را پیگیری کنم و درباره آنها از من می‌پرسید. حتی روزهای اولی که به‌عنوان مدیر بنیاد شهید کرمان معرفی شدم، به من گفت «مشهد رفتی؟» می‌خواست تشویقی مرا مشهد بفرستد. منم تازه برگشته بودم. پس از مدتی هم به دفترش رفتم.

حاج قاسم چند توصیه کرد و گفت: با مسائل مالی جدی برخورد کن و مواظب باش. بعد گفت که همه فرزندان شهدا را خانه‌ات دعوت کن. خیلی ارتباط عاطفی با آنها داشت و بخشی از موفقیت حاج قاسم ایجاد ارتباط با طرف مقابل بود.

می‌گفت: «همه را دعوت کن.» من گفتم: «چهار هزار و ۶۲۴ نفر هستند. مگر می‌شود؟» گفت: «اگر بخواهی شدنی است. گروه گروه دعوت کن.» خودش با فرزندان شهدا ارتباط داشت و به آنها شماره شهید پورجعفری را داده بود و گفته بود که هر موقع با من کاری داشتید، با پورجعفری تماس بگیرید و بیایید. بچه‌های دفترش تعریف می‌کردند که چندین بار فرزندان شهدا گروه گروه به دیدار حاج قاسم می‌آمدند. یک مرتبه ۱۵ نفر از فرزندان شهدا می‌خواستند حاج قاسم را ببینند که ایشان آنها را ناهار دعوت می‌کند. یکی از فرزندان شهید کمردرد داشت. حاج قاسم آنقدر عاطفی بود، به او گفته بود: «من هم کمردرد داشتم. برای همین هم واردم چه جوری ماساژ دهم تا آرام شود. بخواب تا ماساژ دهم.» کنار مهره‌های کمر حاج قاسم چند ترکش بود و گاهی کمردرد هم داشت. دوستم تعریف می‌کرد، فرزند شهید خوابید تا حاج قاسم کمرش را ماساژ دهد. همین که حاج قاسم در حال ماساژ بود، فرزند شهید هم از نامهربانی روزگار و برخورد دیگران با خودش درددل می‌کرد. وقتی مشکلاتش را مطرح می‌کرد، حاج قاسم هم گریه می‌کرد، تا جایی که اشکش پشت فرزند شهید می‌ریخت. من وقتی که حاج قاسم فرمانده نیروی قدس بود، نمی‌توانستم برایش کاری کنم. تنها کاری که از دستم برمی‌آمد، برقراری ارتباط با خانواده شهدا بود. چون پورجعفری گفته بود وقتی حاج قاسم با مادر شهدا صحبت می‌کند، درد و خستگی‌هایش فراموش می‌شود و حالش تغییر می‌کند. برای همین هم من هر بار سعی می‌کردم، تا جایی که امکان دارد، موقعیتی فراهم کنم تا سردار سلیمانی با خانواده شهدا بویژه مادر شهدا دیدار یا گفت‌وگو داشته باشد.

> شهید پورجعفری گفته بود وقتی حاج قاسم با مادر شهدا صحبت می‌کند، درد و خستگی‌هایش فراموش می‌شود. برای همین هر بار سعی می‌کردم موقعیتی فراهم کنم تا سردار سلیمانی با خانواده شهدا بویژه مادر شهدا دیدار یا گفت‌وگو داشته باشد

■ خاطراتی از این دیدارها برایمان تعریف کنید.

حاج قاسم به همه خانواده شهدا ارادت خاصی داشت. مخصوصاً آنهایی که مادر و پدر دو شهید به بالا بودند. خانواده شهید موحدی، مغفوری، محتشم، آقامولایی، سلاجقه، جعفرزاده، ماهانی، هندوزاده، گرامی، نصراللهی و... را تک به تک اسم می‌برد و جویای حال‌شان بود. یک روز خانه مادر شهید لنگری‌زاده رفتیم. حاج قاسم حواسش نبود و مادر شهید خودش را انداخت جلوی پای حاج قاسم. حاج قاسم سریع چادر مادر شهید را بوسید و به او گفت: «مادر اگر پسر تو نبود، ما ۴۰ شهید می‌دادیم و شهر بزرگی در سوریه را از دست می‌دادیم.» حاج قاسم در برابر خانواده شهدا متواضع بود و طوری کنار مادر شهدا می‌نشست و صحبت می‌کرد که انگار چندین سال است که آنها را می‌شناسد. اصلاً رابطه او با مادر شهدا دیگر مثل رابطه مادر و فرزندی شده بود.

یک روز خانه مادر شهید موحدی رفتیم. حاج قاسم خودش پشت ماشین نشست. برادر شهید رفت در خانه را باز کند تا ماشین و مادر شهید داخل بیایند. ویلچر آوردند مادر شهید بنشیند. حاج قاسم رفت ویلچر را از دست برادر شهید گرفت و گفت: «همه ثواب‌ها را خودت می‌خواهی ببری.» مادر شهید را داخل خانه آورد و مثل فرزند مؤدب کنارش نشست.

یک روز هم در جاده داشتیم از بافت برمی‌گشتیم. در ماشین بودیم که برای خوشحالی حاج قاسم با مادر شهیدان هندوزاده ارتباط تلفنی برقرار کردم و گوشی را به سردار سلیمانی دادم. حاج قاسم احوالپرسی کرد و گفت: «مادر چطوری؟» او هم گفت: «خوبم.» چند بار این مکالمه تکرار شد؛ تا اینکه حاج قاسم گفت: «نه! تو کسالت و ناراحتی داری.».

من گفتم: «حاجی تازه به منزل شان رفتم، مشکلی نیست.» حاج قاسم به مادر شهید اصرار کرد تا اینکه او گفت: «فرزندی دارم که بیماری صعب العلاج دارد.» بعد از دلداری مادر شهید، حاج قاسم به من گفت: «دیدی به تو گفتم مشکلی دارد.» پس از آن هم دستور داد تا مشکل آنها را بررسی و هر کاری از دستمان برمی‌آید، برایش انجام دهیم. سردار سلیمانی برای خانواده شهدا نامه می‌نوشت و گاهی به برخی از آنها کتابی هم هدیه می‌داد که بسیاری از این فرزندان شهدا یادگاری‌هایی از حاج قاسم دارند.

روزی هم حاج قاسم به خانه فرزند شهید نصرتی‌پور رفته بود و دختر شهید هم پس از آن نامه پرمهری برای تشکر از سردار سلیمانی نوشته بود که در آن آمده بود: «... تنها روزی بود که در کل دوران زندگی سی و پنج ساله‌ام، حضور پدر شهیدم را در کنارم احساس کردم و به خود بالیدم که به لطف خدا و توفیق فرزند شهید شدنم، لیاقت حضورتان را داشتم...» شهید پورجعفری تعریف می‌کرد که وقتی این نامه به دست حاج قاسم رسید بسیار خوشحال شد و در پاسخ به این نامه نوشت: «نامه پر از محبت، خستگی را از عموی جامانده به انتظار نشسته‌ات زدود... وصیت می‌کنم این نوشته تو را در کفنم بگذارند و یقین دارم که ناجی من در آن تنگنای تاریک خواهد بود.» البته این نامه هم پس از شهادت حاج قاسم در کنار پیکر مطهر ایشان دفن شد.

سردار سلیمانی با همه مشغله‌ها، حواسش به همه جا بویژه خانواده شهدا بود. امکان نداشت در اوج خستگی و سختی مأموریت‌ها، به فکر فرزندان شهدا نباشد و همیشه از آنها می‌خواست تا برای شهادتش دعا کنند. او یک تنه با استکبار جنگید. اما ما دیر حاج قاسم را شناختیم.

سردار سلیمانی و سردار حسنی سعدی در دیدار خانواده شهدا

سردار سلیمانی و سردار حسنی سعدی بر مزار شهدای کرمان

همایش دختران حاج قاسم در تهران / علیرضا صوت اکبر–آژانس عکس ایران

مراسم دومین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی در اهواز/ تسنیم

حال و هوای مزار سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در کرمان/ فارس

رهبر معظم انقلاب در دیدار خانواده و اعضای ستاد بزرگداشت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، این شهید عزیز را «ملی‌ترین و امتی‌ترین شخصیت ایران و دنیای اسلام» توصیف کردند. آنچه در این تصاویر می‌بینید، گویای همین واقعیت است. گویای این حقیقت که حتی دو سال پس از ترور ناجوانمردانه این سردار بزرگ جهان اسلام، در سراسر منطقه، از شهرهای کوچک و بزرگ ایران تا عراق و لبنان و یمن، یاد و نام شهید قاسم سلیمانی زنده و پاینده است. این خود بیان مسأله دیگری است که رهبر معظم انقلاب به آن اشاره کردند؛ اینکه «امروز سلیمانی در منطقه ما نماد امید، اعتماد به‌نفس، رشادت و رمز استقامت و پیروزی است و همچنانکه برخی به درستی گفته‌اند، «شهید» سلیمانی برای دشمنانش خطرناک‌تر از «سردار» سلیمانی است.»

دومین سالگرد شهادت سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی در کربلا

دومین سالگرد شهادت سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس در بغداد / AP

دومین سالگرد شهادت سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی در بغداد / AP

مراسم گرامیداشت شهید حاج‌قاسم‌سلیمانی در وزارت امور خارجه/ برنا

گردهمایی تقریب مذاهب در مصلای امام علی کرمان/ ابوذر احمدی زاده – آژانس عکس ایران

نمایشگاه عکس «سرو روان» به مناسبت دومین سالگرد شهادت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی/ خبرگزاری دفاع مقدس

حال و هوای مزار سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در کرمان/ فارس

همایش دختران حاج قاسم در ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی تهران / علیرضا صوت اکبر–آژانس عکس ایران

ایران

ویژه نامه دومین سالگرد
شهادت سردار شهید قاسم سلیمانی - دیماه ۱۴۰۰

اختصاصی «ایران»

اسرار حاج قاسم

گفت‌وگوی مدیر شبکه تلویزیونی المیادین با سید حسن نصرالله

دبیر کل حزب الله لبنان در اولین سالگرد شهادت شهید سلیمانی که متن فارسی این گفت‌وگو برای اولین بار در «ایران» منتشر می‌شود

ایرنا

تصویر منتشر نشده از دیدار شورای مرکزی حزب الله لبنان با رهبر انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۴

آنچه می خوانید گفت و گوی اختصاصی غسان بن جدو، مدیر شبکه تلویزیونی المیادین با آقای سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان است که دقیقاً یک سال پیش انجام شده است و توسط آقای رامین حسین آبادیان ترجمه شده است.

***

غسان بن جدو: ما در حال حاضر در آستانه اولین سالروز شهادت دو شهید بزرگ یعنی «قاسم سلیمانی» و «ابو مهدی المهندس» قرار داریم. گذشت زمان ثابت خواهد کرد که این دو شهید بزرگ چه خدماتی را به آزادگان در سراسر جهان ارائه کردند. تونل‌های «غزه»، دیوارهای «بغداد»، «تکریت»، «اعظمیه» و... گواه بر این خدمات هستند. سوریه سربلند با ملت بزرگی که دارد گواه بر این خدمات است. «حلب سرافراز» خود گواه بر این خدمات است. امریکای لاتین محاصره شده خود به خوبی این خدمات را می‌شناسد. «ضاحیه» عزت و شرافت این خدمات را می‌شناسد. میدان‌های عربی که در برابر تجاوزگری‌های اعراب ایستادند، به خوبی از این خدمات آگاه هستند. جملگی آنچه که نام بردیم، می‌دانند که «حاج قاسم» چه خدمات میدانی، راهبردی و انساندوستانه ای را ارائه کرده است. آنها به خوبی می‌دانند که ما درباره یار همیشگی «حاج قاسم» یعنی «ابو مهدی المهندس» چه می‌گوییم؟ اگر بخواهیم با زبان انصاف سخن بگوییم، باید گفت که او [شهید المهندس] با تمام وجود خود در برابر اشغالگری و تروریسم ایستادگی کرد. او تا آخرین نفس خود با فلسطین و امت اسلامی باقی ماند. «حاج قاسم سلیمانی» و «ابو مهدی المهندس» تا آخرین نفس و لبخند خود و از زمان حیات تا شهادت‌شان در خط مقاومت ایستادند. با تمامی این‌ها، این فریبکار بازنده [ترامپ] سال بی ثمر و بی نتیجه خود را با ترور آغاز کرد و جنایت قتل دو فرمانده بزرگ را رقم زد. این جنایت در برابر دیدگان ملت‌ها اتفاق افتاد. کسی که این جنایت را رقم زد، در واقع فردی است که در انتخابات و در برابر مردم خود شکست خورد. در این میان، برخی از گمراهان نیز در تبعیت از او در مسیر عادی‌سازی روابط با دشمن صهیونیستی گام نهادند. این عادی‌سازان، همان شرکای جنایت قتل فرماندهان هستند. با این حال، مقاومت با عقل و قلب خود از این دو شهید بزرگ استقبال به عمل آورد. مهمترین اتفاقی که پس از شهادت آنها رخ داد، مراسم‌های باشکوه تشییع پیکرهای‌شان بود که روزها و لحظات تاریخی‌ای را رقم زد. با برگزاری مراسم‌های باشکوه تشییع پیکرها پروژه استقلال و آزادی تکمیل شد. اکنون ما در اینجا افتخار میزبانی «سید حسن نصرالله» را داریم.

■ **جناب «سید حسن نصرالله» در آغاز اگر صحبتی دارید بفرمایید.**

در ابتدا خدمت تمامی مسیحیان و مسلمانان در سراسر جهان فرا رسیدن سال نو میلادی و ولادت حضرت مسیح(ع) را تبریک می‌گویم. امیدوارم که این سال جدید در مقایسه با سال‌های گذشته، سال متفاوتی باشد. همچنین می‌خواهم از مناسبت اولین سالروز شهادت فرماندهان بزرگ و عظیم یعنی «حاج قاسم سلیمانی» و «ابو مهدی المهندس» استفاده کنم و سخنان خود خطاب به همگان به ویژه خانواده‌های شریف این دو شهید بزرگ و همراهانشان در حادثه دردناک فرودگاه «بغداد» را بیان کنم. ما معمولاً در مناسبت‌هایی نظیر سالروز شهادت شهدا، این مناسبت‌ها را تبریک و تسلیت می‌گوییم. علت تبریک این است که آنها با شهادت‌شان به مقام بزرگ و عظیمی نائل شده‌اند و علت تسلیت نیز آن است که ما عزیزان‌مان را از دست دادیم.

■ **جناب «سید حسن نصرالله» آیا کسی به شما درباره اینکه خدایی ناکرده یکی از اهداف مورد نظر طرف مقابل برای ترور هستید، هشدار داده است؟**

طرف‌های مختلفی بویژه در روزها و هفته‌های اخیر هشدارهایی را در این زمینه به من داده‌اند. به طور کلی، پس از شهادت «حاج قاسم سلیمانی» چنین فضایی در محور مقاومت و در کشورهای مختلف به وجود آمد. اینگونه گفته شد که پس از شهادت «حاج قاسم» اکنون تمرکز روی فلانی و فلانی است. در خصوص من نیز چنین فضایی پیش آمد و گفته شد که من نیز یکی از اهداف هستم. البته پیش از شهادت «حاج قاسم» نیز چنین فضایی برای من وجود داشت. به‌عنوان نمونه، زمانی که «حاج قاسم» نزد من می‌آمد و با یکدیگر دیدار می‌کردیم، او همواره به من می‌گفت: «سید مراقب خودتان باشید. مراقب امنیت‌تان باشید.» این اواخر بویژه در مرحله پیش از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده امریکا بشدت به من تأکید شد که ترامپ علاوه‌بر نیاز به برگ برنده‌های سیاسی برای بهره‌برداری از آنها در انتخابات، به برگ برنده‌های نظامی نیز نیاز دارد و ممکن است برخی عملیات‌های ترور را انجام دهد و در این میان، شما یکی از اهداف هستید. پس از برگزاری انتخابات نیز به من گفته شد که شما باید تا تاریخ ۲۰ ژانویه بشدت مراقب باشید و احتیاط کنید. طبیعتاً ما حتی پس از تاریخ ۲۰ ژانویه نیز محتاط خواهیم بود. من معتقدم که اجرایی شدن این عملیات‌ها تنها به وجود ترامپ در قدرت منوط نیست و مسأله انجام آنها همچنان در دوره ریاست جمهوری بایدن نیز مطرح خواهد بود، زیرا امریکایی‌ها به آن به‌عنوان جزئی از نبرد کنونی می‌نگرند.

■ **این تنها هدف امریکا است؟ هدف اسرائیل نیست؟**

هدف امریکا و اسرائیل است.

■ **یعنی جناب «نصرالله» شما خود را یکی از اهداف امریکا و اسرائیل برای ترور می‌دانید؟**

بله؛ نه تنها من، بلکه دیگر فرماندهان و رهبران «حزب‌الله» نیز اهداف آنها برای ترور هستند.

■ **اما چرا آن را هدف مشترک امریکا و اسرائیل می‌دانید و آن را تنها، هدف اسرائیل قلمداد نمی‌کند؟**

شما نگاه کنید؛ زمانی که برادر ما «حاج عماد مغنیه» (رحمه‌الله) به شهادت رسید، تمامی اطلاعات و داده‌های میدانی دالّ بر این بود که این ترور یک ترور امریکایی ـ اسرائیلی مشترک بوده است. حتی در رسانه‌ها نیز گزارش‌هایی منتشر شد که نشان می‌دانند ترور «حاج عماد مغنیه» تنها کار امریکا و یا تنها کار اسرائیل نبوده است. به طور کلی، هدف قرار دادن فرماندهان و رهبران «حزب‌الله» لبنان یک هدف امریکایی ـ اسرائیلی مشترک است. من در اینجا می‌توانم نام عربستان سعودی را نیز اضافه کنم. می‌توانم بگویم که ترور رهبران و فرماندهان «حزب‌الله» یک هدف مشترک امریکایی، اسرائیلی و سعودی است. علت آن است که مسأله فقط نبرد با اسرائیل نیست، بلکه مسأله مقابله با پروژه «هیمنه امریکایی» و حامیان آن بر منطقه است. بنابراین، هرکسی که در برابر این پروژه بایستد، آن را به چالش بکشاند و در نهایت نیز آن را با شکست مواجه سازد، توسط آنها مورد هدف قرار می‌گیرد. ما موضوعات را در این چهارچوب بررسی می‌کنیم.

■ **سعودی‌ها، امریکا و اسرائیل را تشویق و تحریک به ترور شما کردند؟**

از مدت‌ها پیش آنها چنین اقدامی کردند.

■ **دقیقاً از چه زمانی؟**

حداقل از زمان آغاز جنگ تجاوزکارانه و ظالمانه علیه ملت یمن.

■ **معذرت می‌خواهم؛ این گفته شما مبتنی بر داده‌ها و اطلاعات است و یا تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها؟**

داده‌ها و اطلاعات.

■ **آیا ممکن است بیشتر در رابطه با این اطلاعات و داده‌ها سخن بگویید؟**

این اطلاعات را منابعی در اختیار من قرار داده‌اند که طبیعتاً من نمی‌توانم اسمی از آنها ببرم. پس از انتخاب ترامپ به‌عنوان رئیس جمهور امریکا، «محمد بن سلمان» ولیعهد سعودی سفری به امریکا داشت و با او دیدار کرد. در دیداری که بن‌سلمان با ترامپ داشت، یکی از اهداف او این بود که موافقت امریکا برای ترور من را به دست آورد. پس از اینکه بن‌سلمان امریکا را ترک کرد و به کشور خود بازگشت، طرف‌های مختلفی چنین هشدارهایی را به من دادند و گفتند که اطلاعات نشان می‌دهد امریکا به طرف سعودی گفته است که مسئولیت انجام عملیات ترور را برعهده اسرائیل خواهد گذاشت. براساس اطلاعاتی که داریم، امریکایی‌ها به بن‌سلمان گفته‌اند که اگر چنین کاری را انجام دهیم، ممکن است به‌دنبال آن جنگی به وقوع بپیوندد. طرف سعودی نیز پاسخ داده است که اگر جنگی رخ دهد، هزینه‌های آن را پرداخت می‌کند. طبیعتاً سعودی‌ها پول دارند. همان‌طور که ترامپ هم پیشتر گفته بود، آنها فقط پول دارند و بیش از پول، چیز دیگری ندارند. بنابراین، فرضیه ترور من به‌عنوان یک فرضیه واقعی مطرح بوده است.

■ **من می‌توانم از سخن شما اینگونه نتیجه بگیرم که امریکایی‌ها با درخواست عربستان سعودی مبنی بر ترورتان موافقت کردند؟**

در آن زمان، اینگونه به ما گفته شد.

■ **یعنی من می‌توانم اینگونه نتیجه بگیرم که شما از ۵ سال پیش با درخواست رسمی عربستان سعودی و موافقت امریکا هدف عملیات تروری بوده اید که مسئولیت اجرای آن را اسرائیل برعهده داشته است؟**

این اطلاعاتی است که به ما رسیده است و ما نیز از مدت‌ها پیش براساس آنها عمل می‌کنیم.

■ **جناب «نصرالله» آنچه که بدان اشاره کردید در زمره اطلاعات بسیار مهم بوده و برای اولین بار است که توسط شما عنوان می‌شود. حقیقتاً من شخصاً با شنیدن این مسأله غافلگیر شدم. من از شما نمی‌خواهم اسامی طرف‌هایی که این اطلاعات را در اختیارتان قرار دادند، فاش کنید اما آیا می‌توانید بگویید که این طرف‌ها، دوست بودند یا غیردوست و غیرمتحد؟ آیا غربی بودند یا غیرغربی؟**

طرف‌های شرقی و غربی. طرف‌های مختلف این اطلاعات را در اختیار ما قرار دادند.

■ **طبیعتاً جنایت ترور شهید «قاسم سلیمانی» توسط ایالات متحده امریکا اتفاق افتاد. اما سؤال این است که آیا این جنایت نیز جزئی از پروژه سه‌گانه امریکا، سعودی و صهیونیسم بوده است؟**

من چنین اعتقادی دارم.

■ **مقصودتان از اینکه چنین اعتقادی دارید، چیست؟**

اعتقاد دارم که جنایت ترور حاصل پروژه سه‌گانه امریکا، سعودی و صهیونیسم بوده است. کسانی بودند که ایالات متحده امریکا را تشویق و تحریک به ارتکاب این جنایت کردند. سعودی‌ها و اسرائیلی‌ها کسانی هستند که واشنگتن را تشویق و تحریک کردند. البته ممکن است طرف‌های دیگر نیز این کار را انجام داده باشند. با این حال، تنها طرفی که قادر بود این جنایت را عملیاتی سازد و مسئولیت سنگین آن را نیز برعهده بگیرد «دونالد ترامپ» بود. از همین روی، نمی‌توان این جنایت را تنها یک جنایت امریکایی دانست

■ **می‌توانید توضیح بیشتری در خصوص این جنایت و شرکای آن بدهید؟**

طبیعتاً در این جنایت شرکایی وجود داشتند. من معتقدم که طرف اسرائیلی یکی از این شرکا محسوب می‌شود و سعودی‌ها نیز هرچند تنها در حوزه تشویق و تحریک نقش‌آفرینی کردند، اما به هر حال در آن مشارکت داشتند. شاید اسرائیل از لحاظ اطلاعاتی و پیگیری کارهای اطلاعاتی هم در این جنایت دست داشته است. اما نقش سعودی‌ها طبیعتاً این‌گونه نبوده است. آنها تنها تحریک می‌کنند و پول می‌دهند و کار دیگری از دست‌شان برنمی‌آید که انجام دهند.

■ **آیا عملیات ترور «سردار سلیمانی» زوایای پنهانی نیز دارد؟ انجام این عملیات کار سختی نبود، زیرا حاج قاسم سلیمانی (رحمت‌الله علیه) از دمشق عازم بغداد شد و این سفر کاملاً علنی بود. با این حال، آیا این عملیات زوایای پنهانی دارد که ما بتوانیم براساس این زوایا پازل خود در خصوص آن را تکمیل کنیم؟**

شما در برابر یک عملیات کاملاً آشکار قرار دارید. این عملیات در دل شب انجام شد اما گویی که در وسط روز انجام شده است. این یک عملیات کاملاً آشکار است. طرفی که عملیات را انجام داد و پهپادهایی که در انجام این عملیات به کارگرفته شدند کاملاً مشخص هستند. ایالات متحده امریکا به طور رسمی و علنی مسئولیت انجام عملیات را برعهده گرفت. این عملیات با عملیات ترور شهید «حاج عماد مغنیه» و نیز با عملیات ترور شهید «محسن فخری‌زاده» کاملاً متفاوت بود. عملیات تجاوزکارانه ایالات متحده امریکا شباهت زیادی به عملیات ترور «سید عباس الموسوی» (رحمت‌الله علیه) داشت. در آن زمان، پهپادهای اسرائیلی به طور کاملاً آشکار محل استقرار «سید عباس الموسوی» را بمباران کردند. زمانی که امریکایی‌ها عملیات ترور «سردار سلیمانی» را اجرایی کردند، واضح بود که از مدت‌ها پیش این عملیات را برنامه‌ریزی و طراحی کرده بودند. درست به همین دلیل است که «دونالد ترامپ» بارها و در مناسبت‌های مختلف و حتی در جریان تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری صراحتاً اعلام کرد: «من قاسم سلیمانی را کشتم».

■ **او در تمامی سخنرانی‌های خود در کمپین‌های انتخاباتی‌اش به ترور «سردار سلیمانی» افتخار کرد.**

بله همینطور است.

■ **جناب «نصرالله» شما «حاج قاسم» را بسیار خوب می‌شناختید. من به یاد دارم که حدود ۵ سال پیش از شما سؤال کردم که آیا این مرد را می‌شناسید؟ شما نیز در پاسخ به طور خلاصه گفتید که او را می‌شناسم، زیرا یکی از شخصیت‌های عزیز و محبوب و... است. پس از شهادت «سردار سلیمانی» نیز درباره شخصیت وی صحبت کردید. اکنون که یک سال از شهادت او سپری می‌شود و می‌خواهم این سؤال را از شما بپرسم که از لحاظ انسانی، میدانی و راهبردی، شخصیت «حاج قاسم سلیمانی» را چگونه یافتید؟**

پاسخ دادن به این سؤال مستلزم پخش چند برنامه است. سخن گفتن در این زمینه طبیعتاً بسیار طولانی خواهد بود. به هر حال، اگر اکنون بخواهیم در این خصوص صحبت کنیم، قطعاً حق مطلب ادا نمی‌شود. چند روز دیگر و در سالروز شهادت «حاج قاسم» من سخنرانی خواهم داشت و در این خصوص صحبت می‌کنم. طبیعتاً بر حسب شناختی که من شخصاً از «حاج قاسم» داشتم، او در بعد انسانی و نیز در بعد اخلاقی انسان برجسته‌ای بود. یکی از علل و عوامل اصلی و اساسی موفقیت او در تمامی میدان‌ها برخورداری از همین شخصیت انسانی و اخلاقی بود. همه ما می‌دانیم که افراد نظامی معمولاً ظاهر و رفتاری خاص دارند و پروتکل‌های خاص خود را رعایت می‌کنند. با این حال، این ژنرال [قاسم سلیمانی] با مسئولیتی مهم و اساسی آن هم در چهارچوب نظامی مانند نظام جمهوری اسلامی که بزرگترین قدرت منطقه‌ای محسوب می‌شود، رفتار و شخصیت اخلاقی و انسانی برجسته‌ای داشت. همگان می‌دانند، زمانی که برای اولین بار به مدت نیم ساعت یا یک ساعت با «حاج قاسم» دیدار می‌کردید، گویی که در کنار یک دوست و برادر نشسته‌اید و از ده‌ها سال پیش تاکنون او را می‌شناسید. او طبیعتاً اهل ظاهرسازی نبود. او انسان متکبری نبود که ادای انسان‌های متواضع را درآورد. او ذاتاً یک انسان محبوب، متواضع و اخلاق‌مدار بود که برای کمک به دیگران اهتمام می‌ورزید و آماده بود به خاطر دیگران فداکاری کند. این احساسات، افکار، مفاهیم و عواطف در نزد «حاج قاسم» کاملاً واقعی و حقیقی بودند.

■ **آیا شما خاطره‌ای دارید که در آن «حاج قاسم» شما را تحت تأثیر جنبه‌های اخلاقی و انسانی شخصیت خود قرار داده باشد؟**

امور زیادی از این دست وجود دارد که نه‌تنها من بلکه دیگران را نیز تحت تأثیر شخصیت اخلاقی و انسانی او قرار داده است. تاریخ روزی از مردی سخن خواهد گفت که سال‌های زیادی از عمرش را در جبهه‌های نبرد گذراند و افراد زیادی در مقابل دیدگانش به شهادت رسیدند. این بدان معناست که او همواره در محاصره جنگ، خون، گلوله و شهدا بوده است. بدیهی است که چنین انسانی فارغ از برخورداری از شجاعت، باید عواطف سرسختانه‌ای داشته باشد. شما افراد زیادی را می‌شناسید که در این شرایط، روحیه خشن و سرسختی پیدا کرده‌اند. با تمامی اینها، «حاج قاسم» در سطح بالایی از شفافیت عواطف و احساسات قرار داشت. من به یاد دارم که روزی در تهران بودیم و می‌خواستیم به مشهد برویم و به زیارت امام رضا(ع) مشرف شویم، بنابراین از محل اقامت خود به فرودگاه تهران رفتیم تا از آنجا به مشهد برویم.

من و او در خودرو بودیم. طبیعتاً این اتفاق به دوران پیش از جنگ تموز (جنگ ۳۳ روزه) بازمی‌گردد. مراقبت‌های امنیتی همچون امروز وجود نداشت و زمانی که من می‌خواستم به تهران بروم، خیلی عادی این سفر انجام می‌شد. ما در خودرو بودیم و در مسیر دیدیم که خودرویی به یک زن و فرزندش برخورد کرد. «حاج قاسم» کنار من نشسته بود و با مشاهده صحنه تصادف آنقدر از لحاظ عاطفی متأثر شد که گویی که همسر و فرزند خود او در حادثه تصادف کرده‌اند. رنگ از رخساره «حاج قاسم» پرید و به راننده گفت توقف کن. خودرو توقف کرد و «حاج قاسم» پیاده شد. او در حالی این کار را انجام داد که باید بسیاری از ملاحظات امنیتی و... را در نظر می‌گرفت. میزان تأثیرپذیری او از حادثه تصادف برای من بسیار قابل توجه بود. طبیعتاً همه ما از آن حادثه متأثر شدیم اما حجم تأثیرپذیری او به‌شدت بالا بود. ویژگی‌هایی نظیر شور و اشتیاق و نیز محبت او نسبت به خانواده‌های شهدا، جوانان شرکت‌کننده در جبهه‌های نبرد و نیز برادرانی که با او کار می‌کردند، در شخصیت «حاج قاسم» دیده می‌شد؛ این خصایل او در تمامی صحنه‌ها قابل مشاهده بود، به گونه‌ای که شما در برابر یک انسان با ویژگی‌های روحی، معنوی، اخلاقی و انسانی قرار گرفته‌اید.

◀ | ادامه در صفحه ۲۶

■ ادامه از صفحه ۲۵

او انسانی بسیار بخشنده بود و هیچ گاه نمی‌خواست چیزی را برای خود نگاه دارد. طبیعتاً من چنین حالتی را درک می‌کنم، زیرا این حالت ناشی از تعلق و وابستگی‌اش به خداوند متعال و بریدگی‌اش از دنیا و متعلقات آن بود. این بدان معناست که «حاج قاسم سلیمانی» در این دنیا زندگی می‌کرد، اما در دنیا نبود و قلب و عقلش در جایی دیگری سیر می‌کرد. کسی که چنین ویژگی‌هایی داشته باشد، انسانیت، عواطف و احساسات، اخلاقیات و رفتارهایش به گونه‌ای دیگر، جلوه پیدا می‌کند.

از لحاظ میدانی نیز، «حاج قاسم سلیمانی» مرد میدان بود. شاید من پیشتر نیز در خصوص این خصلت و ویژگی او صحبت کرده باشم. معمولاً زمانی که ژنرال‌های نظامی به مراتب عالی نظامی‌گری می‌رسند، از لحاظ ذهنی توانایی اندیشیدن همزمان به مسائل میدانی، تاکتیکی و استراتژیک را ندارند. این بدان معناست که آنها زمانی که می‌خواهند مسائل میدانی، تاکتیکی و راهبردی را به صورت همزمان مورد بررسی قرار دهند، ذهن‌شان دچار خستگی می‌شود. اما در نقطه مقابل، افرادی هستند که مسائل استراتژیک، میدانی و تاکتیکی را به طور کامل و نیز با تمامی جزئیات مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهند. من مثال هواپیما را برای شما می‌آورم. یعنی زمانی که فردی در هواپیما است و این هواپیما در چاله‌های هوایی می‌افتد و در حالت فرود قرار می‌گیرد، فرد [مسافر] از لحاظ ذهنی کمی دچار افت می‌شود. بنابراین، زمانی که بحث‌های فکری در خصوص مسائل استراتژیک و راهبردی منطقه انجام می‌شود و در این بحث‌ها جزئیات مورد بررسی قرار می‌گیرند، گویی که انسان وارد چاله‌های هوایی شده است. «حاج قاسم سلیمانی» به مانند یک فرد نظامی بود که زمانی که هواپیما در اوج پرواز می‌کرد و در چاله‌های هوایی قرار می‌گرفت، حتی کوچکترین و بدیهی‌ترین جزئیات از مسائل استراتژیک نیز از ذهنش دور نمی‌ماند. شما همواره ذهن او را آماده می‌یافتید. او به گونه‌ای نبود که خستگی بر ذهنش غلبه کند. او یک مرد استراتژیست و در عین حال تاکتیکی بود. او مرد عقل و منطق، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بود. او مرد میدان و مرد خطوط مقدم جبهه بود. او کسی نبود که در اتاق‌های پشت خط مقدم بنشیند.

در حوزه سیاسی نیز او یک انسان متفکر بود. ژنرال «قاسم سلیمانی» تنها یک ژنرال نظامی نبود، بلکه در عرصه سیاسی نیز صاحب فکر، ایده، اندیشه و سبک بود. او اهل پیش‌بینی وقایع پیش از رخ دادن آنها بود.

من همواره از شخصیت جامع و فراگیر او در عرصه‌های فرهنگی، فرهنگ دینی، فرهنگ اسلامی، فرهنگ عمومی و... سخن گفته‌ام. او حقیقتاً یک انسان کاملاً فرهیخته بود. او بسیار به مطالعه مشغول می‌شد و از وقتش دائماً استفاده می‌کرد. به عنوان مثال، من به یاد دارم زمانی که با یکدیگر جلسات طولانی داشتیم و مسائل را بررسی می‌کردیم، زمانی که جلسه‌مان تمام می‌شد و در آخر وقت، یک ساعت باقی مانده بود، او می‌خواست تا درباره مسائل فکری، عقیدتی، فرهنگی، علمی و... با یکدیگر گفت‌وگو کنیم. این درحالی است که قاعدتاً چنین شخصیت‌هایی وقت کافی به این مسائل اختصاص نمی‌دهند. در نهایت او یک شخصیت جامع و فراگیر داشت. امروز اگر کسی به سخنرانی‌های او در طول سال‌های گذشته مراجعه کند، می‌تواند بخوبی به این بعد از شخصیت «حاج قاسم سلیمانی» پی ببرد.

■ جناب نصرالله، زمانی که «حاج قاسم سلیمانی» ترور شد، فضا کاملاً تنش‌آلود بود و طبق آنچه که سال گذشته از شما شنیدیم، وی در همینجا یعنی در «ضاحیه» با شما دیدار کرده بود. آیا در آن دیدار به او درباره خطراتی که در پیرامونش وجود داشت، هشدار دادید؟

هم در آن دیدار و هم در دیدارهای پیشین من به «حاج قاسم» درباره این خطرات هشدار دادم. من این اواخر بسیار نگران او بودم؛ طبیعتاً این نگرانی نشأت گرفته از تحلیل شرایط و اوضاع بود و اطلاعاتی از سوی طرف‌های مختلف ـ چه دوست و چه دشمن ـ به دست ما نرسیده بود. از لحاظ شخصی باید بگویم که دو ماه پیش از شهادت او و یا بیشتر، برادران یک نشریه امریکایی را برای من آوردند و من روی جلد کامل آن تصویری از «حاج قاسم» را دیدم که تصویری مشهور از او با لباس نظامی بود و ستاره‌ها روی شانه‌اش قرار داشتند. «ژنرالی که جایگزین ندارد» عنوان جلد این نشریه بود. پیشتر زمانی که با روزنامه‌نگاران خارجی، استادان دانشگاهی و شخصیت‌های امریکایی و غربی ـ با برخی پیش از جنگ تموز و برخی پس از جنگ ـ دیدار می‌کردم، به یاد دارم که آنها به من می‌گفتند که اگر در نشریه‌های امریکایی اهتمام زیادی نسبت به یک شخصیت معین یا یک کشور معین دیدید و مقالات و اطلاعاتی را در این خصوص مشاهده کردید، شاید اتفاقی در پیش باشد. آنها چیزی فراتر از «شاید» گفتند اما من در اینجا احتیاط می‌کنم و می‌گویم «شاید» اقدام نشریه امریکایی در انتشار تصویر «حاج قاسم» در واقع نوعی آماده‌سازی افکار عمومی برای ترور چنین شخصیتی بوده است تا بگویند که اگر ما چنین کاری کنیم [عملیات ترور را اجرا کنیم] باید بدانیم که شخصیت بسیار مهمی را به قتل رسانده‌ایم و می‌بایست تبعات و پیامدهای این اقدام را متحمل شویم. چنین چیزی در ذهن من بود.

زمانی که آن مقاله را مطالعه کردم، نشریه را به «حاج قاسم» دادم و به او گفتم که این مسأله معنا و مفهومی دارد. من به او گفتم که شما یک ژنرال هستید و جزئی از یک نظام رسمی محسوب می‌شوید و شخصیت رسمی‌ای هستید که در مناطق رسمی تردد می‌کنید، از همین روی من اعتقاد دارم که «ترامپ»، امریکا و تمامی متحدانش در منطقه از شما به ستوه آمده‌اند و لذا خواهش می‌کنم که احتیاط کنید. «حاج قاسم» را می‌شناسید، او همواره این سخن را به من می‌گفت؛ می‌خندید و می‌گفت: «بسیار خب، برای شهادت من دعا کنید.» با این حال، من به او می‌گفتم که باید احتیاط کند و مراقب باشد. این هشدارها همواره وجود داشت.

■ پس از یک سال، جناب «نصرالله» چقدر دلتنگ «حاج قاسم سلیمانی» می‌شوید؟

من بشدت دلتنگ او می‌شوم. من بشدت دلتنگ او می‌شوم. ما از سال ۱۹۸۸ به طور مشترک با یکدیگر کار کردیم. کجا؟ در محور مقاومت، در زمینه جهاد در راه خدا، در زمینه نبرد حق علیه باطل، در پرونده‌های منطقه‌ای، در پرونده‌های حساس، در روزهای سخت که حزن و اندوه و اشک و خون و فداکاری در آنها وجود داشت. ما همواره در دوران سختی و مشقت و اوج چالش‌ها در کنار یکدیگر بودیم. به عنوان نمونه، این‌گونه نبود که ما برای درس خواندن در دانشگاه و برای فعالیت در کارهای تجاری در کنار هم بنشینیم، نه اصلاً اینطور نبود، بلکه ماهیت کاری که با یکدیگر انجام می‌دادیم، کاملاً نوعی روابط متفاوت را میان ما ایجاد کرده بود؛ روابطی از جنس عاطفی، انسانی، فکری و عملی. از همین روی، نوعی برادری میان ما شکل گرفته بود و گاهی احساس می‌کردم که من و حاج قاسم یک فرد واحد هستیم؛ بدین معنا که من جزئی از او و او جزئی از من است و دو نفر نیستیم. افراد کمی در زندگی من هستند که احساس می‌کنم این‌گونه‌اند؛ «حاج قاسم» یکی از آنها بود... بله من به‌شدت دلم برای او تنگ می‌شود.

■ بدون شک شما «حاج ابو مهدی» را بخوبی می‌شناختید. قطعاً عراقی‌ها نیز او را می‌شناختند اما با این حال، افکار عمومی بویژه پس از شهادتش او را شناختند. به نظر می‌رسد که «حاج ابو مهدی» نه‌تنها برای عراق که برای تمامی امت اسلامی یک شخصیت بسیار بزرگ بوده است. شما تا چه اندازه این شخصیت بزرگ را می‌شناختید؟ ما متوجه شدیم که شما دیدارهایی را با او داشته‌اید؛ کما اینکه تصاویری را از شما در کنار دو شهید بزرگ یعنی «حاج قاسم سلیمانی» و «حاج ابومهدی المهندس» مشاهده کردیم. «حاج ابو مهدی المهندس» برای عراق و امت اسلامی چه شخصیتی بود؟

«حاج ابو مهدی المهندس» (رحمه‌الله علیه) شخصیتی است که لازم است همگان او را بشناسند. در طول سال گذشته تلاش‌های زیادی صورت گرفت تا این شخصیت به افکار عمومی شناسانده شود، اما این تلاش‌ها کافی نبود. با این‌حال، لازم است که ابعاد و زوایای مختلف شخصیت این شهید بزرگ به افکار عمومی معرفی شود. اگر بخواهم در خصوص شناخت شخصی خود از «حاج ابو مهدی المهندس» صحبت کنم، باید بگویم که شناختم از او در مقایسه با شناختم از «حاج قاسم» کمتر بود، یعنی «حاج قاسم» را بیشتر می‌شناختم. علت هم آن بود که از سال ۱۹۹۸ میلادی ما و «حاج قاسم» دیدارهای مستمری با یکدیگر داشتیم و با هم کار می‌کردیم.

برادر «ابو مهدی المهندس» پیش از رفتن به عراق در ایران زندگی می‌کرد. زمانی که ما به ایران می‌رفتیم گاهی با او نیز دیدار می‌کردیم. پس از آنکه او به عراق رفت بیشتر وقت خود را در همین کشور سپری کرد. او گاهی به لبنان می‌آمد و ما در آنجا با یکدیگر دیدار می‌کردیم. بنابراین، شناخت ما از یکدیگر عمیق بود. با تمامی این‌ها، همان‌طور که گفتم ماهیت همکاری ما با «حاج قاسم» موجب شده بود تا شناخت بیشتر و عمیق‌تری از یکدیگر داشته باشیم. واقعیت آن است که «حاج ابو مهدی» یک فرمانده بزرگ بود. او از لحاظ اخلاقی شخصیتی شبیه «حاج قاسم» داشت. به همین دلیل است که آنها در میدان‌های جهاد در راه خدا طی مدتی طولانی با یکدیگر همکاری می‌کردند و در نهایت نیز در کنار هم به مقام رفیع شهادت نائل گشتند. من یک ارزیابی داشتم و آن را به خانواده «حاج ابو مهدی المهندس» نیز گفتم و آن، این بود که اگر «حاج قاسم سلیمانی» به تنهایی به شهادت رسیده بود، در کره خاکی فردی که بیشترین درد فراق را در نبود «حاج قاسم» متحمل می‌شد «حاج ابومهدی» بود، زیرا این دو شهید روابط بسیار مستحکم و عمیقی با یکدیگر داشتند.

افزون بر آنچه گفته شد، «حاج ابومهدی» انسانی بسیار فرهیخته، فهیم و با بصیرت بود. او از ویژگی‌های اخلاقی برجسته‌ای ازجمله تواضع برخوردار بود. او از لحاظ انسانی نیز شخصیت برجسته‌ای داشت. از سوی دیگر، از لحاظ سیاسی نیز شخصیت بزرگی بود. «حاج ابومهدی المهندس» از جمله شخصیت‌هایی بود که نامش در برهه‌ای از زمان برای تصدی پست نخست‌وزیری در عراق مطرح شد اما از آنجایی که مَرد میدان نبرد بود و تمایل داشت در میادین نبرد حضور یابد، حاضر نشد مناصب سیاسی را عهده‌دار شود. شخصیت‌هایی که در آن برهه نامزد تصدی پست‌های مهم سیاسی بودند و بعضاً نیز به این پست‌ها در سطح اول عرصه سیاسی عراق دست یافتند، چهره‌هایی مهمتر از «حاج ابومهدی» نبودند. او در عرصه سیاسی از تجربه‌ای طولانی برخوردار بود. تجربه جهادی او بسیار طولانی بود. تجربه سیاسی و تشکیلاتی‌اش نیز بسیار قابل توجه بود. نقش‌آفرینی او در دوران اشغال عراق توسط امریکا پیش از سال ۲۰۱۱ میلادی و نیز در زمان یورش گسترده داعش به عراق کاملاً آشکار است. پیش از یورش داعش به عراق نقش‌آفرینی «حاج ابومهدی» در پشت پرده انجام می‌شد اما پس از ظهور و بروز داعش، حضور مستقیم او در میدان نبرد برای فرماندهی عملیات‌های ضدتروریستی، موجب شد تا بیشتر دیده شود. افزون بر این، حضور دائم او در کنار «حاج قاسم» نیز موجب شد تا فعالیت‌ها و نقش‌آفرینی‌هایش بیشتر به چشم آید. از همین روی، شما اکنون از یک فرمانده بزرگ سخن می‌گویید؛ فرمانده‌ای که یکی از شرکای اصلی و اساسی در تحقق دو پیروزی تاریخی [اخراج اشغالگران امریکایی و شکست داعش] بود.

■ شما یک تصویر مشترک با شهیدان «حاج قاسم» و «حاج ابومهدی» دارید... این تصویر متعلق به چه زمانی و چه دیداری است؟ در کدام دیدار چنین عکسی را گرفتید؟

شاید حدود دو سال پیش بود؛ یعنی یک سال پیش از شهادت آنها. «حاج ابومهدی» گاهی تنهایی و گاهی به همراه «حاج قاسم» به لبنان می‌آمد. در آن زمان، هر دو به لبنان آمده بودند. به یاد دارم که فصل زمستان بود. زمانی که «حاج ابومهدی» به لبنان می‌آمد، ما در خصوص مسائل منطقه‌ای، تحولات عراق، موضوعات مربوط به «الحشد الشعبی»، نبرد با داعش و... بحث و تبادل نظر می‌کردیم. او نقش مشخصی در مواجهه با داعش در عراق داشت، اما با این حال در خصوص امور مذکور نیز با یکدیگر گفت‌وگو می‌کردیم.

■ نقشی مشخص یا نقشی محدود؟

چه مشخص و چه محدود به هر حال «حاج ابومهدی» شخصی بود که علاوه‌بر مسائل عراق به اوضاع تمام منطقه اهتمام می‌ورزید و برایش مهم بود که بداند در فلسطین یا لبنان چه می‌گذرد. من به یاد دارم که در آخرین دیدارمان ۶ ماه پیش از شهادتش ـ که البته مقصودم دیداری نیست که در آن عکس انداختیم ـ او به تنهایی به لبنان آمده بود. ما چند ساعت در کنار یکدیگر بودیم و گفت‌وگو کردیم. موضوع حفاظت و حراست از عناصر قدرت در عراق بویژه «الحشد الشعبی» ازجمله محورهای اصلی دیدار ما بود، زیرا در آن زمان داعش در عراق از بین رفته بود. در آن دیدار همچنین در خصوص وضعیت منطقه و اسرائیل بحث و تبادل نظر کردیم. من این واقعیت را انکار نمی‌کنم که عقل و اندیشه «حاج ابومهدی» به‌عنوان جزئی از محور مقاومت مانند عقل و اندیشه «حاج قاسم» بود. موضوع قدس، موضوع فلسطین، موضوع نبرد با اسرائیل، موضوع مقاومت، حمایت از مقاومت و تبادل تجربیات با محور مقاومت، جملگی از موضوعاتی بودند که در آن جلسه درباره آنها با یکدیگر گفت‌وگو کردیم. او برای حضور در هر نبرد بزرگی از آمادگی کامل برخوردار بود. او به‌عنوان یکی از فرماندهان مقاومت حتی حاضر بود بدون «الحشد الشعبی» در میدان نبرد حضور یابد، زیرا این گروه مقاومتی در نهایت وابسته به دولت عراق و زیر نظر فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق است. او برای حضور در میدان‌های بزرگ نبرد هیچ مانعی را در برابر خود نمی‌دید. ما با یکدیگر در خصوص عراق، فلسطین، نبردهای منطقه‌ای، سوریه و همه چیز گفت‌وگو می‌کردیم.

■ یعنی شما تبادل نظر می‌کردید یا همکاری و هماهنگی میان‌تان وجود داشت؟ کدام مورد؟

تبادل نظر، همکاری، هماهنگی، تبادل تجربیات و تبادل افکار و اندیشه‌ها. طبیعتاً در آن زمان «الحشد الشعبی» در سوریه نمی‌جنگید. «الحشد الشعبی» که «حاج ابومهدی» نایب‌رئیس آن و عملاً رئیس ستاد آن بود، یک سازمان رسمی است که تحت نظارت فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق و دولت بغداد فعالیت می‌کند. لذا این گروه در آن زمان فعالیت سازمان‌یافته‌ای در سوریه نداشت. با این‌حال، آن دسته از گروه‌های مقاومت عراق که از زمان اشغال این کشور توسط ایالات متحده امریکا به مبارزه با اشغالگران پرداختند و پس از آن نیز نقش مؤثری را در نبرد با تروریسم تکفیری داعش ایفا کردند، مشارکت قوی و مهمی در نبردهای سوریه داشتند. این دسته از گروه‌های مقاومت حتی در شکل‌گیری تشکیلات «الحشد الشعبی» نقشی مهم و راهبردی ایفا کردند.

■ از «شهید قاسم سلیمانی» به‌عنوان «شهید قدس» یاد می‌شود. براستی که این توصیف، شایسته اوست. او فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران ایران بود؛ نهادی که برای یاری قدس تشکیل شد. «شهید سلیمانی» چه خدماتی به فلسطین و قدس و مقاومت فلسطین ارائه داد؟ آیا می‌توانید به برخی مصادیق در این زمینه اشاره کنید؟

«حاج قاسم» (رحمه الله) در گام اول روابط خود را با تمامی گروه‌های مقاومت فلسطین تقویت کرد. او روابط خود را با گروه‌های اسلامی، ملی و حتی گروه‌هایی که گرایش‌های فکری متفاوتی داشتند، تحکیم بخشید. «حاج قاسم» اعتقاد داشت که باید از این گروه‌ها حمایت به عمل آورده شود تا آنها قادر باشند به مواجهه با اشغالگران و تجاوزکاران بپردازند و در عملیات‌های مقاومت مشارکت داشته باشند. بنابراین «حاج قاسم»، جمهوری اسلامی و به طور ویژه نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در گام اول به تقویت روابط خود با گروه‌های مقاومت پرداختند. طبیعی است که روابط جمهوری اسلامی با گروه‌های مقاومت فلسطین پس از انتصاب «حاج قاسم» به‌عنوان فرمانده نیروی قدس بیش از هر زمان دیگری تقویت شد. «حاج قاسم» سال‌ها چنین مسئولیتی را برعهده داشت. در رابطه با مسائل مربوط به «حمایت لجستیکی» هیچ خط قرمزی برای «حاج قاسم» وجود نداشت. او هرچیزی را که لازم بود به فلسطین، غزه، کرانه باختری و... می‌رساند و هر کمکی که ضروری بود، انجام می‌داد.

■ حتی به کرانه باختری؟

حتی به کرانه باختری؛ اما عملاً کسانی که این مأموریت‌ها را انجام می‌دادند و کمک‌های لازم را منتقل می‌کردند، فلسطینیان بودند. مقصودم اعضای گروه‌های مقاومت فلسطین است. طبیعی است که این کمک‌ها خیلی راحت‌تر به غزه منتقل می‌شدند. «حاج قاسم»، نیروی قدس و جمهوری اسلامی ایران در زمینه ارسال تسلیحات و تجهیزات نظامی، امکانات لجستیک و... به فلسطین هیچگونه خط قرمزی نداشتند. آنها در زمینه انتقال تجربیات خود به گروه‌های مقاومت فلسطین نیز همین‌گونه عمل کردند.

■ او چه چیزی به فلسطین و بویژه غزه می‌فرستاد؟

هرآنچه به نوار غزه ارسال می‌شد، به طور مستقیم با ساخت موشک ارتباط داشت. در واقع، فناوری ساخت موشک ولو با امکانات ابتدایی به نوار غزه منتقل شد. این اتفاق در سایه همکاری‌ها میان گروه‌های مقاومت فلسطین از یک سو و «حاج قاسم» و نیروی قدس سپاه پاسداران از سوی دیگر، رخ داد. به نظر شما موشک‌های «کورنت» چگونه به غزه رسیدند؟

چه کسی آنها را به غزه رساند؟ طبیعتاً این یک فرایند اجرایی بود که «حاج قاسم سلیمانی» مجری آن بود. می‌خواهم به مسأله‌ای اشاره کنم. شاید من اکنون درحال فاش کردن یکی از اسرار هستم. نمی‌دانم که رئیس‌جمهور «بشار اسد» چنین چیزی را قبول می‌کند یا نه، اما به هر حال باید این واقعیت را بگویم که موشک‌های «کورنت» در جریان جنگ تموز (جنگ ۳۳ روزه) از طریق سوریه به دست ما رسید. این موشک‌ها معادلات میدانی را در آن جنگ تغییر دادند. ما در نتیجه استفاده از موشک‌های مذکور شاهد آن بودیم که تانک‌های دشمن یکی از پس از دیگری منهدم می‌شدند. ما در مناطقی نظیر «سهل الطیبه»، «سهل الخیام» و... شاهد چنین اتفاقی بودیم.

> امریکایی‌ها برای خروج از خاک عراق به ایرانی‌ها یعنی «حاج قاسم سلیمانی» متوسل شدند. آنها به عوامل خود گفتند از «قاسم سلیمانی» خواهش کنید که با گروه‌های مقاومت در عراق صحبت کند و از آنها مهلت بگیرد تا ما طی یک مدت ۲ یا ۳ ماهه از عراق خارج شویم. ما می‌خواهیم از عراق عقب‌نشینی کنیم، اما نمی‌خواهیم که این اتفاق، زیر آتش مقاومت رخ دهد

شاید رسانه‌ها به این مسأله به عنوان نوعی رونمایی از اسرار نگاه کنند، اما واقعیت آن است که ما این موشک‌ها را از وزارت دفاع سوریه گرفتیم. آنها خود این موشک‌ها را از روسیه خریده بودند و در نهایت نیز ما برای دفاع از خود در برابر رژیم صهیونیستی در جریان جنگ ۳۳ روزه «کورنت» را از دمشق گرفتیم، البته در جریان جنگ مذکور تنها از «کورنت» استفاده نشد.

■ این موشک‌ها را خریداری کردید یا آنها دریافت کردید؟

ابتدا این نکته را نیز باید ذکر کنم که روس‌ها موشک «کورنت» را به ما نفروختند؛ در خصوص سؤال شما نیز باید بگویم که ما این موشک‌ها را در واقع دریافت کردیم. من درست به یاد ندارم، شاید در جریان روابط میان سوری‌ها و «حاج قاسم»، او هزینه موشک‌ها را به طرف سوری پرداخت کرده بود. به هر حال، آنچه واضح به نظر می‌رسد، این است که طرف سوری این موشک‌ها را از روس‌ها خریده بود. این موشک‌ها در ابتدا برای ما خریداری نشده بود؛ بلکه برای خود طرف سوری خریداری شده بود اما در جریان جنگ ۳۳ روزه در اختیار ما قرار گرفت. به هر حال، ما در جریان جنگ تموز از این موشک‌ها استفاده کردیم و نتایج بسیار خوبی را نیز گرفتیم. گمان می‌کردیم که روس‌ها از اینکه چرا این موشک‌ها به دست ما رسیده است، بسیار خشمگین می‌شوند. اما با این حال، آنها نه‌تنها عصبانی نشدند بلکه خوشحال نیز شدند، زیرا در آن زمان استفاده از موشک «کورنت» جنبه تبلیغاتی بسیار خوبی را برای آنها فراهم آورد و موجب شد تا این نوع موشک بازار بسیار پررونقی پیدا کند.

برادر «حاج قاسم» روزی به من گفت: «سید من باید بخشی از موشک‌های کورنت را که نزد شماست به برادران در غزه برسانم». طبیعتاً او از گروه‌های مقاومت اسلامی نظیر «حماس» و «جهاد اسلامی» سخن می‌گفت. من نیز به او گفتم: «شاید دیدن موشک‌های کورنت ـ که سوریه آن را از روسیه خریداری کرده بود ـ در جنوب لبنان برای رئیس‌جمهور بشار اسد قابل تحمل باشد، اما آیا اسد وجود این موشک‌ها در نوار غزه را نیز تحمل می‌کند؟ آیا چنین چیزی را می‌پذیرد؟ من باید از رئیس‌جمهور اسد اجازه بگیرم». در نهایت نیز حاج قاسم به من گفت: «اشکالی ندارد. هرکدام از ما که زودتر با اسد دیدار کرد، در این خصوص با او صحبت می‌کند». مدتی سپری شد و در نهایت پیش از «حاج قاسم»، مقدمات دیدار من با «بشار اسد» فراهم شد. تمامی این اتفاقات پیش از آغاز حوادث امنیتی در سوریه رخ داد. من مسأله را با رئیس‌جمهور سوریه در میان گذاشتم. به او گفتم که آیا ممکن است موشک‌های «کورنت» را به غزه ارسال کنیم؟ او نیز گفت بله مشکلی ندارد. به او گفتم: «جناب رئیس‌جمهور یعنی مسأله‌ای نیست که این موشک‌ها در اختیار حماس و جهاد اسلامی قرار گیرد»؟ او نیز گفت: «نه مشکلی از طرف من وجود ندارد».

در آن زمان، «حاج قاسم» به همراه تیم مشترک همراهش موشک‌های «کورنت» را در اختیار گرفتند و آنها را به غزه منتقل کردند. داخل پرانتز بگویم که ما در آن زمان دارای یک تیم عملیاتی مشترک بودیم. به هر حال، همگان می‌دانند که «حاج قاسم» و جمهوری اسلامی ایران حتی از تمامی روابط و مناسبات دیپلماتیک خود در راستای ارسال کمک‌های مختلف به نوار غزه بهره‌برداری کردند. به عنوان مثال، جمهوری اسلامی ایران از روابط دیپلماتیک خود با سودان در این زمینه استفاده کرد. کار به جایی رسید که جنگنده‌های اسرائیل انبارهای تسلیحاتی در سودان را بشدت بمباران کردند؛ هرچند که در آن زمان دولت سودان به‌طور واضح اعلام نکرد که این اتفاق، کار اسرائیل بوده است. با تمامی اینها، اسرائیلی‌ها صراحتاً اعلام کردند که آنها خود انبارهای تسلیحاتی سودان را بمباران کرده‌اند. آنها گفتند تسلیحات موجود در این انبارها از کانال‌های مختلف به نوار غزه منتقل می‌شوند. بنابراین، به طول خلاصه باید بگویم که در زمینه ارسال تسلیحات، موشک، امکانات و تجهیزات نظامی و... به نوار غزه هیچ خط قرمزی وجود نداشت. معمولاً برخی کشورها زمانی که می‌خواهند حمایت‌هایی ارئه دهند، ملاحظاتی دارند. به عنوان نمونه، می‌گویند که نسبت به انتقال مسائل فنی معذوریت‌هایی دارند. با این‌حال، چنین ملاحظاتی در زمینه ارائه کمک به نوار غزه مطلقاً وجود نداشت. طی سالیان گذشته و بویژه در طول یک دهه اخیر که مقاومت در غزه تحت محاصره قرار گرفته است، حمایت‌های مالی فراوانی از گروه‌های مقاومت فلسطین به عمل آمده است. همان‌طور که می‌دانید، گروه‌های مقاومت فلسطین طی یک دهه اخیر با شرایط مالی و اقتصادی بسیار وخیمی مواجه بوده‌اند. در طول این مدت، برخی کشورها که کمک‌های مالی جمع‌آوری می‌کردند، به یکباره جمع‌آوری این کمک‌ها برای مقاومت فلسطین را متوقف ساختند. برخی کشورهای دیگر نیز افرادی را که برای مقاومت فلسطین کمک‌های مالی جمع‌آوری می‌کردند، بازداشت کردند. «حاج قاسم» در طول تمام دوران مسئولیتش از رهگذر جایگاهی که در ساختار جمهوری اسلامی داشت، مشکلات مالی و اقتصادی گروه‌های مقاومت فلسطین را بشدت پیگیری می‌کرد و از آنها [گروه‌های مقاومت] در این زمینه حمایت به عمل می‌آورد. نه‌تنها در حوزه مالی و اقتصادی، بلکه در حوزه‌های دیگر نظیر حوزه‌های سیاسی و رسانه‌ای نیز این کمک‌ها توسط «حاج قاسم» به مقاومت فلسطین ارائه شد.

■ «حاج قاسم» در تمامی مراحل با «حماس» ارتباط داشت؟

هیچگاه روابطش با هیچ طرفی در فلسطین قطع نشد.

■ یعنی حتی زمانی که اختلافات بر سر مسأله سوریه ایجاد شد، این روابط قطع نشد؟

روابط «حاج قاسم» با هیچ طرفی در فلسطین قطع نشد. حمایت‌های او از گروه‌های مقاومت فلسطین به دلیل مسائل سیاسی هیچگاه متوقف نشد. بله؛ شاید گاهی کمک‌های مالی و اقتصادی به گروه‌های مقاومت در سایه افزایش روزافزون تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران، کمتر می‌شد، اما این کمک‌ها هیچگاه متوقف نشد. همان‌طور که پیشتر نیز گفتم، از لحاظ سیاسی و رسانه‌ای نیز «حاج قاسم سلیمانی» حمایت‌های زیادی از مقاومت به عمل می‌آورد. او همه گروه‌های مقاومت را گردهم می‌آورد و بر لزوم وحدت میان آنها بسیار تأکید داشت. او همواره بر لزوم هماهنگی میان گروه‌های مقاومت فلسطین و دوری از هرگونه اختلاف تأکید می‌کرد. من به صراحتاً می‌توانم به شما بگویم که از لحاظ فکری، عاطفی، انسانی، اخلاقی، مالی، لجستیکی، سیاسی، رسانه‌ای و مادی و معنوی، «حاج قاسم سلیمانی» و تیم همراهش هر کمکی را که در توانشان بود به مقاومت فلسطین ارائه کرده و در این زمینه هیچ کوتاهی نکردند. تیم همراه او همچنان نیز همین مأموریت را انجام می‌دهد. او و تیم همراهش حتی در برخی از برهه‌های زمانی، بیش از حد توان و مسئولیت‌شان در این مسیر تلاش کردند. من در اینجا فقط می‌خواهم نکته دیگری را نیز اضافه کنم که هم‌اکنون به ذهنم رسید. شما پیشتر از من درباره «حاج قاسم سلیمانی» و پرونده فلسطین سؤال کردید. «حاج قاسم» اخیراً مشارکت فعالی در پرونده‌های عراق، سوریه و نبرد با داعش داشت و بیشتر، این نوع مشارکت در رسانه‌ها مطرح شد.

ازهمین‌روی، شاید برخی بگویند «حاج قاسم» در کجای پرونده فلسطین قرار داشت؟ می‌خواهم به این واقعیت اشاره کنم که «حاج قاسم سلیمانی» به صورت روزانه برای مسأله فلسطین زحمت کشید و در راستای حمایت از آن تلاش کرد. او به عنوان فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران در طول سالیان متمادی به دور از رسانه‌ها و دیدگان افکار عمومی، به حمایت از مسأله فلسطین پرداخت. او طی مدتی قریب به ۲۲ سال در زمینه‌های مختلفی ازجمله ارائه آموزش‌های نظامی به گروه‌های فلسطینی، انتقال تجربیات به فرماندهان مقاومت، ارائه کمک‌های مالی به مقاومت فلسطین و... تلاش‌های طاقت‌فرسایی را از خود به نمایش گذاشت. او در طول این مدت، به منظور افزایش هماهنگی‌ها و همگرایی‌ها میان گروه‌های مقاومت فلسطین، در جلسات و دیدارهای زیادی شرکت کرد. تمامی این تلاش‌ها در طول ۲۲ سال گذشته به دور از دیدگان افکار عمومی و در پشت پرده انجام شد. ازهمین‌روی، خیلی‌ها این تلاش‌ها را مشاهده نکردند. هیچکس از این تلاش‌ها در رسانه‌ها سخن نگفت. نه ایرانی‌ها و نه فلسطینی‌ها از این اقدامات «حاج قاسم» سخن نگفتند. ما نیز هیچگاه از نقش نیروی قدس و «حاج قاسم» سخنی به میان نیاوردیم. به همین دلیل، نحوه مشارکت «حاج قاسم» در پرونده فلسطین برای برخی از مردم غیرشفاف باقی ماند. به همین دلیل دوست داشتم امشب به این نکته اشاره کنم که او همواره مشارکت فعال و بسیار مؤثری را در پرونده فلسطین داشت.

با این حال، در جریان مشارکت «حاج قاسم» در پرونده‌های سوریه و عراق شاهد آن بودیم که تحرکات او از پشت پرده خارج شده و به سطح رسانه‌ها کشیده شد. این مسأله حتی سؤالاتی را در ذهن برادران ایرانی ما ایجاد کرد. حتی برخی دوستان ما این سؤال را مطرح کردند که چرا «حاج قاسم» زمانی که می‌خواهد به عراق برود، این سفر رسانه‌ای می‌شود؟ این مسأله توجه دشمن را نیز به خود جلب کرد. دوستان هم همان‌طور که گفتم، شروع به پرسیدن درباره آن کردند. دوستان می‌گفتند که از سال ۱۹۹۸ میلادی «حاج قاسم» به طور مخفیانه ترددهایش را انجام می‌داد اما اکنون چه شده که این رفت‌وآمدها علنی شده است؟ اگر به مرور گذشته بپردازید، خواهید دید که «حاج قاسم» زمانی که به منظور مبارزه با داعش در عراق حضور داشت، بتدریج در شبکه‌های ارتباط جمعی و سپس در رسانه‌های عمومی دیده شد.

■ این ظاهر شدن در رسانه‌ها اتفاقی بود یا نشأت گرفته از تصمیمی که پیشتر اتخاذ شده بود؟

من پس از مدتی در خصوص این مسأله با «حاج قاسم» صحبت کردم. به او گفتم: «حاجی؛ ظاهر شدن شما در رسانه‌ها تعمدی است؟ آیا می‌خواهید از رهگذر حضورتان در رسانه‌ها پیامی را منتقل کنید؟» او در پاسخ گفت: «نه؛ این کار تعمدی نیست». این پاسخی است که او به من داد. در رابطه با شهید «ابومهدی المهندس» نیز همین قصه اتفاق افتاد. نکته‌ای که در این زمینه وجود دارد، این است که برادران ما در عراق یعنی برادران عضو «الحشد الشعبی» و رزمندگان گروه‌های مقاومت، جملگی دارای گوشی موبایل هستند و هرگاه که «حاج قاسم» برای دیدار با آنها به خطوط مقدم جبهه نبرد می‌رفت، آنها به وسیله موبایل‌های‌شان اقدام به گرفتن عکس مشترک از خود و حاجی، می‌کردند. آنها افتخار می‌کردند که می‌توانند با «حاج قاسم سلیمانی» عکس بگیرند و این کار را حتی بعضاً بدون کسب اجازه از او انجام می‌دادند. این رزمندگان در مواجهه با شهید «المهندس» نیز همین کار را انجام می‌دادند. البته گاهی هم کسب اجازه می‌کردند، اما حاجی خجالت می‌کشید که جواب منفی به آنها دهد. من خود از زاویه مسائل امنیتی در خصوص این مسأله با «حاج قاسم سلیمانی» صحبت کردم. او در پاسخ به من گفت: «من چه چیزی به آنها بگویم؟ آیا بگویم به دلایل امنیتی با من عکس نگیرید؟ آنها جان خود را کف دستانشان قرار دادند و در خطوط مقدم جبهه نبرد حاضر شدند؛ من چگونه می‌توانم به آنها بگویم با من عکس نگیرید؛ من خجالت می‌کشم چنین چیزی به آنها بگویم»؛ پس از آنکه حاجی چنین پاسخی داد، من نیز مسأله را رها کردم. تمام آنچه اتفاق افتاد، این‌گونه بود. لذا حضور «حاج قاسم» و «حاج ابومهدی» در شبکه‌های ارتباط جمعی و رسانه‌ها با اراده و برنامه‌ریزی قبلی آنها صورت نگرفته بود.

■ ادامه در صفحه ۲۷

■ یکشنبه ۱۲ دی ۱۴۰۰
■ سال بیست و هفتم
■ شماره ۷۸۱۴

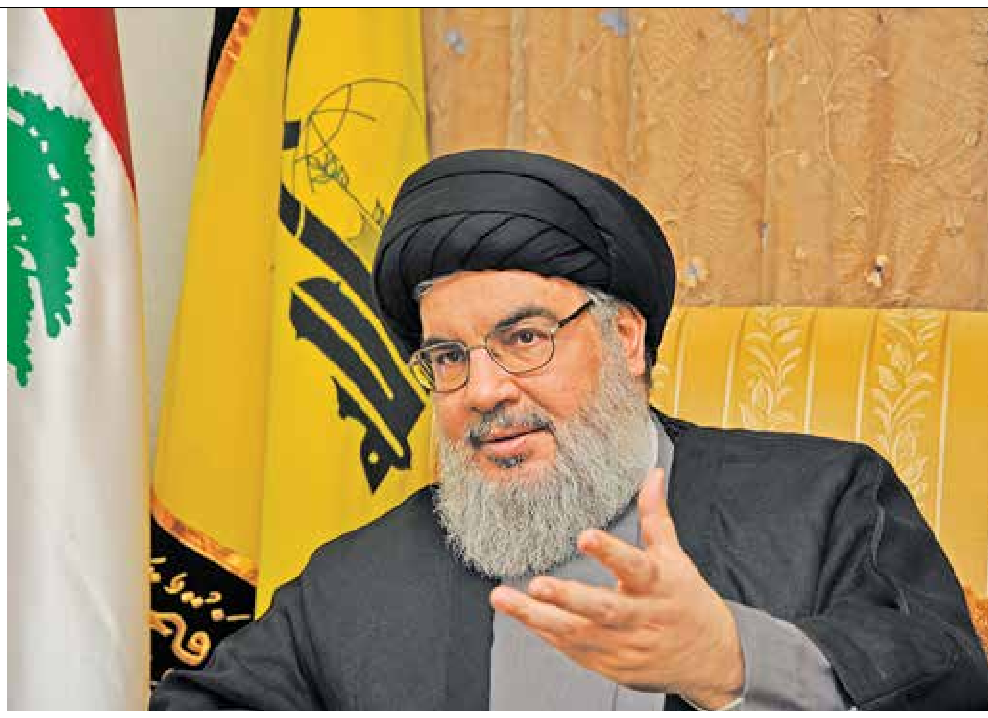

در طول ۱۰ سال گذشته در جریان این جنگ که «حاج قاسم سلیمانی» و «ابومهدی المهندس» از بزرگ‌ترین فرماندهان آن بودند، پیروزی‌های بزرگ و عظیمی محقق و پروژه‌های ایالات متحده امریکا در عراق ساقط شد. اگر گروه‌های مقاومت در عراق نبودند، اکنون شاهد حضور ۱۵۰ هزار افسر و سرباز امریکایی در عراق بودیم و این سفارت واشنگتن در بغداد بود که عراق را اداره می‌کرد. اگر مقاومت در عراق وجود نداشت، اکنون پروژه داعش نه تنها در عراق که در تمام منطقه به موفقیت دست یافته بود

■ ادامه از صفحه ۲۶

از سوی دیگر، من شخصاً با گذشت زمان به این درک رسیدم که در آنچه اتفاق افتاد، نه‌تنها برای «حاج قاسم» که برای «حاج ابومهدی»، فرماندهان مقاومت عراق و فرماندهان «الحشد الشعبی» مصلحت بسیار بزرگی نهفته بود. من شخصاً بر این باورم که این اتفاق در واقع لطف خداوند متعال بود. چرا؟ به این دلیل که خداوند متعال می‌خواست به ملت عراق و نیز به تمامی ملت‌های جهان نشان دهد که چه کسانی در خطوط مقدم جبهه‌های نبرد ایستاده‌اند. خداوند متعال می‌خواست به ملت عراق نشان دهد که چه کسی در کنار آن به مبارزه با تروریسم تکفیری پرداخت. طبیعتاً خداوند متعال شاهد بر همه وقایع است و نسبت به حوادث آشکار و پنهان آگاهی دارد، زیرا جهان هستی محضر اوست. با این حال، به خواست خداوند متعال، فیلم‌ها و تصاویری از «حاج قاسم» و «حاج ابومهدی» بدون اراده آنها ثبت و ضبط شد تا در تاریخ ثبت شود که چه کسانی در خطوط مقدم جبهه‌های نبرد ایستادند و جنگیدند. به عنوان نمونه، من در اینجا با شما از نقش آفرینی «حاج قاسم» در پرونده فلسطین سخن می‌گویم و تمام این نقش‌آفرینی در پشت پرده انجام شده است. اما خداوند متعال خواست تا این نقش آفرینی در عراق ثبت و ضبط شود و برای جهانیان به نمایش درآید.

ملت عراق باید همیشه آن مرحله را به ذهن بسپارد و به یاد داشته باشد که در زمانی که داعش برخی استان‌های این کشور را به اشغال خود درآورده بود، چه کسانی در کنار این گروه ایستادند و چه کسانی با آن مقابله کردند. ملت عراق باید بداند که در آن مرحله موضع بسیاری از دولت‌های منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای در قبال تروریست‌های تکفیری داعش چه بود. این دولت‌های منطقه‌ای و غیرمنطقه‌ای بودند که از تروریسم تکفیری در عراق حمایت مالی و تسلیحاتی به عمل آوردند و تنها به صدور بیانیه‌های صوری در محکومیت اقدامات تکفیری‌ها بسنده کردند. چه کسی در جریان نبرد با داعش در عراق جان خود را در کف دستانش قرار داد و دوشادوش مردم این کشور در خطوط مقدم جبهه‌های نبرد ایستاد؟

طبیعتاً نبرد علیه داعش از فتوای مرجعیت دینی و موضع تاریخی ایشان آغاز شد و پس از این فتوا بود که افراد جان‌برکف سلاح به دست گرفتند و در میدان نبرد حاضر شدند. ایران نیز از این رزمندگان حمایت تسلیحاتی به عمل آورد. نه رزمندگان، نه گروه‌های مقاومت و نه هیچ یک از مردم عراق در نبرد با تروریسم تکفیری داعش از هیچ خدمتی دریغ نکردند. ما باید منصفانه به این مسأله نگاه کنیم. انصاف می‌گوید که اینها [مردم و رزمندگان عراقی] از عراق و مقدسات آن حمایت کردند و موجب عدم سقوط منطقه شدند، زیرا هدف داعش تنها عراق نبود، بلکه برای منطقه برنامه‌ریزی کرده بود. به هر حال، در خصوص مسأله رسانه‌ای شدن حضور «حاج قاسم سلیمانی» در عراق من با وی در این زمینه صحبت کردم و متوجه شدم که او اساساً دنبال دیده شدن در رسانه‌ها و مورد تعریف و تمجید واقع شدن توسط دیگران، نبوده است.

■ روابط او با مرجعیت عراق چگونه بود؟ براساس اطلاعاتی که دارید، دیدگاه او در قبال مرجعیت چه بود؟

روابط او با مرجعیت کاملاً حسنه و خوب بود. او به صورت مستقیم با مرجعیت در «نجف اشرف» بویژه در خصوص مسائل و پرونده‌های اساسی در ارتباط بود. در آن زمان، دو طرف از طریق کانال‌های مورد توافق، با یکدیگر ارتباط داشتند.

■ جناب «نصرالله» شما درباره نقش‌آفرینی «حاج قاسم» در عراق صحبت کردید، اما می‌دانید که طی قریب به دو دهه اخیر، ما در عراق شاهد دو مرحله بوده‌ایم. مرحله اول، اشغال عراق توسط امریکا بود و مرحله دوم به حمله داعش مربوط می‌شود. شما در خصوص نقش پشت پرده «حاج قاسم سلیمانی» در مرحله اشغال عراق توسط ایالات متحده امریکا به چه چیزی می‌توانید اشاره کنید؟

همان‌طور که می‌دانید، این مرحله با خروج ذلت‌بار ۱۵۰ هزار نظامی امریکایی از عراق پایان یافت. در اینجا باید درباره مرحله‌ای صحبت کنیم که از سال ۲۰۰۳ آغاز شد و تا سال ۲۰۱۱ نیز ادامه داشت. بگذارید تا از این مرحله به عنوان مرحله «مقاومت علیه اشغالگران امریکایی» یاد کنیم. طبیعی است که در مرحله حمله داعش به عراق، نقش شخصیت‌هایی نظیر «حاج قاسم» و «حاج ابومهدی» به دلیل حضور در رسانه‌ها آشکار بود. در آن زمان، مواضع دیگران در این خصوص کاملاً علنی بود و بیانیه‌های زیادی هم در حمایت از نقش شهیدان «حاج قاسم» و «حاج ابومهدی» صادر شد. در همین حال، موضع دولت بغداد و فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق نیز کاملاً واضح بود. علمای دینی نیز از این نقش آفرینی حمایت می‌کردند. مرجعیت دینی، عشایر، مردم و... جملگی از نقش «حاج قاسم» و «حاج ابومهدی» در نبرد با داعش حمایت کردند. این لطف خدا بود که در آن مرحله، نقش آنها علنی شود. به رغم تمامی آنچه گفته شد، نقش شهیدان «حاج قاسم» و «حاج ابومهدی» در مرحله اشغالگری امریکا در عراق به دور از دیدگان باقی ماند و آنها در این زمینه مظلوم واقع شدند. چه خوب شد که شما این سؤال را مطرح کردید تا بدین‌ترتیب بتوانیم درباره مرحله مبارزه علیه اشغالگری امریکا در عراق کمی صحبت کنیم.

مقاومت موجب شد تا سال ۲۰۱۱ ایالات متحده امریکا با خفت و خواری خاک عراق را ترک کند. امریکایی‌ها در نهایت به جایی رسیدند که متوجه شدند گروه‌های متشکل از جوانان عراقی، مقاومت در عراق را تحت عناوین و اسامی مختلف تأسیس کردند. در اینجا به موضوع برادرمان «حاج قاسم سلیمانی» بازمی‌گردیم. واقعیت آن است که گروه‌های مقاومت در عراق در زمینه‌های مختلف مادی، معنوی، نظامی، تسلیحاتی و آموزشی از سوی «حاج قاسم سلیمانی» و نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حمایت می‌شدند. امریکایی‌ها خود بخوبی این مسأله را می‌دانند. چرا؟ زیرا افرادی را بازداشت کردند و تحت شکنجه از آنها اعتراف گرفتند. برخی افراد بازداشت‌شده، تحت شکنجه اعتراف کردند که در کجا و در چه پایگاه‌ها و پادگان‌هایی و توسط چه کسانی تحت آموزش نظامی قرار گرفتند. آنها اعتراف کردند که چه کسی تسلیحات در اختیارشان قرار داد و چه کسی از آنها حمایت مالی به عمل آورد. بنابراین، امریکایی‌ها خود بخوبی از نقش آفرینی «حاج قاسم» در دوران اشغالگری‌شان در عراق آگاهی دارند.

در واقع، «حاج قاسم سلیمانی» حامی و پشتوانه «گروه‌های مقاومت اصیل و واقعی» عراق بود. چرا می‌گویم «گروه‌های مقاومت اصیل و واقعی»؟ زیرا او [حاج قاسم] از گروه‌هایی حمایت به عمل می‌آورد که کاملاً دقیق، منضبط، ملتزم و پایبند به اصول، هدفمند و... بودند و تنها هدفشان به فرسایش کشاندن قدرت نیروهای اشغالگر امریکایی در خاک عراق بود. شما نگاه کنید؛ «ایمن الظواهری» روزی از انجام حدود ۵ هزار عملیات انتحاری در عراق خبر داد. شما به من بگویید که چند عملیات از این عملیات‌های انتحاری علیه اشغالگران امریکایی انجام شد؟ من به صراحت می‌توانم به شما بگویم که ۴۸۰۰ عملیات انتحاری آنها علیه ملت عراق صورت پذیرفت، یعنی آنها شیعیان، سنی‌ها، کردها، ترکمن‌ها، مسیحیان، کلیساها و مساجد را هدف قرار دادند. لذا آنچه آنها در عراق انجام دادند، مبارزه با امریکایی‌ها نبود، بلکه پاکسازی نژادی و فراتر از آن پاکسازی انسانی در این کشور بود. به همین دلیل است که می‌گویم «حاج قاسم سلیمانی» و نیروی قدس پشتوانه و حامی «گروه‌های مقاومت اصیل و واقعی» در عراق بودند؛ گروه‌هایی که هیچ‌گاه غیرنظامیان را هدف قرار ندادند و از اصول خود، عدول نکردند.

من پیشتر نیز اشاره کردم که امریکایی‌ها برای خروج از خاک عراق به ایرانی‌ها یعنی «حاج قاسم سلیمانی» متوسل شدند. زمانی که توافقنامه خروج امریکایی‌ها از عراق امضا شد، آنها [امریکایی‌ها] با چه کسی صحبت کرده بودند؟ آنها نه به صورت مستقیم که از طریق عوامل خود با نیروی قدس صحبت کرده بودند. آنها به عوامل خود گفتند از «قاسم سلیمانی» خواهش کنید که با گروه‌های مقاومت در عراق صحبت کند و از آنها مهلت بگیرد تا ما طی یک مدت ۲ یا ۳ ماهه از عراق خارج شویم. به هر حال، خلاصه کلام آنها در آن زمان این بود که ما می‌خواهیم از عراق عقب‌نشینی کنیم، اما نمی‌خواهیم که این اتفاق، زیر آتش مقاومت رخ دهد. من می‌خواهم مسأله دیگری را نیز برای شما بازگو کنم. رئیس ستاد فرماندهی مرکزی امریکا در منطقه که عراق نیز جزئی از محدوده‌های جغرافیایی تحت مسئولیتش بود و نیز دیگر فرماندهان ارتش امریکا در عراق، «حاج قاسم سلیمانی» و نیروی قدس را تهدید کردند که اگر حمایت‌هایتان از گروه‌های مقاومت عراق را متوقف نکنید، ما مراکز و مواضع شما در ایران را بمباران می‌کنیم. آنها حتی اردوگاهی در منطقه «کرج» را به عنوان یکی از اهداف خود اعلام کردند؛ اردوگاهی که رزمندگان مقاومت از کشورهای مختلف در آنجا تحت آموزش قرار می‌گرفتند. لذا اهدافی را مشخص کردند و گفتند که ما این اهداف را بمباران می‌کنیم. با این حال، موضع جمهوری اسلامی ایران به هیچ‌وجه تغییر نکرد. شما بخوبی می‌دانید که موضع «سماحة السید القائد» (حفظه الله) و مسئولان ایرانی همواره مبتنی بر حمایت از گروه‌های مقاومت عراق بوده است. مقصودم این است که ایران هیچگاه این موضع رسمی خود را پنهان نکرده است.

■ بله؛ موضع ایران در حمایت از مقاومت هیچ گاه مُبهم نبوده است. با این حال، جناب «نصرالله» تمامی آنچه در خصوص آن زمان نوشته شده است، مشارکت ایران در فرایند سیاسی عراق بوده است؛ هیچ کس اشاره نکرده است که ایران از طریق ژنرال «حاج قاسم سلیمانی» به ترتیبی که توضیح دادید، از گروه‌های مقاومت عراق حمایت به عمل آورده است.

نگاه کنید؛ تجربه مبارزه با اشغالگری در عراق از سال ۲۰۰۳ شروع شد و تا سال ۲۰۱۱ ادامه پیدا کرد. این یک تجربه بسیار خوب بود که در آن از تجربیات گذشته نیز بهره‌برداری شد. در نتیجه این تجربه جدید بود که ما با ۳ نوع رویکرد در نزد شخصیت‌های عراقی مواجه شدیم. گروه اول از شخصیت‌ها به فرایند سیاسی و فعالیت‌های سیاسی اعتقاد داشتند و با فعالیت‌های نظامی و مواجهه نظامی با اشغالگران مخالف بودند. گروه دوم، شخصیت‌های بودند که به فعالیت‌های نظامی و مقاومت در برابر اشغالگران اعتقاد داشتند. اما گروه سوم، افراد و شخصیت‌هایی بودند که به مقاومت سیاسی و ملی و مردمی معتقد بودند اما در عین حال اعتقادی به مقاومت مسلحانه نداشتند. این درحالی است که ما در تجربیات گذشته تنها شاهد یک فرایند و یک رویکرد بودیم. با این حال، در تجربه جدید، جمهوری اسلامی ایران از تمامی رویکردها حمایت به عمل آورد. ایران از شخصیت‌ها و جریان‌هایی که می‌خواستند از طریق فرایند سیاسی یعنی قانون اساسی و برگزاری انتخابات و مذاکره با امریکا، حاکمیت ملی عراق را حفظ کنند، حمایت کرد و به آنها گفت که بر خدا توکل کنید. از سوی دیگر، تهران همچنین از گروه‌های مقاومت که به گزینه نظامی در برابر اشغالگران اعتقاد داشتند، حمایت کرد و به آنها نیز گفت که در مسیرتان به خداوند متعال توکل کنید. ایران حتی از گروه سوم یعنی حامیانِ مقاومت سیاسی، ملی و مردمی نیز حمایت به عمل آورد و به آنها نیز توکل بر خداوند متعال را توصیه کرد. علت حمایت از این ۳ گروه و ۳ رویکرد چه بود؟ علت این بود که هدف تمامی آنها یکسان بود و جملگی می‌خواستند به یک هدف واحد دست یابند. طبیعتاً در آن زمان، حمایت ایران از گروه‌های سیاسی واضح‌تر بود و رسانه‌ای شد، اما حمایت آن از مقاومت عراق در پشت پرده باقی ماند.

■ آیا درست است که ژنرال شهید «حاج قاسم سلیمانی» (رحمة الله علیه) کسی بود که مسیر نیروهای امریکایی برای خروج از عراق به سمت کویت را ایمن‌سازی کرد؟

من در این خصوص چیزی نمی‌دانم؛ تنها چیزی که می‌دانم این است که امریکایی‌ها به «حاج قاسم سلیمانی» و برادرانِ سپاه پاسداران پیام دادند و از آنها درخواست کمک کردند. امریکایی‌ها درخواست داشتند که «حاج قاسم» برای آنها از گروه‌های مقاومت عراق مهلت بگیرد.

■ در آن زمان، «حاج ابومهدی» نیز در زمره محور مقاومت فعالیت می‌کرد؟

مطمئناً. او در آن برهه از زمان یکی از فرماندهان اصلی و اساسی در محور مقاومت بود. اگر بخواهیم اصطلاح «دست راست» را بکار ببریم، باید بگوییم که در آن زمان در جریان تمامی اقداماتی که «حاج قاسم» در حمایت از گروه‌های مقاومت متحمل شد، «حاج ابومهدی» - در میان غیر ایرانی‌ها - دست راست او بود.

■ جناب «نصرالله» در اوایل سال ۲۰۲۰ «حاج قاسم سلیمانی» و «حاج ابومهدی» در عملیات پهپادهای امریکایی در نزدیکی فرودگاه بغداد به شهادت رسیدند. در واقع، در این برهه از زمان، حذف فیزیکی این رهبران مقاومت رقم خورد. در آن زمان، این استنباط نیز به وجود آمد که دوران مقاومت نیز به سَر رسیده است و ما در برابر یک عراق جدیدِ تحت سلطه ایالات متحده امریکا قرار گرفته‌ایم؛ حتی برخی گفتند که به هیبت مقاومت در عراق و همچنین به هیبت حامیان آن ضربه سختی وارد شده است. دیدگاه شما در این زمینه چیست؟

من یک مسأله دیگر در اینجا به ذهنم رسید که می‌خواهم آن را بیان کنم. «دونالد ترامپ» هرگاه که می‌خواست قتل «حاج قاسم» و «حاج ابومهدی» - البته شاید بیشتر قتل حاج قاسم - را توجیه کند، می‌گفت که او [حاج قاسم] مسئول کشته شدن سربازان امریکایی در عراق بوده است. او این بهانه را مطرح می‌کرد؛ مدتی از شهادت «حاج قاسم» سپری شد و من یک فایل ویدئویی ترجمه شده از سخنان یک فرمانده نظامیِ سیاهپوست امریکا را مشاهده کردم. او از فرماندهان برجسته امریکا بود که البته نامش را اکنون فراموش کرده‌ام. این فرمانده امریکایی در برابر تعداد زیادی از افراد سخنرانی می‌کرد. طبیعتاً کسانی که در جلسه سخنرانی حضور داشتند، از سیاهپوستان بودند؛ یعنی از امریکایی‌هایی که دارای اصالتِ آفریقایی بودند. به هر حال، این فرمانده امریکایی سخنانی را مطرح کرد که من از شجاعت و صراحت کلام او شگفت‌زده شدم. اکنون به ذهنم خطور کرد که چنین چیزی را برای شما مطرح کنم. او خطاب به «ترامپ» گفت: «تو می‌گویی که قاسم سلیمانی را کُشتی زیرا مسئول کشتار سربازان امریکایی در عراق بوده است. سؤال این است که سربازان امریکایی در عراق چه کار می‌کردند؟ آیا ما نیروهای اشغالگر در عراق نبودیم؟ آیا به آنجا نرفتیم تا با عراقی‌ها مبارزه کنیم، علیه آنها مرتکب جنایت شویم و ده‌ها هزار نفر را قتل عام کنیم؟ شما با دروغ‌گویی‌هایتان سربازان امریکایی را به عراق فرستادید. شما به دروغ گفتید که آنها دارای تسلیحات کشتار جمعی هستند. شما جوانان امریکایی و حتی جوانان سفیدپوست را نیز به خاطر نفت قربانی می‌کنید.» اینها جملگی عباراتی بود که آن فرد به کار بُرد. این فرمانده امریکایی از «حاج قاسم» سخن گفت اما مسئولیت او در فعالیت‌های مربوط به مقاومت و ایستادگی‌اش در برابر اشغالگران امریکایی را انکار نکرد و گفت: «او [قاسم سلیمانی] در صفوف مقاومت بود و با نیروهای اشغالگر می‌جنگید. او به ملت عراق برای آزادی سرزمینش از چنگ اشغالگران کمک کرد.»

من به صحبت‌های این فرمانده امریکایی این را نیز اضافه می‌کنم که اشغالگران، چپاولگر و غارتگر نیز بودند. آنها همچنان نیز به غارت و سرقت ثروت‌های طبیعی منطقه ادامه می‌دهند. «ترامپ» همواره می‌گفت که ما نیروهای خود را همچنان در شرق سوریه حفظ می‌کنیم. علت این مسأله چیست؟ علت آن است که آنها می‌خواهند نفت آنجا را به یغما ببرند. به هر حال، من دوست داشتم در اینجا به سخنان آن فرمانده امریکایی نیز اشاره‌ای داشته باشم. اکنون به صحبت خود پیرامون «مقاومت اصیل و واقعی» در عراق بازمی‌گردیم. وقتی از گروه‌های مقاومت اصیل و واقعی سخن می‌گوییم، مقصودمان این است که شبکه «القاعده» و گروه‌های نظیر آن با اشغالگران امریکایی مبارزه نکردند. این «ابومصعب الزرقاوی» و «ابوعمر البغدادی» نبودند که اشغالگران امریکایی را از خاک عراق اخراج کردند. همّ‌وغم شبانه‌روزی این افراد قتل و کشتار غیرنظامیان عراقی بود نه اخراج اشغالگران امریکایی. این مقاومت اصیل و واقعی عراق با فرماندهان، رزمندگان، شهدا و اسرای عراقی بود که به حضور اشغالگران در این کشور پایان بخشید. این مقاومت اصیل و واقعی بود که پیروزی بزرگ بر اشغالگران را رقم زد. در این میان، طرف‌هایی که همواره از این گروه‌ها حمایت کردند، پشتوانه آنها بودند و به صورت شبانه‌روزی خدمات زیادی را به مقاومت ارائه کردند، «حاج قاسم سلیمانی»، نیروی قدس و جمهوری اسلامی ایران بودند. موضع «سماحة السید القائد» در این زمینه کاملاً واضح، شفاف و روشن است.

اکنون به سؤال شما پیرامون شهادت شهیدان «حاج قاسم سلیمانی» و «حاج ابومهدی» بازمی‌گردیم. براساس فرهنگ ما، خط مشی ما، طرز تفکر و نگرش ما و نیز براساس تاریخ ما، آنچه برای این دو فرمانده بزرگ و عزیز اتفاق افتاد، یک نتیجه طبیعی بود. چرا؟ زیرا ما در جریان بررسی حوادث و رویدادهای بزرگ و تاریخی، همواره از زاویه‌ای متفاوت این حوادث را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. اگر ما جزئیات را فارغ از توجه به گذشته، فضای کنونی و آینده مورد بررسی قرار دهیم، ممکن است به یک ارزیابی منفی برسیم. اما اگر این جزئیات را در چهارچوب تحولات گذشته، فضای کنونی و افق‌های آینده بررسی کنیم، نتیجه بهتری می‌گیریم و مسأله دیگر کاملاً فرق می‌کند.

شما دیدید که امریکایی‌ها آمدند و «حاج قاسم» و «حاج ابومهدی» را به شهادت رساندند. درست است؛ این نه برای ایران که برای عراق و منطقه نیز خسارت جبران‌ناپذیری است. اما با این حال، همه ما راه و مسیر آنها را ادامه می‌دهیم. در نهایت از دست دادن آنها برای ما یک خسارت است. این خسارت در چه چهارچوبی گنجانده می‌شود؟ من به شما توضیح می‌دهم. یک مرتبه، دشمن به خانه‌های ما می‌آید و ما را می‌کُشد. یک مرتبه نیز ما در حال فرار هستیم و دشمن از پشت ما را هدف قرار می‌دهد و می‌کُشد. یک مرتبه هم ما دستاوردهای بسیار بزرگی را محقق کرده‌ایم و ضربات سهمگینی را به طرف مقابل وارد آورده‌ایم و به طور کلی، معادلات را تغییر داده و پروژه‌های بزرگ دشمن را ساقط کرده‌ایم و پس از آن دشمن، ما را می‌کُشد. شما می‌بینید که تفاوت‌های زیادی در این زمینه‌ها وجود دارد. اکنون این سؤال به وجود می‌آید که آیا عظمت و هیبت مقاومت در عراق از بین رفته است؟ ترامپ می‌گوید که ما ۷ تریلیون دلار در عراق و منطقه هزینه کردیم اما هیچ نتیجه‌ای عایدمان نشد. معنای این صحبت او چیست؟ «سماحة القائد» (حفظه الله) می‌گویند: «به اعتراف خودِ ترامپ، امریکایی‌ها ۷ تریلیون دلار در منطقه هزینه کرده‌اند، اما زمانی که ترامپ می‌خواهد در شب سال نوی میلادی در کنار نظامیان امریکایی در عراق باشد، شبانه، بدون اطلاع قبلی و با چراغ‌های خاموش هواپیما به این کشور می‌رود و شبانه نیز به صورت مخفیانه بازمی‌گردد.» بسیار خب، اینجا می‌توانید بگویید که در عراق پیروزی از آن چه کسانی شده و چه کسانی در این کشور دست برتر را دارند؟ کشوری که این چنین هزینه‌ای را در عراق صَرف کرده و این حجم از نظامیان را نیز در این کشور نگاه داشته است، می‌بایست تمامی عراق را در جیبِ خود داشته باشد. با این حال، رئیس جمهور آن می‌ترسد در روز روشن و به صورت آشکارا و علنی به عراق برود.

البته ما زمانی که از «حاج قاسم» و «حاج ابومهدی» سخن می‌گوییم، مقصودمان این نیست که پیروزی‌های مقاومت در عراق توسط افراد محقق شده است. نه؛ ما معتقد هستیم که این پیروزی‌ها توسط محور مقاومت، فرماندهان، مجاهدان، شهدا، مجروحان، اسرا و مردمان حامی مقاومت تحقق یافته است. این محور تاکنون در برابر تجاوزگری‌ها ایستاده است. از ۱۰ سال پیش پروژه‌ای آغاز شد و طی آن تجاوزات بسیار بزرگی صورت گرفت. برخی به ما گفتند که شما در موضع دفاعی هستید و نه موضع هجومی. من پاسخ دادم که ما از ۱۰ سال پیش تاکنون در موضع دفاع هستیم، زیرا ما امتی هستیم که به ما تجاوز شده است؛ امتی که به مقدسات آن ازجمله فلسطین و قدس تجاوز شده است. در طول یک قرن گذشته، به لبنان، اردن، سوریه، مصر و... تجاوز شده است. در همین حال، ارتش‌های جهان برای اشغال عراق و افغانستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس بسیج شدند. از سوی دیگر، سوریه نیز به اشغال تهدید شده است. زمانی که «کالین پاول» وزیر خارجه اسبق امریکا با رئیس جمهور «اسد» دیدار داشت، او را به اشغال سوریه تهدید کرد. افزون بر این، به غزه و لبنان جنگ‌های زیادی تحمیل می‌شود و تلاش‌هایی برای تحمیل «معامله قرن» به فلسطین صورت می‌پذیرد. لذا باید واقع‌بین باشیم و بدانیم که ما محوری هستیم که همواره در موضع دفاعی به سر می‌بریم، زیرا می‌خواهیم از سرزمین خود، ملت‌های خود، مقدسات خود، امت و ثروت‌های امت خود دفاع و پاسداری کنیم.

در طول ۱۰ سال گذشته در جریان این جنگ که «حاج قاسم سلیمانی» و «ابومهدی المهندس» از بزرگ‌ترین فرماندهان آن بودند، پیروزی‌های بزرگ و عظیمی محقق و پروژه‌های ایالات متحده امریکا در عراق ساقط شد. در واقع، هم پروژه اشغالگری امریکا و هم پروژه اشغالگری داعش در این کشور ساقط شد. من به ضرس قاطع به شما می‌گویم که اگر گروه‌های مقاومت در عراق نبودند، اکنون شاهد حضور ۱۵۰ هزار افسر و سرباز امریکایی در عراق بودیم و این سفارت واشنگتن در بغداد بود که عراق را اداره می‌کرد. اگر مقاومت در عراق وجود نداشت، اکنون پروژه داعش نه تنها در عراق که در تمام منطقه به موفقیت دست یافته بود. داعش در حقیقت پروژه امریکایی‌ها در منطقه و عراق بود. مقامات ایالات متحده امریکا پس از شکستی که در سال ۲۰۱۱ متحمل شدند از پروژه داعش برای بازگشت به عراق بهره‌برداری کردند و این همان چیزی است که «دونالد ترامپ» نیز بدان اذعان کرده است. محور ما [محور مقاومت] در سوریه، لبنان، یمن، فلسطین و سراسر منطقه امروز توانسته است با قدرت در صحنه حاضر شود و از امت اسلامی دفاع کند. محور ما امروز توانسته است پیروزی‌ها و دستاوردهای گسترده‌ای را محقق کند. شما دیدید که پیش‌تر «ترامپ» از ۷ تریلیون دلاری صحبت کرد که در منطقه به هدر رفت. در همین حال، برخی از مسئولان و مقامات سابق و کنونی کشورهای عربی از صدها میلیارد دلار، صدها هزار تُن سلاح و صدها هزار مزدور سخن می‌گویند که از سراسر جهان در اختیارشان قرار گرفته است. چرا؟ برای نابود کردن مقاومت. هدف از هزینه کردن صدها میلیارد دلار، استفاده از صدها تُن تسلیحات جنگی و به کارگیری صدها هزار مزدور تنها برای بریدن نفس مقاومت و سست کردن اراده مقاومت در منطقه ما بوده است. با این حال، من به صراحت به شما می‌گویم که محور مقاومت امروز بیش از هر زمان دیگری قدرت یافته است. این را بدون مبالغه می‌گویم. اگر از این زاویه به مسأله نگاه کنیم، خواهیم یافت که ما در موضع ضعف نیستیم. شاید یک ضربه خورده باشیم، اما در طرف مقابل، ۱۰ سال است که درحال ضربه زدن به آنها هستیم. از ۱۰ سال پیش تاکنون ما طعم تلخ شکست را در میادین مختلف به امریکا و مزدورانش چشانده‌ایم. طبیعی است که آن‌ها نیز اکنون به ما ضربه بزنند.

اکنون ما باید چه کنیم؟ اکنون باید بیندیشیم که چگونه پس از شهادت «حاج قاسم سلیمانی» و «ابومهدی المهندس» راه آن‌ها را ادامه دهیم و مسیرشان را کامل کنیم. در نهایت باید بگوییم که ضربه‌ای وارد شد و محور مقاومت و در رأس آن جمهوری اسلامی ایران توانست این ضربه بسیار بزرگ را تحمل کند. شما به خوبی دیدید که چه مراسم‌های تشییعی برای شهیدان «سلیمانی» و «المهندس» برگزار شد. «سماحة القائد» اعلام کردند که مراسم‌های مذکور در واقع به مثابه یک سیلی محکم و تاریخی به طرف مقابل بود. میلیون‌ها نفر در ایران و عراق به خیابان‌ها آمدند. این برخلاف هدفی بود که «ترامپ» برای تحقق آن تلاش می‌کرد.

هدف ترامپ از ترور شهیدان «سلیمانی» و «المهندس» قطع کردن نفس مقاومت بود. او می‌خواست همگان را بترساند و آن‌ها را عقب براند، اما با این حال، میلیون‌ها نفر در ایران و عراق به خیابان‌ها آمدند و گفتند که همه ما «سلیمانی و مهندس» هستیم.

■ حسب برآوردها تنها در ایران ۲۷ میلیون نفر در مراسم تشییع شرکت کردند.

بله؛ به تعبیر «سماحة القائد» این اولین سیلی به صورت عاملان جنایت بود. سیلی دوم در واقع حمله موشکی به پایگاه «عین‌الأسد» امریکا در عراق بود. متأسفانه در این خصوص باید بگویم که حتی برخی دوستان نیز حمله موشکی قدرتمندانه به پایگاه «عین‌الأسد» را تضعیف کردند. از دیدگاه ما، معیار سنجش موفقیت اینگونه عملیات‌ها کشته شدن یا کشته نشدن نظامیان طرف مقابل نیست. اینکه در میان کشورهای عربی و اسلامی و در میان کشورهای جهان، رهبران یک کشور در طراز ایران این شجاعت را داشته باشند که به صورت مستقیم، واضح و علنی پایگاه نظامی ایالات متحده امریکا را مورد حمله موشکی قرار دهند، طبیعی است که این یک دستاورد بزرگ، عظیم و تاریخی محسوب می‌شود. این حمله موشکی درحالی صورت گرفت که می‌توانست بمباران کارخانه‌ها، پالایشگاه‌ها، بنادر نفتی و فرودگاه‌های ایران از سوی طرف مقابل را در پی داشته باشد. اما باوجود این چالش‌ها، رهبران جمهوری اسلامی ایران تصمیم به انجام حمله موشکی مستقیم گرفتند. این یک اقدام استراتژیک بود و شجاعتی که ما در این حمله موشکی دیدیم قابل توصیف نیست. با تمامی این‌ها، برخی از دوستان تلاش کردند تا این عملیات موشکی را تضعیف کنند. فارغ از این مسائل، باید به این مسأله نیز اشاره کنم که حمله موشکی به «عین‌الأسد» پاسخ اصلی به جنایت دشمن نبود و تنها یک ضربه بود.

مسأله دیگری که می‌خواهم به آن اشاره کنم، این است که ترامپ تصور می‌کرد پس از شهادت شهیدان «قاسم سلیمانی» و «ابومهدی المهندس» محور مقاومت در منطقه برای همیشه تضعیف و در نهایت نابود می‌شود. او تصور می‌کرد که محور مقاومت پس از شهادت این دو فرمانده بزرگ متلاشی شده و روحیه خود را کامل از دست خواهد داد و هماهنگی‌ها و همگرایی‌ها میان اجزای مختلف مقاومت از بین خواهد رفت. این درحالی است که محور مقاومت مبتنی بر یک شخص خاص نیست. محور مقاومت مبتنی بر هیچ یک از شخصیت‌هایی نظیر ما نیست. هیچ یک از دوستان یا دشمنان نباید در این خصوص دچار اشتباه شوند. این محور حتی پس از شهادت «حاج قاسم» و «حاج ابومهدی» یکپارچه و مستحکم باقی ماند و اکنون نیز به صورتی کاملاً قوی و فعال در صحنه حضور دارد.

از سوی دیگر، دو موضوع مهم وجود دارد که «سماحة القائد» نیز به آن اشاره کرده‌اند. موضوع اول، همان پروژه بزرگ اخراج نظامیان امریکایی از منطقه است. ایشان عنوان کردند که این پروژه یک پاسخ استراتژیک به ترور فرماندهان ما است. حقیقت این است که اخراج نظامیان امریکایی از منطقه نه تنها پاسخی استراتژیک به ترور «حاج قاسم» و «حاج ابومهدی است» بلکه پاسخی راهبردی به ترور تمامی فرماندهان ما و به تمامی تجاوزگری‌های آن‌ها در منطقه ما است. طبیعتاً این مهم در نهایت تحقق خواهد یافت و مسأله تنها مسأله زمان است. طبیعی است که چنین اتفاق مهمی در طول یک مدت زمان کوتاه چند هفته‌ای یا چند ماهه رخ نخواهد داد.

موضوع دوم در حقیقت قصاص و مجازات مستقیم است. اکنون پس از آنکه «السید القائد» (حفظه الله) در این‌باره صحبت کرده‌اند، وضعیت روشن‌تر شده است. امروز من معتقد هستم که یک پیام واضح وجود دارد و آن، این است که کسانی که دستور این قتل را صادر کردند و نیز کسانی که این عملیات را اجرا کردند باید مجازات شوند. این افراد، هرکجا که باشند باید مجازات گردند. این یک پیام بسیار قوی و جدی است. شاید مردم به این سخن توجه کرده باشند یا آن را نادیده گرفته باشند، اما به هر حال، بیانات «سماحه القائد» زمانی که با خانواده «شهید سلیمانی» و اعضای ستاد بزرگداشت سالگرد این شهید دیدار کردند، کاملاً واضح بود. انتقام از آمران و عاملان این قتل، مسأله زمان است. این بدان معناست که تمامی کسانی که در این تصمیم‌گیری شریک بودند و نیز تمامی کسانی که در اجرای این عملیات شراکت داشتند، مورد هدف قرار دارند. می‌خواهم امروز این را نیز اضافه کنم که این افراد نه تنها از سوی ایران که از سوی هر انسانی که احساس می‌کند باید به خون این شهدای مظلوم و از پشت خنجر خورده وفادار باشد. بخصوص دوستان ما در عراق - مورد هدف قرار دارند.

یک مرتبه در یکی از مناسبت‌ها به مسئولان عراقی گفته شد که «حاج قاسم سلیمانی» میهمان شما بود و درحالی که در خانه شما و میهمانتان بود، به قتل رسید. این بدان معناست که مسئولیت عراقی‌ها و ملت عراق در قبال قصاص از قاتلان «حاج قاسم سلیمانی» و «ابو مهدی المهندس» - البته اکنون از شهید سلیمانی که ایرانی بود سخن می‌گویم - بیش از مسئولیت خود ایرانی‌هاست، زیرا او میهمان عراقی‌ها بود. افزون بر این، مسئولیت عراقی‌ها در قبال قصاص از قاتلان «شهید سلیمانی» بیش از مسئولیت ملت‌های منطقه و جنبش‌های مقاومت است، زیرا وی میهمان آن‌ها بود. به هر حال، این مسأله کاملاً واضح و آشکار است. من معتقدم که هر آن کس سخنان «سماحة القائد» را شنیده باشد، می‌تواند آزادانه تصمیم‌گیری کند. این سخنان شاید دولتی، حزبی، سازمانی یا گروه معینی را به خود مشغول نکند و تنها شاید یک فرد را به خود مشغول سازد و این فرد به این نتیجه برسد که بله فلان طرف‌ها در قتل این دو شهید بزرگ مشارکت داشته‌اند و در نهایت، خود نیز مأموریت هدف قرار دادن آن‌ها را برعهده گیرد.

■ این بدان معناست که «ترامپ» و فرماندهان نظامی مورد هدف هستند؟

یک پیام واضح و شفاف وجود دارد. همه کسانی که در این قتل نقش داشته‌اند مورد هدف قرار دارند؛ حال چه ترامپ باشد چه غیر ترامپ. ترامپ نیز همین طور است، زیرا نقشی اساسی در اتخاذ تصمیم ترور ایفا کرد. تمامی کسانی که در این تصمیم‌گیری شرکت داشتند و آمر یا عامل بودند باید مجازات شوند.

■ حتی کسانی که امریکا را به ارتکاب این جنایت تشویق و تحریک کردند؟

«السید القائد» درباره طرف‌های تشویق‌کننده و تحریک‌کننده صحبت نکردند. ایشان درباره عاملان و آمران جنایت ترور فرماندهان مقاومت سخن گفتند. مسأله قصاص از عاملان و آمران این جنایت، مسأله وقت است. بدون شک، تحقق این مهم طی یک ماه، دو ماه، یک سال، ۷ سال یا ۱۰ آینده محقق خواهد شد. این کار در آینده نزدیک یا دور بالاخره انجام می‌شود. آنچه که تمامی جهانیان باید بدانند این است که این خون [خون فرماندهان پیروزی] آنگونه که در ادبیات، مصطلح است روی زمین باقی نخواهد ماند و این بدان معناست که قاتلان «حاج قاسم سلیمانی» و «ابو مهدی المهندس»، چه آمران و چه عاملان، چه در کوتاه مدت و چه در بلند مدت، باید مجازات شوند. این واضح و شفاف است. من معتقدم هر انسان شریفی در امت اسلامی و هر آزاده‌ای در امت اسلامی باید در قبال این امر و این مسیر احساس مسئولیت کند.

■ ادامه در صفحه ۲۸

■ ادامه از صفحه ۲۷

■ جناب «نصرالله» زمانی که از شهید «قاسم سلیمانی» سخن می‌گوییم، نقش او در سوریه نیز توجه ما را جلب می‌کند. ما می‌دانیم که شهید «سلیمانی» سفرهایی را به سوریه داشت. آیا می‌توانید برای ما روایت کنید زمانی که بحران سوریه آغاز شد، شما و «حاج قاسم» چه تحلیل و ارزیابی‌ای از این بحران داشتید؟ آیا شما، «حاج قاسم» و «بشار اسد» درباره این بحران با یکدیگر گفت‌وگویی داشتید؟ چه برنامه‌ریزی‌هایی داشتید؟ دیدگاه و نگرش شما نسبت به این بحران چگونه بود؟

برای پاسخ گفتن به این سؤال لازم است به تاریخ بازگردیم. در روز دوم اعلام استعفای «حُسنی مبارک» در مصر، مردم در میدان «التحریر» قاهره و دیگر نقاط این کشور اقدام به برگزاری جشن و پایکوبی کردند. حتی ملت‌های جهان عرب نیز از استعفای «مبارک» خوشحال بودند و به شادی پرداختند. در روز دوم من به یاد دارم که «حاج قاسم» در اینجا یعنی در ضاحیه بود. طبیعتاً همه ما نیز بسیار خوشحال بودیم، زیرا انقلاب مصر به نتیجه رسیده و «حسنی مبارک» از قدرت ساقط شده بود. «حاج قاسم» در این خصوص می‌گفت: «من نیز همچون ملت مصر خوشحال هستم؛ اما نگرانی‌هایی دارم.» به او گفتم: چرا؟ او نیز در پاسخ گفت: «احساس می‌کنم که یک پروژه بزرگ علیه منطقه تدارک دیده شده است و امریکایی‌ها می‌خواهند با تغییر گروه‌هایی که از آن‌ها حمایت می‌کنند، بر انقلاب‌های مردمی سوار شوند. در واقع، امریکایی‌ها به بهانه بهار عربی و شعارهای مطرح شده در مصر، تونس و... می‌خواهند سازمان‌ها، کشورها و دولت‌های حامی مقاومت را هدف قرار دهند. بدون تردید چنین پروژه‌ای به نفع اسرائیل است و نه ملت‌ها. به صورت دقیق، مقصودم توطئه‌چینی علیه سوریه است.»

این سخنان «حاج قاسم» در آن دیدار بود. می‌خواهم این را بگویم که اولین کسی که نسبت به وجود یک خطر و یک توطئه علیه سوریه هشدار داد «حاج قاسم» بود. او خیلی زود به چنین توطئه‌ای پی برده بود. من نیز به شوخی به او گفتم: «حاجی شما نزد ما آمده‌اید تا نگران‌مان کنید؟ بگذارید چند روزی شاد باشیم. از همین حالا ما را نگران می‌کنید؟ اکنون نظام مصر ساقط شده و توافقنامه کمپ دیوید از بین رفته است و ما خوشحال هستیم. ملت مصر و همه ما شاد و خوشحال هستیم.» من این سخنان را از روی شوخی به «حاج قاسم» گفتم. به هر حال، ما گفت‌وگوی خود را ادامه دادیم و در نهایت نیز مقرر شد تا مسأله توطئه‌چینی علیه سوریه را با جدیت دنبال کنیم و با رئیس‌جمهور «بشار اسد» نیز در این خصوص گفت و گویی داشته باشیم. طبیعتاً در آن زمان ما در تماس دائم با «بشار اسد» بودیم؛ تماسی که هم‌اکنون نیز کاملاً برقرار است.

■ یعنی «حاج قاسم» حتی پیش از سال ۲۰۱۱ نیز با «بشار اسد» دیدار می‌کرد؟

طبیعتاً؛ اما این دیدارها رسانه‌ای نمی‌شد. دیدارهای من با «بشار اسد» نیز در رسانه‌ها اعلام نمی‌شد.

■ در خصوص حضرتعالی این مسأله قابل فهم است اما....

به هر حال، «حاج قاسم» پیش از سال ۲۰۱۱ و پس از آن با «بشار اسد» دیدارهایی داشت. در آن زمان، من نزد رئیس‌جمهور «بشار اسد» رفتم و به او گفتم که گفت‌وگوهایی میان من، «حاج قاسم سلیمانی» و برادران‌مان در ایران انجام شده است و ما به چنین ارزیابی و تحلیلی رسیده‌ایم و در منطقه اتفاقات خاصی در حال رخ دادن است. من به او گفتم که ما اولاً دوست داشتیم نتیجه تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها خود را به شما نیز اعلام کنیم و ثانیاً می‌خواهیم توصیه کنیم که رهبران سوریه جملگی برای مواجهه با هر شرایطی آماده باشند. در آن زمان، تفکر اساسی من، «حاج قاسم»، برادران ایرانی و رئیس‌جمهور «بشار اسد» این بود که از هرگونه تحرکات مردمی در سوریه سوءاستفاده خواهد شد و به همین دلیل لازم است که این تحرکات، مهار و کنترل شوند.

اشتباه راهبردی و محاسباتی طرف‌های معارض سوری این بود که به این نتیجه رسیدند دولت سوریه طی یک ماه، دو ماه یا سه ماه آینده ساقط خواهد شد. از همین روی، آنها با هرگونه مذاکره و گفت‌وگوی سیاسی مخالفت کردند. آنها منتظر بودند تا هرگاه سناریوی سقوط دولت رنگ باخت، پای میز مذاکره و گفت‌وگوی سیاسی بنشینند. واقعیت این است که مخالفت معارضان با گفت‌وگوهای سیاسی ناشی از یک تصمیم بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بود. اگر کسی بگوید که یک جنگ جهانی علیه سوریه تدارک دیده شده بود، مبالغه نکرده است. این حقیقتاً یک جنگ جهانی بود و معارضان، ابزارهای این جنگ بودند. بله، ما قبول داریم که در سوریه فساد و مشکلات وجود داشت، اما چه اتفاقی افتاد؟ از این فساد و مشکلات سوءاستفاده شد. هیچ‌کس وجود فساد و مشکلات در سوریه را انکار نمی‌کرد. حتی رئیس‌جمهور «بشار اسد» بارها و در مناسبت‌های مختلف صراحتاً اعلام کرد که برای حل‌وفصل مشکلات و رسیدگی به پرونده‌های مختلف آماده است. با این حال، دولت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به جای اینکه معارضان را به سمت راهکار سیاسی سوق دهند، درهای مذاکرات و گفت‌وگوهای سیاسی را بستند، زیرا معتقد بودند که دولت دمشق طی چند ماه ساقط خواهد شد و از بین خواهد رفت.

در آن مرحله. مقصودم مرحله برقراری تماس با معارضان است. «حاج قاسم سلیمانی» تماس‌هایی را با معارضان سوری برقرار کرد، زیرا او ارتباطاتی را با «اخوان‌المسلمین»، «اردوغان»، ترکیه و... داشت. در آن زمان، طرف‌های مذکور با معارضان سوری در تماس بودند. معارضان حتی با قطر نیز در ارتباط بودند. بسیاری از دولت‌ها از آنها حمایت می‌کردند.

در هفته‌های ابتدایی تلاش‌های بسیاری برای حل‌وفصل سیاسی بحران سوریه انجام شد. تمامی این تلاش‌ها به دور از رسانه‌ها انجام شدند. شاید این اولین بار است که در خصوص این مسأله در رسانه‌ها صحبت می‌کنم. در آن زمان، در ایران یک اتاق عملیات تشکیل شد که «سماحة القائد» شخصاً پیگیری موضوع [مسأله سوریه] بودند. تمامی نهادها و مؤسسات در ایران حتی آن دسته از نهادها و مؤسساتی که در حوزه فرهنگی مشغول بودند، درگیر موضوع سوریه شدند. به عنوان نمونه، مرحوم «آیت‌الله شیخ محمد علی تسخیری» در عرصه فعالیت‌های علمی، فرهنگی، تقریب مذاهب و... مشغول بود اما به دلیل روابط دوستانه‌اش با علما و جنبش‌های اسلامی در سوریه درگیر مسأله این کشور شد. می‌خواهم بگویم که حتی «آیت‌الله تسخیری» نیز در هفته‌های ابتدایی درگیر مسأله سوریه بود. طبیعتاً «حاج قاسم سلیمانی» محور تمامی این تحرکات بود. همه ما در آن زمان مأیوس شده بودیم، زیرا درهای مذاکره همگی بسته شده بودند. با این حال، «حاج قاسم» این‌گونه نبود.

بسیاری از معارضان با اسرائیل در ارتباط بودند و حتی اعتبارنامه‌های خود را نزد آن بردند و به سران تل‌آویو گفتند که ما با شما هیچ مشکلی نداریم. معارضان به اسرائیل گفتند که حتی حاضریم از «جولان» نیز دست بکشیم و مردم سوریه نیز با این مسأله هیچ مشکلی ندارند. اثبات روابط میان معارضان با اسرائیل مسأله‌ای نیست که نیاز به استدلال داشته باشد، زیرا هر دو طرف صراحتاً به این مسأله اذعان کرده‌اند. هدف این بود که با ساقط کردن دولت سوریه، مقاومت در لبنان و فلسطین را تحت محاصره خود درآورند. در واقع، سوریه پل ارتباطی میان ایران و غزه و فلسطین بود. آنها می‌خواستند به وجود مقاومت در منطقه پایان دهند. از همین روی، سوریه را برای هدف قرار دادن انتخاب کردند.

یکی از ویژگی‌های سوریه این است که رهبران آن کاملاً مستقل هستند و تصمیمات‌شان را به طور کاملاً مستقل اتخاذ می‌کنند. رهبران سوریه افرادی مستقل و شجاع هستند؛ آنها همواره منافع و مصالح ملی خود را اولویت می‌دهند. تجربه ثابت کرده است که رهبران سوری نه در برابر دشمنان و نه در برابر متحدان، سر خم نمی‌کنند. من به دلیل شناخت کاملی که از آنها دارم چنین مسأله‌ای را مطرح می‌کنم. از همین‌روی، آنها [امریکا و متحدانش] به دنبال آن بودند تا استقلال سوریه را از این کشور بگیرند. آنها تلاش کردند تا بر تصمیم‌گیری‌های سوریه تسلط داشته باشند و منابع و ثروت‌های طبیعی آن را غارت کنند. بر اساس آنچه گفته شد، مسأله تنها به حمایت دمشق از مقاومت محدود و محصور نمی‌شود. در مورد ایران نیز همین طور است و مسأله تنها حمایت ایران از مقاومت نیست. بله؛ درست است که کشورهایی نظیر سوریه و ایران به دلیل حمایت از فلسطین و مقاومت در منطقه تاوان می‌دهند، اما این تنها بخشی از حقیقت است. بخش دیگری از حقیقت که البته مهم نیز هست و بسیاری از ایرانی‌ها نیز آن را می‌دانند، این است که هدف ایالات متحده امریکا از تهدیدات روزافزون علیه تهران، تسلط بر ثروت‌های نفتی و گازی ایران است. هدف واشنگتن این است که بر موقعیت استراتژیک ایران مسلط شود و جایگاهی را که در زمان شاه در این کشور داشت، بازیابد. لذا مسأله تنها حمایت از فلسطین و محور مقاومت در منطقه نیست. در نهایت ما از آنها [ایران و سوریه] به دلیل نقش‌آفرینی در محور مقاومت و تحمل تبعات و پیامدهای این نقش‌آفرینی سپاسگزاری و قدردانی می‌کنیم، اما می‌خواهم این را بگویم که عامل اصلی و اساسی اقدامات علیه تهران و دمشق تنها در حمایت این دو از محور مقاومت خلاصه نمی‌شود. بنابراین، در آن مرحله ما گزینه‌ای جز روی آوردن به مواجهه نظامی نداشتیم.

■ اینکه مقاومت در لبنان گزینه‌ای جز مقابله و رویارویی نظامی نداشت، قابل فهم است. موضع ایران و ژنرال «حاج قاسم سلیمانی» نیز قابل فهم است، اما سؤال اینجاست که آیا رئیس جمهور «بشار اسد» نیز به این مسأله کاملاً واقف بود؟

در خصوص با «بشار اسد» باید بگویم که او موضعش در این زمینه کاملاً قطعی و در عین حال قاطعانه بود. واقعیت این است که پس از کمک‌های خداوند متعال در وهله اول، این ایستادگی و مقاومت رهبران سوری، شخص رئیس‌جمهور «بشار اسد» و همراهانش اعم از مقامات، فرماندهان، ارتش و ژنرال‌های ارتش و نیز ایستادگی اقشار وسیعی از ملت سوریه بود که موجب شد دمشق سقوط نکند. بنابراین، نقش اصلی و محوری در جلوگیری از سقوط دمشق توسط خود سوری‌ها ایفا شد. در این میان، دوستان و متحدان عامل کمک‌کننده بودند. شما نگاه کنید؛ اگر تمام ایرانی‌ها به سوریه می‌رفتند و خود سوری‌ها در میدان نبودند، چه اتفاقی می‌افتاد؟ ایران به عنوان طرف اشغالگر شناخته می‌شد. اگر نیروهای حزب‌الله به سوریه می‌رفتند و خود سوری‌ها در میدان حضور نداشتند، چه اتفاقی رخ می‌داد؟ حزب‌الله به عنوان اشغالگر شناخته می‌شد. در رابطه با روسیه نیز همین مسأله وجود دارد. اگر تمامی نیروهای روس به سوریه می‌رفتند و نیروهای سوری در میدان نبودند، روس‌ها به عنوان طرف اشغالگر معرفی می‌شدند. بنابراین، این خود سوری‌ها بودند که تصمیم گرفتند بایستند و مقاومت کنند. من در آن مرحله تنها با رئیس جمهور «بشار اسد» دیدار نکردم، بلکه با بسیاری از مسئولان و مقامات سوری دیدار داشتم. تمامی آنها صراحتاً عنوان می‌کردند که گزینه اصلی‌شان مقاومت و مواجهه با بیگانگان است. آنها اعلام می‌کردند که برای تحقق راهکار سیاسی آماده هستند، اما زمانی که دشمن با سلاح وارد میدان شده است، چاره‌ای جز ایستادن در برابر او نیست. لذا تصمیم مقاومت و ایستادگی توسط خود سوری‌ها اتخاذ شد. پس از آن بود که دوستان، متحدان و هم‌پیمانان به میدان آمدند

> «حاج قاسم» به صورت مستقیم و بدون واسطه با «پوتین» سخن گفت. او در نقشه میدانی تشریح کرد که ارتش سوریه و متحدانش در کجا قرار دارند و گروه‌های مسلح در مناطق مختلف چه موقعیتی دارند وشانس موفقیت چقدر است. در آن جلسه، «پوتین» به «حاج قاسم سلیمانی» گفت که قانع شده است. در سایه آن جلسه بود که تصمیم ورود نیروهای روسی به سوریه اتخاذ شد

و در کنار سوری‌ها قرار گرفتند. ما در حزب‌الله، برادران‌مان در ایران، برادران عراقی و سپس فاطمیون و زینبیون برای کمک به سوری‌ها به میدان آمدیم. پس از گذشت ۵ سال نیز روس‌ها وارد میدان نبرد شدند.

■ آیا «شهید سلیمانی» شخصاً با رئیس جمهور «ولادیمیر پوتین» دیدار کرده بود؟ آیا او با پوتین در خصوص ورود نیروهای روسی به خاک سوریه گفت‌وگو کرده بود؟

شما می‌دانید که روسیه پیش از حضور نظامی مستقیم در سوریه مواضعی را در قبال این کشور اتخاذ می‌کرد. مقامات روسی در عرصه سیاسی از دمشق حمایت به عمل آوردند. ما شاهد بودیم که در آن زمان، روس‌ها در شورای امنیت سازمان ملل متحد از حق وتوی خود برای حمایت از سوریه استفاده کردند. علاوه بر این، مقامات مسکو کمک‌های لجستیکی به دمشق ارائه می‌کردند. این در حالی است که برخی کمک‌های اطلاعاتی نیز از سوی طرف روسی انجام می‌شد. بنابراین، چنین اقداماتی پیش از ورود نظامی مستقیم روسیه به سوریه، انجام می‌شد. شما تحولات سوریه را به یاد دارید؛ در سال اول بحران، روند تحولات به صورت نزولی بود اما این روند در سال‌های دوم و سوم تشدید شد. طبیعتاً مشخص بود که بحران سوریه مدت زیادی به طول خواهد انجامید. لذا در آن شرایط، دخالت نظامی مستقیم روسیه در سوریه می‌توانست بسیار مؤثر باشد. در آن زمان، روسیه در منطقه خاورمیانه چیزی نداشت و در اروپای شرقی نیز همه چیز را از آن گرفته بودند. از سوی دیگر، امریکایی‌ها برخی از دولت‌های همجوار روسیه را که تحت لوای آن بودند، به سمت خود جذب کردند. این بدان معناست که در آن زمان، روسیه کاملاً تحت محاصره بود.

به هر حال، رئیس جمهور «پوتین» نگرانی‌هایی داشت و معتقد بود که گزینه ورود به سوریه مخاطراتی دارد و هم ممکن است یک قمار شکست‌خورده و هم گامی موفقیت‌آمیز باشد. اینجا، این مباحثه سیاسی نبود که می‌توانست او را قانع سازد، بلکه می‌بایست با او در خصوص مسائل نظامی سخن گفته می‌شد. در آن زمان، هماهنگی میان ایران و روسیه شکل گرفت و برادر ما «حاج قاسم سلیمانی» به مسکو رفت و با رئیس جمهور «پوتین» دیدار کرد. دیدار میان آنها ۲ ساعت به طول انجامید؛ این یعنی زمان جلسه نیز بسیار حائز اهمیت است. این جلسه با حضور مسئولان نظامی، امنیتی و سیاسی برگزار شد. در آن زمان، «حاج قاسم» برای من تعریف کرد که به صورت مستقیم و بدون واسطه با «پوتین» سخن گفت. او گفت که نقشه میدانی را روی میز گذاشته و شرایط را تشریح کرده است. او در نقشه میدانی تشریح کرد که ارتش سوریه و متحدانش در کجا قرار دارند و گروه‌های مسلح در مناطق مختلف چه موقعیتی دارند. او همچنین توضیح داد که شانس موفقیت چقدر است و در نهایت نیز یک تحلیل استراتژیک از اوضاع سوریه و مناطق پیرامون آن ارائه کرد؛ کما اینکه طرح مورد نظر خود و نتایج قابل پیش‌بینی آن را ارائه داد. لذا «حاج قاسم سلیمانی» به صورت کاملاً علمی، واقعی، نظامی و میدانی و روی نقشه سخن گفت و در این میان، به مساحت و اعداد و ارقام نیز اشاره کرد. در آن جلسه، «پوتین» به «حاج قاسم سلیمانی» گفت که قانع شده است. در سایه آن جلسه بود که تصمیم ورود نیروهای روسی به سوریه اتخاذ شد. من این مسأله را از برادر «حاج قاسم سلیمانی» شنیدم؛ کما اینکه این داستان، معروف است.

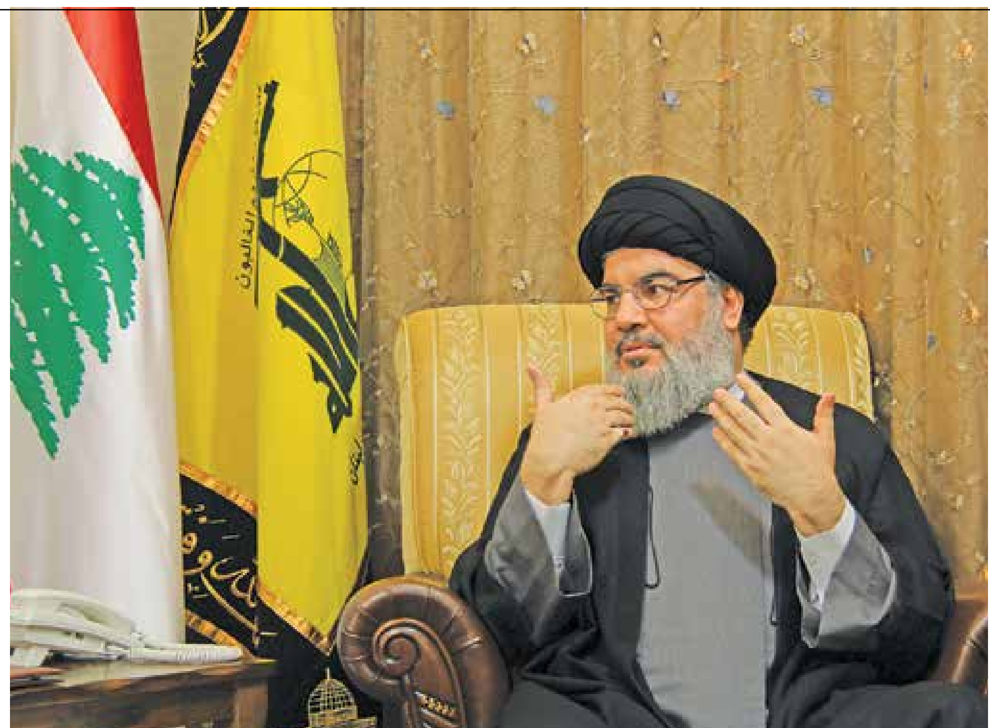

■ آیا می‌توانیم بگوییم که ورود نظامی مستقیم روسیه به درخواست ایران و از رهگذر رایزنی با دمشق، صورت گرفت؟ یا اینکه این ورود نظامی به درخواست طرف سوری بود؟

طرف سوری مایل به ورود نظامی مستقیم روسیه بود.

■ با این حال، طرف سوری به صورت مستقیم از روسیه چنین درخواستی نداشت.

دقیقاً نمی‌دانم، اما گمان می‌کنم که طرف سوری چنین درخواستی را مطرح کرد. طبیعی است که چنین درخواستی را مطرح کرده باشد.

استاد غسان! بالاخره در آن زمان طرف سوری به کمک نیاز داشت، زیرا یک جنگ جهانی تمام‌عیار علیه آن به راه افتاده بود. بنابراین، کاملاً طبیعی بود که مقامات دولت سوریه درخواست ورود مستقیم نیروهای روسی به خاک خود را داشته باشند. واقعیت آن است که طرف روسی برای ورود به صحنه سوریه تردید داشت. با این حال، «حاج قاسم سلیمانی» با توضیحات راهبردی، استدلال و منطق قوی و نیز با شخصیت کاریزماتیک خود توانست بر کیفیت تلاش‌های گذشته برای وارد ساختن روسیه به صحنه تحولات سوریه، بیفزاید. علت هم آن است که پیش از جلسه «حاج قاسم» با «پوتین» تلاش‌های متعددی برای قانع ساختن روسیه در این زمینه انجام شده بود و رایزنی‌های گوناگونی صورت گرفته بود اما رئیس جمهور «پوتین» همچنان در اتخاذ تصمیم ورود به صحنه سوریه مردد بود. این «حاج قاسم» بود که توانست او را قانع سازد. «حاج قاسم» قدرت فراوانی در اقناع دیگران داشت، چراکه از منطقی قوی برخوردار بود. این بدان معناست که او با رودربایستی یا شعار و... سخن نمی‌گفت، بلکه در سخنان خود به مسائل علمی استناد می‌کرد. او به صورت علمی و منطقی توضیح داد که ورود روسیه به سوریه چه نتایج میدانی، نظامی و سیاسی می‌تواند داشته باشد. من معتقدم که روسیه و رئیس جمهور «ولادیمیر پوتین» پس از ورود مستقیم به تحولات سوریه، توانستند در بطن تحولات منطقه و جهان حضور داشته باشند و این بدان معناست که مسکو از دروازه سوریه بار دیگر خود را در تحولات جهانی مطرح کرد.

■ جناب «نصرالله» همان طور که می‌دانید «شهید سلیمانی» هرگاه که در برابر دوربین‌ها حاضر شد ـ البته نه برای مصاحبه ـ همواره از جنگ ۳۳ روزه سخن می‌گفت. او در این خصوص صحبت‌های بسیاری مطرح کرده است. در واقع، تنها چیزی که روایت می‌کرد، ماجرای جنگ تموز بود. إن‌شاءالله در آینده با جزئیات بیشتری در این خصوص صحبت می‌کنیم. امشب می‌خواهم سؤال کنم که شما چه چیزی از شهید «قاسم سلیمانی» در جریان جنگ ۳۳ روزه به یاد دارید؟ آیا خاطره‌ای وجود دارد؟

شهید «قاسم سلیمانی» در ابتدای جنگ نزد ما آمد و سپس به مدت دو روز از ما جدا شد. او رفت و پس از ۲ روز مجدداً نزد ما آمد؛ یعنی تا روز ۱۴ آگوست اینجا بود.

■ جناب «نصرالله» آیا این معقول بود که شهید «قاسم سلیمانی» تحت بمباران‌ها و گلوله‌باران‌ها در اینجا یعنی در ضاحیه بیروت حضور یابد؟

این ویژگی او بود.

■ معذرت می‌خواهم؛ مقصودم این است که حضرتعالی از او نخواستید که به لبنان نیاید یا اینکه لبنان را سریع‌تر ترک کند؟

زمانی که شهید «قاسم سلیمانی» می‌خواست نزد ما بیاید، در سوریه بود. او از طریق یک کانال ارتباطی معین با ما تماس گرفت و گفت که می‌خواهم نزد شما بیایم. من به او گفتم: «وقتی که ضاحیه در حال بمباران شدن است و لبنان به گلوله بسته شده است، شما چگونه می‌خواهید به اینجا بیایید؟ راه‌هایی نظیر ضهر البیدر، المصنع و... در حال بمباران شدن هستند و امکان آمدن شما وجود ندارد. اصلاً نیازی نیست شما به اینجا بیایید. اگر شما در سوریه بمانید، این برای ما مفیدتر خواهد بود. اگر شما از این فضایی که در حال بمباران شدن است، دور باشید طبیعتاً بیشتر می‌توانید به ما کمک کنید.» من تمامی این استدلال‌ها را برای شهید «قاسم سلیمانی» مطرح کردم تا از آمدن او به لبنان جلوگیری کنم. من در ادامه به او گفتم: «اگر ما کمکی از برادران سوری و ایرانی بخواهیم، می‌توانیم از طریق برخی کانال‌ها با آنها ارتباط برقرار کنیم.» با تمامی اینها، شهید «قاسم سلیمانی» نمی‌توانست تحمل کند که در لبنان نباشد. موضوع در واقع به مسائل عاطفی ارتباط داشت. بخشی از موضوع جنبه منطقی داشت، اما «حاج قاسم» از لحاظ عاطفی نمی‌توانست تحمل کند که کنار ما حضور نداشته باشد. او نمی‌توانست در تهران یا دمشق بماند و در طرف مقابل، ببیند دوستانش در لبنان زیر بمباران و گلوله‌باران قرار گرفته و کشته می‌شوند. این چیزی بود که او به آن فکر می‌کرد. در واقع، او قبول داشت که از لحاظ منطقی نباید به لبنان می‌آمد، اما از لحاظ عاطفی و روحی چنین چیزی برایش قابل تحمل نبود.

همان زمان من به «حاج قاسم» گفتم که به لبنان نیایید. با این حال، او به من پیام داد که در حال آمدن است. من نیز خودرویی را فرستادم تا او را نزد ما بیاورد. طبیعتاً برخی رسانه‌ها مسائلی را در خصوص اینکه چه کسی به دنبال «حاج قاسم» رفت و او را چگونه آورد، مطرح کردند. ماجرای آن مفصل است. به هر حال، من به «حاج قاسم» گفتم: «شما در سوریه بمانید. من نمی‌خواهم کسی را به دنبال شما بفرستم.» او نیز گفت: «بسیار خب؛ خودم ترتیبی می‌دهم که نزدتان بیایم.» وقتی چنین پاسخی داد، دیگر کنترل امور از دست من خارج بود. بنابراین، بچه‌ها را فرستادم تا او را نزد ما بیاورند. در نهایت «حاج قاسم» به ما ملحق شد. «حاج قاسم» در جریان جنگ ۳۳ روزه برای یک مدت زمان کوتاه از ما جدا شد؛ یعنی زمانی جدا شد که تقریباً ما خود را پس از حملات طرف مقابل، پیدا کرده بودیم. در واقع، روز چهارم یا پنجم نبرد بود. در آن زمان، دیگر کاملاً واضح بود که اسرائیل چه چیزی می‌خواهد. لذا ما بخوبی می‌دانستیم که باید چه کاری انجام دهیم. این بدان معناست که ما ارزیابی واضحی از شرایط جنگ داشتیم. طبیعتاً «حاج قاسم» (رحمة‌الله علیه) می‌بایست این ارزیابی‌ها، پیشنهادات موجود و نیز حجم کمک‌های مورد نیاز را [به جمهوری اسلامی] انتقال می‌داد و در عین حال، با مقامات سوری و در رأس آنها رئیس جمهور «بشار اسد» نیز رایزنی می‌کرد. او می‌خواست با «سماحه القائد»، رئیس جمهور و دیگر مقامات ایرانی نیز دیدار کند.

طبیعی است که در حالت عادی انجام تمامی کارهای مذکور باید ۴ تا ۶ روز زمان ببرد؛ یعنی ما انتظار داشتیم که او به مدت یک هفته یا ۱۰ روز از ما دور باشد و سپس به لبنان بازگردد؛ علی رغم این مسأله، او تنها پس از گذشت ۴۸ ساعت به لبنان بازگشت. او ابتدا به دمشق رفت و سپس رهسپار تهران شد. در آن زمان، «سماحة القائد» و شماری از مسئولان ایرانی در شهر «مشهد مقدس» بودند. بنابراین، «حاج قاسم» ابتدا به مشهد رفت و پس از آن به تهران بازگشت. او سپس به دمشق رفت و در نهایت به بیروت بازگشت. از همین روی، من نمی‌دانم که او به خانه خود نیز رفت یا نه. او در جریان این سفر ۴۸ ساعته اموری را که به جنگ ۳۳ روزه مرتبط بود، رتق و فتق کرد. پس از این سفر دو روزه، «حاج قاسم» در طول تمام مدت جنگ در کنار ما باقی ماند. او تا زمان برقراری کامل آتش‌بس در ضاحیه بیروت بود؛ یعنی تا پیش از برقراری آتش‌بس عملی، بیروت را ترک نکرد.

در اینجا می‌خواهم به مسأله‌ای اشاره کنم که شاید پیش‌تر هم درباره آن سخن گفته بودم. واقعیت آن است که «حاج قاسم» در سخت‌ترین و پیچیده‌ترین مراحل جنگ در کنار ما بود. در اثنا جنگ زمانی که ما به کمک‌های لجستیکی نیاز داشتیم، این کمک‌ها در سایه پیگیری‌های مستمر او، از ایران به سوریه و از سوریه به لبنان منتقل می‌شدند؛ حتی بمباران‌های مداوم جنگنده‌های رژیم صهیونیستی نیز مانع از رسیدن کمک‌های لجستیکی به لبنان نمی‌شد. انتقال این کمک‌ها به لبنان در اثنای جنگ یک راز نیست، زیرا اسرائیلی‌ها در همان زمان از چنین چیزی اطلاع داشتند. این مسأله در ایّام جنگ کاملاً واضح بود. حمایت‌های لجستیکی، نظامی، هماهنگی‌های سیاسی، ارتباط با ایران و... جملگی توسط «حاج قاسم» سلیمانی انجام می‌گرفت. یعنی ما دیگر وقت خود را صرف این کارها نمی‌کردیم. «حاج قاسم سلیمانی» ارتباط و رایزنی با ایران، درخواست کمک‌های مورد نیاز از ایران و... را خود شخصاً پیگیری می‌کرد و دیگر نیازی به ورود مستقیم ما به این موضوع نبود. درخصوص سوریه نیز وضعیت به همین منوال بود و رایزنی‌ها با طرف سوری توسط خود «حاج قاسم» انجام می‌شد.

مسأله دیگری نیز وجود دارد که شاید در رسانه‌ها صحبت زیادی درخصوص آن نشده باشد. این مسأله مربوط به مرحله پس از برقراری آتش‌بس در لبنان است. فارغ از ابعاد نظامی و لزوم ترمیم امکانات، بازیابی توانمندی‌ها و... مسأله دیگری پس از برقراری آتش‌بس وجود داشت و آن، لزوم بهبود بخشیدن به وضعیت اجتماعی مردم، رسیدگی به وضعیت مهاجران و آوارگان و نیز بازسازی منازل تخریب شده بود. یعنی در واقع، ما دو کار اساسی در پیش رو داشتیم. یکی از این کارها، رسیدگی به وضعیت مهاجران و آوارگان بود که تعدادشان به ده‌ها هزار نفر می‌رسید. همچنین در آن زمان بیش از صدهزار خانه. به صورت کلی یا جزئی. دچار ویرانی شده بودند. این خانه‌ها عمدتاً دیگر قابل سکونت نبودند. بنابراین، خانواده‌های لبنانی مجبور بودند در خارج از خانه‌های خود روزگار سپری کنند، لذا آواره شدند و باید کاری برای اسکان آن‌ها انجام می‌شد. ما یعنی من، «حاج قاسم»، «حاج عماد مغنیه» و شماری دیگر از برادران تقریباً ۴ یا ۵ روز پیش از برقراری آتش‌بس در کنار یکدیگر نشستیم تا راهکاری برای عبور از چالش مذکور بیابیم. طبیعتا زمانی این جلسه برقرار شد که مشخص بود اوضاع به سمت برقراری آتش‌بس کامل پیش می‌رود. در آن جلسه فکری به ذهن ما خطور کرد و تصمیم گرفتیم طرحی را راه‌اندازی کنیم. ما این طرح را پروژه «اسکان» نامگذاری کردیم. نه تنها در تاریخ دولت‌ها، احزاب و جنبش‌های مقاومت که در تاریخ بشریت نیز چنین کاری سابقه نداشت. مقصودم این است که سابقه نداشت که به عنوان مثال، در روز چهارشنبه آتش‌بس برقرار شود و در روز پنجشنبه تشکیلات و کمیته‌های سازمان‌یافته ـ متشکل از زنان و مردان و نهادهای مختلف ـ برای کمک به خانواده‌های آواره دست به کار شوند.

کمیته‌های مذکور کار خود را آغاز و با صاحبان خانه‌های ویران‌شده تماس حاصل کردند. در جریان این رسیدگی‌ها، به خانواده‌هایی که خانه‌هایشان ویران شده بود، کمک‌های مالی ارائه شد. تحقیقات در این زمینه خیلی سخت و گسترده نبود، زیرا مشخص بود که در کدام مناطق، کدام خانه‌ها ویران شده‌اند. لذا به خانواده‌هایی که خانه‌هایشان به طور کامل ویران شده بود، مبلغی برای اجاره خانه به مدت یک سال کامل اعطا شد، زیرا ما زمان بازسازی منازل را یک سال تخمین زده بودیم. از سوی دیگر، مبلغی را نیز برای تهیه اسباب و اثاثیه منازل به خانواده‌ها اعطا کردیم که بتوانند زندگی شرافتمندانه‌ای داشته باشند. در همین حال، به مردمی نیز که خانه‌هایشان به طور کامل ویران نشده بود، کمک کردیم تا این خانه‌ها را بازسازی کنند. همچنین مبلغی را به برای تهیه اسباب و اثاثیه خانه‌هایشان به آن‌ها اعطا کردیم. طبیعتاً انجام تمامی این کارها مستلزم تأمین مبالغ مالی زیادی بود. الحمدلله در آن زمان اوضاع اقتصادی ایران بسیار خوب بود و قیمت نفت نیز بالا بود. اوضاع در آن زمان بسیار بهتر از زمان حاضر بود. چه کسی باید به ایران می‌رفت تا کمک‌های مالی را تأمین کند؟ طبیعتاً پای مبلغ کمی در میان نبود. «حاج قاسم» گفت که این کار من است و خود مسئولیت آن را برعهده می‌گیرم.

همان طور که می‌دانید، در روز ۱۴ آگوست سال ۲۰۰۶ بود که آتش‌بس اعلام شد و در همین روز نیز کمیته‌های کمک‌رسانی و اسکان آغاز به کار کردند. پیش‌تر نیز اشاره کردم که این کمیته‌ها چند روز پیش از برقراری آتش‌بس تشکیل شده بودند. از همان روز اول ما تماس‌ها و رایزنی‌های خود را با جهانیان آغاز کردیم تا در نهایت هیچ فردی در خیابان‌های لبنان باقی نماند. در نهایت نیز همین اتفاق افتاد و هیچ کس در خیابان نماند. ما خیمه‌گاه برای مردم آماده نکردیم، بلکه کمک کردیم تا آن‌ها به خانه‌هایشان بازگردند. بنابراین، بعد از خداوند متعال، مسئولان جمهوری اسلامی ایران و در رأس آن‌ها «سماحة القائد»، این برادر ما «حاج قاسم سلیمانی» بود که زحمت و مسئولیت مرحله بعد از جنگ ۳۳ روزه را به دوش کشید و برای پیگیری کمک‌های لازم به ایران رفت و تمامی امکانات مالی بزرگ را که بدان احتیاج داشتیم، فراهم آورد. ما به وسیله این امکانات بود که توانستیم خسارت‌های گسترده واردشده به مردم در مرحله پس از جنگ را جبران کنیم.

این نکته را نیز اضافه کنم که مسائل زیادی هستند که من می‌توانم آن‌ها را فراموش کنم، اما مسأله‌ای وجود دارد که قلب مرا بسیار آزرده کرد و نتوانستم آن را فراموش کنم. در آن زمان، برخی در داخل ساختار سیاسی لبنان تلاش می‌کردند تا مردم برای مدت بیشتری در خیابان‌ها باقی بمانند. هدف آن‌ها این بود که مردم در نهایت در مقابل مقاومت بایستند. آن‌ها به هیچ وجه پیروزی حاصل شده در جنگ ۳۳ روزه را به رسمیت نمی‌شاختند و سخنی از آن به میان نمی‌آوردند. واقعیت آن است که بازسازی لبنان چند سال به طول انجامید. این پروژه بزرگی بود که برادرمان «حاج قاسم سلیمانی» به طور همه‌جانبه از آن حمایت‌های مالی و... به عمل آورد. «حاج قاسم سلیمانی» یک کمیته ایرانی بازسازی را در لبنان تأسیس کرد که در آن زمان، ریاست این کمیته را شهید «حسام خوشنویس» برعهده داشت. شهید «حسام خوشنویس» خود جزو تیم «حاج قاسم سلیمانی» بود. این مسأله به این شکل در رسانه‌ها مطرح نشد، زیرا در نهایت موضوع به سپاه، نیروی قدس و مراجع نظامی مربوط می‌شد. من به رسم وفاداری و به منظور قدردانی از این مرد دوست داشتم در اینجا بگویم که او نه تنها در دوران جنگ که در دوران پس از جنگ نیز در کنار ما ایستاد. طبیعتاً «سماحة القائد» و مسئولان جمهوری اسلامی تا پایان در کنار ما بودند و «حاج قاسم» نماینده آن‌ها بود. او با مخلصانه و صادقانه و با کوششی بسیار، به صورت شبانه‌روزی همه امور را پیگیری کرد. همین صداقت، اخلاص و فعالیت‌های شبانه‌روزی بود که نتایج مستقیمی را محقق ساخت.

■ جناب «نصرالله» ما از جانشین شهید «حاج قاسم سلیمانی» یعنی ژنرال «قاآنی» چیزی نمی‌دانیم و تنها تصاویری را از او دیده‌ایم. با این حال، مطمئناً شما او را می‌شناسید. آیا نسبت به توانمندی‌های او اطمینان دارید؟ شما ژنرال «قاآنی» را به عنوان جانشین شهید «قاسم سلیمانی» در فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران چگونه توصیف می‌کنید؟

طبیعتاً من برادر «حاج اسماعیل قاآنی» را از سال‌ها پیش می‌شناسم. او معاون حاج قاسم سلیمانی بود و به همراه او تمامی پرونده‌ها را پیگیری می‌کرد. هر زمان که ما به ایران می‌رفتیم، او در تمامی دیدارها و گفت‌وگوها حضور داشت. در تمامی مراحلی که «حاج قاسم» فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران را برعهده داشت، «حاج اسماعیل» معاون او بود. به همین دلیل، ژنرال «قاآنی» در قلب و بطن تمامی پرونده‌ها قرار داشت. بنابراین، او از تجربه کامل و کافی برخوردار است. او در جنگ ۸ ساله حضور داشته و سال‌های طولانی است که در نیروی قدس فعالیت می‌کند. او همچون «حاج قاسم» تمامی مراتب و مدارج نظامی را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشته است. گزینه خود «حاج قاسم» نیز همین بود. مسئولان جمهوری اسلامی یا ما در حزب‌الله از «حاج قاسم» سؤال می‌کردیم: «حاجی؛ شما همواره در معرض خطر هستید و هر لحظه ممکن است به شهادت برسید. به نظرتان چه فردی برای جانشینی شما مناسب خواهد بود که بتواند مأموریت‌های محوله در نیروی قدس را ادامه دهد؟» «حاج قاسم» نیز ژنرال «قاآنی» را معرفی می‌کرد، زیرا بیش از همگان معاون خود را می‌شناخت. بنابراین، این گزینه «حاج قاسم» نیز بود.

طبیعتاً ادامه مأموریت‌های «حاج قاسم» نیازمند تلاش بسیاری است. در نهایت، خط مشی «حاج قاسم» و آنچه که به عنوان «مکتب حاج قاسم» شناخته می‌شود، مسئولیت جانشین او را سنگین‌تر می‌کند. «حاج اسماعیل» کسی است که مطمئناً می‌تواند این مسئولیت را متحمل شود. او از ایمان، اراده، عزم، تجربه، آمادگی و قدرت بالایی برخوردار است. او در پیگیری تمامی پرونده‌ها دخیل بوده است. اگر بخواهیم واقع‌گرا باشیم، باید بگوییم که لازم است به «حاج اسماعیل» فرصت داده شود. ما نباید از «حاج قاسم» انتظارات بیش از حد داشته باشیم و کارهایی را که «حاج قاسم» پس از ۲۲ سال تجربه در پست فرماندهی نیروی قدس انجام می‌داد، به او تحمیل کنیم. علت هم آن است که او تازه در ابتدای راه مسئولیتی که برعهده گرفته، قرار دارد. ان‌شاءالله این مسیر ادامه پیدا خواهد کرد و حتی یک لحظه هم شاهد عقب‌نشینی نخواهیم بود.

گزارش «ایران» از لزوم توجه ویژه به بخشی از جامعه معتادین

آمار کم زنان معتاد و اهمیت بالای رسیدگی به آنها

پرستو رفیعی
خبرنگار

این روزها صحبت از معضل اعتیاد در سطح جامعه خصوصاً معتادان متجاهر زیاد به گوش می‌رسد. طرح‌هایی برای مقابله با این معضل حرکت به سوی اصلاح فرایندهایی که به اعتیاد ختم می‌شود از پلیس مبارزه با مواد مخدر تا آسیب شناسان اجتماعی تا بهزیستی و بخش‌های مختلف دولت و شهرداری را درگیر کرده است. در جدیدترین صحبتی که در خصوص آموزش و پیشگیری از اعتیاد که سرلوحه بحث مقابله با اعتیاد است؛ سرهنگ عبدالوهاب حسنوند رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر تهران بزرگ به ایسنا گفته است: جمع‌آوری، ساماندهی و تحویل معتادان به مراکز غربالگری از جمله اقداماتی است که از سوی پلیس انجام می‌شود. پلیس تهران حتی مرکز بازپروری مهرسروش را نیز با ظرفیت ۷۰۰ نفر راه‌اندازی کرد که اخیراً مقرر شد ظرفیت آن افزایش هم پیدا کند که بزودی آن را اعلام خواهیم کرد. پلیس جلسات و کارگروه‌هایی را در آموزش و پرورش و دانشگاه دارد و درباره نحوه آموزش و آگاه‌سازی به افراد، خانواده، مدارس و جامعه در حال پیش‌بردن یکسری اقدامات هستیم.

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر تهران بزرگ درباره ساماندهی معتادان متجاهر در تهران و بویژه محله هرندی نیز گفت: از انتهای سال ۹۷ مناطق بی‌دفاع شهری مخصوصاً شوش و دروازه غار با دستور ریاست محترم پلیس پایتخت در دستور کار پلیس قرار گرفته و حالا بیش از ۱۱۰۰ روز است که پلیس برای ساماندهی و برخورد با قاچاقچیان و خرده فروشان در این منطقه اقداماتی را انجام می‌دهد.

وی در مورد ظرفیت‌های نگهداری از معتادان متجاهر نیز اظهار کرد: در این خصوص ۱۲هزار نفر ظرفیت داشتیم که تقریباً از سال گذشته همان ۱۲ هزار نفر است. اما پیش‌بینی ما بیش از ۲۰ هزار نفر است. در واقع ۸۰۰۰ نفر برابر آمار سال قبلی رها شده‌اند. البته ارزیابی ما این است که طی این مدت حدود ۱۰۰۰ نفر نیز به جمعیت این افراد اضافه شده و در حال حاضر حدود ۹۰۰۰ معتاد متجاهر رها هستند.

حسنوند درباره اینکه چه عاملی سبب افزایش ۱۰۰۰ نفری شمار معتادان متجاهر در تهران شده است، گفت: علت این موضوع از نظر ما وجود چند کانون برای جذب جمعیت معتادان متجاهر در مناطقی مانند شوش و هرندی است که حتی باعث حضور معتادان از شهرها و مناطق دیگر نیز شده است. وجود دی‌آی‌سی‌ها و خدمات پزشکی مجانی، ام‌ام‌تی‌ها یا همان متادون درمانی، شلترها و جاهای خواب در محله شوش و هرندی و در بخشی دیگر نیز توزیع رایگان غذاها در میان معتادان که از سوی افراد خیر انجام می‌شود. ما معتقدیم این موارد باعث مهاجرت معتادان استان‌های دیگر به تهران شده است.

■ ۴۰۰ نفر ظرفیت نگهداری از زنان معتاد در پایتخت!

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ با بیان اینکه در حال حاضر حدود ۹ هزار نفر معتاد رها شده در تهران داریم درباره اینکه در حال حاضر چه تعداد ظرفیت برای نگهداری از معتادان متجاهر زن و افراد دارای زخم باز و بیماری‌های عفونی وجود دارد، اظهار کرد: برای معتادان دارای زخم باز و عفونی ۴۰۰ نفر ظرفیت به ما داده‌اند و برای خانم‌ها هم ۴۰۰ نفر ظرفیت ایجاد شد که البته این تعداد کافی نیست.

از همین سخنان آخر است که بحث مهم پرداختن به زنان معتاد پیش کشیده می‌شود؛ جامعه‌ای که شاید درصد کمی از جامعه معتادین را به خود اختصاص می‌دهد اما از نظر اهمیت رسیدگی به وضعیت آنها در صدر قرار می‌گیرد.

تعداد زنانی که برای ترک اعتیاد به مراکز درمان و بازتوانی اعتیاد مراجعه می‌کنند افزایش یافته است. کارشناسان حوزه اعتیاد دلیل این روند صعودی را افزایش آگاهی و سطح پذیرش این گروه از جامعه عنوان می‌کنند. درحال حاضر اما حدود ۱۰ درصد از جمعیت معتاد کشور را زنان تشکیل می‌دهند؛ زنانی که مدیران نهاد خانواده و مؤثرترین گروه در حفظ سلامت جامعه به شمار می‌آیند و سلامت روح و جسم تک‌تک افراد جامعه در گرو سلامت روانی و جسمانی آنهاست . از این‌رو پیشگیری از ابتلای زنان به اعتیاد و همچنین حمایت مستمر پس از ترک برای پیشگیری از ابتلای مجدد آنها ضروری به نظر می‌رسد.

فاطمه رضوان مدنی معاون توسعه پیشگیری و درمان اعتیاد سازمان بهزیستی معتقد است سازمان بهزیستی برنامه‌های درمانی مناسبی برای این قشر دارد اما این برنامه‌ها کم است و نیازمند سیاست‌هایی هستیم که طبق آن با توجه به شرایط مختلف سنی، اجتماعی، اقتصادی و دیگر شاخص‌ها، اقدامات گسترده‌تر و متفاوتی برای این گروه صورت گیرد، چراکه درمان باید با توجه به خصوصیات فردی انجام شود و این اقدام نیازمند سرمایه‌گذاری زیادی در حوزه‌های مختلف است.

او عنوان می‌کند: «سازمان بهزیستی در راستای ارائه خدمات درمانی استاندارد تلاش می‌کند و در چهار حوزه پیشگیری، درمان، کاهش عوارض و بازتوانی معتادان فعالیت دارد. پیشگیری در سطح جامعه انجام می‌شود اما ما به تنهایی قادر نیستیم تمامی فعالیت‌های لازم را انجام دهیم. در بحث اعتیاد باید نهادهای مختلف مثل صداوسیما ورود بیشتری داشته باشند.»

او همچنین معتقد است در مسأله اعتیاد زنان بسیاری از مسائل مثل ناآگاهی، مشکلات اجتماعی، اقتصادی و روانی دخیل هستند و نیاز است تمامی جوانب با هم تقویت شوند تا زنان کمتری به‌سمت اعتیاد بروند.

■ زنان، تنها به مراکز ترک اعتیاد می‌آیند

سعید صفاتیان تحلیلگر و کارشناس حوزه اعتیاد در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «با توجه به اینکه ۱۰ درصد افراد معتاد در ایران را زنان تشکیل می‌دهند، درمان و پیشگیری از روی آوردن مجدد زنان به اعتیاد اهمیت بیشتری دارد، اما آنچه در سال‌های اخیر بیشتر به چشم می‌خورد افزایش مراجعه زنان به مراکز درمان و سیر صعودی آن است.»

او علل این افزایش را چنین عنوان می‌کند: «زنان برخلاف گذشته پذیرفته‌اند که معتاد و نیازمند درمان هستند. شواهد نشان داده که زنان به‌دلیل مشکلات بیشتری که در این حوزه با آن مواجه هستند همواره دیرتر از مردان می‌پذیرند که قدم در حوزه درمان بگذارند. برای مثال زنان هنگام درمان کمتر از مردان مورد حمایت خانواده قرار می‌گیرند. بیشتر مردانی که به مراکز درمان مراجعه می‌کنند یکی از اعضای خانواده مانند همسر یا مادر و برادر را به همراه دارند اما اکثر زنان به تنهایی قدم در مراکز درمان و ترک اعتیاد می‌گذارند.»

این کارشناس حوزه اعتیاد با تأکید بر اهمیت حمایت از این گروه پس از درمان می‌گوید: «حدود ۱۲ سال پیش قوه قضائیه آیین‌نامه‌ای در مورد حمایت‌های اجتماعی از معتادان بهبود یافته تنظیم کرد تا آنها پس از ترک اعتیاد و حضور در جامعه مجدداً به سمت اعتیاد نروند. طبق این آیین نامه وظایفی برعهده سازمان‌های مختلفی مانند وزارت کشور، ستاد مبارزه با مواد مخدر، صدا و سیما، مخصوصاً وزارت رفاه و سازمان بهزیستی در خصوص معتادان بی‌بضاعت قرار گرفت، اما متأسفانه حمایت‌های پیش‌بینی شده چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی صورت نگرفته است.»

او می‌افزاید: «ما هنوز نتوانسته‌ایم در کشور مراکزی را طراحی کنیم که وظیفه آنها ارائه حمایت‌های لازم برای افرادی باشد که اعتیاد خود را ترک می‌کنند. در واقع در این مرحله باید واحدهای مددکاری و روانشناسی اقدامات لازم را انجام دهند. نهادهایی مانند وزارت رفاه، بهزیستی و وزارت بهداشت که برای این کار بودجه دارند و ساختارهای لازم و افراد متخصص را هم دراختیار دارند باید برای درمان روانی زنان پس از ترک اعتیاد اقدامات لازم را انجام دهند. درکنار این درمان باید بحث حمایت‌های اجتماعی یعنی شغل و درآمد، بیمه و حرفه آموزی زنان نیز مورد توجه قرار گیرد.»

صفاتیان اظهار می‌کند: «متأسفانه در جامعه ما بیشتر نگاه به سمت معتادان متجاهر است که در جامعه دیده می‌شوند، اما زنان که معمولاً هنگام درمان تنها هستند و در جامعه دیده نمی‌شوند، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. ما در جامعه نیازمند فرهنگ‌سازی هستیم. اینجاست که آموزش عالی، وزارت ارشاد و صداوسیما باید به وظیفه خود در مورد فرهنگ‌سازی عمل کنند. نگاه‌های قهری جامعه و خانواده به زنان معتاد سبب می‌شود که آنها همواره در جامعه تنها باشند و حتی شرایط درمان برای آنها سخت‌تر شود. این نگاه باید با فرهنگ‌سازی اصلاح شود.»

این کارشناس حوزه اعتیاد با اشاره به عملکرد بهزیستی درخصوص حمایت از زنان بی‌بضاعت معتاد، تأکید می‌کند: «توان بهزیستی در همین حدی است که اکنون مشاهده می‌شود و باید به این نهاد کمک کرد. بهزیستی برنامه‌های خوبی را طراحی می‌کند اما کمک‌های لازم را دریافت نمی‌کند. متأسفانه باید بگویم چون دیدگاه برخورد انتظامی در ستاد مبارزه با مواد مخدر برای جمع‌آوری معتادان وجود دارد، این دیدگاه به سایر دستگاه‌ها تسری می‌یابد.»

او از دولت و رئیس‌جمهور به‌عنوان رئیس ستاد مبارزه با مواد مخدر درخواست می‌کند دیدگاه اجتماعی و پزشکی را که در همه دنیا اولویت اصلی در بحث مواد مخدر است در کنار دیدگاه مقابله و مبارزه در این ستاد تسری دهد تا به موفقیت‌های چشمگیری در این حوزه دست یابیم.

■ نیازمند سیستمی بر مبنای سطوح مؤثر پیشگیری هستیم

کوروش محمدی جامعه شناس و رئیس انجمن آسیب شناسی اجتماعی ایران معتقد است، مکانیزم‌های ترک اعتیاد در کشور نه تنها برای زنان بلکه برای مردان نیز کارآمد نیستند.

محمدی در گفت‌وگو با «ایران» در این باره می‌گوید: «آنچه امروز تحت عنوان مراکز درمان اعتیاد شکل گرفته بیشتر مراکزی است که فرد از روی استیصال وارد آنها می‌شود. یک زن که درگیر اعتیاد شده تا زمانی که در شرایط نرمال زندگی قرار دارد و نیازهایش برطرف می‌شود و در یک جمله زندگی او تحت‌الشعاع اعتیاد قرار نمی‌گیرد به‌سمت ترک اعتیاد نمی‌رود، اما در شرایطی که افراد به استیصال می‌رسند یعنی اعتیاد هم بر زندگی خانوادگی و اجتماعی آنها اثر منفی می‌گذارد و هم داشته‌هایشان را می‌گیرد، از روی اجبار و استیصال به سمت ترک می‌روند.»

او ادامه می‌دهد: «البته گروهی هم حتی در حالت استیصال به سمت ترک اعتیاد نمی‌روند و با ناهنجاری‌هایی که تجربه می‌کنند همچنان تلاش می‌کنند اعتیاد خود را ادامه دهند. این گروه ممکن است توسط سیستم‌هایی مانند سازمان بهزیستی و پلیس مبارزه با مواد مخدر دستگیر شوند و با اجبار به مراکز ترک اعتیاد سپرده شوند. اما مسأله این است که کمپ‌ها و مراکز درمانی ما رویکرد تک بعدی دارند و تمام تمرکز سیستم بر دوری فرد از مواد مخدر است. نتیجه این امر این است که فرد برای مدت زمان کوتاهی از مواد اعتیادآور دور می‌شود و هنگام ورود به جامعه درحالی که برچسب و انگ اعتیاد را به‌همراه دارد، دوباره با همان جامعه خشن و بی‌رحم مواجه می‌شود. جامعه هم نسبت به چنین فردی بی‌اعتماد است و نیاز او به بازگشت به فضاهای اجتماعی و اقتصادی گذشته را نادیده می‌گیرد. درچنین شرایطی طبیعی است زنی که امکان بازگشت به شرایط بهینه گذشته را ندارد پس از مدتی دوباره وارد چرخه اعتیاد خواهد شد.»

محمدی می‌افزاید: «ما نیازمند سیستمی جامع هستیم که در مسیر ترک اعتیاد، خانواده را با فرد معتاد همراه کرده وخلأها و آسیب‌های اجتماعی وارده شده به بافت خانواده را ترمیم کند. همچنین این سیستم باید حمایت‌های اجتماعی را به فردی که اعتیاد خود را ترک کرده، بازگرداند.»

رئیس انجمن آسیب شناسی اجتماعی ایران با اشاره به اینکه هم اکنون نیازمند سیستمی بر مبنای سطوح مؤثر پیشگیری هستیم، می‌گوید: «در شرایط فعلی تمرکز سیستم‌های مقابله، مداخله و حتی پیشگیری روی مداخله است و این رویکرد در مقابل این معضل اجتماعی نادرست و جزو خطاهای استراتژیک جامعه محسوب می‌شود. متأسفانه سیستم پیشگیری در جامعه ما آنگونه که باید فعال باشد، فعال عمل نمی‌کند. در حال حاضر بیش از ۹۳ درصد خانواده‌ها در جامعه سالم و به دور از اعتیاد هستند اما باید توجه کرد استعداد گرایش به اعتیاد در همین خانواده‌ها هم ممکن است به‌دلیل متغیرهای دیگر فراهم باشد.»

او تأکید می‌کند: «اعتیاد زنان شرایط ایجاد آسیب‌های اجتماعی نظیر کودک کار، تکدی گری، اعتیاد و بزهکاری را فراهم می‌کند. از این‌رو باید خانواده‌های درمعرض خطر حمایت شوند تا از بروز آسیب‌های بعدی پیشگیری کنیم. در سازمان بهزیستی معاونت پیشگیری داریم. در واقع در مأموریت‌های سازمان بهزیستی پیشگیری تعریف شده اما برای این سازمان در جامعه ما اعتبار و منابع لازم در نظر گرفته نشده است. به همین دلیل سازمان بهزیستی در بسیاری از بخش‌ها از جمله آسیب‌های اجتماعی ناکارآمد بوده است. در مورد سایر نهادها و دستگاه‌ها که در این حوزه مداخله می‌کنند هم می‌توان گفت یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ما در جامعه موازی کاری است. در حال حاضر بیش از ۱۰ دستگاه در این حوزه فعالیت می‌کنند که هر دستگاه به سبک خود وارد این حوزه شده است و محوریت واحدی وجود ندارد. درحالی که باید دستگاه‌های موازی حذف شوند و یک دستگاه متولی حوزه اعتیاد یا آسیب‌های اجتماعی شود تا اعتبارات تخصیص یافته هدر نرود و به نتیجه مطلوب دست یابیم.»

عکس: علی محمدی / ایران

چرا نرخ ازدواج در ایام کرونا پس از یک دهه صعودی شد؟

چشم بستن روی ولخرجی‌ها

مهسا قوی قلب
خبرنگار

روز گذشته معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان با بیان اینکه در سال ۹۹ پس از سال‌ها نرخ ازدواج جوانان به میزان ۵ درصد صعودی شد، در توئیتی گفت که در شش ماهه نخست سال ۱۴۰۰ نیز این نرخ با شیب کمتری همچنان صعودی است. وحید یامین‌پور، در حساب توئیتر خود نوشت که نرخ ازدواج جوانان از سال ۸۷ تا ۹۸(به استثنای سال ۹۳) همواره شیب نزولی بوده ولی پس از سال‌ها، در سال ۹۹ نمودار نرخ ازدواج جوانان به میزان ۵ درصد صعودی شده است. البته او به این نکته هم اشاره کرد که این سیر در سال جاری همچنان با شیبی کم حالت صعودی دارد.

مریم یوسفی، جامعه شناس و استاد دانشگاه نیز با تأکید بر اینکه درباره نرخ ازدواج اولین فاکتوری که به ذهن می‌رسد، مقوله اقتصاد و هزینه‌ها است، به «ایران» می‌گوید: اقتصاد و مباحث اقتصادی حتی عشق را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. افرادی که هیچ مشکلی به لحاظ فرهنگی، رفتاری، خانوادگی، تحصیلات و عشق و علاقه ندارند هم ممکن است به‌دلیل مشکلات اقتصادی سال‌ها ازدواجشان به تعویق بیفتد، این عامل براحتی می‌تواند عوامل دیگر را نیز به‌شدت تحت تأثیر قرار دهد.

این جامعه شناس در ادامه با بیان اینکه اگر بسته اقتصادی مانند مسکن و شغل فراهم باشد، بیشتر راه را رفته‌ایم، می‌افزاید: دولت باید با توجه به میزان تسهیلات، شغل مناسب برای جوانان ایجاد کند، زیرا با بالا رفتن سن و نبود زمینه‌های مناسب برای ازدواج، جوانان ناامید شده و نشاط اجتماعی هم کاهش پیدا می‌کند.

اما چه شد که نرخ ازدواج پس از سال‌ها صعودی شد؟ یوسفی در پاسخ به این سؤال توضیح می‌دهد: کرونا، تأثیرات منفی زیادی بر زندگی تمامی مردم گذاشت اما در این میان جالب اینجا است که همین بیماری مهلک و کشنده بود که سبب افزایش نرخ ازدواج و صعودی شدن آن شد، تنها به یک دلیل که آن هم تغییر سبک زندگی مردم بود. با کاهش رفت و آمدها، ناخودآگاه چشم و هم‌چشمی‌ها هم از زندگی خانواده‌ها تا اندازه قابل‌توجهی حذف شدند و مردم نسبت به همه زمینه‌های اقتصادی مربوط به آغاز یک زندگی مشترک و ازدواج منطقی‌تر شدند.

او در ادامه اضافه می‌کند: کرونا سبب شد که مراسم ازدواج به‌صورت معقول‌تر و عادی تری برگزار شود. یکی از مشکلاتی که در طول ۴۰ سال اخیر و شاید هم بیشتر، همواره در فرهنگ کشور ما وجود داشته، چشم و هم‌چشمی است. تا قبل از شیوع ویروس کرونا، بسیاری از جوانان به‌عنوان مثال دنبال ۵ آرایشگر برتر شهر بودند و با هر ترتیب و طریقی تلاش می‌کردند تا نزد بهترین بروند، در مورد تالار و باغ و ماشین عروس و سطح پذیرایی‌ها هم همین گونه بود؛ فرقی نمی‌کرد که خانواده از چه سطح و طبقه اجتماعی باشد، باید بسیاری از هزینه‌ها انجام می‌شد و بسیاری از برنامه‌های عروسی به بهترین شکل با قیمت‌هایی گزاف و غیرقابل باور صورت می‌گرفت.

یوسفی می‌گوید: خوشبختانه با آمدن کرونا این فرهنگ بسیار کمرنگ شده و مردم به مسأله وجودی خود پی بردند و فهمیدند یک ویروس می‌تواند در مدت زمان کوتاهی کاری کند که خیلی از زندگی‌ها به انتها برسد و بسیاری جان‌ها ستانده شود و از همین رو ساده زیستی را مبنای زندگی قرار دادند. هرچند رقم ۵ درصد برای افزایش نرخ ازدواج خیلی رقم بالایی نیست اما باز هم پس از مدت‌های طولانی شاهد اتفاق مثبتی هستیم، این در حالی است که با توجه به اینکه چشم و هم‌چشمی‌ها کمتر شده، خیلی از هنجارها و پدیده‌های اجتماعی نظیر همین ساده زندگی کردن و آسان گرفتن برای ازدواج و مراسم عروسی که قبلاً از بین رفته بودند، در حال رشد هستند، تا قبل از کرونا مردم سعی می‌کردند از نظر ظاهری در خصوص برگزاری مراسم، خود را به طبقات بالای جامعه رسانده و به قولی به بهترین شکل ممکن مراسم را به‌صورت کاملاً تجملی و لوکس برگزار کنند، اما این روزها کاملاً این سنت‌ها و فرهنگ‌های غلط برچیده شده و مراسم به‌صورت ساده برگزار می‌شوند، اگر این فرهنگ روز به روز ارتقا پیدا کرده و رشد کند، قطعاً شاهد بالاتر رفتن نرخ ازدواج بیش از امروز خواهیم بود.

اخبار

رئیس‌جمهور در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا

لزوم واکسیناسیون همه افراد بویژه مهاجرین

دکتر رئیسی با تأکید بر ضرورت اجرای کامل قانون نسخه الکترونیکی گفت: تا تکمیل زیرساخت‌ها در برخی شهرها برای موارد ضروری و استثنایی با تشخیص وزارت بهداشت و درمان به منظور جلوگیری از اجتماع و ازدحام جمعیت و خطر شیوع بیماری مجوزهای لازم صادر شده تا مشکلی برای شهروندان به‌وجود نیاید.

آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی روز شنبه در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا با اشاره به اهمیت توجه به واکسیناسیون مهاجران افغانستانی و سایر کشورها که به هر شکلی در کشور حضور دارند، اظهار داشت: برای قطع زنجیره بیماری و جلوگیری از شیوع کرونا ضرورت دارد برای واکسیناسیون همه افراد بویژه مهاجرین اقدام شود.

آیت‌الله رئیسی همچنین با تأکید بر انجام تست کرونا از همه کسانی که به کشور وارد می‌شوند، گفت: لازم است استان‌های مرزی تردد افراد از مرزهای زمینی، هوایی و دریایی را با دقت و جدیت کنترل کنند و از همه این افراد تست کرونا گرفته شود و به برگه‌های تست که بعضاً جعلی هستند، اکتفا نکنند چرا که هرگونه سهل‌انگاری در این زمینه در حقیقت زحمات همه کادر درمان و دست‌اندرکاران مقابله با کرونا را از بین می‌برد.

رئیس‌جمهور همچنین با اشاره به ضرورت پیگیری واکسیناسیون عمومی بویژه اهمیت تزریق دوز سوم اظهار داشت: بدون تردید واکسیناسیون عمومی می‌تواند در مقابل ویروس کرونا مصونیت ایجاد کند و باید با قوت ادامه یابد. همچنین طرح شهید سلیمانی در پیش‌بینی و پیشگیری از بیماری کرونا برکات فراوانی داشته و ادامه آن ضروری است.

وزیر بهداشت: ستاد کرونا هنوز برای واکسن زیر ۱۲ ساله‌ها به نتیجه نرسیده است

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی درباره واکسن کرونای زیر ۱۲ ساله‌ها گفت: «هنوز ستاد ملی کرونا در این زمینه به نتیجه نرسیده است.»

به‌گزارش ایرنا بهرام عین‌اللهی در حاشیه آیین جشنواره فیلم سلیمان سلامت افزود: «وضعیت واکسیناسیون افراد زیر ۱۲ سال در ستاد ملی کرونا در دست بررسی است که اگر مطالعات آن به نتیجه برسد اعلام خواهد شد.»

وی همچنین اظهارداشت: «سه ماه پس از دوز دوم، بایستی دوز سوم واکسیناسیون کرونا انجام شود. لذا با توجه به اینکه سرعت واکسیناسیون در مهر و آبان ماه امسال افزایش یافته و بیشترین میزان تزریقات را در این ماه‌ها داشتیم، هنوز فرصت داریم که این اقدام صورت گیرد.»

وزیر بهداشت، درمان و آموش پزشکی با بیان اینکه آمار واکسیناسیون در هر هفته به بیش از هشت میلیون دوز رسیده گفت: «وضعیت کنونی استان کرمان در مقابله با کرونا مطلوب ارزیابی می‌شود.»

سرپرست مرکز روابط عمومی وزارت بهداشت مطرح کرد

ماجرای خطا در استعلام اصالت ۱۳ میلیون دوز واکسن کرونا

سرپرست مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت، توضیحاتی درباره بروز خطا در استعلام اصالت ۱۳ میلیون واکسن ارائه کرد.

محمد هاشمی درباره استعلام اصالت ۱۳ میلیون واکسنی که با خطا همراه بود، توضیح داد: در چند ماه اول در سامانه تیتک بحث استعلام اصالت واکسن روی یک سرور اولیه‌ای بود که پردازش لازم را نداشت و گاهی اوقات ممکن بود پاسخ استعلام در زمان مناسبی به سامانه سطح یک ارسال نشود و اگر سامانه سطح یک پاسخ را دریافت نمی‌کرد به این معنا بود که تزریق واکسن در سامانه تیتک ثبت نشده است.

سرپرست مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت افزود: در ادامه واکسیناتور تصور می‌کرد ثبت اتفاق نیفتاده و دوباره و گاهی اوقات تا ۱۰ بار تلاش می‌کرد. مردم هم شاهد این موضوع بودند که ممکن بود سامانه سطح یک، بارها خطایی را نشان دهد که بعد از یک بار تلاش، سامانه تیتک پیام خطا ارسال می‌کرد به این معنا که واکسن یک بار ثبت شده است و چون پیام خطا مجدد به سامانه سطح یک می‌رسید عملاً در سامانه سطح یک این تصور به وجود می‌آمد که ثبت واکسن با مشکل همراه بوده است.

وی با بیان اینکه همکاران ما در معاونت فناوری به دو صورت توانستند این مشکل را برطرف کنند ادامه داد: در مرحله نخست از همکاران غذا و دارو خواستند سرور سامانه تیتک بحث اصالت واکسن را تغییر داده و سرور قوی‌تری برای این کار تعریف کنند، در مرحله بعد هم به سامانه‌های سطح یک اعلام شد در صورت دریافت پیام خطا از سرویسی متفاوت از غذا و دارو که قابلیت استعلام دارد استفاده کنند. لذا تعداد پیام‌های خطایی که در سامانه تیتک ثبت شده عمدتاً به این دلیل است.

اخبار

سرقت های سریالی با آب دهان

گروه حوادث/ اعضای یک باند که با ترفندی عجیب از مردم کیف قاپی و سرقت می‌کردند از سوی مأموران کلانتری شهرک غرب دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی قبل فردی با مراجعه به پلیس از سرقت کیف پولش خبر داد و گفت: در خیابان راه می‌رفتم که ناگهان احساس کردم کسی روی دستم آب دهان پرت کرد، با عصبانیت به سمتش برگشتم که دیدم مرد جوانی با نگرانی شروع به عذرخواهی کرد و بعد با مرد دیگری که همراهش بود با دستمال شروع به تمیز کردن دست و لباسم کردند و بعد هم با عذرخواهی بلافاصله از آنجا دور شدند، اما دقایقی بعد متوجه سرقت کیف پولم شدم.

پس از این شکایت در حالی که تحقیقات از سوی پلیس آغاز شده بود شکایت مشابه دیگری به کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب رسید، بنابراین مأموران دریافتند این نوع سرقت‌ها سریالی بوده و از سوی اعضای یک باند مشخص انجام می‌شود.

سرهنگ «جلیل موقوفه‌ای» رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ در توضیح این خبر گفت: با وقوع ۲ فقره سرقت مشابه مبنی بر اینکه سارق پس از پرتاب کردن آب دهان روی دست مالباخته به بهانه عذر خواهی و تمیز کردن، اموال با ارزش مالباختگان را سرقت کرده بود، بررسی موضوع در اختیار تیمی از مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب قرار گرفت. در بررسی‌های اولیه چهره ظاهری سارق و مردی که وی را همراهی کرده بود، در اختیار تیم‌های مختلفی از گشت‌های انتظامی کلانتری قرار گرفت و مأموران این کلانتری موفق شدند هر ۲ سارق را در گشت‌های انتظامی شناسایی و در یک عملیات پلیسی سارقان را دستگیر کنند. در بررسی‌های بیشتر از متهمان کیف پولی که آنها قبل از دستگیری سرقت کرده بودند، کشف شد. متهمان در پی جویی‌های اولیه اظهار کردند این شیوه را از سرکرده باند که به آنان آموزش داده است آموخته‌اند.

سرهنگ موقوفه‌ای با اشاره به اینکه سرکرده این باند در مخفیگاهش در جنوب تهران دستگیر شد، خاطرنشان کرد: متهمان برای کشف سایر جرایم در اختیار این پلیس قرار دارند.

مزاحمت برای دختر دانش آموز در شبکه شاد

گروه حوادث/ مرد شیاد که با سوءاستفاده از شبکه شاد برای یک دانش آموز دختر مزاحمت ایجاد کرده بود از سوی پلیس فتا دستگیر شد.

سرهنگ جهانشیری، رئیس پلیس فتا استان خراسان رضوی، در تشریح خبر گفت: پدر و دختری که در شبکه اجتماعی شاد مورد تهدید و فحاشی از سوی فردی ناشناس قرار گرفته بودند با مراجعه به پلیس فتا شهرستان بردسکن از توابع استان خراسان رضوی خواهان پیگیری ماجرا شدند. پدر این دختر دانش آموز مشهدی مدعی شد فرد ناشناسی در شبکه شاد برای دخترش مزاحمت ایجاد کرده و آرامش را از زندگی وی ربوده است. وی برای شناسایی هویت عامل مزاحمت مستندات لازم را به کارشناسان پلیس فتا شهرستان بردسکن ارائه داد. با توجه به مستندات موجود و بررسی‌های لازم از سوی کارشناسان پلیس فتا مشخص شد سیم‌کارتی که با آن اعمال مجرمانه صورت گرفته مرتبط با فردی در استان همجوار بوده اما صاحب سیم‌کارت از این ماجرا بی‌اطلاع است.

در ادامه بررسی‌ها عامل مزاحمت‌ها در حاشیه شهر مشهد شناسایی و با هماهنگی قضایی برای روشن شدن موضوع مزاحمت‌ها به پلیس فتا شهرستان بردسکن منتقل شد.

وی با مشاهده شواهد غیرقابل انکار جرم خود را پذیرفت و اعتراف کرد با فریب برخی معلمان در نقش پشتیبان به آنها پیام داده و با به‌دست آوردن رمز مدیریتی، مزاحم مخاطبین آنها شده و با در دست داشتن اطلاعات موصوف از سایر مخاطبین مبالغی را کلاهبرداری کرده است که با توجه به شگرد به کار گرفته شده انتظار می‌رود افراد دیگری به همین روش مورد کلاهبرداری قرار گرفته باشند که از آنان نیز دعوت می‌شود اگر مزاحمتی مشابه داشته‌اند ضمن اعلام به پلیس فتا با انتخاب دو مرحله‌ای عضویت خود در شبکه‌های اجتماعی راه نفوذ افراد فرصت‌طلب و سودجو را مسدود سازند.

سرهنگ جهانشیری در رابطه با حفظ و نگهداری سیم‌کارت‌های اعتباری که شارژ ریالی یا دیتای آنها تمام شده مسئولیت صاحب سیم‌کارت را یادآور شد و از کاربران خواست با استعلام از سازمان تنظیم مقررات رادیویی یا ارسال کد ملی به سرشماره ۳۰۰۰۱۵۰ یا ۳۰۰۰۱۵۰۴۹۰۱ از تعداد خطوطی که به نام آنها ثبت شده مطلع و در صورت در اختیار نداشتن سیم‌کارت موصوف نسبت به سلب امتیاز آن اقدام کنند.

انفجار ترانس برق در آتش سوزی شبانه

گروه حوادث/ آتش‌سوزی نیمه شب در یک ساختمان، منجر به انفجار ترانس برق و قطع شدن چند ساعته برق بخشی از شهر بندرعباس شد.

به‌گزارش روابط عمومی آتش‌نشانی بندرعباس، ساعت ۱:۳۰ بامداد شنبه ۱۱ دی خبر آتش‌سوزی و انفجار در یکی از محلات بافت مرکزی شهر بندرعباس (چهارباغ) به آتش‌نشانی اعلام شد.

وقتی امدادگران به محل حادثه که ساختمانی در مجاورت یکی از هتل‌های شهر بود رسیدند در نخستین بررسی‌ها دریافتند این ساختمان به علتی نامعلوم دچار آتش‌سوزی و در ادامه یک ترانس برق نیز منفجر شده است به طوری که علاوه بر قطعی برق بخشی از منطقه، موج این انفجار باعث وحشت ساکنان منطقه و شکستن شیشه پنجره برخی خانه‌های اطراف محل حادثه و مجروح شدن یک کودک نیز شده بود.

با تلاش امدادگران این آتش‌سوزی حوالی ساعت ۲:۳۰ بامداد مهار شد و علت وقوع حادثه از سوی کارشناسان در حال بررسی است.

حفظ قرآن قاتل را از مرگ نجات داد

گروه حوادث/ پسر جوانی که به اتهام قتل پدر و مادرش در یک قدمی مجازات قصاص قرار داشت تنها شرط خواهر و برادرش برای گذشت را که حفظ کل قرآن بود پذیرفت تا از مرگ رهایی یابد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۲ با گزارش قتل یک زن و مرد میانسال آغاز شد. در ادامه اجساد به پزشکی قانونی منتقل شد و مأموران تحقیقات‌شان را آغاز کردند. سیما دختر خانواده در اظهاراتش عنوان کرد: آن شب همه در خواب بودند که با بوی شدید گاز از خواب پریدم. آنقدر بو زیاد بود که فکر کردم ممکن است هر جرقه‌ای منجر به انفجار شود. به آهستگی به سراغ برادرانم رفتم و آنها را بیدار کردم و به سراغ پدر و مادرمان رفتیم که متوجه شدیم آنها با شلیک گلوله به قتل رسیده‌اند.

پس از اعلام این موضوع مأموران تحقیقات خود را آغاز کرده و دریافتند انتشار گاز در خانه عمدی بوده و عامل قتل پس از شلیک به زن و مرد میانسال شیلنگ گاز خانه را هم بریده تا همه اعضای خانواده از بین بروند. در ادامه بررسی‌ها مشخص شد پدر و مادر خانواده با اسلحه مجهز به صدا خفه‌کن به قتل رسیده‌اند و پس از تطابق اثر انگشت روی اسلحه متوجه شدند عامل قتل پسر کوچک خانواده بوده که بلافاصله وی بازداشت شد. متهم در بازجویی‌ها گفت: من اصلاً متوجه شلیک به پدر و مادرم نبودم. در چند ماه اخیر به خاطر اینکه شب‌ها در خواب راه می‌روم شاید در خواب چنین کارهایی را انجام داده‌ام. ضمن اینکه اسلحه هم متعلق به پدرم بود که در محلی آن را مخفی کرده بود.

پس از اظهارات متهم و تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در ابتدای جلسه محاکمه خواهر و برادر متهم برای گذشت از او شرطی گذاشتند و گفتند «در صورتی برادرمان را می‌بخشیم که در زندان حافظ قرآن شود.»

در ادامه متهم به جایگاه رفت و ضمن ابراز ندامت گفت: ما خانواده بسیار آرامی بودیم و مشکلی با هم نداشتیم پدر و مادرم ما را با عشق بزرگ کردند و برای رفاه و آرامش ما هرکاری می‌کردند. حتی پس از آنکه تحصیلات‌مان تمام شد آنقدر حمایت‌مان کردند تا توانستیم مشاغل خوبی در جامعه به دست آوریم. نمی‌دانم چرا خواهر و برادرم چنین شرطی را برای گذشت اعلام کرده‌اند اما یقین دارم که پشت شرط‌شان حکمتی وجود دارد من اتهامم را قبول دارم اما باور کنید انگیزه‌ای برای این کار نداشتم و از اتفاقی که افتاده با اینکه دست خودم نبود، پشیمانم و شرط خواهر و برادرم را می‌پذیرم.

سرانجام پس از گذشت ۸ سال از این ماجرا متهم موفق شد در زندان حافظ کل قرآن شود و وقتی این موضوع به اطلاع مسئولان زندان رسید به قاضی پرونده خبر دادند و در نهایت متهم بعد از اثبات اینکه حافظ کل قرآن است از قصاص رهایی یافت. بدین ترتیب پرونده او به لحاظ محاکمه از جنبه عمومی جرم به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد و وی بزودی محاکمه می‌شود.

۱۶ شرط برای ادامه فعالیت بازار گل محلاتی

گروه حوادث/ با گذشت ۱۰ روز از آتش‌سوزی گسترده و مرگبار در بازار گل محلاتی تهران، بازپرس جنایی پایتخت در جلسه مشترکی که با اعضای شورای این بازار و سازمان‌های مربوطه برگزار کرد برای ادامه فعالیت ایمن این بازار ۱۶ شرط تعیین کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، پنجشنبه دوم دی وقوع آتش‌سوزی در بازار گل شهید محلاتی به امدادگران آتش‌نشانی اعلام شد. پس از تلاش چندساعته سرانجام آتش مهار اما در نخستین بررسی‌ها مشخص شد دو نفر در این حادثه جان باخته‌اند. کارشناسان در ادامه دریافتند علت آتش‌سوزی انفجار کپسول‌های گاز مخصوص پرکردن بادکنک بوده است. با شروع تحقیقات قضایی در این حادثه صبح روز چهارشنبه گذشته بازپرس محمدحسن زارعی به همراه هیأت شورای بازار گل محلاتی، رئیس آتش‌نشانی منطقه، مدیر منطقه ۸ آتش‌نشانی، کارشناسان دادگستری، معاون حقوقی شهرداری تهران، سرپرست اداره حقوقی منطقه ۱۴، جانشین امور شهری و مدیر ستاد مدیریت بحران، جلسه‌ای در بازار گل محلاتی برگزار کردند.

در این جلسه ۱۶ بند به‌عنوان شروط نهایی برای ادامه فعالیت این مکان تعیین و هیأت شورای بازار گل محلاتی ملزم شدند تا آنها را رعایت کنند در غیر این صورت بازاری که حدود ۷۰۰ غرفه در آن وجود دارد تعطیل خواهد شد.

از مهم‌ترین شروط ذکر شده در این قرارداد تعبیه دو در دیگر برای ورود و خروج مراجعه‌کنندگان در قسمت شرقی و غربی بازار گل بوده تا در صورت ازدحام و حادثه احتمالی، امکان خروج میسر شود. همچنین ورود هرگونه سیلندر گاز به این مکان ممنوع خواهد بود. از نگهبان‌هایی باید در این محل استفاده شود که تحت کنترل شرکت‌های زیرمجموعه ناجا باشند.

از موارد دیگر اینکه غرفه‌داران نباید از وسایل گرمایشی نظیر گاز پیک‌نیک استفاده کنند و از بخاری‌های گازی استاندارد با رعایت فاصله ایمنی استفاده کنند. ایمن‌سازی سیستم برق غرفه‌ها و بازار گل، یکی دیگر از مواردی است که باید در نظر گرفته شود.

رعایت نحوه چیدمان وسایل در غرفه‌ها و داشتن سیستم اعلام حریق و همچنین داشتن کپسول آتش‌نشانی در هر غرفه و آموزش‌های لازم از سوی آتش‌نشانی برای استفاده از کپسول‌ها از دیگر موارد ضروری است که در این قرارداد آمده است. جمع‌آوری وسایل و اقلام از روی بام‌ها و سایه‌بان‌های پلاستیکی که آتش‌زا هستند. رعایت اصول انبارداری و ایمنی انبارداری، مسدود نشدن معابر بازار گل از سوی دستفروشان یا غرفه‌داران برای تردد آسان امدادگران در صورت بروز حادثه نیز یکی دیگر از شروط این قرارداد است.

در صورت اجرای این ۱۶ بند که برای حفظ ایمنی و جلوگیری از حادثه و انفجار و تأمین امنیت غرفه‌داران و مشتری‌ها مقرر شده اجازه فعالیت موقت داده خواهد شد.

اما طبق قانون ۱۱۴ آیین دادرسی کیفری، چنانچه فعالیتی باعث برهم زدن امنیت جانی شهروندان شود، دادسرا می‌تواند به شکل دائمی مانع از فعالیت بازار گل شود.

اما یکی از مواردی که در این پرونده مطرح است اینکه غرفه‌دارانی که در این حادثه دچار خسارت شده‌اند در حالی در انتظار شروع ساخت و تعمیرات اساسی غرفه‌هایشان هستند که به‌دلیل مشخص نبودن مالکیت این غرفه‌ها نمی‌توانند تعمیرات را آغاز کنند چرا که از یک سو وزارت راه و شهرسازی مدعی مالکیت این بازار است و از سوی دیگر ستاد اجرایی فرمان امام(ره) مدعی است که مالک بازار گل است، بنابراین غرفه‌داران نمی‌توانند برای ساخت و بازسازی غرفه‌ها اقدام کنند. بدین ترتیب قرار است جلسه‌ای درخصوص اجاره یا فروش غرفه‌ها، با مالکان برگزار شود. چنانچه مالک اصلی بازار گل مشخص نشود، غرفه‌داران نیز نمی‌توانند به ساخت و بازسازی بپردازند.

از سویی با توجه به اینکه علت حادثه آتش‌سوزی در بازار گل انفجار کپسول هیدروژن اعلام شده است و این کپسول‌ها فقط با مجوز باید در اختیار افراد و بیمارستان‌ها قرار گیرد بازپرس جنایی دستور داد تا مشخص شود غرفه‌دارانی که این کپسول‌ها را در اختیار داشتند مجوز استفاده از این کپسول‌ها را داشته‌اند یا غیرقانونی با آن کار می‌کردند.

همچنین بازپرس پرونده با بیان اینکه هویت دو قربانی این حادثه و ۵ مصدوم دیگر مشخص شده اما هنوز هیچ یک از آنها و خانواده قربانیان برای شکایت به دادسرا یا اداره پلیس مراجعه نکرده‌اند از آنها خواست برای پیگیری پرونده به شعبه اول بازپرسی دادسرای امور جنایی تهران مراجعه کنند.

پرتاب مرگبار
بلوک‌های سیمانی به خودروهای عبوری
در این حادثه که در بزرگراه نواب رخ داد یک خانم معلم کشته و دو راننده مصدوم شدند

گروه حوادث/ کارآگاهان تیم جنایی پایتخت ردیابی‌های خود را برای شناسایی مرد ناشناسی آغاز کرده‌اند که با پرتاب بلوک‌های سیمانی کنار بزرگراه، خانم معلمی را به کام مرگ کشانده و دو راننده عبوری را زخمی کرده است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۷ صبح پنجشنبه ۹ دی مأموران شهرداری در حال تعمیر و محوطه‌سازی زیر پل ۹ دی در خیابان نواب بودند که ناگهان مرد جوانی به سراغ بلوک‌های سیمانی که برای مرمت جدول‌های کنار بزرگراه در گوشه‌ای قرار داشت رفت. وی ناگهان بلوکی را برداشت و به سمت خودروی تیبایی که در حال حرکت بود پرتاب کرد. بلوک سیمانی، شیشه خودرو را شکست و به‌صورت راننده برخورد کرد که باعث آسیب شدید او شد.

اما مرد جوان دست بردار نبود او دومین بلوک را پرتاب کرد بلوک بعدی به خودروی ساندرو خانم معلمی جوان برخورد کرد که در کمال ناباوری منجر به مرگ خانم معلم در محل حادثه شد. مرد ناشناس باز هم دست بردار نبود او این بار مقابل چشمان وحشت زده مردم بلوک بعدی را به سمت خودروی پرایدی پرتاب کرد که راننده خودرو نیز مصدوم شد. مرد جوان بعد از پرتاب چند بلوک عرض بزرگراه را طی و پای پیاده فرار کرد.

با مرگ خانم معلم و مصدوم شدن دو راننده خودرو، موضوع به بازپرس ساسان غلامی اعلام شد. با دستور بازپرس جنایی تحقیقات آغاز و جسد معلم جوان به پزشکی قانونی و دو مصدوم نیز به بیمارستان منتقل شدند.

یکی از شاهدان ماجرا در تحقیقات گفت: در حال رفتن به محل کارم بودم که صدای داد و فریاد شنیدم، یک مرد را در حال دویدن دیدم و مردم فریاد می‌زدند که او را بگیرید. مرد ناشناس وارد فضای سبز شد و فرار کرد. وقتی برگشتم متوجه شدم سه خودرو آسیب دیده و راننده‌های آنها نیز آسیب دیده‌اند. در بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل حادثه مشخص شد مرد جوان که تصویر واضحی از او دردست نبود در مدت ۵ ثانیه این خسارات جانی و مالی را به جا گذاشته و متواری شده است.

به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی پایتخت تحقیقات برای دستگیری متهم فراری از سوی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت ادامه دارد.

کشف ۶/۵ میلیارد تومان داروی کمیاب

گروه حوادث/ رئیس پلیس امنیت عمومی پایتخت از کشف دو انبار بزرگ احتکار دارو با بیش از ۱۰۰ میلیون قلم انواع دارو در خیابان پاسداران خبر داد.

سرهنگ پیام کاویانی با اشاره به کشف این دو انبار احتکار دارو به تشریح جزئیات عملیات مأموران پلیس در این حوزه پرداخت و گفت: مدتی قبل خبری مبنی بر دپو و نگهداری تعداد قابل توجهی داروی کمیاب و خاص در اختیار پلیس امنیت قرار گرفته و در جریان آن مأموران این پلیس بررسی‌های اولیه برای راستی آزمایی از صحت آن را در دستور کار خود قرار دادند.

وی با بیان اینکه صحت گزارش دریافتی از سوی مأموران تأیید شد، اظهارکرد: با هماهنگی مقام قضایی و کسب مجوزهای لازم برای انجام عملیات مأموران پلیس امنیت در عملیاتی همزمان به این دو انبار رفته و بیش از ۱۰۰ میلیون عدد داروی کمیاب و خاص را که برخی از آنها اخیراً با افزایش چندبرابری قیمت در بازار نیز روبه‌رو شده بودند، کشف و ضبط کردند که کارشناسان ارزش ریالی این اقلام را دست‌کم ۶۵ میلیارد ریال اعلام کردند. وی درباره شیوه تهیه و احتکار این داروها نیز گفت: در تحقیقات اولیه مشخص شد که با تهیه فاکتورهای جعلی اقدام به تهیه دارو و احتکار آن کرده‌اند که البته تحقیقات تکمیلی در این خصوص در حال انجام است.

رئیس پلیس امنیت عمومی پایتخت با بیان اینکه مالکان هر دو انبار دستگیر و به مقر انتظامی منتقل شدند، گفت: تحقیقات و بازجویی از این افراد برای شناسایی و دستگیری دیگر افراد مرتبط با این پرونده در دستور کار قرار دارد. همچنین محل مذکور نیز پلمب شده و داروها به وزارت بهداشت تحویل داده شد.

جاساز ۴۳ کیلو تریاک در کپسول گاز

گروه حوادث/ اعضای یک باند برای ورود مواد مخدر از شرق کشور به پایتخت تریاک‌ها را درون کپسول گاز سی ان جی جاساز کرده بودند.

سرهنگ «عبدالوهاب حسنوند» رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ در این باره گفت: مأموران پایگاه هشتم پلیس مبارزه با مواد مخدر با انجام یک سری اقدامات اطلاعاتی و پلیسی دریافتند یکی از قاچاقچیان حرفه‌ای مواد مخدر در تهران با تشکیل باندی به تهیه و توزیع مواد می‌پردازد. در تحقیقات بیشتر مأموران مشخص شد متهم به تازگی یک محموله بار مواد مخدر را از مرزهای شرقی خریداری کرده و ضمن بارگیری با یک دستگاه خودرو سواری قصد انتقال به تهران را دارد که با هماهنگی‌های قضایی تیمی از مأموران این پایگاه به محورهای مواصلاتی اعزام شدند و تردد خودروها را تحت کنترل درآوردند.

این مقام انتظامی اظهار داشت: مأموران بعد از چندین ساعت گشتزنی هدفمند روز جمعه موفق شدند خودرو متهمان را در اتوبان «شهید کاظمی» متوقف و بلافاصله راننده و ۲ سرنشین خودرو را دستگیر کنند. پس از توقیف خودرو در بازرسی از خودرو ۴۳ کیلوگرم تریاک که به‌صورت حرفه‌ای و بسیار ماهرانه در کپسول سی ان‌جی جاساز شده بود کشف شد.

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران با بیان اینکه هر ۳ متهم پس از تحقیقات تکمیلی به مرجع قضایی معرفی شدند، خاطرنشان کرد: مبارزه با پدیده شوم مواد مخدر همواره و با جدیت از سوی پلیس دنبال می‌شود و امید است شهروندان نیز اخبار و اطلاعات خود پیرامون این موضوع را از طریق تلفن ۱۱۰ به پلیس اطلاع دهند.

حوادث جهان

مرگ ۱۲ هندی
در نخستین روز سال نو مسیحی

۱۲ شهروند هندی در نخستین روز سال نو مسیحی به خاطر ازدحام جمعیت بازدید کننده از یک زیارتگاه مذهبی جان باختند.

به‌گزارش یورونیوز، یک مسئول دولت هند روز شنبه گفت: در این حادثه که در یکی از پربازدیدترین زیارتگاه‌های هندوها به‌نام «ماتا وایشنو دیوی» در منطقه کشمیر واقع در شمال هند رخ داده دست‌کم سیزده نفر نیز مجروح شده‌اند.

یک مقام دولتی شمار تلفات حادثه در زیارتگاه «ماتا وایشنو دیوی» را دست‌کم دوازده نفر عنوان کرده و یادآور شده که شمار قربانیان ممکن است افزایش پیدا کند.

وی همچنین اعلام کرده که جاده منتهی به زیارتگاه یاد شده که در قله یک ارتفاع واقع شده روز شنبه مملو از نمازگزارانی بود که سعی داشتند طی رسم همیشگی به مناسبت سال نو برای ادای نماز و انجام عبادت خود را به آنجا برسانند.

یکی دیگر از مقامات محلی نیز آمار اعلام شده در خصوص شمار کشته شدگان در این حادثه را تأیید کرد و افزود که ازدحام جمعیت حوالی ساعت ۲ و ۴۵ دقیقه بامداد به وقت محلی رخ داده است.

وی در ادامه ادامه یادآور شد که دولت درخواست کرده تا تحقیقاتی برای روشن شدن بیشتر جزئیات حادثه بسرعت انجام شود.

نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند نیز با ارسال پیامی از وقوع این حادثه و نیز از دست رفتن جان شماری از شهروندان کشورش ابراز تأسف کرده است.

مارکا(اسپانیا)

کیلیان امباپه ستاره پاری‌سن ژرمن همچنان یکی از سوژه‌های اصلی رسانه‌های مادریدی است. در این شرایط، این روزنامه هم با طرح این موضوع که سال ۲۰۲۲ را احتمالاً با خبرهایی مهم آغاز خواهیم کرد، پرسیده آیا امباپه پیراهن رئال مادرید را می‌پوشد؟ و تیتر «سال ۲۰۲۲» را به آن اختصاص داده است.

گاردین اسپورت(انگلیس)

سیمون کیائر کاپیتان دانمارک که بهترین بازیکن سال ۲۰۲۱ به انتخاب گاردین شده، از ماجرای مرگ چند لحظه‌ای کریستین اریکسن هم تیمی‌اش در دانمارک در جریان دیدار با فنلاند در یورو ۲۰۲۰ صحبت کرده است. این روزنامه هم با توجه به این مصاحبه تیتر «آن اتفاق شدید بود... غریزی» را روی جلد خود برده است.

تلگراف اسپورت(انگلیس)

توماس توخل سرمربی آلمانی چلسی که با «رومولو لوکاکو» ستاره بلژیکی تیمش دچار چالش شده، به این اشاره کرده که سر و صدا را دوست ندارد و این چیزی نیست که می‌خواسته برای چلسی به ارمغان بیاورد. این موضوعی است که تلگراف به آن پرداخته و تیتر «خشم توخل از های و هوی بی‌فایده لوکاکو» را انتخاب کرده است.

میلیاردرهای نافرجام فوتبال؛ از زنوزی تا هدایتی و زنجانی

مالکان سقوطی!

حامد جیرودی/ باشگاه تراکتور مدت زیادی است که روزهای خوبی را سپری نمی‌کند. تیم پرهوادار فوتبال ایران که حالا با ۱۱ امتیاز در بین تیم‌های حاضر در منطقه خطر سقوط قرار گرفته اما این موضوع در حال حاضر مسأله اصلی پرشورها نیست. چرا که تراکتور مدتی است به یک تیم بدهکار و ورشکسته تبدیل و با شکایت بازیکنان مختلف، پنجره‌اش بسته شده است. در این شرایط محمدرضا زنوزی مالک تراکتور اعلام کرده که آماده واگذاری امتیاز این باشگاه به هیأت فوتبال آذربایجان شرقی است تا به این ترتیب فوتبال ایران با یک مالک خصوصی دیگر نیز وداع کند.

زنوزی آخرین میلیاردر سال‌های اخیر است که با هدف ساختن یک باشگاه پرستاره وارد کارزار شد و البته در نهایت با دستی خالی و شهرتی منفی نسبت به گذشته میدان را ترک می‌کند. در حالی که نگاه کلی به او نه مخارج عظیمی است که از جیب شخصی انجام داده که بیشتر به بدهکاری‌ها و اتلاف سرمایه‌ای که در این زمینه به جای گذاشته بازمی‌گردد. مدیری که در ابتدا با مالکیت باشگاه گسترش فولاد خود را مطرح کرد اما در رسانه‌ها ظاهر نمی‌شد اما با حضور در تراکتور کاملاً تغییر جهت داد و با جذب کاپیتان‌های تیم ملی، مربیان خارجی و بازیکنان گرانقیمت خارجی آرام آرام از شکل خاص مدیریت خود فاصله گرفت و حالا به جایی رسیده که کمتر کسی تصورش را می‌کرد و در این شرایط تراکتور به‌دنبال یک ناجی برای رتق و فتق امورش می‌گردد، گسترش فولاد نابود شده و دو باشگاهی که واگذار کرد (ماشین‌سازی و نود ارومیه) در لیگ‌های پایین‌تر به سر می‌برند.

■ استیل آذین و مدیریت عابربانک

زنوزی اولین شکست خورده باشگاه‌داری خصوصی(شخصی) در فوتبال ایران نیست. حسین هدایتی که با استیل آذین به‌عنوان تیمی کهکشانی وارد گود شد و سپس داعیه مالکیت بر پرسپولیس را هم داشت، نمونه بهتری برای این شکست محسوب می‌شود. استیل آذین سال ۸۶ تشکیل شد و با خرید امتیاز باشگاه اکباتان به قیمت ۸۰۰ میلیون تومان در لیگ دسته اول حضور پیدا کرد و یک فصل بعد نیز در این رده بود ولی با جذب بازیکنان سرشناس فوتبال ایران توانست به لیگ برتر راه پیدا کند. استیل آذین در لیگ‌های نهم و دهم حضور داشت ولی بعد سقوط کرد و حتی از تهران هم جدا شد و به استیل آذین سمنان تغییر نام داد ولی احیا نشد و حالا در رده‌های پایه ولیگ آسیا ویژن تهران فعالیت می‌کند. هدایتی هم که در ادبیات ورزشی ایران به «عابر بانک فوتبال» شهرت یافت، اردیبهشت ۱۳۹۸ به جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور به ۲۰ سال زندان محکوم شد.

■ شیرین فراز با پایانی تلخ، راه آهن با فرجامی تلخ‌تر

شیرین فراز کرمانشاه هم یکی دیگر از باشگاه‌هایی است که سال ۱۳۸۴ با خرید امتیاز تیم عقاب تأسیس شد و کارش را از لیگ دسته دوم آغاز کرد و سپس به لیگ یک رسید و در لیگ هفتم به لیگ برتر راه یافت. سرمایه‌گذاری فرمان کریمی چهره شناخته‌شده اقتصاد کرمانشاه در لیگ‌برتری‌شدن شیرین‌فراز نقش زیادی داشت ولی چند ماه بعد این تیم هم به‌دلیل بدهی سیر نزولی در پیش گرفت و در سال ۹۴ هم منحل شد. تابستان ۱۳۹۱ بود که باشگاه قدیمی راه‌آهن تهران به شخصی به‌نام بابک زنجانی واگذار شد. در آن موقع کسی این میلیاردر معروف را نمی‌شناخت ولی مدتی بعد همه با زنجانی آشنا شدند. ۹ دی ۱۳۹۲ این بدهکار نفتی دستگیر شد و هم‌اکنون در زندان است اما پس از دستگیری زنجانی، باشگاه راه‌آهن هم که از اموال زنجانی بود، توقیف شد. راه‌آهن هم که از لیگ پنجم در لیگ برتر حضور داشت، در پایان لیگ پانزدهم سقوط کرد و حالا هم در لیگ دسته سوم حضور دارد.

■ داماش و اختلاس ۳ هزار میلیاردی

داماش گیلان یکی دیگر از تیم‌های لیگ برتری است که بارها تغییر نام داده. این باشگاه در دهه ۹۰ طعم پولدار شدن را چشید و ستارگان متعددی را با ارقام هنگفت خرید. تیمی که یکی از شرکت‌های زیرمجموعه‌ای «توسعه سرمایه‌گذاری امیرمنصور آریا» بود. آبان ۹۲ خبرگزاری‌ها خبر دادند شهرام قویدل، مالک این باشگاه دستگیر شده و در ادامه امیرمنصور آریا که نام اصلی‌اش مَه‌آفرید امیرخسروی بود، در سال ۹۳ به‌دلیل اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی اعدام شد. باشگاه داماش در پایان لیگ سیزدهم سقوط کرد و حالا در لیگ دسته سوم حضور دارد.

■ استقلال اهواز؛ از نایب قهرمانی تا لیگ استانی

باشگاه قدیمی استقلال اهواز در دهه ۸۰ با علی شفیع‌زاده، مالک جدیدش رشد چشمگیری پیدا کرد و تا جایی پیش رفت که به نایب قهرمانی لیگ ششم دست یافت اما پس از آن دوران نزول استقلال اهواز آغاز شد. چرا که شفیع‌زاده بدهی‌های فراوانی پیدا کرد و از ایران خارج شد و بعد اعلام کرد که ممنوع الورود است. در این شرایط، استقلال اهواز به لیگ یک و دو هم سقوط کرد ولی با تغییر مالکیت دوباره خود را بالا کشید و با خرید سهمیه لیگ برتری فولاد نوین خوزستان به لیگ برتر بازگشت. البته این امتیاز به کارشان نیامد و آنها در همان پایان لیگ پانزدهم سقوط کردند و حالا در لیگ استانی خوزستان فعالیت می‌کنند.

این‌ها تنها چند نمونه از باشگاه‌هایی بودند که با مالک خصوصی به ورطه سقوط و نابودی کشیده شدند و حالا تراکتور و باشگاه پدیده هم این مسیر را طی می‌کنند. زنوزی وقتی آمد به این اشاره داشت که قرار نیست برای همیشه از جیب هزینه کند و تراکتور را به بنگاهی اقتصادی و سودده تبدیل می‌کند اما هرگز در این امر موفق نشد. فرهاد حمیداوی هم در پدیده یا شهرخودرو موفق نبود و حالا مشهدی‌ها کاندیدای اصلی سقوط هستند. فارغ از اشتباهات شخصی مالکان و بلندپروازی‌های نابجا و استفاده از مشاورانی که دلسوز و کاربلد نبودند، می‌توان یادآوری کرد که زیرساخت‌های نادرست فوتبال ایران هم در این مهم بی‌تأثیر نبوده و از سویی خصوصی‌ها یارای رقابت با باشگاه‌های صنعتی را ندارند.

انتقاد جزیده، سرمربی شهرداری گنبد به سازمان لیگ:

لیگ والیبال بعداز ۳۰ سال حرفه‌ای نیست

مهری رنجبر/ عظیم جزیده سرمربی شهرداری گنبد، تیم ششم دور رفت جدول رده‌بندی یکی از منتقدان سازمان لیگ فدراسیون والیبال است. او که راه‌اندازی اتحادیه باشگاه‌ها را ضروری می‌داند به خبرنگار «ایران» گفت: «ما هنوز بعداز ۳۰ سال برای برگزاری لیگ مشکل داریم. این همه پولی که باشگاه‌ها هزینه می‌کنند هیچ برگشتی ندارد، در حالی که باید همه مسائل بررسی و برنامه‌ریزی حرفه‌ای‌تری برای لیگ تدارک شود. به نظرم در این شرایط راه‌اندازی اتحادیه باشگاه‌ها لازم است تا روی این مسائل کار شود.» سرمربی شهرداری گنبد معتقد است که فدراسیون باید برای برگزاری لیگ به روز و آیین نامه لیگ بازنگری شود: «کنفدراسیون والیبال که خیلی ضعیف است، سازمان لیگ ما هم باید نحوه برگزاری بازی‌ها را به روز کند، ظاهراً نزدیکی به لیگ‌های اروپا خیلی برای والیبال ما بهتر است. ما هنوز نمی‌دانیم نفس لیگ والیبال پول درآوردن است یا برگزاری بازی‌ها؟ مسأله هنوز بین والیبالی‌ها نهادینه نشده است. از سویی لیگ ما آیین نامه بی‌نقصی می‌خواهد که فدراسیون می‌تواند با نظرسنجی از مربیان و باشگاه‌ها درباره مشکلات و الگوبرداری از کشورهای اروپایی آن را تدوین کند.» دلیل موافقت جزیده با پیشنهاد برگزاری لیگ به‌صورت رفت و برگشت استفاده از امتیاز میزبانی است: «من تنها بابت استفاده از امتیاز میزبانی به بازی رفت و برگشت رأی دادم. سپاهان و شهرداری ارومیه، تیم‌های اول و دوم جدول مشکلی برای صعود ندارند که به بازی متمرکز رأی داده‌اند، اما ما می‌خواهیم با استفاده از میزبانی جزو ۸ تیم صعود کننده به پلی آف باشیم.» شهرداری گنبد امروز با شروع دور برگشت با «شهداب یزد» تیم هشتم جدول رده‌بندی بازی دارد. عظیم جزیده معتقد است تیمش حالا آرامش گرفته: «خدا را شکر تیم ما دو، سه روزی است که به آرامش رسیده. ما در فصل نقل و انتقالات ۳ بازیکن از تیم‌های دیگر و ارسلان یولمه بازیکن بومی را گرفته‌ایم. در شروع دور برگشت با تیم خوب شهداب یزد بازی داریم؛ تیمی که نیمکت‌اش تغییر کرده است، البته تغییرات زمانبر است و معمولاً تیم‌ها را با چالش مواجه می‌کند.»

سارا قمی، مهاجم تیم ملی فوتبال بانوان در گفت‌وگو با «ایران»:

امیدوارم مثل خداداد گل بزنم

خشکشویی هتل لباس‌های ما را پس فرستاد/۱۵ سال بازیکن تیم ملی بودم، تاج و کفاشیان را ندیدم

پریسا غفاری/ پس از صعود به جام ملت‌های آسیا که برای اولین‌بار در تاریخ ملی فوتبال ایران اتفاق افتاد، حالا شاگردان مریم ایراندوست برای حضور قدرتمندانه در این رقابت‌ها آماده می‌شوند تا تیم شگفتی‌ساز جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۲ هند شوند که از ۳۰ دی آغاز و تا ۱۷ بهمن ادامه خواهد داشت. در این میان دعوت از یک مهاجم با قدرت دریبل بالا که چهارچوب شناسی تمام عیار است، به انگیزه‌های دیگر ملی پوشان نیز افزوده است. صحبت از سارا قمی است که بعد از یک سال و نیم دوباره با دعوت مریم ایراندوست برگشته تا آمار ۳۴ بار حضور در ترکیب تیم ملی و ۱۰ گل زده را ارتقا دهد. او که میان همبازیان خود به «سارادونا» معروف است به سؤالات خبرنگار «ایران» پاسخ داد.

■ چرا از فوتسال به فوتبال آمدی؟

سالهای ۷۹ تا ۸۳ فوتسال بازی می‌کردم چون هنوز فوتبال در ایران برای بانوان جایی نداشت. اما از سال ۸۳ درگیلان به مستطیل سبز رفتم و با باشگاه ملوان انزلی استارت زدم. من از اول فوتبال را دوست داشتم.

■ به شما سارادونا می‌گویند آیا اسطوره ات مارادوناست؟

مارادونا بازیکن بزرگی است اما من همیشه به بازی خداداد عزیزی و علی کریمی علاقه داشتم. همیشه با خودم فکر می‌کردم آیا می‌توانم روزی همانند آنها عمل کنم بخصوص که از لحاظ استایل بدنی شبیه خداداد هستم. امیدوارم در فوتبال بانوان مثل او عمل کرده باشم.

■ سال ۸۵ یا ۸۶ بود که به اردوی تیم ملی دعوت شدی و خیلی زود به این رؤیایت رسیدی...

زمانی که خداداد عزیزی آن گل زیبا را وارد دروازه استرالیا کرد، من از مدرسه بازی را می‌دیدم. آرزو داشتم به تیم ملی دعوت بشوم و بتوانم روزی مثل خداداد چنین گلی بزنم. خدا را شکر ۹۹ درصد آرزوهایم برآورده شد.

■ مریم ایراندوست در ملوان انزلی هم تیمی و سرمربی ات بود، کار با او راحت بود؟

خانم ایراندوست باشگاه ملوان انزلی را راه‌اندازی کرد. او با فراخوانی که داد من هم جذب شدم. او همیشه پشت سرمن در تیم بازی می‌کرد و پاسهای خیلی خوبی به من می‌داد. ارتباط خوبی هم با یکدیگر داشتیم. از سویی مریم ایراندوست یک سرمربی بادیسیپلین است و مقررات خاص خودش را دارد و همیشه این حریم خاص بین ما وجود دارد.

■ خیلی زود از تیم ملی رفتی؟

زود هم نبود. ۱۵ سال برای تیم ملی بازی کردم. اما در آن مدت با کمترین امکانات کار کردیم. خیلی خسته شده بودم. از اینکه کوچک‌ترین احترامی برای ما قائل نبودند.

■ پس چرا هیچ وقت مطرح نکردی؟

صادقانه می‌گویم. خیلی‌ها از من پرسیدند اما برای اولین بار می‌خواهم صحبت کنم. حدود ۱۳- ۱۴ سال در اردوها بودیم ولی هیچ وقت به ما احترام نگذاشتند، حق و حقوقمان را ندادند، لباس‌های بی‌کیفیت را به ما می‌دادند. یادم هست ۵ - ۶ سال پیش دریکی از اعزام‌ها لباس‌های بازیکنان را به خشکشویی هتل داده بودند ولی به سرپرستمان گفتند لطفاً دیگر لباس‌هایتان را برای شست‌وشو ندهید چون آنقدر رنگ می‌دهد که لباس‌های بقیه تیمها را خراب کرده است. به هر حال تبعیض‌ها خیلی زیاد بود. کادر فنی هم احترام نمی‌گذاشتند. بخاطر همین تصمیم به خداحافظی گرفتم. البته کتایون خسرویار به من گفت این کار را نکن اما در آن شرایط چاره‌ای نداشتم. چون شخصیتم برایم ارزش داشت.

■ چند رئیس فدراسیون را دیدی؟

تاج و کفاشیان. البته فقط اسمشان را شنیدم و خودشان را هرگز ندیدم، حتی به اندازه یک سلام و خداحافظی به خودشان زحمت نمی‌دادند که به اردو بیایند. اما الان در دو اردو بوده‌ام و هر دوره عزیزی خادم را در تمرینات دیده‌ام. عزیزی خادم تبعیضی بین بانوان و مردان قائل نیست و از هر دو حمایت می‌کند.

■ پس یکی از دلایلی که به اردوهای تیم ملی برگشتی همین است؟

بله، بعد از صحبت مریم ایراندوست با من قرار شد به اردوها بیایم. وقتی سر تمرینات آمدم باور کنید تاکنون حال و هوای بازیکنان و کادرفنی را این‌طور ندیده بودم. همه از ته دل برای هدفشان می‌جنگند.

■ حالا هم که در دومین اردوی تیم ملی ماندی؟

خیلی دیر به جمع بچه‌ها اضافه شدم شاید همه بگویند چرا سارا قمی از اول به اردوهای تیم ملی نیامد باید بگویم در آخرین صحبتی که با کادر فنی داشتم، به‌دلیل اینکه کاپیتان تیم‌ملی بوده‌ام و سال‌ها برای این تیم زحمت کشیده‌ام قرار شد یک بازی خداحافظی برگزار شود، اما متأسفانه در روز دوم اردو متوجه شدیم تیم ازبکستان به ایران نمی‌آید و بازی دوستانه لغو شده است. تا آخر اردو کنار بازیکنان ماندم. پس از آن دوباره صحبتی با کادر فنی شد تا در این اردو هم کنار بچه‌ها بمانم و تجربیاتم را به آنها منتقل کنم.

■ فکر می‌کردی تیم ملی به جام ملتها صعود کند؟

من بازی‌ها را لایو نگاه می‌کردم و وقتی مشخص شد که تیم ملی صعود کرده خیلی گریه کردم. خوشحال شدم فوتبالیست‌های کشورمان بعد از ۱۵ سال خاک خوردن به حقشان رسیدند. البته کار خیلی سختی در جام ملت‌ها داریم اما امیدواریم اتفاقات خوبی رقم بخورد. کادر فنی و فدراسیون تلاش زیادی انجام دادند تا دیدار تدارکاتی برگزار شود اما این اتفاق رخ نداد و به‌همین دلیل کار بیشتر از گذشته سخت شده‌است. گرچه به کادر فنی و بچه‌ها ایمان دارم. هدف همه ملی‌پوشان موفقیت است. باید با انرژی مثبت، دست‌به‌دست هم بدهیم و با همدلی مسابقات را تمام کنیم تا تیم ملی با صعود از گروهش به جام‌جهانی راه پیدا کند.

■ وضعیت مهاجمان تیم ملی برای جام ملت‌ها خوب هست؟

مهاجمان ششدانگی داریم، پرتلاش هستند و قطعاً گل می‌زنند. همانطور که به دروازه‌بان و مدافعان تیم ملی ایمان دارم. باید بدانید غیرت ایرانی همه کار می‌تواند بکند.

■ در پایان از شرایط لیگ برتر هم صحبت کن.

لیگ برتر شرایط خوبی دارد اما فکر می‌کنم هنوز وضعیت قراردادهای مالی خیلی کم است. شنیده‌ام بالاترین رقم قرارداد ۵۰۰، ۶۰۰ میلیون تومان است اما اینکه کدام بازیکن می‌گیرد را نمی‌دانم. من خودم سال‌ها پیش اولین قراردادم ۶۰۰ هزار تومان بود. البته ۸۰ درصد مبالغ قراردادهایم را تابحال دریافت نکرده‌ام. گرچه بیشتر باشگاه‌ها جریمه نقدی می‌کنند. بعضی از باشگاه‌ها هم بر اساس آیین نامه داخلی خودشان قوانینی می‌گذارند که در صورت تخطی کمیته انضباطی می‌برند و کلی از مبالغ را جریمه می‌کنند.

بازتاب

تدارک جامعه فوتبال برای برگزاری مراسم باشکوه روز جهانی مقاومت بزرگداشت شهید حاج قاسم سلیمانی

بیانیه مشترک در ۸ مسابقه لیگ برتر

جلسه هماهنگی برگزاری مراسم روز جهانی مقاومت بزرگداشت شهید حاج قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس وشهدای مقاومت دیروز در سالن روابط عمومی سازمان لیگ فوتبال ایران برگزار شد. در این نشست سرهنگ ابوالفضل خداقلی‌پور رئیس سازمان ورزش بسیج، محمدرضا کشوری فرد دبیر سازمان لیگ فوتبال، حجت‌الاسلام علیرضا علیپور رئیس کمیته نظارت وبازرسی سازمان لیگ، سهیل مهدی مدیر مسابقات وحجت‌الله بهمنی مدیر روابط عمومی وامور فرهنگی سازمان لیگ و برخی دیگر از مسئولان حضور داشتند. در ابتدای این نشست کشوری فرد ضمن خیر مقدم به میهمانان از آمادگی کامل جامعه فوتبال برای برگزاری مراسم باشکوه روز جهانی مقاومت وسالروز شهادت سپهبد حاج قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس و دیگرشهدای مقاومت خبر داد. در ادامه این مراسم حجت‌الله بهمنی، مدیر روابط عمومی و امور فرهنگی سازمان لیگ نیز با بیان پیشرو بودن جامعه بزرگ فوتبال در گرامیداشت یاد شهدا اظهار داشت: «با کانون‌های هواداری باشگاه‌های لیگ برتری هماهنگی‌های لازم صورت می‌گیرد تا طرح‌های موزاییکی مناسبی برای شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس و شهدای مقاومت در ورزشگاه‌ها طراحی و اجرا شود. همچنین در سراسر کشور بازیکنان و مربیان به جایگاه شهدای مقاومت و حاج قاسم سلیمانی وابومهدی المهندس گل اهدا خواهند کرد.» سهیل مهدی، مدیر مسابقات سازمان لیگ نیز اعلام کرد: «خوشحالیم که مسابقات هفته سیزدهم لیگ برتر به‌نام شهدای گرانقدر مقاومت و بخصوص شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی مزین شده است و مراسم باشکوهی قبل از تمامی مسابقات لیگ برتردر سراسر کشور با همکاری باشگاه‌ها و هیأت‌های فوتبال برگزار خواهد شد.» حجت‌الاسلام علیرضا علیپور، رئیس بازرسی و نظارت سازمان لیگ نیز پیشنهاد کرد که در مراسم روز جهانی مقاومت علاوه بر تجلیل از شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس در هر استانی از شهدای مقاومت هر استان نیز به صورت ویژه تجلیل شود. در نهایت مقرر شد پیش از مسابقات هفته سیزدهم لیگ برتر مراسم فرهنگی ویژه‌ای در تمامی مسابقات هفته سیزدهم لیگ برتر فوتبال در ورزشگاه‌های سراسر کشور با همکاری و همراهی سپاه پاسداران، بسیج، فدراسیون فوتبال، سازمان لیگ فوتبال ایران، هیأت‌ها و باشگاه‌های فوتبال برگزار شود. همچنین مقرر شد یادمانی با پوستر ویژه روز جهانی مقاومت مزین به عکس شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس طراحی و در ورزشگاه‌های مختلف نصب شود. بازیکنان، مربیان، داوران و مسئولان برگزاری مسابقات به تمثال شهدای مقاومت گل اهدا کنند و مراسم مداحی به مناسبت ایام فاطمیه و همچنین شهدای مقاومت قبل از مسابقات برگزار شود. همچنین بیانیه‌ای مشترک در ۸ مسابقه لیگ برتر تهیه و قبل از مسابقات قرائت شود.

سوژه

حضور دروازه بان استقلال در کلانتری تجریش تأیید شد

مظاهری: من بازداشت نشده‌ام

پس از اینکه محمدرشید مظاهری دروازه بان استقلال به خاطر مسأله انضباطی از سوی کادرفنی استقلال در اختیار باشگاه قرار گرفت، او باید دیروز در جلسه انضباطی باشگاه استقلال شرکت می‌کرد که خبری عجیب درباره او منتشر و اعلام شد مظاهری به‌دلیل شکایت مدیربرنامه‌های سابق خود در کلانتری تجریش حضور یافته و مدت کوتاهی هم بازداشت شده است اما ساعتی بعد مظاهری در یک استوری به این موضوع واکنش نشان داد و نوشت: «هرگونه خبری که در مورد من باشد، همه را تکذیب می‌کنم و این حاشیه‌ها دیگر برایم خسته کننده شده است. حتماً این موضوع را تا آخر پیگیری می‌کنم و از طریق مراجع قضایی شکایت می‌کنم. به خدا دیگر خسته شدم. حداقل اجازه بدهید کنار خانواده‌ام راحت باشم.» این خبر در حالی منتشر شد که مسئولان باشگاه استقلال هم از این موضوع ابراز بی‌اطلاعی کردند ولی با این حال، خبرنگار انتظامی فارس کسب اطلاع کرد که مظاهری به‌دلیل اختلاف مالی به کلانتری مراجعه و از مأموران کلانتری کسب راهنمایی و تکلیف کرده ولی هیچ جلب و بازداشتی در کار نبوده است. مهدی صادقی وکیل سابق مظاهری که گفته شد این بازیکن به‌دلیل اختلاف با او راهی کلانتری شده، درباره این موضوع به «فوتبالی» توضیح داد: «من قبلاً وکیل مظاهری بودم اما به‌خاطر یک سری اتفاقات با او قطع همکاری کردم. البته مسائل مالی هم در این قضیه نقش داشت و مظاهری به یک سری افراد بدهکار بود که طلبکاران او مدام با من تماس می‌گرفتند. این بازیکن مشکلاتی هم در باشگاه داشت که هر چقدر تلاش کردیم او به‌نظر سرمربی و مدیریت باشگاه احترام بگذارد، این اتفاق رخ نداد و حالا از طرف کادر فنی در اختیار باشگاه قرار گرفته است. مظاهری قطعاً با ادامه این رویه به مشکل خواهد خورد و بهتر است کمی معقولانه‌تر و حرفه‌ای‌تر برخورد کند.»

اخبار

قاسمی‌نژاد مشکلی برای همراهی استقلال ندارد

امین قاسمی‌نژاد، مهاجم تیم فوتبال استقلال در ۲ دیدار گذشته این تیم مقابل پدیده و فولاد در لیست ۱۸ نفره این تیم قرار نگرفت. بعد از بازی با پدیده بود که فرهاد مجیدی اعلام کرد به‌دلیل شکایت باشگاه پدیده از این بازیکن استفاده نکرده است. با وجود این قاسمی‌نژاد طی روزهای اخیر با مراجعه به فدراسیون فوتبال پیگیر موضوع شد و در نهایت با استعلام از فدراسیون فوتبال متوجه شد مشکلی برای همراهی تیمش در دیدارهای آینده ندارد و در صورتی که فرهاد مجیدی و کادر فنی استقلال صلاح بدانند او می‌تواند تیمش را همراهی کند. تیم فوتبال استقلال روز دوشنبه در ورزشگاه امام خمینی اراک به مصاف آلومینیوم خواهد رفت.

زمان مسابقه سوپرجام اعلام شد

زمان دیدار سوپرجام فصل ۱۴۰۰-۱۳۹۹ اعلام شد و بر این اساس دیدار دو تیم فولاد خوزستان (قهرمان جام حذفی) و پرسپولیس (قهرمان لیگ بیستم) روز دوشنبه ۱۸ بهمن رأس ساعت ۱۶ برگزار می‌شود. مکان برگزاری این دیدار مشخص نیست و متعاقباً اعلام خواهد شد.

واکنش عضو هیأت رئیسه به رأی پرونده گل گهر

علیرضا صالحی رئیس کمیته استیناف اعلام کرد طبق قانون سازمان لیگ هم نباید رأی کمیته انضباطی درباره پرونده بازیکن گل گهر را در جدول اعمال می‌کرد و باید منتظر می‌شدند تا نتیجه جلسه کمیته استیناف هم مشخص شود. اما احمدرضا براتی عضو هیأت رئیسه فدراسیون فوتبال با تأکید بر اینکه این موضوع در مقررات فیفا نیز تصریح شده به سایت سازمان لیگ گفت: «فیفا در ماده ۴۷ و بند ۸ ماده ۵۱ و بند یک ماده ۶۱ مقررات انضباطی خود تأکید کرده که آرای صادره بلافاصله بعد از ابلاغ اجرا می‌شوند و تجدیدنظرخواهی مانع اجرای حکم نیست، مگر در مورد احکام مالی.»

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۰۹ | اذان مغرب ۱۷/۲۳ | نیمه شب شرعی ۲۳/۲۴ | اذان صبح فردا ۵/۴۵ | طلوع آفتاب فردا ۷/۱۵

سخن روز

امام جواد(ع):
بدان که از دید خداوند پنهان نیستی، پس بنگر چگونه ای...

تحف العقول/ص۴۵۵

هم آقازاده‌ام و هم شریف‌زاده

حسین دارابی: هفته گذشته بی‌بی‌سی فارسی در خبری، به دروغ مرا فرزند آقای علی دارابی معرفی کرد؛ فرزند معاون اسبق سیما در تلویزیون و یکی از معاونان وزارت گردشگری در حال حاضر. من تا به حال ایشان را از نزدیک ندیده‌ام و طبیعتاً با ایشان هیچ گونه نسبت نسبی یا سببی ندارم. اینجا دوباره و با شفافیت هر چه بیشتر، برایم واضح شد که بی‌بی‌سی بنگاهی است که بر خلاف ادعایش، کمترین اعتنایی به صداقت و درستکاری ندارد و جایی از دستش بربیاید از دروغگویی ابایی نخواهد داشت. این چندمین باری است که بنده را «آقازاده» و صاحب رانت می‌خوانند. دفعات قبل البته موضوع از طرف اشخاصی با دامنه محدود مخاطب یا در کامنتی زیر یک خبر مطرح می‌شد. اما این بار موضوع در رسانه‌ها منتشر شده و لازم است واضح بگویم که بله آقایان. البته که «آقا»زاده هستم و نه تنها «آقا» زاده‌ام که «شریف»زاده هم هستم. و «نجیب»زاده هم.

بخشی از یادداشت این کارگردان به نقل از مهر

حتی یک ساعت شکسته هم دوبار در روز درست کار می‌کند.

شکست (Fracture)/
گرگوری هابلیت

نـــگاره

کیان رادپویان

دانشمندان ارتباطی بین مصرف کافئین و کمبود ویتامین دی کشف کردند

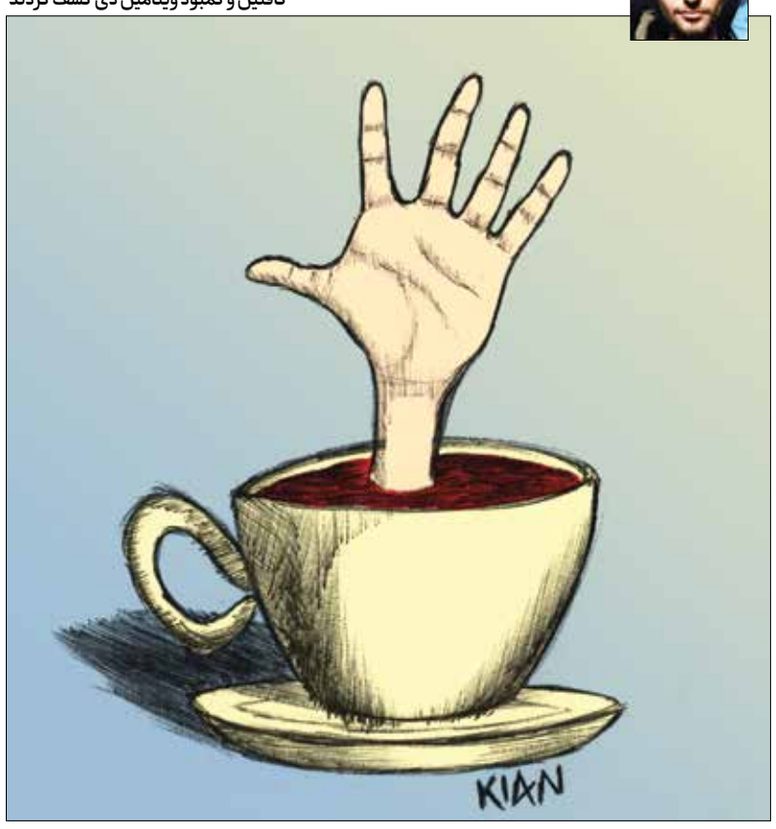

هنرمندان در فضای مجازی

فضای مجازی همزمان با آغاز سال نو میلادی، لبریز بود از آرزوها و امیدهای جمعی برای سالی بهتر از آنچه در ۲۰۲۱ شاهدش بودیم. بیشتر هنرمندان و چهره‌های سرشناس ابراز امیدواری کردند که در سال پیش رو ویروس کرونا برای همیشه سایه‌اش را از سر مردم دنیا کم کند و روزهای بهتری در انتظار همه باشد.

■ **چهره ها**

ماهایا پطروسیان بازیگر به بهانه سال نو میلادی چند خطی در اینستاگرامش نوشته و از سال بد ۲۰۲۱ گفته و امید به آینده. او نوشته: «من امسال به دلیل شرایطی که داشتم و روزهایی که گذراندم، عید ندارم، درخت هم نگذاشتم...، قطعاً این سال برای بسیاری از هموطنانم سخت‌ترین سال زندگی‌شان بود، به مناسبت سال نو میلادی سه عکس با شما به اشتراک می‌گذارم، از عکس‌های قدیمی دوست هنرمندم پیام ایرایی، از روزهایی که با وجود آنکه ایده‌آل نبودند و مشکلات هم بود، اما با این روزهایمان بسیار بسیار متفاوت بودند! برای همه شما عزیزان آرزوی روزگارانی بهتر دارم.»

امیرشهاب رضویان کارگردان و فیلمنامه‌نویس ایرانی هم به بهانه سال نو میلادی یکی از نقاشی‌هایش را در اینستاگرامش منتشر کرد و نوشت: «جشن سال نو در آمستردام. این نقاشی را در ژانویه ۱۹۹۷ دی ماه ۱۳۷۵ در آمستردام کشیدم. جشن سال نو در هوای سرد هلند.»

احسان خواجه‌امیری خواننده کشورمان با انتشار ویدیویی در اینستاگرام، تولد پدر و مادرش را تبریک گفت و برایشان نوشت: «مادر جان پدر عزیزم تولدتون مبارک. در پناه خدا سالم و خوشحال باشین انشاالله، سایه‌تون رو سرم باشه دوستتون دارم.» احسان فرزند ایرج، خواننده قدیمی موسیقی سنتی ایرانی است.

حمیدرضا شاه‌آبادی پژوهشگر تاریخ، داستان‌نویس در اینستاگرامش متنی کوتاه منتشر کرده درباره تلسکوپ جیمزوب که پیش‌تر در یکی از رمان‌هایش به گفته خودش آن را تصور کرده است. شاه‌آبادی نوشته «این روزها موضوع تلسکوپ جیمزوب که به ماشین زمان معروف شده، حسابی سر زبان‌هاست. به اعتقاد بعضی، این شاید مهم‌ترین اتفاق علمی تاریخ بشر باشد. اتفاقی که می‌تواند موجب آشنایی خیلی بیشتر و دقیق‌تر ما با تاریخ بسیار کهن بشر باشد. بد نیست بدانید من در رمان «لالایی برای دختر مرده» این تلسکوپ را تصور کرده بودم.»

بیژن بیژنی، خواننده و خوشنویس ایرانی که به تازگی نمایش «فرودگاه، پرواز ۷۰۷» را تماشا کرده، به خطی خوش متنی را در اینستاگرام منتشر کرده و نوشته: دوست عزیز و هنرمندم جناب کورش سلیمانی، با درود و مهر و آرزوی تندرستی و سلامتی برای جنابعالی امیدوارم همواره برای تعالی تئاتر سرزمینم کوشا باشید، نمایش پرواز شماره ۷۰۷ به کارگردانی حضرتعالی را به همراه همسرم و دخترم تماشا کردیم و همین‌طور بازی زیبا و صمیمی هنرمندان این نمایش را. ابتدا باید از دوست عزیز و شاعر هم‌روزگارم استاد احمدرضا احمدی که نویسنده این نمایش بود، یک جهان سپاسگزاری کنم و همین‌طور از صدای زیبای شما که گوینده رادیو در این نمایش بودید، برایم بسیار دلنشین بود. شور و شوق شما به تئاتر و کارگردانی بسیار ستودنی است. سپاس دیگری دارم برای بازی بازیگران این نمایش که همگی درخشیدند. امیدوارم شاهد کارهای درخشان شما در آینده تئاتر ایران باشم.»

■ **سینما سینما**

فرزاد مؤتمن کارگردان کشورمان در اینستاگرامش مفصل درباره سینمای پل شریدر و یکی از فیلم‌های مهمش «رستاخیز آدام» نوشته است. در بخشی از این نوشته آمده: «رستاخیز آدام یکسره راه دیگری را می‌رود و پیش از هر چیز یادآور فلینی است، با این تفاوت که لحن شوخ، کاریکاتوری و هزل گونه مثلاً «هشت و نیم» در این فیلم جای خود را به جهانی بسیار تیره و تار، عبوس و پلشت داده. نکته‌ای که اگر آن را تشخیص ندهیم، ممکن است فیلم را غیرمنصفانه گیج و مبهم ارزیابی کنیم. هر چند نزدیک شدن به فضاهای فلینی، عواقبی دارد که یقه این فیلم را هم گرفته است. چنین فیلم‌هایی در همان نگاه اول، از آثار «پدرشان» بسیار عقب می‌مانند. نقش آدام را جف گلدبلوم بازی کرده که درباره‌اش همین‌قدر بگویم اسکار بهترین بازیگر مرد سال ۲۰۰۸ که به دانیل دی لوئیس داده شد، می‌توانست با دلی قرص به او برای این فیلم تعلق بگیرد.»

ضرورت نگرش جدید به هنر

یادداشت

حمیدشانس
مجسمه‌ساز

داستان کرونا تمام نشده است. برخلاف نظر بسیاری، کرونا خودش معلول مجموعه‌ای از مشکلات جامعه بشری است. ما با محیط زیست خوب تا نکردیم و مثل یک رقیب و دشمن آن را از میدان به در کردیم. باید نگاه‌مان را به جهان عوض کنیم نگرش خود را تغییر دهیم، چرا که محیط زیست در حال از دست رفتن است و اقتصاد توان چرخاندن چرخش را بدون مصرف بی‌رویه منابع طبیعی ندارد. با این نوع شیوه اقتصادی نئولیبرال‌ها و با این شیوه نگاه به طبیعت و جنگ قدرت‌ها ما دچار بحرانی هستیم که شاید در سرتاسر طول تاریخ جهان سابقه نداشته باشد. اگر به شرایط نگاه کنیم متوجه نتیجه شرایط، سرخوردگی، بیکاری و فقر و خشم مردم می‌شویم. زمانی که به رفتار بشر در سال‌های اخیر نگاه می‌کنیم متوجه یک بحران عاطفی گسترده فراگیر می‌شویم که نتیجه‌اش می‌تواند فروپاشی روابط اجتماعی و جنگ و بی‌رحمی فزاینده باشد.

بخشی از علت این بحران عاطفی این است که در ۲۰۰ سال گذشته پا به پای رشد علوم و تکنولوژی جریان‌های متصل به عاطفه و مشخصاً هنر رشد نکرد. انسان یک بخش ذهنش رشد یافته است ابزار و امکانات و توان عمل دارد اما شیوه تصمیم‌گیری و بلوغ عاطفی‌اش خیلی وقت‌ها رشدی نارس دارد. این موجودی که یک طرف سرش سنگین و یک طرف دیگر سبک است، قابل اعتماد نیست. و هیچ راهی وجود ندارد مگر آموزش مبتنی بر عاطفه. باید نقش انسان در مشارکت شهروندی را جدی گرفت تا انسان رشد کند.. ما همان اندازه که به تربیت یک فرد متخصص فکر می‌کنیم باید به رشد قابلیت‌های فردی و احساس مسئولیت همدلی، جمع‌پذیری و تعهد هم فکر کنیم و اینها بدون هنر میسر نیست.

اتفاقی که افتاده این است که بحران کرونا بخوبی نشان داد که هنر امروز که دستاوردهای تخصصی و تکنولوژی بالایی هم دارد هنری بوده که عملاً در خدمت جریانی است که جهان را به لبه پرتگاه می‌برد. ابعاد و مضامین و شیوه برخورد و مخاطبان و خریدارانش از این هنر پدیده خرد و کوچک و غیر مسئولی ساخته است.

در نتیجه امروزه بحث این است که آیا کرونا را باید نادیده گرفت؟ منتظر حل آن بود یا به راه قبلی ادامه داد یا هنرمند، مردم و مسئولان می‌خواهند که بزرگتر و عمیق‌تر دیده شوند و در تغییر انگیزه‌های انسانی از معیارهایی مثل موفقیت، بر اساس مبارزه و ستیزه دست بردارند و شیوه‌های همزیستی و انسانی زندگی کردن را آموزش دهند. بنابراین امروزه نه تنها این نیاز مبرم است بلکه بواسطه دلایل متعددی مثل رشد تکنولوژی، میزان تولیدات انسانی علم و آگاهی و معلوم شدن معضلاتشان شرایط تغییر انگیزش انسانی هم وجود دارد. به جای جنگ و روش‌های خشن که بخواهیم راهمان را باز کنیم، ما در مقطعی از تاریخ هستیم که می‌توانیم یاد بگیریم از طریق رفتارهای همراهی و مسالمت آمیزمی‌توان به بهترین نتیجه رسید. در نتیجه جهان امروز در این مقطع قرار دارد و باید شیوه نگرشش را به مهم‌ترین انگاره‌های ذهنی برای رشد تغییر دهد.

حال سؤال اینجاست که آیا اثری از این اتفاق عظیم و بزرگ از این بحرانی که در تاریخ کم سابقه است در آثار هنری هست؟ آیا اگر ۵۰ سال دیگر آثار امروز را ببینند می‌توان گفت که این آثار برای دوران ماقبل کرونا بوده است؟ آیا کسی فکر نمی‌کند که چه چیزی عظیم‌تر از اتفاقاتی است که زندگی همه را به لرزه در می‌آورد و مفهوم زندگی، مرگ، ایمنی و موفقیت و مبارزه را به چالش می‌گیرد آیا نباید در آثار هنری متجلی شود. وقتی در نمایشگاه‌ها این اتفاق نمی‌افتد و به نظر می‌آید هنر به مجموعه‌ای از قلق، روش و ساختارهای منتزع از زندگی تبدیل و تکرار می‌شود. اساساً هنر تجسمی چقدرعقیم عمل می‌کند مسأله اصلی این نیست که گالری‌ها باز شدند یا نه. گالری‌ها مدت‌های طولانی عبارت بودند از مکانی که آدمها به آنجا بروند و تابلوها زمینه گالری شوند و مجموعه داران هم آثارشان را بخرند و تبدیل شده بودند به یک فضای بسته کوچک دربین یک گروه هنرمند و گروه کوچکی از مخاطبانشان.

امروزه باید این چالش شکل بگیرد که رفتارهای دیگری می‌توان در هنر داشت مثل رفتارهایی در هنر مشارکتی، هنر زمین، هنر بازیافت و هنرهایی که مبتنی بر فعالیت توده‌های وسیع مردم و انتقال خود خلاقیت به مردم باشد نه نتیجه و دستاوردهای خلاقیت. اینکه هنر فعال می‌شود یا نمی‌شود جوابگوی مشکلات جوامع بشری و جامعه ما نیست.

به بهانه انتشار ترجمه‌ای تازه از «زیباترین کتاب دنیا» اثر اریک امانوئل اشمیت

به امضای درد

پیاده‌رو

ارمغان بهداروند
روزنامه‌نگار

ادبیات می‌کوشد روایتی تجربه‌نشده از جهان بنویسید. روایتی که در آن انسان به اعتبار تجربه زیستی مؤلف با جهان مواجهه می‌یابد. تودیع الگوهای فرسوده و معارفه با فهم متفاوت خالق و مخلوق به همین اعتبار اتفاق می‌افتد. وجه نشاط‌آفرینی که بسامد بالای آن در برخی متون به امضای مؤلف بدل شده و به عنوان شناسه‌ای نوشتاری و معرفتی کارکرد پیدا کرده است. این معاصرت زیستی و هوشمندی در تعریف متمایز جهان، اسباب اشتهار و اعتبار «اریک امانوئل اشمیت» در میان مخاطبانش شده است. او با رونوشت‌نویسی از آدم‌های هم‌روزگار خود، مصایب معاصر را مرور می‌کند و هر تغییر و تصحیحی را مستخرج از وضعیت روحی و روانی می‌داند. آدم‌های متون اشمیت؛ متأثر از افسردگی‌ها، تنهایی‌ها، سرگردانی‌ها و تردیدهایند که تضادهای زیستی غلبه‌کننده‌ای را بر خویش تجربه می‌کنند. اشمیت؛ آگاهانه، وخیم بودن وضعیت‌های انسانی را گزارش می‌کند و با طرح عریان رنج‌ها و پرسش‌گری‌های فلسفی، اندیشیدن را نسخه شفابخش می‌داند.

سرنوشت‌سازی‌های غافلگیرکننده از مهارت‌های اوست که به کمک اعجاز نثر شاعرانه، بیشترین قرابت میان شخصیت‌ها و مخاطب را رقم می‌زند. در دنیای داستان‌های او همه نمایندگان طبقات اجتماعی حضور دارند و همین به باورپذیرتر کردن متون او ختم می‌گردد. جهان او یک‌سره جهان سیاهی‌ها نیست و همچنان که دردها و دشواری‌ها را یادآوری می‌کند؛ اشاراتی زیرکانه به روشنی و رستگاری دارد. در واقع آن لبخند رضایت در بارش اندوه، پاداش مخاطبی‌ست که قدم به قدم گریسته است و درد کشیده است.«نشر کتاب دیدآور» با تأکید بر ضرورت ترجمه حرفه‌ای آثار داستانی در سلسله دفاتری از داستان جهان و از ادبیات فرانسه، اثر «زیباترین کتاب دنیا» اریک امانوئل اشمیت را با ترجمه «پروانه عزیزی» منتشر کرده است که دربرگیرنده هشت داستان کوتاه است. ترجمه روان، ویرایش وزین و تولید حرفه‌ای اثر این کتاب قابل تحسین است. «زیباترین کتاب دنیا» اشتراکات محتوایی مشهودی با روایات مثنوی معنوی مولوی دارد که مرهون هم‌جهانی او با عرفان شرق و زمینه‌های مطالعاتی در میراث منثور و منظوم ادبیات فارسی است. با مرور بندی از همین داستان، آرزو می‌کنم مرور آثار نویسندگان جهان به جهانی‌تر شدن ادبیات ما بینجامد: در روزهای بعد اندازه‌گرفتن میزان شادی آن زن‌هایی که دل شان گرم شده بود کار سختی بود. با سرب آن مداد کوچک آنها بار دیگر قلب‌شان را، پیوندهای خود را با جهانِ قبل، پیدا کردند. راهی برای در آغوش گرفتن فرزندان‌شان. به نظر نمی‌رسید اسارت دیگر برای‌شان دشوار باشد. احساس گناه هم همین طور...

کتاب هایی که هنوز برایم جذابیت دارد

پیشنهاد

ابوالفضل جلیلی
کارگردان، فیلمنامه‌نویس و تدوینگر

شما کتاب را در اوراق چاپ شده می‌خوانید، من در متن جاری جامعه زیاد کتاب نمی‌خوانم؛ یعنی می‌خوانم اما نه به طور کلاسیک و مرسوم. شما کتاب را در اوراق چاپ شده می‌خوانید، من در متن جاری جامعه. هر دو یک معنی را جست‌وجو می‌کنیم؛ اما هر کدام به طریقی. سال‌ها پیش دو کتاب از میان کتاب‌های چاپی‌ای که شاید شما هم خوانده باشید ذهن مرا مشغول کرد. به طوری که هنوز هم برایم جذابیت دارد.

اول، کتاب «درخت پرتغالی زیبای من» نوشته ژوزه مائورو ده واسکونسلوس نویسنده دورگه سرخپوست-پرتغالی است و ترجمه قاسم صنعوی. نمی‌دانم کتاب موجود، هنوز هم همانی است که من خوانده‌ام یا به مرور دچار دستکاری شده و احتمالاً بخش‌هایی از آن حذف شده باشد. چون عکس روی جلد کتابی که من خوانده‌ام با آنچه اکنون موجود است خیلی متفاوت است.

اما اگر همانی باشد که منظور من است لحظه به لحظه‌اش تصویر ناب است و حال و کشف دنیای زیبای کودکانه کودکی که قهرمان قصه است.

و دومین کتاب، «از کوچه رندان» نوشته استاد دکتر غلامحسین زرین کوب است. این کتاب درخصوص حافظ شیرازی و رمز و رازهای اشعار و افکار و نگاه‌های متفاوت به این شاعرِ بزرگ تحریر شده است. «از کوچه رندان» کتابی بود که مرا کاملاً با حافظ آشنا کرد و مرید.

سال نو میلادی و جست‌وجوی معنویت گم شده

نکته

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

سال نو مسیحی با منشأ سالروز میلاد عیسی مسیح(ع) پیامبر بزرگ الهی آغاز شد. منشأیی که نشان از گرایش عمومی بشریت به ایمان معنوی دارد. ایمانی که در جوهره آدمی ریشه داشته وانسان را به مجاهده در راه کسب فضیلت وامی‌دارد.

صفحات تاریخ مؤید این واقعیت است که بشریت هیچ‌گاه تهی از معنویت‌خواهی نبوده و از مدار عقل و اخلاق به کلی خارج نشده است. بدین سان بشریت همواره در راه کسب معنویت تلاشی نستوه داشته و در پی فتح مقامات معنوی برآمده است. معنویت به‌طور کلی در آهنگی موزون به رشد و پرورش فضیلت‌های اخلاقی مدد رسانده و انسان را از سقوط کامل به ورطه رذایل مصونیت می‌بخشد و سرنوشت نوع بشر را به خیر و رستگاری منتهی می‌نماید.شواهد بسیاری نشان از آن دارد که انسان نمی‌تواند بدون اتکا به ایمان معنوی که ریشه در سرشت آدمی دارد به حیات خود ادامه دهد. از این‌رو به منظور کسب فضیلت و به دست آوردن قدرت سرکوب خوی سرکش به ایمان معنوی پناه برده و با ایجاد تعادل در رفتار فردی و اجتماعی خود را از محیطی یکسره آلوده به پلیدی دور می‌سازد.

معنویت رکن استمرار اجتماعات بشری است و شکل‌گیری تقویم اکثریت جمعیت زمین با خاستگاهی معنوی نشان از این نیاز بشری دارد که اساس حیات بشری به گونه‌ای شکل گرفته که کسب فضیلت و ملکات اخلاقی و معنوی در دسترس باشد.

بویژه آنکه آیین عیسی مسیح(ع) دل‌ها را به دوستی و محبت نسبت به همنوع هدایت کرده و میلاد حضرتش به عنوان یکی از پیامبران می‌تواند زمستان را به بهار رشد و شکوفایی معنوی بدل کند. جهان مسیحیت برای دستیابی به نیاز معنوی خویش، به تکاپوهای بسیاری وادار شده که در تازه‌ترین راهکار به «الهیات رهایی بخش» دست یافته است. خاستگاه اولیه این گرایش امریکای لاتین بوده و تأکید بر حضور دین در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی دارد.این گرایش مذهبی، مهمترین ریشه‌های ناکامی و بدبختی جوامع فقیر منطقه امریکای لاتین را حکومت‌های خودکامه و وابسته به ابرقدرت‌های بزرگ می‌داند و وظیفه کلیسا را حمایت از محرومان و مقابله با ظالمان برمی شمرد، تا بدین صورت همگان را به رهایی و ملکوت آسمانی رهنمون شود. این الهیات، طبق نظرات رایج مسیحی، بر مظالم دیکتاتورها سرپوش نمی‌گذارد؛ فقر را جزو مقدرات الهی ندانسته و بر ضرورت فقرزدایی و استقلال از طریق مبارزه و آموزش پافشاری می‌کند و راه رهایی همگان و رسیدن به ملکوت آسمان را «تلازم عدالت و معنویت» می‌داند. برقراری عدالت اجتماعی و تأکید بر حضور اجتماعی دین در عرصه اجتماع و سیاست مهمترین ویژگی‌های این الهیات است که نظر بسیاری از محققان را به تحقیق و پژوهش در این خصوص جلب کرده است. گرچه از سوی قدرت‌های بزرگ، از جمله امریکا تلاش‌های فراوانی در صدد تضعیف و انحراف این نهضت در حال انجام است.

جنبش معنویت‌خواه جهان مسیحیت که از آن با عنوان «الهیات رهایی بخش» نیز یاد می‌شود، رویکرد خاصی از الهیات است که قائل به مداخله در امور سیاسی در باب فقرزدایی و ظلم‌ستیزی است که در امریکای لاتین بنیان گذاشته شد. الهیات رهایی بخش تلاشی است تا به آموزه‌های کتاب مقدس در مسیحیت اولیه باز گردد. در الهیات رهایی‌بخش، اعتقاد بر این است که مهم‌ترین اعمال خدا در کتاب مقدس اعمالی است که با نجات بشر از ظلم، بردگی، تبعید و گناه سروکار دارد. بر پایه این نظر و باور، خدا ارتباط ویژه‌ای با فقرا و مستضعفان هر جامعه‌ای دارد. بنابراین الهیات رهایی‌بخش با نوعی تعهد در برابر فقرا و مبارزه برای آنان آغاز شده و الگوی اصلی خود را در حیات عیسی مسیح(ع) می‌یابد. با این عنوان که او(ع) همه مسیحیان را به ریشه کن کردن هرنوع ظلمی فراخوانده و عقیده به آمدن موعود را پشتوانه آن قرار داده است. حضرت عیسی مسیح(ع) درآخرین سخن خویش به یارانش در شام آخر فرمود: «دعا کنید تا وسوسه‌ها بر شما چیره نشوند.» و ضمن تأیید تورات بر آمدن موعود بعد از خودش بشارت داد. همان کسی که در انجیل از آن با عنوان «تسلی بخش» یاد شده است.

عکس نوشت

آیین نکوداشت ملک جهان خزاعی طراح صحنه و طراح لباس پیشکسوت سینمای ایران، عصر جمعه دهم دی ماه ۱۴۰۰ در سالن سینماتوگراف موزه سینما، با حضور هنرمندان و سینماگران برگزار شد./ ایسنا